

هو الله العلي الاعلى

يُعرف الله تعالى لِنَبِيِّهِ الْكَرِيمِ؛ الْأَيُّمَةِ الْمُهَيِّدِينَ وَأَتْبَاعَهُمُ الْمُهْتَدِينَ، وَيُبَشِّرُهُمْ:

خداوند به پیامبر اعظم ﷺ ائمه مهتدين ﷺ و پیروان مهتدين شان را معرفی نموده و بشارتشان می دهد:

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الظَّنَّ أَنْ يَعْبدُوهَا، وَأَتَابُوا إِلَى اللَّهِ، لَهُمُ الْبُشْرَى،

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ، وَأُولَئِكَ هُمُ الْأَلْبَابُ

گاهنامه

بررسی

برای آگاهی و تبادل و فکر کردن، محیط و افراد و امکانات و موانع را شناختن، و برای رسیدن به مقصد اعلی تلاش نمودن

آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهی و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و پاکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و آمریکا) بدست می آمد و بطور شفاهی در جلسات همراهان تبادل می کردید، بعد از بیروزی انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوری اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمی افزون بر رسانه های عمومی هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد، سپس با آمدن اینترنت و وسعت گستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخی از اهل مطالعه تبادل مطالعاتی انجام می شد،

تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین همچنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آگاهی از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است، و عدم محاصره خبری و تسلط جو رسانه ای توسط جریانهای خاص؛ و اطلاع هرچه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبی یا حکومتی می باشد. همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخی گزارشها خصوصا از منابع غیر خودی و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافی بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.

فرستادن گزارشی علامت تایید کلیات چه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست، و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد، فرصتی هم برای تصحیح یا بازنویسی متن آنها یا تعلیقه نویسی بر همه گزارشها و همه فقرات آن نیست، ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آگاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انگیزه کافی جهت تلاش برانمقصد اعلی است،

اگر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیگر ارسال نکنیم و مطالب آنرا برای دیگری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعیهها اذن واعیه).

کسانی که این گزارشها را بررسی می کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهی:

- 1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و پیروی و التزام به آن کنند.
- 2- توجه عمیق و با تمام وجود به درگاه و مسیر الهی بنمایند.
- 3- در بررسیها هرچه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در چهارچوب تعالیم مکتب وحی است پیروی کنند.

اگر مناسب دیدند مطلبی را در اختیار کسی بگذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده، و مطلب را بدون انتساب به کسی یا شخصی یا مرکزی یا عنوانی در اختیارش بگذارند؛

3 رمضان

1439

اخبار جبهه مقاومت



چرا جولان؟

مدتها است اسرائیل تلاش دارد ایران و سوریه و جبهه مقاومت را به یک رویارویی مستقیم بکشانند تا بتواند معادلات منطقه را بر هم بریزد.

هدف اسرائیل از تلاش برای بر هم زدن معادلات منطقه را می توان چند نکته دانست.
1 — تاثیر بر انتخابات لبنان و عراق و ایجاد ترس و واهمه میان مردم این کشورها از رای دادن به جبهه مقاومت.

2 — برهم زدن معادلات سوریه که بر اثر شکست های پیاپی تروریست ها به وجود آمده و احتمال اینکه بزودی دولت و ارتش سوریه کنترل کل این کشور را در اختیار بگیرند.

3 — برهم زدن هرگونه تفاهمی میان ایران و اروپا برای مقابله با تک روی های آقای ترامپ.

4 — کشاندن مجدد پای ایالات متحده به جنگی دیگر در منطقه.

شاید بهتر باشد تحلیل خودمان را از نکته چهارم شروع کنیم.

به قول آقای ترامپ ایالات متحده حدود هفت هزار میلیارد دلار در جنگ های خود در منطقه خاورمیانه خرج کرده و کمتر از صفر دریافت کرده.

تصمیمات جناب آقای ترامپ کاسب کار بر اساس معیار های سود و ضرر و زیان مالی بنا شده و اگر بر همان مبنا بخواهیم حساب کنیم بله ایالات متحده این خرج ها و شاید بیشتر را هم کرده اما سودی که مد نظرش بود را به دست نیآورده و امروز احساس می کند بقای نیروهایش در منطقه بی فایده می باشد.

البته باید توجه داشت که مبنای محاسبات آقای ترامپ سود و درآمد لحظه ای است در حالی که

مبنای سیاست مداران دیگر آمریکا سود دراز مدت و پشت پرده بوده. به این معنا که دولت داری مانند کاسب کاری نیست که شما مثلاً کالایی را به مبلغی بخرید و بعد توقع داشته باشید آن کالا را با سود کلان بفروشید و درآمد کسب کنید.

گرچه آقای ترامپ در حال حاضر کالایی به نام "مترسک ایرانی" ساخته و با استفاده از آن تلاش می کند کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را سر کیسه کند اما به هر حال معیار سیاست مداران بر این اساس نمی باشد.

آنهایی که در تاریخ تعمق دارند می دانند دلیل اصلی شکست آلمان در جنگ جهانی دوم این بود که ماشین جنگی این کشور به سوخت نیاز داشت و به این دلیل مجبور شد به سمت شوروی لشکر کشی کند تا بلکه بتواند به منابع نفت آن دست برد بزند و در نهایت همان لشکر کشی به شوروی منجر به شکست هیتلر شد.



منابع نفت در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا هم همه در اختیار متفقین بود و آلمانها بسیار تلاش کردند به این منابع نیز دسترسی پیدا کنند اما چنین نشد و در نهایت شکست خوردند.

ایالات متحده خود جزو تولید کنندگان بزرگ نفت جهان می باشد و نیازی به نفت خاورمیانه ندارد اما بخوبی می داند که رقبای اقتصادی آن چه در شرق آسیا و چه در اروپا به این نفت وابسته هستند و با تسلط بر نفت خاورمیانه می تواند همیشه اقتصاد رقبای خود را تهدید کند و این ماجرا بیش از هفت هزار میلیارد دلار برای اقتصاد آمریکا ارزش دارد، و به این دلیل بود که اسلاف آقای ترامپ اینهمه هزینه کردند تا بر منطقه خاورمیانه تسلط یابند.

نه برای آزادی ملت ها و نه برای دموکراسی و نه حتی برای چشم و ابروی همپیمانان عرب. نکته اصلی اینجا این است که آمریکایی ها نه فقط روی اسب غلط شرط بندی کرده اند بلکه به عواقب رفتارهای خود فکر نکردند.

البته می توان گفت خوب اسب های برنده در منطقه هم حاضر نیستند برای آمریکایی ها دوندگی کنند.

وقتی آمریکا به عراق حمله می کند و صدها هزار نفر را می کشد و زندگی میلیون ها نفر را

نابود می کند نباید توقع داشته باشند که مردم به همپیمانان آمریکا علاقه نشان دهند و بدیهی است که همپیمانان ایران قدرت را در اختیار می گیرند. همین مساله در مورد افغانستان و دیگر کشورها صدق می کند. اگر اخیانا مردم این کشورها به سمت ایران علاقه نشان می دهند به این دلیل است که ایران در مقابل آنها رفتار درست را از خود نشان داده، یا بهتر است بگوییم ایرانی ها آنها را بخوبی شناخته اند. خوب الان آمریکا با شرایطی مواجه شده که دیگر نمی تواند نیروهای خود در منطقه خاورمیانه را نگاه دارد و هر قدمی بر می دارد با شکست مواجه می شود. سیاست آقای ترامپ مبنی بر آن است که همپیمانان آمریکا خود نیرو تامین کنند و خون آنها ریخته شود اما همپیمانان آمریکا نیرویی ندارند تا بخواهند خون آنها را تقدیم کنند. در واقع اهداف همپیمانان آمریکا با هم متفاوت است و به این دلیل نمی توانند نیروهای متحدی تشکیل دهند. اسرائیل اهداف خاص خود را دارد، عربستان و امارات و قطر اهداف دیگر. به عنوان نمونه هم می توان به ائتلاف همپیمانان آمریکا در یمن اشاره کرد که از هم پاشیده و امروزه حتی اعضای اصلی این ائتلاف یعنی عربستان سعودی و امارات عربی متحده بر سر به قول عرب ها "غنائم" با هم درگیر هستند. حال اسرائیل بخوبی می داند اگر نیروهای آمریکایی بخواهند از منطقه خارج شوند و نیروهای عربی جانشین آنها شوند اینها به لقمه چپ جبهه مقاومت تبدیل می شوند و چند صباحی بیشتر در مقابل ارتش سوریه و همپیمانانش دوام نخواهند آورد. هدف حکومت اسرائیل این است که یک جنگ راه بیاندازد و آمریکا را وادار کند درگیر این جنگ شود و خون سربازان آمریکایی برای حمایت از ماجراجویی های اسرائیل ریخته شود. متاسفانه آقای ترامپ هم امروزه ارتش آمریکا را به نوعی به یک ارتش استیجاری تبدیل کرده و به همه پیشنهاد می دهد هزینه های آن را بدهد تا برای اهداف آنها خون بریزد.



در مقابل ارتش سوریه و همپیمانانش به هیچ وجه در حال حاضر به دنبال باز کردن یک جبهه جدید نیستند و هدف اصلی آنها یکسره کردن کار گروه های تروریستی در سوریه می باشد. این به این معنا نیست که اینان توان جنگ با اسرائیل را ندارد اما برای خود اولویت هایی را نیز

دارد.

اسرائیل هم ایران را بهانه کرده تا حمله های خود به سوریه را توجیه کند.

پس از حمله به پایگاه T4 اسرائیل منتظر واکنش ایران و همپیمانانش بود و یک جنگ رسانه ای در جهان برای مظلوم نمایی راه انداخت که ببینید اینها می خواهند شش ملیون یهودی را نابود کنند و به دادمان برسید که موشک های آنها به سمت اسرائیل هدفگیری شده.

گو اینکه همه سران کشورهای غربی بخوبی می دانند که اسرائیل انگشت در لانه زنبور کرده اما آنها به جای اینکه طبق قوانین بین المللی اسرائیل را به خاطر حمله به یک کشور مستقل محکوم کنند اسرائیل را در رفتار خود محق دانستند.

همین رفتار نشان می دهد که چه قدر جامعه جهانی کثیف است.

به هر حال بنا بر این نبود تا حمله به پایگاه T4 بی جواب بماند اما خوب ایران و سوریه و جبهه مقاومت اولویت های دیگری را داشتند که مهم ترین آنها گذر از انتخابات لبنان و اعلام تصمیم ترامپ در مورد برجام بود و نمی خواستند درگیری با اسرائیل این دو مساله را تحت شعاع قرار دهد.

در ضمن بنا بر این نبود که بازی طبق خواسته اسرائیل پیش برود بلکه تاریخ و مکان و چگونگی پاسخ را باید جبهه مقاومت تعیین می کرد.

به همین دلیل هم ایران و سوریه و جبهه مقاومت دندان روی جگر گذاشتند زمان مناسب برای پاسخ برسد.

پس از پیروزی حامیان جبهه مقاومت در انتخابات لبنان و اعلام نظر آقای ترامپ در مورد خروج ایالات متحده از برجام وقت پاسخ رسیده بود.

در اولین فرصت پاسخ سنگینی به نیروهای اسرائیلی در بلندی های جولان داده شد و چندین پایگاه که برای رصد و عملیات بر علیه سوریه استفاده می شد نابود شد.

طبق مقررات بین المللی جولان هنوز جزو خاک سوریه می باشد و این منطقه تحت اشغال اسرائیل است و به این دلیل عملیات در این منطقه برای دولت سوریه و همپیمانانش مشروع به حساب می آید.

علیرغم اینکه مقامات اسرائیلی کلی ادعا داشتند که چنین می کنند و چنان اما ملاحظه شد که در لحظه آخر عقب نشستند و از کانال های دیپلماتیک اظهار داشتند که تمایل به جنگ مستقیم ندارند و تقاضای آتش بس کردند.

در واقع دلیل اصلی این بود که دیدند آمریکایی ها و اروپایی ها در حال حاضر در شرایطی نیستند که بخواهند به کمک آنها بشتابند و اگر با جبهه مقاومت درگیر شوند شکست بزرگی را متحمل خواهند شد.

همچنین درگیری با نیروهای همپیمان ایران در سوریه می تواند منجر به آن شود که همه آقای ترامپ را ملامت کنند که به دلیل تصمیم به خروج از برجام منطقه را به آتش کشیده.

گو اینکه جبهه مقاومت هنوز تصمیمی برای باز کردن یک جبهه جنگ جدید ندارد اما حمله به مواضع اسرائیل نشان داد که بر عکس تصور ها هیچ واهمه ای از این جنگ وجود ندارد و حال که ماجرای انتخابات در لبنان تمام شده و ماجرای برجام هم به اینجا رسیده دیگر هیچ بهانه سیاسی ای وجود ندارد تا جبهه مقاومت نخواهد با اسرائیل درگیر شود.

اگر به شرایط سوریه نگاه کنیم می بینیم که این کشور سالهاست درگیر یک جنگ تمام عیار

خانمان سوز است و اسرائیل حد اقل هفته ای یکی دو بار شهرهای مختلف آن را بمباران می کند، پس رویارویی با اسرائیل تفاوتی در شرایط مردم سوریه نخواهد داشت اما اگر این رویارویی شروع شود همه شهرهای سرزمین های اشغالی می تواند هدف قرار گیرد و برای اسرائیل خیلی فرق خواهد داشت.

اینکه اسرائیلی ها تصور کنند که می خواهند از رودخانه رد شوند ولی پایشان خیس نشود تصویری کاملاً اشتباه است.

باید توجه داشته باشند جریان رودخانه می تواند آنها را با خود ببرد.

حمله به مواضع اسرائیل در جولان اشغالی نشان داد که معادلات دیگر تغییر کرده و دوران بزن و دررویی پایان یافته و از این پس اگر اسرائیل بخواهد یک سیلی بزند مشقت دریافت خواهد کرد، چرا که اینبار ماجرا با موشک پرانی شروع شد اما بار دیگر ممکن است ماجرا به درگیری رو در رو نیز کشیده شود و هر چه قدر هم که نیروهای اسرائیلی زبده باشند هنوز تجربه جنگی نیروهای مقاومت را ندارند و قطعاً رهبران اسرائیل توان جمع کردن تلفات را نخواهند داشت.

وزیر دفاع اسرائیل: تقریباً تمام مواضع ایران در سوریه را هدف قرار دادیم

آویگدور لیبرمن، وزیر دفاع اسرائیل گفته که ارتش این کشور شب گذشته "تقریباً تمام تأسیسات ایران در سوریه" را هدف قرار داده است.

از نیمه شب گذشته گزارش های مختلفی درباره تبادل آتش میان سوریه و اسرائیل منتشر شده است.

وزیر دفاع اسرائیل ابراز امیدواری کرده که این تبادل آتش و درگیری میان نیروهای اسرائیل و ایران پایان یابد.

اسرائیل سپاه قدس ایران و فرمانده آن قاسم سلیمانی را متهم کرده که ۲۰ موشک به سوی مواضع اسرائیل در اراضی اشغالی جولان شلیک کرده است. به دنبال این ادعا، ارتش اسرائیل گفت که به پایگاه های ایران در خاک سوریه حمله کرده و به سوریه هشدار داده که در مقابل اقدامی انجام ندهد.

سوریه گفته حملات موشکی کار ارتش این کشور بوده و به تلافی حملات اسرائیل انجام شده است. منابع خبری سوریه تأیید کرده اند که یک انبار تسلیحاتی، سیستم رادار و گردان های نظامی هدف قرار گرفته است.

خبرگزاری سانا متعلق به دولت سوریه تصاویری از شلیک پدافند دفاع هوایی این کشور به سوی موشک های اسرائیل منتشر کرده و گفته مانع از اصابت "اکثر آنها" به اهدافشان شده است.

روزنامه هاآرتص به نقل از منابع ارتش اسرائیل مدعی شده این "سنگین ترین حمله نظامی" چند سال اخیر به خاک کشور همسایه بوده، اما هنوز مشخص نیست که این حملات چه خساراتی به

بار آورده است.

اسرائیل مدعی شده که علاوه بر انبار مهمات و پایگاه اطلاعات جنگی ایران، محل پرتاب موشک‌ها به جولان را هم شناسایی کرده و هدف قرار داده است.

تهدید اسرائیل به 'حذف اسد' در صورت حمله ایران از خاک سوریه
هشدار مقام‌های ایرانی به اسرائیل در پی حملات سوریه
ابهام درباره کشته شدن نیروهای ایرانی در حملات موشکی به پایگاه‌های سوریه
پنج سال حملات پیدا و پنهان اسرائیل در سوریه
یک سخنگوی وزارت دفاع اسرائیل در بیانیه‌ای گفت که حملات به بلندی‌های اشغالی جولان در ساعت ۲۱:۱۰ چهارشنبه شب انجام شد و چند شی پرتابی در آسمان منهدم شده است.

این سخنگو گفت حمله جراحات یا خسارات عمده‌ای به وجود نیاورده اما ارتش اسرائیل آن را "حمله شدید ایران" تلقی می‌کند و برای سناریوهای مختلف آماده می‌شود.

ساعاتی بعد افیخای ادرعی سخنگوی ارتش اسرائیل در توییتی نوشت که اسرائیل در حال زدن اهداف ایرانی در خاک سوریه است و هشدار داد که دخالت سوریه عواقب بدی خواهد داشت.

اسکای نیوز هم خبر داد که اسرائیل با موشک به دو فرودگاه نظامی خلخله و بلی در سوریه حمله کرده است. همچنین گزارش شده که اسرائیل پایگاه لشکر چهار ارتش سوریه و منطقه جمرایا را هدف قرار داده.

منابع نزدیک به مخالفان از انفجارهای مهیب در نزدیکی کسوه و جمرایا در ریف واقع در حومه دمشق خبر می‌دهند.

پیشتر از سوریه گزارش شد موشک‌هایی به مواضع سوری‌ها در روستای حضر در استان قنیطره اصابت کرده است.

تلویزیون سوریه و المیادین گزارش داده‌اند که ارتش سوریه در جواب حملات امشب اسرائیل به آن پاسخ داده است.

تلویزیون سوریه ادعا کرد چهار موضع اسرائیلی‌ها هدف قرار گرفته. تلویزیون سوریه همچنین با پخش تصاویری می‌گوید که یک موشک اسرائیل را ساقط کرده است.

سکوت ایران، واکنش بین‌المللی
مقام‌های نظامی و سیاسی ایران تا کنون درباره تحولات دیشب در سوریه اظهار نظری نکرده‌اند.

روسیه از بالا گرفتن تنش میان ایران و اسرائیل ابراز نگرانی کرده و از هر دو طرف خواسته که جزییات مربوط به حملات موشکی دیشب در سوریه را ارائه دهند. میخائیل بوگدانف، معاون

وزیر امور خارجه روسیه اتفاقات دیشب در بلندی‌های اشغالی جولان را "بسیار نگران کننده" خوانده و گفته تنش‌ها باید کاهش پیدا کند. آقای بوگدانوف گفته است که روسیه با تمام طرف‌ها در تماس است.

امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه هم خواهان تنش‌زدایی در منطقه خاور میانه شده است. دفتر آقای مکرون در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که او به صورت مرتب در جریان وقایع قرار می‌گیرد و قرار است امروز پنج‌شنبه در دیدار با آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان درباره تحولات خاور میانه صحبت کند.

افزایش تنش

در چند ماه اخیر تنش میان ایران و اسرائیل در سوریه بالا گرفته است. با حضور گسترده تر نظامی ایران در سوریه، اسرائیل می‌گوید حضور ایران را در پشت مرزهایش خطری جدی تلقی می‌کند.

در چندین هفته اخیر چند مرکز نظامی در سوریه هدف گرفته شده که به اسرائیل نسبت داده می‌شود.

یک روز پیشتر رسانه های دولتی سوریه از حمله اسرائیل به نقطه ای در نزدیکی دمشق پایتخت این کشور خبر دادند و گفتند سامانه دفاع هوایی سوریه دو موشک اسرائیلی را منهدم کرده است.

خبرگزاری رسمی سانا گفت که حمله سه شنبه شب در منطقه روستایی کسوه درست در جنوب دمشق انجام شد.

یک گروه ناظر بر تحولات سوریه گفت که موشک های اسرائیلی به یک انبار تسلیحاتی ایرانی برخورد کرد و ۱۵ نیروی وابسته به دولت را کشت. مخالفان از کشته شدن شماری ایرانی در این حمله خبر داده اند که ایران آن را تایید نکرده است.

اسرائیل هم خبر حمله سه شنبه را تایید نکرده اما ارتش این کشور پیشتر گفت "فعالیت غیرعادی ایران" را در سوریه ردیابی کرده است و به ساکنان بلندی های اشغالی جولان دستور داد آماده رفتن به پناهگاه ها باشند.

مقامات ایرانی قبلا هشدار داده‌اند که ایران حملات اخیر به تاسیسات نظامی اش در سوریه را تلافی خواهد کرد.

اسرائیل مسئول حداقل دو حمله جدی در ماه آوریل شناخته می‌شود که باعث مرگ شماری از نیروهای ایرانی شد.

اسرائیل همچنین مسئول حملات متعدد هوایی به محموله های تسلیحاتی که برای حزب الله لبنان ارسال شده بود شناخته می‌شود.

کدام مواضع ایران در سوریه توسط اسرائیل بمباران شد؟

پنجشنبه 24 شعبان 1439 هـ - 10 مه 2018 م

سخنگوی ارتش اسرائیل شامگاه روز پنجشنبه 10 ماه مه 2018 اعلام کرد، ارتش این کشور دهها پایگاه نظامی ایران را در سوریه بمباران کرد. به گفته ارتش اسرائیل، این بمبارانها که شامگاه چهارشنبه انجام گرفت، در پاسخ به حملات راکتی سپاه قدس به خاک اسرائیل در جولان صورت گرفت. سرهنگ جاناتان کانریکوس به خبرنگاران گفت: «این عملیات، یکی از مهمترین عملیات ارتش اسرائیل در سالهای اخیر علیه پایگاههای ایران است». وی افزود: «در حملات شب گذشته سکوهای پرتاب موشک، مراکز اطلاعات، پایگاههای تدارکات لجستیکی، تاسیسات و زاغههای مهمات به طور کلی منهدم شد». سرهنگ اسرائیلی گفت: «ما به دنبال افزایش تنش نظامی نیستیم». طبق تصاویری که ارتش اسرائیل منتشر کرد، حملات هوایی اسرائیل به پایگاههای متعلق به سپاه قدس شاخه برون مرزی سپاه پاسداران ایران در سوریه را هدف قرار داد. مواضع بمباران شده عبارت است از:.

1- سایت‌های اطلاعاتی ایران که اخیراً توسط نیروی سپاه قدس فعال شده است

2- دفاتر فرماندهی تدارکات متعلق به سپاه قدس

3- یک مرکز نظامی لجستیکی متعلق به سپاه قدس در الکسوه واقع در حومه جنوبی دمشق گفتنی است که این مرکز نظامی و یک کارخانه تسلیحاتی دو روز پیش نیز بمباران شده بود.

4- یک پادگان متعلق به سپاه قدس در شمال دمشق

5- چندین زاغه مهمات متعلق به سپاه قدس در فرودگاه بین‌المللی دمشق

6- تاسیسات اطلاعاتی متعلق به سپاه قدس

7- سایت‌های شناسایی نظامی و ابزار آلات جنگی در منطقه قنطره نزدیک به بلندی‌های جولان

ارتش اسرائیل گفته است بمبارانها به‌رغم آتش سنگین پدافند سوریه، همه با موفقیت کامل انجام گرفت. ارتش اسرائیل به سوریه هشدار داده بود که در صورت مداخله در عملیات نظامی‌اش، پدافند ارتش سوریه را هدف قرار خواهد داد.

به گفته ارتش اسرائیل تعدادی از سکوهای پدافند سوریه نیز در این عملیات هدف قرار گرفت. پدافند هوایی سوری که بمباران شد، عبارتند از: «SA5 SA2. SA 22. SA 17».

سخنگوی ارتش اسرائیل اظهار داشت که تمام جنگنده‌های این کشور پس از انجام عملیات سالم به پایگاه‌های خود بازگشتند.

اسرائیل هشدار داد که به عملیات خود علیه حضور ایران در اسرائیل ادامه خواهد داد.

سخنگوی ارتش اسرائیل همچنین گفت، نیروهای این کشور از آمادگی کامل برای انجام هر گونه عملیات برخوردارند تا از امنیت شهروندان اسرائیل حمایت کنند.

ارتش اسرائیل رژیم سوریه را مسئول این رویدادها دانست.

اعتراف رژیم اسد به حملات هوایی ارتش اسرائیل

خبرگزاری رسمی سوریه «سانا» به نقل از ارتش سوریه اعلام کرد، شامگاه چهارشنبه پدافند این کشور

چندین موشک اسرائیلی را سرنگون کرده است. این خبرگزاری افزود، برخی موشک‌های اسرائیلی زاغه‌های مهمات و سکوی رادار این کشور را هدف قرار داد. خبرگزاری سوریه همچنین اعلام کرد، برخی از موشک‌های اسرائیلی را بر فراز آسمان حمص سرنگون شد.

این در حالی است که برخی از فعالان سوری می‌گویند حملات هوایی اسرائیل هنگ 116 و پایگاه نیروی هوایی 122 در طبریا را نیز هدف قرار داد.

به گفته فعالان سوری فرودگاه‌های المزه، الشعیرات، الکسوه، الزبلطانی، جمرایا، گردان 4 جباب تابع لشکر 60 منطقه غربی و گردان 10 متعلق به سپاه پاسداران شاخه قدس را به شدت بمباران کرد. هادی البهرا یکی از شخصیت‌های برجسته اپوزیسیون سوریه در توییتر، فهرستی از مناطق بمبارن شده را منتشر کرده است.

Hadi Albahra

hadialbahra@✓

المواقع التي استهدفت

مطار المزة

مطار الشعيرات

مطار خلخلة

الكسوة

الزبلطاني (برج التجارة)

جمرايا (البحوث)

الفرقة الرابعة

فوج جباب

ازرع

اللواء 60 الريف الغربي

الفرقة ال10

مواقع إيرانية شمال غرب السويداء (الكوخ)

التل الكبير غرب بلدة محجة

مدينة البعث

خان ارنبة

تل مانع

القصير ريف حمص

از فرمانده سپاه تا انبار حزب الله؛ گاهشمار حملات اسرائیل در سوریه

کمی پیش از آنکه سرکوب خونبار اعتراضات و روی آوردن مخالفان به اسلحه، سوریه را به جنگ داخلی بکشاند، محافل دیپلماتیک از احتمال آغاز مذاکرات صلح میان اسرائیل و سوریه می‌گفتند.

البته تمایل بنیامین نتانیا هو به برگزاری مذاکرات بدون قید و شرط بود، در حالی که دولت بشار اسد می‌خواست ابتدا بلندی‌های جولان به سوریه بازگردانده شود.

بلندی‌های جولان از زمان شکل‌گیری اسرائیل بارها صحنه درگیری‌هایی بوده است و با وجود قطعنامه سازمان ملل، اسرائیل حاضر به عقب‌نشینی از مناطق اشغال شده آن نیست.

بارها میان اسرائیل و سوریه مذاکراتی بر سر این اراضی انجام شده که آخرین آنها به میانجیگری ترکیه بود، ولی به نتیجه نرسید.

ابراز تمایل دولت‌های اسرائیل و سوریه در سال ۲۰۰۹ هم صلحی به بار نیاورد و با تبدیل شدن ناآرامی‌های سوریه به یک جنگ تمام عیار بارها گزارش‌هایی از حملات اسرائیل به اهدافی در خاک سوریه منتشر شده است.

ادامه اشغال بلندی‌های جولان عامل ادامه خصومت بین سوریه و اسرائیل بوده است در مورد حملات اسرائیل در سوریه اطلاعات قطعی کمی وجود دارد. از طرفی اسرائیل در بسیاری از موارد رسماً عملیات این چنینی خود را رد یا تایید نمی‌کند و از طرف دیگر هم سوریه و متحدانش هم اطلاعات چندانی درباره میزان خسارت‌ها و تلفات حملات اسرائیل منتشر نمی‌کنند.

مروری بر حملاتی که اسرائیل در این سال‌ها در سوریه انجام داده نشان می‌دهد هدف مستقیم اسرائیل، همچنان که بارها درباره‌اش ابراز نگرانی کرده، قدرت گرفتن حزب‌الله لبنان و ایران در سوریه است.

چنان که سوابق حملات نشان می‌دهد در سال گذشته میلادی و با عقب رانده شدن مخالفان مسلح بشار اسد و اسلام‌گرایان افراطی چون داعش، حملات اسرائیل در سوریه تشدید شده است.

اسرائیل حملاتی را نیز به تلافی پرتاب خمپاره یا اقدامات پدافند هوایی سوریه انجام داده است.

۲۰۱۸

اسرائیل اعلام کرد در شب ۹ مه یک "حمله گسترده" به اهداف ایرانی انجام داده است. بنا به اعلام اسرائیل این حمله واکنش به حملاتی راکتی به مواضع نظامی اسرائیل در بلندی‌های جولان بود. اسرائیل سپاه پاسداران را متهم به انجام این حملات کرد، اما ارتش سوریه گفته است که به حملات اسرائیل پاسخ داده. رسانه‌های ایرانی گزارش کردند این درگیری میان سوریه و اسرائیل رخ داده است. این تبادل آتش یک روز پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای انجام شد.

دولت سوریه در ۸ مه از حمله اسرائیل به منطقه‌ای در جنوب دمشق خبر داد. منابع سوری وابسته به مخالفان بشار اسد از احتمال کشته و زخمی شدن نیروهای سپاه پاسداران خبر دادند.

اسرائیل در این باره سکوت کرد و منابع رسمی سوری گفتند این حمله تنها به تاسیسات سوری خسارت‌هایی زده است.

در ۲۳ آوریل اسرائیل اعلام کرد خمپاره‌ای از سوریه به نزدیکی بلندی‌های جولان شلیک شد، که ارتش اسرائیل گفت به تلافی آن به یک واحد توپخانه سوریه حمله کرد.

در ۹ آوریل حمله‌ای موشکی به پایگاه تی-۴ در شمال شرق دمشق انجام شد، که ایران از کشته شدن چهار نیروی خود در آن خبر داد. ایران و سوریه اسرائیل را مسئول این حملات دانستند. روسیه نیز اسرائیل را عامل حمله دانست. آمریکا نقش داشتن در این حمله را رد کرد.

ایران اسرائیل را مسئول کشته شدن چهار نیروی خود در پایگاه تی-۴ می‌داند اسرائیل در ۱۰ فوریه برای اولین بار اعلام کرد که به اهدافی ایرانی در سوریه حمله کرده است. در این روز پدافند هوایی سوریه دست کم یک جنگنده اف-۱۶ اسرائیلی را سرنگون کرد. اسرائیل اعلام کرد پهپادی ایرانی را در آسمانش سرنگون کرده، اما ایران این ادعا را رد کرد.

پیشتر در ۷ فوریه هم منابع سوری از حمله هواپیماهای اسرائیلی به اهدافی در حومه دمشق خبر دادند.

در ۹ ژانویه نیز ارتش سوریه اعلام کرد که هواپیماهای اسرائیلی به مواضعی نظامی در قطیفه و طبراً حمله کردند.

جنگنده اسرائیلی که در شمال اسرائیل سقوط کرد

۲۰۱۷

در ۲ دسامبر هم ارتش سوریه گفت توانسته است دو موشک اسرائیلی را که به سمت یک هدف نظامی دولتی در دمشق شلیک شده بودند، رهگیری و خنثی کند.

در ۱۶ اکتبر اسرائیل اعلام کرد که به تلافی آتشباری پدافند هوایی سوریه به هواپیماهای شناسایی اسرائیل، واحدهای ضد هوایی سوریه را هدف گرفته است.

در ۲۲ سپتامبر هم سوریه اسرائیل را متهم کرد که به اهدافی در اطراف فرودگاه بین‌المللی دمشق حمله کرده است.

این حملات به انفجار و آتش‌سوزی بزرگی منجر شد. گروه ناظر حقوق بشر سوریه اعلام کرد هدف حمله انبار مهمات حزب الله لبنان بوده است.

در ۷ سپتامبر ارتش سوریه اعلام کرد هواپیماهای اسرائیلی با شلیک چند موشک به پایگاه نظامی در نزدیکی مصیاف دو نفر از نیروهای این پایگاه را کشته و خساراتی وارد کرده‌اند.

در ۲۴ ژوئن ارتش اسرائیل اعلام کرد که به دنبال شلیک خمپاره‌هایی از خاک سوریه، دو تانک ارتش سوریه را در حمله‌ای نابود کرده است.

نیروهای ارتش سوریه هدف ائتلاف آمریکا نیز قرار گرفته‌اند

در ۲۳ آوریل اسرائیل متهم شد که در حمله به قنطره سه نفر از نیروهای حامی بشار اسد را کشته است.

در ۱۷ مارس اسرائیل با انتشار اطلاعاتی اعلام کرد که به اهدافی در سوریه حمله کرده است.

در ۱۳ ژانویه سوریه اسرائیل را متهم کرد که با حمله موشکی پایگاه هوایی المزه در غرب دمشق را هدف گرفته است.

۲۰۱۶

در ماه دسامبر اسرائیل به اهدافی در نزدیکی المزه حمله موشکی کرد.

در ۳۰ نوامبر سوریه اعلام کرد اسرائیل به اهدافی در نزدیک دمشق حمله کرده است.

در ۱۳ سپتامبر اسرائیل به اهدافی در منطقه قنیطره حمله کردند. اعلام شد این حمله واکنشی به شلیک توپخانه به بلندی‌های جولان تحت کنترل اسرائیل بود. سوریه اعلام کرد در پدافند هوایی یک پهپاد اسرائیلی را سرنگون کرده است.

۲۰۱۵

در ۲۰ دسامبر سمیر قنطار، شبه نظامی مشهوری که حدود ۳۰ سال در اسرائیل زندانی بود، در حمله‌ای در نزدیکی دمشق کشته شد. حزب الله این اسرائیل را عامل این حمله دانست. در ۲۷ سپتامبر ارتش اسرائیل اعلام کرد که به دنبال شلیک راکت‌هایی از سوریه دو مقر ارتش سوریه را هدف گرفته است.

در ۱۸ ژانویه حمله اسرائیل به بلندی‌های جولان به کشته شدن شش عضو حزب الله لبنان و یک فرمانده سپاه پاسداران ایران منجر شد. به جز سرتیپ محمدعلی الله دادی، مرگ جهاد مغنیه نیز مهم تلقی شد، چرا که او پسر عماد مغنیه، از فرماندهان ارشد حزب الله لبنان بود. حزب الله لبنان به تلافی این حمله اسرائیل دو سرباز اسرائیلی را در حمله به گشتی‌های اسرائیل در نزدیکی مرز لبنان کشت.

جهاد مغنیه، فرزند یکی از فرماندهان سابق حزب الله در کنار قاسم سلیمانی در ماه‌های ژوئیه و اوت نیروهای اسرائیلی به اهدافی نظامی، از جمله به یک گروه فلسطینی حامی بشار اسد حمله کردند. یک سرباز ارتش سوریه در این حملات کشته شد.

۲۰۱۴

در ۷ دسامبر نیز سوریه اسرائیل را متهم کرد که با استفاده از جنگنده‌هایش اهدافی را در حومه دمشق زده است.

در ۲۳ سپتامبر ارتش اسرائیل اعلام کرد یک جنگنده سوری را که به حریم هوایی اسرائیل وارد شده بود سرنگون کرده است.

در ۲۳ ژوئن اسرائیل به مواضع ارتش سوریه حمله هوایی کرد و ۹ هدف نظامی را زد. اسرائیل اعلام کرد این حمله به دنبال کشته شدن یک نوجوان ۱۵ ساله اسرائیلی در آتشباری از خاک سوریه بوده است.

۲۰۱۳

در ۲ و ۳ مه اسرائیل به یک مرکز تحقیقات نظامی و همچنین انبار مهماتی در نزدیک دمشق حمله کرد. اسرائیل اعلام کرد هدف حمله محموله موشکی بود که قرار بود به حزب الله لبنان

داده شود.

بعد از سفر نتنیاهاو به روسیه؛ مسکو: سامانه موشکی اس-300 به سوریه نمی‌دهیم

یکی از مقامات بلندپایه روسیه روز جمعه در مصاحبه‌ای گفت، مسکو با دولت سوریه برای تحویل سامانه ضد موشکی S-300، با دمشق مذاکره نخواهد کرد. به گزارش روزنامه روسی «ازویستیا» روسیه معتقد است که در حال حاضر در اختیار داشتن چنین سامانه‌ای برای ارتش اسد چندان ضروری نیست. طبق این گزارش ولادیمیر کوجین، معاون ولادیمیر پوتین، که مسئول نظارت بر کمک‌های نظامی روسیه به کشورهای دیگر است در مصاحبه با این روزنامه گفت، مسکو معتقد است در حال حاضر سوریه به این سامانه نیاز ندارد. اظهارات این مقام بلندپایه روس پس از سفر بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر اسرائیل به مسکو و ملاقات‌اش با پوتین ایراد شد. نتانیاهاو گفته بود تا زمانی که شبه‌نظامیان غیرقابل کنترل هوادار ایران در سوریه حضور دارند، اسرائیل نخواهد گذاشت که روسیه سامانه «اس 300» به سوریه بدهد. اسرائیل همچنین بارها تهدید کرد، این موشک‌ها اگر به سوریه داده شوند، اسرائیل قبل از نصب سکوها آنها را بمباران خواهد کرد. روسیه ماه گذشته در پی حمله آمریکا و متحدانش به اسد، اعلام کرد که قصد دارد سامانه ضد موشکی «اس 300» به سوریه تحویل دهد. اما مصاحبه جدید ولادیمیر کوجین، نشان می‌دهد که روسیه از تصمیم خود در این زمینه منصرف شده است. کوجین به این روزنامه گفت که در حال حاضر بحث بر سر دادن این سامانه به سوریه نیست، موضوعات مهم‌تر دیگری وجود دارد. وی افزود: «همه نیازهای نظامی ارتش سوریه تامین شده است».

البناء:

درخواست نتانیاهاو از پوتین: از ایران تعهد بگیرید که به حمله به T4 پاسخ نمی‌دهد / پاسخ پوتین: از جغرافیای سوریه عقب‌نشینی کنید

این اولین بار نیست که نتانیاهاو راهی مسکو شده است تا دیداری با پوتین داشته باشد. اما این بار این سفر در فضایی انجام شده است که منطقه و جهان بدنبال تصمیم ترامپ برای خروج از برجام، در شرایط بسیار متشنجی قرار دارد؛ تصمیمی که اسرائیل ادعا می‌کند نقش مستقیمی در آن داشته و پوتین آن را فاجعه‌ای می‌داند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):



البناء چاپ لبنان در مطلبی به قلم ناصر قندیل نوشت: این اولین بار نیست که نتانیاهاو راهی مسکو شده است تا دیداری با پوتین داشته باشد. اما این بار این سفر در فضایی انجام شده است که منطقه و جهان بدنبال تصمیم ترامپ برای خروج از برجام، در شرایط بسیار متشنجی قرار دارد؛ تصمیمی که اسرائیل ادعا می کند نقش مستقیمی در آن داشته و پوتین ان را فاجعه ای می داند.

به گزارش «انتخاب»، این رسانه عرب زبان ادامه داد: این بار نتانیاهاو برای فهم موضع روسیه در مورد حملات اخیر اسرائیل به پایگاههای سوریه وارد مسکو شده و با مخالفت رئیس جمهور روسیه با تصمیم ترامپ در مورد توافق هسته ای با ایران رو به رو شد، که آن را بازی با آتش دانسته و به دنبال تلاش برای آرام کردن اوضاع است؛ چرا که در صورت اوج گرفتن مقابله ها، روسیه در تحمل نتایج آن، شریک نخواهد شد.

برخی پایگاههای خبری اسرائیل در این باره نوشته اند: نتانیاهاو در این سفر تلاش کرد پوتین را واسطه کند تا به تعهدی از جانب ایران دست یابد مبنی بر اینکه به حمله به تیفور پاسخ نمی دهد. اما نخست وزیر اسرائیل در این باره پاسخ مثبتی ننشیده است و پوتین نصیحتهای پیشین خود در مورد خروج از بازی با آتش در سوریه را خطاب به نتانیاهاو تکرار کرده و از او خواست از جغرافیای سوریه به نفع دولت این کشور عقب نشینی کند.

طی روزهای آینده اسرائیل به حالت آماده باش خود ادامه می دهد و از پاسخ ایران نگران است، چه بسا به هدف قرار دادن پایگاههای نظامی در سوریه نیز ادامه دهد و ایران همچنان آرامش خود را حفظ کند.

پیش از این، اسرائیلی ها می گفتند ایران تهدیداتش را عملی نمی کند، بویژه تا زمان تعیین سرنوشت برجام. اما اکنون نگرانی شدیدی در بین اسرائیلی ها سایه افکنده است و پاسخ ایرانی را قطعی می دانند، اما هیچ تکیه گاهی ندارد جز اعلام همبستگی آمریکا! حال انتخاب با نخست وزیر اسرائیل است که وارد جنگی نا امید کننده شود یا ضربه ای دردناک را تحمل کند.

رای الیوم تحلیل کرد:

بی طرفی روسیه در بحران سوریه تا کجا ادامه دارد؟ / صید نتانیاهاو از سفر به مسکو / پیام ایران به طرف روسی

تحلیل هایی که دو روز پیش از سفر نتانیاهاو به روسیه مطرح می شد، حکایت از آن داشت که نخست وزیر اسرائیل در اثرگذاری بر پوتین ناتوان است و نمی تواند معادله ای را طراحی کند که در ضمن آن روسیه از سوریه و ایران دست کشیده و به نتانیاهاو چراغ سبزی برای ادامه حمله به پایگاههای سوریه بدهد.

رای الیوم در مطلبی به قلم خالد الجیوسی نوشت: تحلیل هایی که دو روز پیش از سفر نتانیاهو به روسیه مطرح می شد، حکایت از آن داشت که نخست وزیر اسرائیل در اثرگذاری بر پوتین ناتوان است و نمی تواند معادله ای را طراحی کند که در ضمن آن روسیه از سوریه و ایران دست کشیده و به نتانیاهو چراغ سبزی برای ادامه حمله به پایگاههای سوریه بدهد. این تحلیل ها همچنین نشان دهنده آن بود که فرماندهی روسیه قصد واگذاری اس 300 به سوریه را دارد و ظاهرا نتانیاهو موفق شده است پوتین را در مورد عدم واگذاری این موشکها قانع کند.

به گزارش «انتخاب»، صحبت های مسئولان روسیه در روز جمعه نشان می دهد که قطعاً نتانیاهو خواسته خود از این سفر را محقق کرده است که همانا ممانعت از واگذاری موشکهای اس 300 به سوریه است، همچنانکه ولادیمیر کوجین، معاون همکاری های نظامی پوتین پس از سفر نتانیاهو تصریح کرد هیچ مذاکره ای در مورد ارائه موشکهای اس 300 به سوریه انجام نمی شود.

مساله عجیب در این میان آن است که روسها همچنان سوریه را هم پیمانی می دانند که امکان قطع حمایت از آن نیست و هر گونه تهدید جدی برای موجودیت آن می تواند موجب بروز برخورد بزرگی بین آمریکا و روسیه در میدان سوریه شود!

بنابراین، نتانیاهو توانست آمریکا را در مورد خروج از توافق هسته ای قانع کند، همانطور که در قانع کردن روسها در مورد موشکها نیز موفق عمل کرد.

در شب موشکباران، پس از انتظاری طولانی در جولان اشغالی سینه های ما خنک شد و دریافتیم که رژیم صهیونیستی سست تر از لانه عنکبوت است، و حتی پناهگاه های این رژیم مجهز به آب و برق نبود؛ امری که مسئولان این رژیم غاصب را بر آن داشت درخواست ترک پناهگاهها را کنند.

در این شب مبارک، ما اعراب به مقاومت ایمان آوردیم. برخی بر این عقیده اند که هم پیمان روسی سوریه کاملاً در کنار آن ایستاده و نتانیاهو از سفر مسکو دست خالی بازگشته است؛ اما در واقع روسیه نقش بی طرفی را اتخاذ کرده و در شب وقوع درگیری، هر دو دولت ایران و اسرائیل را دعوت به خویشتنداری کرد، گویا این دولتها هر دو، هم پیمان روسیه هستند. به این ترتیب اتهاماتی که در مورد جانبداری شدید روسیه از محور مقاومت مطرح می شد، از بین می رود و روایتی که مبنی بر چراغ سبز روسیه به ایران برای پاسخ به حمله اسرائیل است، پایان می یابد.

به عقیده ما، این اقدام، به منزله پیام ایران بود برای هم پیمان روسی اش؛ پیامی بر این اساس که پاسخ انتقام جویانه آنها به تجاوز اسرائیل به پایگاه تی فور، بر حسب اولویتهای ایران، اراده و زمان بندی های ویژه آن انجام شده است، نه طبق محاسبات پوتین و نتانیاهو، که در شب گذشته اش صورت گرفته بود.

این بی طرفی ناپسند که برخی تحلیلگران آن را مبهم توصیف می کنند، برای ما قانع کننده نیست و چه بسا ما را به یاد این سخن سید حسن نصرالله در مورد بحران سوریه می اندازد، که گفت: «روسیه عضو محور مقاومت نیست، بلکه تنها دولت بزرگی است که منافع استراتژیکی در سوریه دارد». شاید تکرار این جمله برای فهم تفکر روسیه کافی باشد. فلسطین تنها توسط خود مردان آن، مردان مقاومت و دولتهای حامی آن آزاد می شود.

مترجم: مریم نصرالهی

در هفته های اخیر حملات اسرائیل به مواضع حزب الله در خاک سوریه افزایش یافته است

چشم انداز بحران سوریه در حال تغییر است؟! چراغ سبز روسیه به اسرائیل برای حمله به منافع ایران؟

آسیا تایمز به اشاره به حملات موشکی اخیر بین سوریه و اسرائیل می نویسد: اسرائیل پیش از حمله، روسها را در جریان گذاشته بود. واقعیت آن است که نتانیاهو روابط نزدیکی با پوتین دارد. نتانیاهو و رییس جمهوری صربستان تنها مقامهای خارجی شرکت کننده در هفتاد و سومین رژه پیروزی روسیه بودند که اتفاق مهمی محسوب می شود.

آفتاب نیوز :

سرویس بین الملل- به نظر کی رسد روسیه خود مایل بوده تا اسرائیل حملاتی را علیه منافع ایران و حزب الله در سوریه انجام دهد. نشریه «آسیا تایمز» در ادعایی به چراغ سبز روسیه به اسرائیل برای حملات اخیر علیه مواضع ایران در سوریه اشاره کرده است.

به گزارش **آفتاب نیوز**؛ این نشریه می نویسد: «در حالی که «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر اسرائیل در مسکو با «ولادیمیر پوتین» رییس جمهوری روسیه دیدار کرده است، اسرائیل خود را آماده می کند تا با حملات موشکی انتقام جویانه به خصوص در ناحیه استراتژیک جولان مقابله کند چرا که در هفته های اخیر

حملات اسرائیل به مواضع حزب الله در داخل خاک سوریه افزایش یافته است. آسیا تایمز به اشاره به حملات موشکی اخیر بین سوریه و اسرائیل می‌نویسد: اسرائیل پیش از حمله، روس‌ها را در جریان گذاشته بود. واقعیت آن است که نتانیاها روابط نزدیکی با پوتین دارد. نتانیاها و رییس جمهوری صربستان تنها مقام‌های خارجی شرکت کننده در هفتاد و سومین رژه پیروزی روسیه بودند که اتفاق مهمی محسوب می‌شود».

«آسیا تایمز» در ادامه می‌نویسد: «حضور نتانیاها در مسکو آن هم در چنین رژه مهمی نشان دهنده افزایش همکاری‌های نظامی اسرائیل و روسیه است. روسیه همواره نشان داده است که در برابر حملات اسرائیل به زادخانه‌ها و محموله‌های نظامی حزب الله لبنان از خود خویشتن‌داری نشان می‌دهد. ایران اکنون باید نگران همکاری‌های نزدیک روسیه و اسرائیل باشد. ایران تلاش کرده تا در سوریه موقعیت خود را از نظر نظامی تثبیت کند. اسرائیل نیز قطعاً با حضور ایران در آنجا مخالف است. اکنون ایران در عراق نفوذ رو به رشدی دارد و در لبنان با حزب الله روابط نزدیک فراوان دارد. اما سوریه برای ایران مهمتر است چرا که در مرز با اسرائیل قرار دارد. روس‌ها تحت فشار زیاد اسرائیل برای کنار گذاشتن ایران و اعمال فشار بر آن کشور هستند. اکنون کار برای روس‌ها دشوارتر شده است. اقتصاد روسیه اکنون تنها دو نقطه روشن دارد؛ یکی فروش تسلیحات و دیگری صادرات گاز و نفت که به اروپا و چین انجام می‌شود. در نتیجه، روس‌ها نیازمند حفظ روابط خوب با بازیگران کلیدی در عرصه گاز و نفت به ویژه عربستان سعودی هستند. عربستان نیز برای مقابله با ایران به روسیه فشار می‌آورد. آخرین چیزی که روسیه می‌خواهد جنگی طولانی در سوریه است؛ چرا که سبب می‌شود تا منابع روسیه بیشتر هدر برود. روسیه به دلیل مشکلات اقتصادی داخلی خواستار کاهش هزینه‌های دفاعی است».



این نشریه در ادامه می‌نویسد: «روسیه می‌خواهد در سوریه اعلام پیروزی کند. ایران باید بداند که نزدیکی اسرائیل و روسیه می‌تواند در آینده به احتمال نزدیکتر شدن روابط واشنگتن و مسکو کمک کند. این می‌تواند دینامیسم بازی در خاورمیانه را تغییر دهد به خصوص آن که اکنون ترامپ آمریکا را از برجام خارج ساخته است. واقعیت آن است که علیرغم مطرح شدن اتهام مداخله روسیه در انتخابات آمریکا و همکاری احتمالی ترامپ با روس‌ها، رییس جمهوری آمریکا قرار است نشستی را با کیم جونگ اون رهبر کره شمالی برگزار کند. اگر این نشست موفقیت‌آمیز باشد توازن سیاسی را به نفع او تغییر خواهد داد و با کمک احتمالی اسرائیل برای نزدیک شدن آمریکا به روس‌ها احتمالاً دو طرف درباره مسائل مهم مانند کنترل تسلیحات هسته‌ای، مسئله اوکراین، کریمه و چالش‌ها برای ناتو مذاکره خواهند کرد.»

تحلیل «رای الیوم»؛

آیا موضع روسیه نسبت به ایران تغییر کرده است؟

شاخص‌های متعددی در مورد تغییر در موضع روسیه نسبت به حضور و سیاست‌های ایران در سوریه وجود دارد، جوهره این تغییر، پاسخ مثبت روسیه و هماهنگی آن با استراتژی اسرائیل در خصوص کاهش نفوذ ایران در سوریه است.

رای الیوم در تحلیلی به قلم عمر الرّدّاد نوشت: شاخص های متعددی در مورد تغییر در موضع روسیه نسبت به حضور و سیاستهای ایران در سوریه وجود دارد، جوهره این تغییر، پاسخ مثبت روسیه و هماهنگی آن با استراتژی اسرائیل در خصوص کاهش نفوذ ایران در سوریه است.

به گزارش «انتخاب»، این رسانه عرب زبان ادامه داد: مشخص است که واکنش روسیه از زمان پیش از ضربه موشکی آمریکا فرانسه و انگلیس به سوریه، و پس از حملات اسرائیل به اهداف ایرانی، نشان دهنده وجود تفاهم هایی بین آمریکا و اسرائیل است که مبتنی بر قطع حمایت روسیه از ایران و کنترل نفوذ نظامی و سیاسی آن در سوریه است و به نظر می رسد این توافق در دو جهت در میدان سوریه نمود می یابد؛ اول: نواختن بر تار هماهنگی اسرائیل با روسیه در ضربه هایی که متوجه اهداف ایرانی می شود، بدون پاسخ یا حمایت و یا اعتراضی از سوی سامانه های دفاع هوایی روسیه. دوم: اینکه حملات موشکی اسرائیل اهداف ارتش سوریه را در بر نگیرد.

عملیات اخیر اسرائیل در سوریه، به گفته مسئولان اسرائیلی با هماهنگی با فرماندهی روسیه انجام شده است، بویژه آنکه این عملیات همزمان بود با سفر نخست وزیر اسرائیل به مسکو که در ضمن آن نتانیاهو از ندادن اجازه به ایران برای تهدید آن از غزه، لبنان و سوریه است.

هدف سیاست و پیامهای اسرائیل و آمریکا، فشار آوردن بر اسد و همکاری روسیه در جهت کاهش نفوذ ایران و اجبار آن برای عقب نشینی است. اگر اسد مایل باشد آینده سوریه را در کنار روسیه و با کمک آن بسازد، نه ایران، و اگر بخواهد تحت فشارهای آمریکا و اسرائیل، ایران را از سوریه خارج کند، با موانع متعددی روبرو می شود که در مقدمه آنها، ایجاد شکاف در فرماندهی نظامی و امنیتی سوریه است که تحت سرپرستی ایران و روسیه، هر دو است.

فرماندهی روسیه می داند که جنگ گسترده ای بین اسرائیل و ایران در سوریه در نمی گیرد و نهایت تنش ممکن بین این دو، ادامه حملات اسرائیل به اهداف ایرانی است و به احتمال زیاد روسیه هر چه بیشتر به سمت تفاهم با آمریکا و اسرائیل می رود تا عرصه را بر ایران در سوریه تنگ کند؛ منافع روسیه با آمریکا و اروپا بسیار بیشتر از منافع

آن با ایران است. بدین ترتیب، با وجود پیوندهای مشترک بین روسیه و ایران در سوریه، ایستگاههای متعددی در طول 8 سال گذشته ثابت کرده است که آنچه بین تهران و مسکو در سوریه جریان دارد، از تعدادی تفاهم های موافق با منافع آنها فراتر نمی رود. ایران با انگیزه ملی و مذهبی به سوریه آمد، اما روسیه با طرح بین المللی در سایه نظام قطبی جهان وارد سوریه شد تا سهم خود در این کشور عربی را بردارد، اشتباهات خود در لیبی را جبران کرده و یک نظام سکولار فدرالی در سوریه تاسیس کند.

عضو کمیسیون امنیت ملی: موضع اخیر بشار اسد درباره حملات اسرائیل منفعلانه بود؛ او گفت سوریه نباید به محل مناقشه قدرتهای منطقه تبدیل شود/ تل آویو مستشاران ایرانی را مورد هدف قرار داد

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی موضع گیری اسد را قابل تأمل برای جمهوری اسلامی دانست و گفت: منافع ملی و امنیت ملی کشور برای ما بسیار مهم است و این موضوعات نباید قربانی هیچگونه رفتاری در سیاست خارجی شود.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):



عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس از موضع گیری منفعلانه اسد در برابر حملات رژیم صهیونیستی به مستشاران ایرانی حاضر در سوریه انتقاد کرد.

حشمت الله فلاحت پیشه در گفت و گو با خانه ملت، با اشاره به مواضع بشار اسد رئیس جمهور سوریه بعد از حملات رژیم صهیونیستی به خاک این کشور گفت: طی این حملات رژیم صهیونیستی تلاش داشت نیروهای مستشار ایرانی را مورد هدف قرار دهد.

نماینده مردم اسلام آباد غرب و دالاهو در مجلس شورای اسلامی بر همین اساس تصریح کرد: موضع بشار اسد در قبال چالش اخیری که در سوریه بین دولت این کشور و رژیم صهیونیستی شکل موضع قابل تأملی بود چرا که بلافاصله بعد از حملات اعلام کرد از قدرت های منطقه می خواهم سوریه را به محل مناقشه خود تبدیل نکنند که اوضاع سوریه پیچیده تر می شود.

وی افزود: این اعلام نظر بشار در حالی صورت می گیرد که سوریه عملاً 6 سال است درگیر تنش های نظامی

است و وجود کنونی بشار اسد نیز مدیون کمک های مستشاری ایران است با این حال در چالشی که صهیونیست ها سعی کردند پای ایران را به میان بیاورند، اسد موضع انفعالی گرفت. فلاحت پیشه ادامه داد: موضع منفعلانه بشار اسد در حالی بود که جوانان ایرانی 6 سال برای دفاع از تمامیت ارضی سوریه، جان خود را در این کشور از دست دادند و بعد از این اقدامات بود که روسیه برای حمایت وارد شد و بعد از شرایط تثبیت دولت سوریه، معادلات بین المللی بشار اسد پیش رفت.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در پایان موضع گیری اسد را قابل تأمل برای جمهوری اسلامی دانست و خاطرنشان کرد: منافع ملی و امنیت ملی کشور برای ما بسیار مهم است و این موضوعات نباید قربانی هیچگونه رفتاری در سیاست خارجی شود.

« در هپکو چه می‌گذرد: تجمع روی ریل راه‌آهن برای کاری که دیگر نیست

چکیده: ما جمع شدیم که بگوییم نگرانیم. بگوییم بدهکاریم. بگوییم بدبخت شده‌ایم. ما دوست نداریم برای کسی مزاحمت ایجاد کنیم، نمی‌خواستیم کسی را آزار بدهیم. ما فقط می‌خواهیم صدایمان را بشنوید. ما نمی‌خواهیم مثل شرکت آونگان بشویم. این خصوصی‌سازی شرکت ما را بیچاره کرد. هپکو شرکت تک خاورمیانه بود که زمانی، در سال دوهزار و ۴۰۰ دستگاه ماشین‌آلات تولید می‌کرد. پارسال هشت دستگاه تولید کردیم، دو سال قبل ۱۴ دستگاه. تعداد کارگرانمان نصف شده است

هپکو، کارخانه‌ای که روزی نگین تولید و مونتاژ ماشین‌آلات صنعتی خاورمیانه بود، امروز با خبر تلاش برای خودکشی کارگرس و تجمع کارگران دیگرش در مسیر راه‌آهن شمال-جنوب به رسانه‌ها بازگشته است. این شرکت که در جریان خصوصی‌سازی‌ها واگذار شده، چند سالی است با مشکلاتی جدی دست‌وپنجه نرم می‌کند. در این بین، زمزمه‌هایی مبنی بر تلاش برای به‌نابودی‌کشاندن هپکو شنیده می‌شود؛ تلاش‌هایی که هدفش تعطیلی کارخانه و فروش زمین‌ها و دستگاه‌هایی است که بسیار ارزشمندند. در این شرایط، کارگران هپکو روز گذشته در مسیر راه‌آهن شمال-جنوب تجمع و برای ساعاتی این مسیر را مسدود کردند؛ تجمعی که در نهایت با تصمیم خود کارگران به پایان رسید.

خصوصی‌سازی بلای جان هپکو

ابوالفضل پوروفایی، رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان مرکزی و نایب‌رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: روز دوشنبه کارگران شرکت هپکو برای ساعاتی در نزدیکی پل شهید بختیاری روی مسیر راه‌آهن شمال-جنوب تجمع کردند. اعتراض عمده این کارگران هم معوقات مزدی و فعالیت‌نکردن شرکت هپکو بود. طبیعی است که کارگری که بدهکار باشد، خرج خانه‌اش را نداشته باشد، اجاره‌خانه‌اش عقب افتاده باشد و به سوپرمارکت و نانواپی و بانک بدهکار باشد، بالاخره چنین تصمیماتی می‌گیرد. این تجمع کاملاً آرام برگزار شد و کارگران بعد از ساعتی محل را ترک کردند. امیدوارم مسئولان این اتفاقات را جدی بگیرند و پیش از آنکه اتفاق بدی بیفتد، فکری به حال وضعیت کارگران بکنند. شرایط کارگران اسفبار است و شرایط کارگران هپکو اسفبارتر. کاری وجود ندارد و سفارشی انجام نمی‌شود و چند ماه حقوق عقب‌افتاده نتیجه‌اش می‌شود همین عصبانیت کارگران. زمانی این شرکت دو هزار نیروی کار داشت و امروز ۷۰۰ نفر دارد که عملاً کاری برای انجام‌دادن ندارند و اگر این شرایط ادامه پیدا کند، اوضاع بدتر نیز می‌شود. به همین دلیل است که فکر می‌کنم بدون عزمی جدی در پایتخت، امکان نجات هپکو وجود ندارد و کار از برگزاری و چاره‌اندیشی در جلسات استانی گذشته است. تا به حال تنها راهکار این بوده که به شرکت وام بدهند که تنها مُسکن است و شرکت را بدهکارتر می‌کند و بعد از گذشت مدتی، بحران شدیدتر برمی‌گردد. پوروفایی درباره مشکلات هپکو می‌گوید: متأسفانه هنوز وضعیت مدیریتی این شرکت مشخص نیست. اکثر واحدهای تولیدی که در جریان خصوصی‌سازی واگذار شدند، امروز دچار مشکل هستند و واحدهایی که هم نیروی کار متخصص و باتجربه و هم دستگاه‌های تولید دارند، به این حال‌وروز افتاده‌اند. حل مشکل مدیریتی این شرکت‌ها و خارج کردن آنها از بلاتکلیفی راه چاره است، نه پرداخت وام‌هایی که خودشان مشکل‌زا هستند. کسانی که به هپکو آمدند، نه اهلیت و نه سابقه‌ای در این کار داشتند و چشمشان به زمین‌ها، اموال و دارایی‌های شرکت بود. همین امروز مدیرانی هستند که دنبال فروش املاک هپکو در تهران و جنوب هستند و بهانه آنها نیز پرداخت حقوق است؛ درحالی‌که این شرکت بیشتر از هرچیزی کار و سفارش می‌خواهد تا بتواند روی پای خودش بایستد.

کاری که نیست

رضا، از کارگران کارخانه هپکو که در تجمع روز گذشته حضور داشته است، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: ما جمع شدیم که بگوییم نگرانیم. بگوییم بدهکاریم. بگوییم بدبخت شده‌ایم. ما دوست نداریم برای کسی مزاحمت ایجاد کنیم، نمی‌خواستیم کسی را آزار بدهیم. ما فقط می‌خواهیم صدایمان را بشنوید. ما نمی‌خواهیم مثل شرکت آونگان بشویم. این خصوصی‌سازی شرکت ما را بیچاره کرد. هپکو شرکت تک خاورمیانه بود که زمانی، در سال دوهزار و ۴۰۰ دستگاه ماشین‌آلات تولید می‌کرد. پارسال هشت دستگاه تولید کردیم، دو سال قبل ۱۴ دستگاه. تعداد کارگرانمان نصف شده است. مدیران فعلی هم دارند وقت می‌خرند که همین تعداد هم در این سال‌ها بازنشست بشوند و هپکو برود پی کارش. چشمشان به این ۱۱۵ هکتار زمین هپکو در بهترین نقطه شهر اراک و این همه دستگاه است که بعضی‌هایش نمونه‌ای در خاورمیانه ندارد. هر بار که ما تجمع می‌کنیم می‌گویند به شرکت وام می‌دهیم. وام به چه درد شرکت می‌خورد جز اینکه بدهکارترش می‌کند؟ ۱۹۰ میلیارد تومان از بانک

تجارت وام گرفته‌اند، امروز با جریمه و دیرکردش به ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است. شرکتی که زمانی دو شیفت کار می‌کرد، امروز پنج درصد خط تولیدش هم فعال نیست. بیاید ببینید ما چه کار می‌کنیم. از هر ۱۰ نفر دو نفر مشغول کار هستند که واقعا هم اسمش کار نیست. برای انجام پروژه‌هایی است که اصلا کار هپکو نیست. تیرآهن چند تُنی را می‌اندازیم توی دستگاهی که کارش ظریف‌کاری است فقط برای اینکه چهار تا سوراخ رویش درست کنیم. دستگاهی که میلیاردها تومان ارزش دارد برای همچین کاری خراب می‌شود که نه تخصص ماست نه سودآوری دارد. او اضافه می‌کند: غلتک و گریدری که هپکو تولید می‌کند، چه از نظر کیفیت و چه از نظر توان کاری، در خاورمیانه رقیب ندارد، اما همین را هم نمی‌توانیم تولید کنیم. یا سفارش نیست یا اگر هم هست مواد اولیه‌اش را نداریم. قطعه‌به‌قطعه باید بیفتیم دنبال تکمیل یک سفارش و تازه اگر دستگاهی هم حین کار خراب شد، پولی برای تعمیرش وجود ندارد. زمانی اینجا کامیون‌ها صف می‌کشیدند تا تولیدات ما را ببرند، اما امروز عملا بی‌کار شده‌ایم. شرکت‌های راهسازی و عمران و معادن دولتی از خارج دستگاه تهیه می‌کنند. دولت قول داده بود سه هزار دستگاه به هپکو سفارش بدهد، اما فقط حرفش شد و رفت و فراموش شد.

شرکت و کارگر، هر ۲ بدهکار

این کارگر هپکو درباره معوقات دستمزد کارگران شرکت می‌گوید: حقوق بهمن‌ماه را همین چند وقت پیش گرفتیم. همان حقوق بهمن را هم بعضی‌ها نگرفتند. بعضی از کارگران ما از سال ۹۵ طلبکارند. سنوات بازنشستگان پرداخت نمی‌شود و آنها می‌روند از دادگاه رأی به توقیف اموال می‌گیرند و می‌آیند وسایل شرکت را می‌برند. بانک‌ها هم همین کار را می‌کنند. وقتی این وضعیت شرکت باشد، وضعیت کارگرانش هم دیگر معلوم است. ما که حقوق نگیریم وام خودمان هم می‌ماند. یکی از همکاران ما یک ماشین پراید خریده بود تا بعد از ظهرها برود مسافركشی، بانک به‌خاطر قسط‌های عقب‌افتاده‌اش آمد از پارکینگ شرکت ماشینش را برد. همکارمان وسط سالن توی سر خودش می‌زد و می‌گفت به دادم برسید، اما ما پولی نداشتیم که ماشینش را نجات بدهیم. فشاری را که این مصیبت‌ها به آدم می‌آورد، می‌توانید تصور کنید؟ بالاخره یک جا کارگر از کارخانه بیرون می‌آید و بعد همه‌چیز سرش شکسته می‌شود و می‌گویند تقصیر کارگران بود که این کار را کردند و آن کار را کردند.

روایت تجمع

این کارگر درباره تجمع کارگران هپکو و مسدودکردن راه‌آهن شمال-جنوب می‌گوید: صبح کسی وارد شرکت نشد و رفتیم کنار پل شهید بختیاری. نه قصدمان آزار و اذیت کسی بود و نه کار غیرقانونی کردیم. جمع شدیم و گفتیم این درد ماست. سازمان خصوصی‌سازی چرا شرکت را به کسی سپرده که اصلا این‌کاره نیست؟ یعنی نمی‌دانستند نتیجه این کارهایشان چیست؟ یا دولت نمی‌خواهد مشکل ما را حل کند یا نمی‌تواند حل کند، اما فقط وعده و قول می‌دهند. روز تجمع هم آقای آوایی، رئیس اداره کار استان آمد و گفت تجمع نکنید، ما به خواسته‌هایتان رسیدگی می‌کنیم، اما هم ما می‌دانیم هم او می‌داند که حل مشکل این شرکت به دست او نیست. شرکتی به این عظمت را رها کرده‌اند. این شرکت یتیم شده و هیچ‌کس به فکرش نیست.

منبع: روزنامه شرق

خصوصی سازی با رانت و اشنای حکومتی و فروختن زیر قیمت به افرادی که کارافرین نیستند و مثل قراضه فروش می‌خرند و خورد خورد اوراق کرده و مصرف می‌کنند

پرداخت «و عده» به کارگران معترض هپکو، راه آهن را باز کرد!

همه این‌ها در حالی است که از شکل‌گیری اعتراض تا به امروز، اظهارنظرهایی در خصوص رعایت نشدن شرایط واگذاری این کارخانه هم مطرح شده که به نوعی، مؤید برخی شایعات است. از جمله اظهار نظر یکی از نمایندگان مجلس که مدعی شد: «این شرکت باید به مبلغ ۳۰۰ میلیارد تومان واگذار می‌شد که در این مورد تنها با پرداخت ۱۰ میلیون تومان انجام شد!» کارگران کارخانه هپکو در اراک در چهارمین روز اعتصاب خود، پس از وعده مقام‌های استان مرکزی برای تحقق مطالبات صنفی‌شان، خط آهن شمال - جنوب را تخلیه کردند. به گزارش «تابناک»؛ کارگران کارخانه هپکو اراک که در اعتراض به تعویق چندین ماهه حقوق‌شان، از روز یکشنبه هفته جاری (۲۳ اردیبهشت) اعتصاب و خط آهن شمال-جنوب را مسدود کرده بودند، ساعاتی پیش به اعتصاب خود پایان دادند؛ پایانی موقتی!

پرداخت نشدن دست‌کم چهار ماه دستمزد، علت اصلی این اعتراض اعلام شده، اما ماجرا به دستمزد معوق محدود نمی‌شود و فراتر از این حرف‌هاست؛ اعتراض به عملکرد مالک خصوصی کارخانه که معترضان بر این باورند از زمان حضور وی مشکلات هپکو آغاز شده و بنابراین خواستار بازگرداندن مالکیت مجموعه به دولت هستند.

مشکلی که در بسیاری دیگر از مجموعه‌های واگذار شده در راستای اجرای اصل خصوصی سازی نیز دیده می‌شود. مشکلی که از تأخیر در پرداخت‌ها آغاز می‌شود، به تعدیل نیرو و محدود کردن فعالیت منجر می‌شود و از جمله نتایج غایی آن، اعلام ورشکستگی و برچیدن مجموعه هاست؛ دورنمایی تاریک که شاید بزرگترین دلیل اعتراضات کارگری باشد.

دورنمایی که کارگران معترض هپکو را بر آن داشته تا با بستن راه آهن، بکوشند توجه مسئولان را به آن جلب کرده و از رسیدنش جلوگیری کنند؛ تلاشی که بعد از چند روز تجمع و اعتصاب، ظاهراً تا حدودی جامه عمل پوشیده است و از این روی اعتصاب، پایان یافت.



با حضور استاندار مرکزی و برخی دیگر از مسئولان استان در جمع معترضان، کارگران تصمیم گرفتند با صدور بیانیه‌ای، به اعتراض و اعتصاب خود پایان دهند. به این صورت که تا روز دوشنبه هفته آتی به مسئولان مهلت دادند به خواسته هایشان رسیدگی شود و اگر این گونه شد، همه چیز پایان یابد و اگر به خواسته هایشان جامه عمل نپوشید، بار دیگر اعتراض خود را از سر بگیرند.

در مقابل، مسئولان بهایشان وعده حل مشکلات، از جمله پرداخت مطالباتشان را دادند. مطالباتی که مدت هاست این کارگران برای دریافتشان تجمع می‌کنند و حتی می‌کوشند با سر دادن شعارهای عجیبی مانند «مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر»، در چارچوب قوانین و موازین برای رسیدن به اهدافشان حرکت کنند.

شعارهایی که البته مثمر ثمر واقع نشد تا سرانجام بستن مسیر راه آهن، تنها چاره‌ی پیش روی ایشان باشد.

اقدامی که فتح‌الله حقیقی، معاون سیاسی-امنیتی استاندار مرکزی با حضور در جمع معترضان، آن را به مصلحت کشور نخواند و خواستار پایان دادنش شد، تا مبدا مورد سوءاستفاده معاندین و ضد انقلاب قرار گیرد؛ موضوعی که معاون استاندار تأکید داشت خواسته و قصد کارگران معترض هپکو نیست.

همه این‌ها در حالی است که از شکل‌گیری اعتراض کارگران هپکو تا به امروز، اظهارنظرهایی در خصوص رعایت نشدن شرایط واگذاری این کارخانه هم مطرح شده که به نوعی، مؤید برخی شایعات است. از جمله اظهار نظر یکی از نمایندگان مجلس که مدعی شد: «این شرکت باید به مبلغ ۳۰۰ میلیارد تومان و ضمانت‌نامه بانکی ۱۵۰ میلیارد تومانی واگذار می‌شد که در این مورد تنها با پرداخت ۱۰ میلیون تومان واگذاری صورت گرفت»!

ادعایی که اگر صحیح باشد، شایعاتی که درباره تلاش برای رساندن هپکو به ورشکستگی و فروش اموال و مستقلات آن مطرح می‌شود، قابل تأمل به نظر می‌رسد. آنقدر قابل تأمل که جا دارد در خصوص دیگر واگذاری‌ها، چه آنهایی که به مشکلاتی منجر شده و چه آنهایی که در شرف واگذاری و خصوصی سازی قرار دارند، بازنگری شده و حتی ساز و کار خصوصی سازی دستخوش تغییر شود.

اخبار برجام



بوش: خروج از برجام آمریکا را منزوی
می کند

رئیس جمهور اسبق آمریکا گفت با تصمیم ترامپ برای خروج از برجام مخالف است.



به گزارش اسپوتنیک به نقل از العالم، جورج بوش چهل و سومین رئیس جمهور آمریکا درباره خطر انزوای آمریکا به دلیل خروج از توافق با ایران هشدار داد و گفت: تنها راه برای رسیدن به صلح شراکت و تعامل است. در کنار همدیگر، هیچ چیزی غیر ممکن نیست، تفرقه نتیجه ای غیر از ناکامی نخواهد داشت و خطر انزوا خود را نشان می دهد.

پیش از این نیز نانسی پلوسی، رهبر دمکرات های مجلس نمایندگان آمریکا نیز خروج از توافق هسته ای با ایران را باعث انزوای آمریکا در عرصه جهانی دانسته بود.

در تاریخ 8 می، دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا خبر خروج واشنگتن از توافقنامه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را اعلام نمود. این توافقنامه موجب محدودیت در فعالیت های هسته ای ایران و جلوگیری از اقدامات یکجانبه آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا در تحریم های یک طرفه می باشد.

به عقیده رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، برنامه جامع اقدام مشترک با ایران، با امکان دور زدن تحریم ها توانایی ساخت بمب هسته ای را برای تهران فراهم می کند. در عین حال ایشان به انعقاد توافق نامه جدیدی نیز اشاره نمود.

روسای جمهور بریتانیا، آلمان و فرانسه، ترزا می، آنگلا مرکل و امانوئل ماکرون خواهان اجرای برجام توسط طرفهای توافقنامه شدند. حسن روحانی، رئیس جمهور ایران اعلام نمود که تهران همچنان به تعهدات خود در قالب برجام ادامه می دهد و به تعهدات خود عمل خواهد نمود.

تحلیل ۱۱ متخصص برجسته دانشگاه هاروارد از خروج آمریکا از برجام؛ از «گراهام آلیسون» و «گری سمور» تا «نیکلاس برنز» و «استیون میلر» / ترامپ هدیه بزرگی به ایران داد / ناسیونالیسم ایرانی از این پس تقویت خواهد شد / اصولگرایان در مقابل روحانی قدرت پیدا می کنند

در واکنش به خروج آمریکا از برجام؛ متخصصان امنیت ملی - هسته ای - منطقه ای مرکز بلفر دانشگاه هاروارد که در طی سال های گذشته وضعیت هسته ای ایران را ارزیابی می کردند نسبت به این اقدام واکنش نشان دادند و در زیر به آن ها اشاره می کنیم:

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

رئیس جمهور دونالد ترامپ در روز سه شنبه در اظهاراتی بیان کرد که آمریکا از برجام خارج خواهد شد. ترامپ تاکید کرد که تحریم ها را مجدداً علیه ایران تحمیل خواهد کرد تا به یک توافق بهتر دست پیدا کنند.

به گزارش سرویس بین الملل «انتخاب»، در واکنش به خروج آمریکا از برجام؛ متخصصان امنیت ملی - هسته ای - منطقه ای مرکز بلفر دانشگاه هاروارد که در طی سال های گذشته وضعیت هسته ای ایران را ارزیابی می کردند نسبت به این اقدام واکنش نشان دادند و در زیر به آن ها اشاره می کنیم:

گراهام آلیسون - استاد مدرسه دولتی جان اف کندی در دانشگاه هاروارد

اگر به طور کوتاه از من در مورد خروج آمریکا از برجام سوال بپرسید من این را گزینه بدی می دانم. این یک گزینه بد برای آمریکا و اسرائیل است. اگر چه بنیامین نتانیاهو تصمیم ترامپ را تحسین کرد ولی مقامات امنیتی اسرائیل بارها تاکید کرده اند که خروج از توافق نه تنها برای آمریکا بلکه برای اسرائیل بدتر است. برای نمونه گادی ایزنکوت رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل در اظهاراتی بیان کرد: «اگر چه در حال حاضر توافق هسته ای

دارای معایب و نواقص زیادی است اما این توانسته رویای هسته ای ایران 10 تا 15 سال به تعویق بیندازد.» بنابراین توافق هسته ای نه تنها پیشرفت هسته ای ایران را متوقف کرد بلکه همچنین شدیدترین رژیم بازرسی علیه این کشور شکل گرفت تا جلوی هر گونه تقلب را بگیرد. بنابراین خروج آمریکا از برجام گزینه بدی بود. **ارنست ج مونیز** - وزیر سابق انرژی ایالات متحده آمریکا و رهبر مذاکره کننده فنی توافق هسته ای ایران تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از برجام یک اشتباه استراتژیک بزرگی بود. این اقدام نه تنها به توانایی آمریکا برای جلوگیری از دستیابی ایران به مواد لازم برای سلاح هسته ای خسارت می زند بلکه همچنین توانایی ما را برای جلوگیری از گسترش و کاربرد سلاح هسته ای را تضعیف می کند. ما با همکاری متحدان و شرکای خود توانستیم از طریق توافق هسته ای با ایران؛ برنامه هسته ای این کشور را مخدود کنیم و نظارت و بازرسی های منحصر به فرد و سختگیرانه را علیه این کشور تحمیل کنیم. با این اقدام توانستیم جلوی دستیابی ایران به یک بمب را هم بگیریم. اما اکنون آمریکا چارچوب توافق هسته ای را بدون ارائه یک بدیل معتبر نقض کرد. توافق هسته ای ایران همچنین این کشور را از مواد هسته ای با اورانیوم غنی شده بالا و پلوتونیوم که مواد موردنیاز ساخت بمب هستند را محروم کرده بود. از آن جایی که بازرسان بین المللی از هنگام حصول برجام تا اکنون پای بندی ایران را تایید کرده اند ؛ آمریکا با خروج از برجام توصیه های مهم ترین متحدان خود را نادیده گرفته است. بنابراین حفظ توافق هسته ای ایران در راستای منافع ملی آمریکا بود. ترامپ با این اقدام شکاف عمیقی بین آمریکا و متحدان ما ایجاد خواهد کرد

نیکولاس برنز - دیپلمات ارشد بازنشسته آمریکا و استاد دانشگاه هاروارد

خروج آمریکا از توافق هسته ای ایران یکی از جدی ترین اشتباهات ریاست جمهوری دونالد ترامپ است. اگر چه این توافق دارای نواقص و معایبی بود اما ما به وسیله آن توانسته بودیم از احتمال دستیابی ایران به توسعه سلاح هسته ای را تا یک دهه آینده جلوگیری کنیم. دونالد ترامپ بر این تاکید کرده ایران مجبور به مذاکره جدید با آمریکا خواهد شد که این توافق بهتری برای ما خواهد بود اما با تمام شواهد موجود خلاف این اظهارات را نشان میدهد. تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از توافق ما را متحدان اروپایی خود منزوی خواهد کرد و همچنین گروه های اصولگرا را در تهران تقویت می کند. وی برای تحقق وعده انتخاباتی خود؛ تلاش نزدیک به یک دهه دولت بوش و اوباما (2005-2015) را برای انزوا - تحریم و تضعیف جاه طلبی ها هسته ای ایران را کنار گذاشته است. تصمیم ترامپ می تواند زمینه مسیر بالقوه جدید برای تولید سلاح هسته ای ایران و همچنین جنگ را در سال های آینده ایجاد کند. همانطور که دونالد ترامپ از توافق آب و هوایی پاریس خارج شد به نظر می رسد که وی برای بعد از آن هیچ استراتژی ندارد. این اقدام می تواند به کاهش نقش منحصر به فرد رهبری جهانی آمریکا را تسریع ببخشد و اعتبار و نفوذ ما را در بین متحدان و رقبای خود کاهش دهد. این اقدام یک رهبر غیرمسئول است.

الیزابت شرودرندال - دستیار ویژه باراک اوباما / معاون سابق وزیر انرژی آمریکا

تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از برجام یک اشتباه استراتژیک با پیامدهای گسترده است. ایران به طور کامل به توافق هسته ای پای بند بوده است و این امر توانسته جهان را از زمان اجرا در ژانویه 2016م. امن تر کند. با خروج آمریکا از توافق؛ اگر تهران درصدد از سرگیری برنامه تسلیحات هسته ای خود اقدام کند مسئولیت آن بر دوش آمریکا است. اقدام رئیس جمهور نه تنها ما را امن تر نمی کند بلکه باعث شکاف آمریکا با متحدینش شده و همچنین یک هدیه بزرگی را به گروه های رادیکال ایرانی تقدیم کرده است و اعتبار آمریکا را به عنوان شریک مذاکره کاهش داده است. همچنین این اقدام تلاشهای جهانی را برای جلوگیری از تکثیر سلاح هسته ای را کاهش داده و خطر جنگ و تقابل نظامی را افزایش می دهد.

نواف عبید - عضو اندیشکده بلفر برای مطالعات نظامی و بین المللی وابسته به دانشگاه هاروارد آمریکا

تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از برجام یک اقدام بسیار ضروری برای اصلاح توافق فاجعه بار دولت اوباما بوده است. پاشنه آشیل ایران اقتصاد ضعیف این کشور است و ما با برقراری تحریم های مجدد علیه این کشور آن ها را از نظام جهانی و سرمایه گذاری خارج از کشور دور می کنیم. همچنین توافق هسته ای ایران اقدامات ایران در سوریه؛ عراق و سایر کشورهای جهان عرب را محدود نکرده است.

گری سامور - مدیر اجرایی مرکز تحقیقات بلفر و هماهنگ کننده سابق کاخ سفید در حوزه کنترل تسلیحات کشار جمعی

رئیس جمهور دونالد ترامپ فکر می کند که اگر از توافق هسته ای خارج شود و تحریم های اقتصادی مجددا علیه ایران تحمیل گردند این می تواند ایران را مجبور به مذاکره برای یک توافق بهتر برای آمریکا کند. اما این یک رویکرد اشتباهی است. اکنون دولت ایران تلاش خواهد کرد تا به تعهدات خود در برجام همراه با شرکای دیگر

توافق ادامه دهد و متعهد شده که اگر سایر طرفین توافق با تحریم های ثانویه آمریکا مخالفت کند به محدودیت های هسته ای مبتنی بر مفاد برجام پای بند است. با این حال اگر تحریم های ثانویه جریان منافع اقتصادی ایران را کاهش دهد ایران تهدید کرده که محدودیت های اتمی در چارچوب برجام را لغو می کند. با این حال، ایران از هر گونه اقدام هسته ای که زمینه تحریک واکنش نظامی آمریکا را فراهم می کند خودداری خواهد کرد. هدف نهایی ایران ممانعت از برخورد و رویارویی با آمریکا تا انتخابات 2020 است تا آن ها امیدوار باشند که ترامپ دوباره انتخاب نگردد.

متیو بان - مشاور وزیر انرژی آمریکا و استاد دانشگاه هاروارد

با خروج آمریکا از برجام هدیه بزرگی به گروه های رادیکال ایران تقدیم شد و همچنین ایران را برای ساخت سلاح هسته ای رها کرده و همچنین نظارت و بازرسی های بین الملل هم کاهش پیدا می کند و علاوه بر این نگرش مدافعان تعامل با غرب در ایران را بی اعتبار ساخت. خروج آمریکا از توافق هسته ای منجر به انزوای ایران نمی شود بلکه خود آمریکا منزوی خواهد شد.

چوک فریلیچ - مشاور پیشین امنیت ملی رژیم صهیونیستی

خروج آمریکا از توافق یک خطای تاریخی است که می تواند منجر به یک ایران هسته ای گردد. پرسش اصلی این است که آیا آمریکا از یک استراتژی موثری بعد از خروج از برجام برخوردار است یا خیر؟ تغییر حکومت و امید به این که ایران با یک توافق بهتر موافق کند بیشتر یک آرمان و آرزو هستند. در همین حال، اسرائیل با یک بحران فزاینده با ایران در سوریه روبرو است. تصور کنید که در غیاب برجام و دستیابی ایران به آستانه هسته ای؛ چگونه اسرائیل واکنش نشان خواهد داد. این اقدام ممکن است به زودی اسرائیل را با یک بحران ایران هسته ای روبرو کند.

پیام محسنی - مدیر پروژه ایران مرکز بلفر وابسته به دانشگاه هاروارد

تصمیم خروج آمریکا از توافق با یک اشتباه استراتژیک همراه است که دارای سه پیامد عمده هستند: 1- خروج آمریکا از توافق منافع ملی آمریکا را تضعیف می کند و اعتبار ما را در جامعه بین المللی و متحدان اروپایی خود کاهش می دهد و همچنین میلیاردها دلار سرمایه سیاسی، مالی و انسانی که برای دستیابی به برجام هزینه شده بود را هدر داد. 2- خروج آمریکا ارکان نظام بین المللی مبتنی بر قانون را زیر سوال برد و همچنین اعتبار دیپلماسی دولت های اروپایی که خواهان حفظ برجام بودند را کاهش داد. علاوه بر این از ارزش و اهمیت چندجانبه گرایی و نهادهای بین المللی مانند آژانس بین المللی انرژی اتمی کاسته شد. 3- خروج آمریکا از برجام می تواند زمینه تحریک ناسیونالیسم ایرانی را فراهم کند و همچنین ارزش تعامل با غرب در بین جوانان ایرانی را کاهش دهد و گفتمان داخلی را به سمت مواضع رادیکال ها سوق دهد.

مارتین مالین - مدیر اجرایی پروژه مدیریت اتم در مرکز بلفر

تصمیم ترامپ برای خروج یکجانبه آمریکا از توافق هسته ای مهم ترین اشتباه سیاست خارجی آمریکا در دوران وی بوده است. این امر می تواند نفوذ آمریکا را در سرتاسر جهان تضعیف می کند و این اقدام ترامپ نشانگر این است که به آمریکا نمی توان اعتماد کرد زیرا به وعده های خود پای بند نیست. این اقدام همچنین شکاف بین آمریکا و متحدان اروپایی خود را تقویت می کند و تنش های فعلی در خاورمیانه را افزایش می دهد. علاوه بر این توانایی آژانس بین المللی انرژی اتمی را برای نظارت و بازرسی فعالیت هسته ای ایران را تضعیف می کند.

استیون میلر - مشاور رئیس جمهور آمریکا

تصمیم ترامپ برای خروج آمریکا از برجام و نقض فاحش مفاد توافق نامه هسته ای احتمالا هدیه بزرگی به تهران خواهد بود و به آمریکا بیشترین خسارت را وارد می کند و این اقدام آمریکا را منزوی می کند و این کشور را به عنوان شریک قابل اعتماد در مذاکرت با ایران بی اعتبار می سازد. همچنین این امر شکاف واشنگتن و متحدان اروپایی را گسترده تر می کند و علاوه بر این زمینه همکاری نزدیک تر ایران با کشورهای اروپایی - چین - روسیه را فراهم می کند. این اقدام فرصتی را برای ایران ایجاد می کند تا از محدودیت های دقیقی که بر طبق مفاد برجام بر علیه تهران تحمیل شده بود رهایی پیدا کند.

مترجم: علیرضا علیپور

ترامپ: اولین بار ظریف را در یک برنامه دیدم؛ بعد از سه دقیقه تماشا، گفتم امکان ندارد کری بتواند از پس مذاکره با این مرد

برآید؛ همین‌طور هم شد

ترامپ دیروز در نشست کابینه خود در واشنگتن گفت: جان کری در برابر مردی که داشت با او مذاکره می‌کرد - ظریف - هیچ شانس نداشت.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا روز چهارشنبه بار دیگر اظهاراتی تهدیدآمیز علیه ایران مطرح و به تهران توصیه کرده برنامه هسته‌ای خود را احیا نکند.

به گزارش «انتخاب»، وی که در نشست کابینه آمریکا صحبت می‌کرد، در پاسخ به اینکه واکنش آمریکا به احتمال بازگشت برنامه هسته‌ای ایران به وضعیت پیش از برجام، گفت: «خواهند دید، خواهند دید. فکر می‌کنم نباید چنین کاری کنند. به ایران توصیه می‌کنم که برنامه هسته‌ای خود را آغاز نکنند، قویا به آن‌ها توصیه می‌کنم این کار را نکنند. اگر این کار را انجام دهند، تبعات بسیار وخیمی خواهد داشت.»

به نوشته العالم، او در بخش دیگری از این نشست، برجام را «یک توافق کاملاً یک‌طرفه» توصیف کرد و گفت: «این توافق نهایتاً به اشاعه هسته‌ای در سرتاسر خاورمیانه منجر می‌شد. همه کشورها در این مورد صحبت می‌کردند... همه آن‌ها از کاری که من کردم، بسیار خوشحال هستند. این یک توافق کاملاً یک‌طرفه بود و ما برای رسیدن به آن ۱۵۰ میلیارد دلار، از جمله ۱.۸ میلیارد دلار نقد، هزینه کردیم. این [توافق] خوب و متناسب نبود.»

ترامپ افزود: «خواهیم دید که با ایران چه خواهیم کرد. شاید خوب نباشد، اما باز هم اشکالی ندارد. آن‌ها باید بفهمند دنیا چطور است، چون فکر می‌کنم نمی‌دانند دنیا چطور است. ببینید که در خاورمیانه چه خبر است، در سوریه، در یمن و در تمام مناطق فقط خونریزی و مرگ است. نمی‌توانیم اجازه دهیم این اتفاق بیفتد. ما یک توافق بسیار وحشتناک را لغو کردیم که هرگز نباید منعقد می‌شد. برخی از قدرتمندترین تحریم‌هایی را که تاکنون علیه یک کشور اعمال کرده‌ایم، اعمال خواهیم کرد. [این تحریم‌ها] خیلی زود اجرایی خواهند شد.»

رئیس‌جمهور آمریکا با بیان اینکه این تحریم‌ها آماده اعمال هستند، گفت: «نمی‌توانیم اجازه دهیم که یک توافق به جهان لطمه بزند. این توافقی است که به جهان لطمه می‌زند، نه ایالات متحده؛ و قطعاً دیروز دیدید که "بنیامین

نتانياهو" [نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی] برخاست و در حمایت از آنچه انجام دادیم صحبت کرد.» وی ادامه داد: «بعضی از سناتورهای را دیده‌ام که می‌گویند که نباید این کار را می‌کردی، بعضی از سناتورهای دموکرات. اما این را از صمیم قلب نمی‌گویند، آن‌ها هم [با توافق] مشکل داشتند، مثلاً "چاک شومر"، او کاملاً مخالف این توافق بود و علیه آن رأی داد. او بر سر این توافق با [باراک] اوباما جنگید، آن زمان بر سر این توافق کارشان به جنگ و دعوا کشید. او می‌خواهد از اسرائیل محافظت کند و می‌داند که این توافق برای اسرائیل و برای خاورمیانه بسیار بد است. اما می‌دانم که او علیه این توافق رأی داد، اما حالا می‌گوید که او نباید از توافق خارج می‌شد. شاید هم نظرش تغییر کرده، اما توافق فقط بدتر شده است.»

ترامپ که در یک سال حضورش در کاخ سفید عملاً اجرای برجام را متوقف کرده و روز گذشته هم رسماً از این توافق خارج شد، در ادامه گفت: ایران باید باز هم با واشنگتن گفت‌وگو کند.

وی گفت: «بنابراین، شاهد اتفاقات هیجان‌انگیز زیادی خواهیم بود. فکر می‌کنم چیز هیجان‌انگیزی باشد. شاید آن‌ها هرگز این را نگویند، چون آن‌ها مذاکره‌کننده‌های فوق‌العاده‌ای هستند. [جان] کری [وزیر خارجه سابق آمریکا] در برابر مردی که داشت با او مذاکره می‌کرد، هیچ شانس نداشت. اولین باری که آن مرد را دیدم، او را در یک برنامه دیدم... من او را نگاه کردم و بعد از سه دقیقه تماشا گفتم امکان ندارد کری بتواند از پس مذاکره با این مرد، برآید. بعداً دیدیم که همین‌طور هم شد. بنابراین، یا به یک توافق واقعا خوب برای جهان می‌رسیم یا اصلاً توافقی نمی‌کنیم.» وی ادامه داد: «ایران خواهد گفت که نمی‌خواهیم مذاکره کنیم، حتماً این را خواهند گفت، اگر من هم در موقعیت آن‌ها بودم، همین را می‌گفتم. در چند ماه اول ما مذاکره‌ای نخواهیم داشت، اما مذاکره خواهند کرد یا چیزی اتفاق می‌افتد، [البته] امیدوارم که این‌طور نشود.»

جمهوری اسلامی؛ پایان دوران یک حاکمیت و دو چهره؟

محمد رهبر؛ روزنامه نگار در یادداشتی تحلیلی برای صفحه ناظران به دوگانگی تاریخی حکومت در جمهوری اسلامی اشاره کرده و نتیجه‌گیری کرده است که یک چهره شدن



دو چهره بودن نظام در عرصه بین‌المللی هم فاش شده است و چندان جدی گرفته نمی‌شود. رئیس‌جمهور ترامپ، بی‌توجه به اختلاف دولت و حکومت، کلیت نظام سیاسی ایران را متهم می‌کند و تشنه می‌رود و به نظر می‌رسد، بحران منطقه خاورمیانه و سیخ جنگ ایران و اسرائیل، چندان جایی برای تحرکات دیپلماتیک محمد جواد ظریف، وزیر خارجه، باقی نگذاشته است و دولت به زائده‌ای در سیاست‌های کلی نظام بدل گشته است.

حاکمیت تنها از یک وجه روی خواهد داد و آن هضم دولت در حکومت است.

دو چهره بودن نظام در عرصه بین المللی هم فاش شده است و چندان جدی گرفته نمی شود. رییس جمهور ترامپ، بی توجه به اختلاف دولت و حکومت، کلیت نظام سیاسی ایران را متهم می کند و نشانه می رود و به نظر می رسد، بحران منطقه خاورمیانه و شبخ جنک ایران و اسرائیل، چندان جایی برای تحرکات دیپلماتیک محمد جواد ظریف، وزیر خارجه، باقی نگذاشته است و دولت به زائده ای در سیاست های کلی نظام بدل گشته است

درست یک روز پس از خروج آمریکا از برجام و سخنرانی حقوقی و معتدل رییس جمهور حسن روحانی که پابندی ایران به برجام و اعتماد نسبی به اروپایی ها را نشان داد، رهبر جمهوری اسلامی با لحنی تند و غضبناک سخن گفت و کشورهای اروپایی طرف برجام را قابل اطمینان ندانست.

آیت الله خامنه ای بار دیگر در موضعی فراحکومتی و منتقد از دولت نشست و فرجام برجام را امتحانی خطیر برای دولت روحانی دانست. آیا روحانی در این امتحان که ممتحنش رهبر جمهوری اسلامی است قبول خواهد شد؟ و آیا اگر دولت مردود شود، روحانی رییس جمهور خواهد ماند؟

به نظر می رسد حاکمیت دوگانه در ایران به نقطه عطفی رسیده و ممکن است حکومت، دولت را تحمل نکند.

یک حکومت و دو چهره

دوگانگی قدرت در جمهوری اسلامی یک طرح اندیشیده شده و تئوریک نبوده است بلکه به ضرورت و اتفاق شکل گرفته و پس از آن با عرفی نانوشته مرزبندی شده است. انقلاب ۵۷ و نیروهای متکثری که در آن دخیل بودند، بذر این دوگانگی را پاشیدند. قانون اساسی جمهوری اسلامی بر مبنای تفکیک قوایی است که از غرب به ارث برده و در عین حال همگی قوا در ذیل ولایت فقیه هستند که نظریه ای است موسع از همان ولایت فقها و شاید رجعتی به تز افلاطون در سیاست که حکیمان را شایسته حکمرانی می دانست.

حتی پیش از اینکه نظام قوام گیرد و رییس جمهور ظاهر شود، دولت و حکومت دوگانه بود آنچنان که مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت انقلاب، بارها از دخالت در کار و بار دولت شکوه می کرد.

عاقبت با اشغال سفارت آمریکا که آیت الله خمینی آن را به مثابه انقلاب دوم ستود، بازرگان استعفا داد. دولت مخالف اشغال سفارت بود و همین مخالفت بعدها دستاویزی شد تا جمهوری اسلامی اعلام کند که تسخیر سفارت آمریکا خودجوش بوده و دولتی نبوده است.

سالها بعد وقتی آیت الله خمینی حکم ارتداد و قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی را صادر کرد دولت ایران، حکم رهبر جمهوری اسلامی را به فتوایی فقهی تقلیل داد و اعلام کرد هیچ گونه تلاشی برای ترور سلمان رشدی انجام نخواهد داد.

با این حال بنیاد پانزده خرداد که نهادی حکومتی و شکل گرفته از اموال مصادره ای کارگزاران و سرمایه داران رژیم پیشین بود، جایزه ای هنگفت برای کشتن سلمان رشدی تعیین کرد.

چهره دوگانه حکومت ایران با ریاست جمهوری محمد خاتمی، دیدنی تر شد. رئیس جمهور اصلاح طلب ایران به رغم رهبری که به آمریکا می تاخت و همچون بنیانگذار جمهوری اسلامی ، آمریکا را شیطان بزرگ می خواند به مردم آمریکا پیام می داد و با گوشه چشمی به تابوی رابطه با آمریکا در سازمان ملل از گفتگوی تمدنها می گفت.

در روابط بین الملل البته این رئیس جمهور بود که مقام رسمی و سخنگوی جمهوری اسلامی شمرده می شد اما آنچه رئیس جمهور خاتمی می گفت با عملکرد جمهوری اسلامی همخوان نبود. سیاست تنش زدایی دولت خاتمی، بی همراهی حاکمیت و رهبری ازپیش شکست خورده می نمود.

در سیاست داخلی نیز آنچه خاتمی به عنوان فضای باز و جامعه مدنی در ایران وعده می داد با یک حرکت قوه قضاییه که ریاستش را آیت الله خامنه ای گمارده بود بر باد رفت و مطبوعات اصلاح طلب در بهار سال ۷۹ فله ای تعطیل شدند و بسیاری از فعالان مطبوعاتی و مدنی زندان رفتند.



رهبر جمهوری اسلامی که می‌توان بخش حاکمیتی را در گفتار و کردارش خلاصه کرد، همواره به عنوان منتقد دولت های اصلاح طلب و اعتدالی عمل کرده و نقش دولت سایه را بازی کرده است، البته سایه ای سنگین که هر زمان اراده می‌کرده، می‌توانسته نفس دولت را بند بیاورد

دوران اصلاحات در اوج به افول گرایید. حتی همراهی مجلس اصلاح طلب ششم نیز نتوانست گره ای از کار دولت بگشاید. شورای نگهبان به نمایندگی حاکمیت، مجلس ششم را در تصویب طرح های اصلاحی فلج کرد و بعدتر نمایندگان اصلاح طلب را با نظارت استصوابی از سیاست اخراج کرد.

از آن سو رهبری، مجالی به دولت خاتمی در سیاست خارجی نداد و قوه قضاییه ضربات مهلکی به بدنه ی حامی اصلاحات وارد کرد و آنچنان شد که رییس جمهور بعدی نه یک اصلاح طلب که احمدی نژاد بود که به نظر می‌رسید قرار است این دو گانگی را به نفع حکومت ختم به خیر کند.

تفاوت دو چهره حکومت یکی هم این بود که چهره ای که دولت است هر هشت سال تغییر می‌کرد اما آن چهره که حکومت بود با ثبات اعطایی قانون اساسی به رهبری و مادام العمری عملی اش، تغییری نمی‌کرد و تنها پیر و پیرتر می‌شد. از آن سو در فقدان حزب و تشکیلات، روسای جمهور پس از هشت سال چنان از گردونه سیاست دور می‌افتادند که هیچ گاه نمی‌توانستند پیوندی به گذشته و آینده زنند. ناگزیر حکومت ریشه می‌گسترده و دولت در هر دوره و با هر رییس جمهور جدید که ربطی به گذشته نداشت، ضعیف و ناتوان می‌شد.

رهبر جمهوری اسلامی که می‌توان بخش حاکمیتی را در گفتار و کردارش خلاصه کرد، همواره به عنوان منتقد دولت های اصلاح طلب و اعتدالی عمل کرده و نقش دولت سایه را بازی کرده است، البته سایه ای سنگین که هر زمان اراده می‌کرده، می‌توانسته نفس دولت را

موهبت یک طرفه دوگانگی قدرت

دوگانگی حاکمیت هر چند برای روسای جمهور خیری نداشته و همواره سدی در راه تحقق وعده ها اما برای حاکمیت پر بهره بوده است. این دوگانگی باعث شده تا جمهوری اسلامی در دیالکتیک منصوب و منتخب، انتخابات پر شوری را برگزار کند و نمایش دموکراتیکی داشته باشد.

می توان گفت از انتخابات دوم خرداد سال ۷۶ تا به امروز رقابت میان دو نامزدی است که حکومت و دولت را نمایندگی می کنند و یا به عبارتی کشاکش میان بخش انتصابی و انتخابی است.

دوچهره گی حکومت به جمهوری اسلامی این توان را داده تا در سیاست خارجی به ابهام و ابهام کار پیش برد و گاه امتیاز بگیرد و گاهی نیز همچون زمانه دولت خاتمی از حمله خارجی بگریزد.

رهبر جمهوری اسلامی که می توان بخش حاکمیتی را در گفتار و کردارش خلاصه کرد، همواره به عنوان منتقد دولت های اصلاح طلب و اعتدالی عمل کرده و نقش دولت سایه را بازی کرده است، البته سایه ای سنگین که هر زمان اراده می کرده، می توانسته نفس دولت را بند بیاورد.

اختیارات گسترده رهبری به لطف حاکمیت دوگانه و پاسخگویی دولت و امکان نقد رییس جمهور در رسانه ها به پرده رفت و از نقد و مسوولیت پذیری مصون ماند. در واقع دولت ها نقش ضربه گیر را بازی می کنند و ناکارآمدی سیستم حکومت همه بر گردن شخص رییس جمهور است. دولت منطقه حائل است میان مردم و حکومت. رهبر جمهوری اسلامی هم سعی کرده تا با تفکیک اصل نظام که معنایش احیانا همان قوای حکومتی از شورای نگهبان تا سپاه و قوه قضاییه است از دولتها، اعتراضات و انتظارات مردم را به سمت رییس جمهور سوق دهد.

اینک یک چهره گی

شاید بتوان گفت که با شکست نسبی بگرام و سیاست تهاجمی آمریکا علیه جمهوری اسلامی و از طرفی اعتراضات و اعترافات گاه و بیگاه رییس جمهور روحانی که سعی دارد تا ریشه بحران و نابسامانی را به بخش های حکومتی نسبت دهد به زعم حاکمیت، دیگر دوگانگی حکومت صرفه ای ندارد.

منطقه حائل دولت که می توانست همچون ضربه گیر نظام عمل کند و انرژی اعتراضات را در یک هیجان انتخابات تخلیه کند، ناکارآمد افتاده است. اعتراضات دیمه سال ۹۶ نشان داد که بخشی از مردم معترض از دولت عبور کرده اند و به حکومت رسیده اند. دو چهره بودن نظام در عرصه بین المللی هم فاش شده است و چندان جدی گرفته نمی شود.

رئیس جمهور ترامپ، بی توجه به اختلاف دولت و حکومت، کلیت نظام سیاسی ایران را متهم می کند و نشانه می رود و به نظر می رسد، بحران منطقه خاورمیانه و شبح جنگ ایران و اسرائیل، چندان جایی برای تحرکات دیپلماتیک محمد جواد ظریف، وزیر خارجه، باقی نگذاشته است و دولت به زائده ای در سیاست های کلی نظام بدل گشته است.

اگر کارکرد دولت روحانی در چشم حاکمیت، رفع تحریم و توافق برجام و جلوگیری از اعتراض و بحران در ایران بود، به نظر می رسد اینک با ترک خوردن برجام نیمی از آن دست رفته و نیمه دیگر چنان با بحران های اقتصادی و اجتماعی متزلزل است که هر آن بیم انهدامش می رود.

یک چهره شدن حاکمیت البته تنها از یک وجه روی خواهد داد و آن هضم دولت در حکومت، می توان گفت بنابر تجربه دولت خاتمی، نهاد دولت این توانایی و اقتدار و شاید شجاعت را ندارد تا امتیازات و اختیاراتی را از حکومت طلب کند اما به نظر می رسد رهبری و سپاه که چندان خرسند از ادامه نیم بند برجام نیستند، این انگیزه و توانایی را دارند تا سرای دولت را به سرسرای حکومت ملحق کنند.

آیا اروپا از پس حفظ برجام برمی آید؟

شهر شهید ثالث روزنامه نگار و تحلیلگر

سران سه قدرت اروپایی می گویند خواهان حفظ برجام هستند



سران سه قدرت اروپایی می گویند خواهان حفظ برجام هستند

در حالی که پس از اعلام خروج آمریکا از توافق هسته ای با ایران، در روز ۱۸ اردیبهشت، سرنوشت یکی از پیچیده ترین توافق های بین المللی به مویی بسته بود، اروپا اعلام کرد که به

همکاری با ایران ادامه خواهد داد و مانع از فروپاشی برجام خواهد شد. پس از آن چشم‌ها به تهران خیره شد. رهبر ایران در جریان انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا اعلام کرده بود که "ما برجام را نقض نمی‌کنیم لکن اگر طرف مقابل (یعنی آمریکا) نقض کند، ما آن را آتش می‌زنیم."

با این حال، برخورد رهبر ایران متعادل‌تر از آن بود که تصور می‌شد. رهبر ایران با ابراز تردید درباره ادامه برجام با کشورهای اروپایی گفت: "اگر می‌خواهید، قرارداد بگذارید، تضمین عملی بگیریم، والا این‌ها همه همان کار آمریکا را خواهند کرد. اگر نتوانستید تضمین بگیرید که خب. البته من بعید می‌دانم. اگر نتوانستید تضمین قطعی بگیرید، دیگر نمی‌شود برجام را ادامه داد."

از توثیت آقای ظریف هم می‌شد استنباط کرد که رئیس جمهور (قاعدتا با نظر آقای خامنه‌ای) به وی ماموریت داده جهت حفظ برجام با اروپا وارد مذاکره، برای یافتن راه حل‌های اجرایی، شود.

بر اساس دستور اجرایی که ترامپ صادر کرده و حسب قوانین تحریمی، بخشی از تحریم‌ها روز ۴ اوت (۱۳ مرداد)، و بخش اصلی که می‌تواند به اقتصاد ایران تکان‌های شدیدی وارد کند و سیستم بانکی و صنعت نفت و گاز را هدف قرار دهد روز ۴ نوامبر (۱۳ آبان) جنبه اجرایی به خود خواهد گرفت.

سوال بزرگ اینجا است که آیا اروپایی‌ها قادر به حفظ برجام هستند؟

ترامپ: ایران برنامه هسته‌ای را از سرگیرد عواقب شدیدی منتظرش خواهد بود

گفتگوی روسای جمهوری ایران و فرانسه برای ادامه برجام

'اشبی که برجام شکست'؛ تاثیر خروج آمریکا بر اقتصاد و سیاست ایران
آیا ترامپ هنگام خروج از برجام 'دروغ' گفت؟

چه کشورهایی از خروج آمریکا از برجام حمایت کردند؟

اولا، این دولت‌های اروپایی نیستند که قرار است با ایران وارد داد و ستد و سرمایه‌گذاری و غیره شوند. این بخش خصوصی است که باید تمایل به کار با ایران را داشته باشد.

باید دید در نظام‌های مبتنی بر بازار آزاد دولت‌ها چطور می‌توانند بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ را متقاعد کنند که با ایران وارد روابط اقتصادی با دوام شوند در حالی که جریمه‌های سنگین آمریکا مانند شمشیر داموکلس بالای سر آنها در حال نوسان است. دو سال است که تحریم‌ها برداشته شده اما هنوز دولت‌های اروپایی نتوانسته‌اند بانک‌های بزرگ را راضی به کار با ایران کنند چه رسد به اینکه از روز ۴ نوامبر تحریم‌های هسته‌ای هم فعال شوند.

هرچند عده‌ای تصویر ترامپ و پرچم آمریکا را در تهران آتش زدند، رهبر ایران واکنش متعادل‌تری داشت

ثانیا، کافی است آمریکا یک شرکت و یا بانک را جریمه سنگین کند، بقیه همگی عقب خواهند

نشست. سال ۲۰۱۲ بانک استاندارد چارتر به دلیل معامله با ایران نزدیک به ۶۷۰ میلیون دلار جریمه شد. از آن تاریخ وضعیت کار با ایران هرگز عادی نشد.

دو نظریه ممکن است در این ارتباط مطرح شود.

اول، شکاف ایجاد شده بین اروپا و آمریکا بر سر موضوع خروج آمریکا از این معاهده بین‌المللی، به نظر برخی از متخصصین، بزرگترین شکاف را از دوران پایان جنگ سرد، بین اروپا و آمریکا ایجاد کرده است. از این‌رو گروهی از ناظران معتقدند که اروپا زیر بار قانون شکنی ترامپ نخواهد رفت و در صورتی که آمریکا شرکت‌های اروپایی را به دلیل کار با ایران مجازات کند اروپا متقابلاً واکنش نشان داده و به عبارت دیگر با آمریکا وارد "جنگ تجاری" خواهد شد.

این ادعا، ادعای کوچکی نیست. معنای این حرف دهان باز کردن شکافی عظیم از دل دنیای سرمایه‌داری است که در صورت تشدید می‌تواند پایه‌های سیستم مسلط بر اقتصاد و سیاست جهان را به لرزه در آورد. لذا تصور اینکه اروپا وارد جنگ تجاری با آمریکا بر سر ایران شود (هر چند که به هیچ وجه از حرکت ترامپ خشنود نیست) واقع‌گرایانه به نظر نمی‌رسد.

نظریه دیگر این است که اروپایی‌ها ممکن است ظرف شش ماه آینده که فرصت دارند، بتوانند آمریکا را قانع کنند تا از اجرای مجازات‌های اقتصادی علیه شرکت‌هایی که با ایران کار می‌کنند خودداری کند. دو ایراد به این نظریه وارد است.

اولاً بعید است ترامپ حاضر شود این موضوع را در برابر دید عموم اعلام کند و الا کل قضیه بازگرداندن تحریم‌ها بلاموضوع خواهد شد. از این‌رو، باز هم کمپانی‌های غربی و حتی شرقی حاضر به معامله با ایران نخواهند شد از ترس اینکه مبادا مورد مجازات آمریکا قرار گیرند. ثانیاً، ایراد دیگری که این قضیه دارد (که زمان اوباما هم بانک‌های اروپایی همین ایراد را با اوباما و دولتش مطرح می‌کردند و از کار با ایران خودداری می‌کردند) این است که حتی اگر دولت ترامپ قبول کند که از طریق وزارت خزانه‌داری خود، شرکت‌های اروپایی را جریمه نکند، نمی‌تواند چنین تضمینی را از سوی "دادگستری آمریکا" بدهد. به عبارت دیگر دادگستری آمریکا مستقل از دولت می‌تواند طبق قانون، شخصیت‌های حقیقی و حقوقی را که با ایران معامله می‌کنند جریمه کند.

مهمترین مسئله برای ایران فروش نفت است

در جمع بندی نهایی، تضمین از سوی اروپا برای حفظ برجام غیر عملی و غیرواقع‌بینانه به نظر می‌رسد.

در این صورت ایران چه خواهد کرد؟ مهمترین مسئله برای ایران فروش نفت است. ایران قبل از برجام ۱.۱ میلیون بشکه در روز صادرات داشت در حالی که در اردیبهشت امسال، یعنی ظرف دو سال صادراتش به ۲.۶ میلیون بشکه در روز رسیده است. به قدری نقش ایران در

بازارهای بین المللی تعیین کننده است که بر اثر حرکت ترامپ و پیش بینی کاهش صادرات نفت ایران، قیمت نفت به بالاترین حد خود ظرف ۳ سال و نیم گذشته (۷۷ دلار در هر بشکه) رسیده است.

نهایتاً، ایران تا روزی که بتواند نفت بفروشد در برجام باقی خواهد ماند. روزی که صادراتش کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کند، ماندن در برجام دیگر معنایی نخواهد داشت.

تلاش های دیپلماتیک در بالاترین سطح رهبران اروپا برای جلوگیری از فروپاشی توافق هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های جهانی شکل گرفته است. آنگلا مرکل با ولادیمیر پوتین گفتگو کرده و ترزا می با دونالد ترامپ تماس گرفته است. همزمان فرانسه در انتقادی تند گفته اروپا نباید هزینه تصمیم آمریکا را بپردازد.

این تلاش ها که سه روز پس از اعلام رسمی خروج آمریکا از برجام شدت گرفته همزمان شده با افزایش نگرانی از بازگشت تحریم‌های اقتصادی علیه ایران که به زودی آغاز خواهد شد و دامنه آنها اقتصاد اروپا را هم خواهد گرفت.

به همین دلیل، روز جمعه (۱۲ مه) برونو لومر، وزیر بازرگانی فرانسه ضمن "غیرقابل قبول" خواندن تحریم‌های آمریکا گفته کشورها به نظر اقتصادی "استقلال" دارند و با کشورهای اروپایی نباید مثل دولت‌های وابسته رفتار کرد؛ دولت‌هایی که راه را باز می‌کنند تا آمریکا پلیس اقتصاد جهان باشد.

فرانسه که صدای انتقاد وزرایش بسیار بلند شده از اتحادیه اروپا خواسته تدابیری اتخاذ کند که با بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه ایران، حوزه یورو لطمه نبیند.

چرا فرانسه؟

فرانسه که ابرگروه هواپیماسازی آن، ایرباس، قراردادی بزرگ برای فروش ۱۰۰ فروند هواپیما به ایران دارد ممکن است از آغاز دوباره تحریم‌ها علیه تهران بیشترین لطمه را ببیند. قطعاتی از هواپیماهای مسافربری ایرباس ساخت آمریکا است و به همین علت ممکن است شامل تحریم شود.

علاوه بر این کارخانجات خودروسازی بزرگ ایران چون ایران خودرو و سایپا قراردادهای همکاری با پژو و رنو فرانسه دارند.

توتال فرانسه، یکی از بزرگترین شرکت‌های نفتی جهان هم در صنایع انرژی و نفت و گاز ایران مشارکت گسترده دارد.

آلمان و فرانسه که به ترتیب دو غول بزرگ اقتصاد در اتحادیه اروپا هستند پس از امضای توافق هسته‌ای با ایران در تابستان ۲۰۱۵ (سه سال پیش) صادرات و مشارکت در طرح‌های اقتصادی در ایران را به سرعت افزایش دادند و حالا ظرف کمتر از سه سال پس از آغاز این روابط تجاری نگران آنند که با از سرگیری تحریم‌های هسته‌ای علیه تهران، ناچار به ترک این کشور شوند.

در همین حال گزارش شده که وزاری بازرگانی آلمان و فرانسه مشغول رایزنی با استیو منوچن، وزیر دارایی آمریکا هستند تا راهی برای معاف شدن کشورشان از تحریم‌های آمریکا شوند.

آن طور که وزارت دارایی آمریکا اعلام کرده از سرگیری دوباره تحریم‌های ایران در دو

مرحله صور خواهد گرفت: مرحله اول ۹۰ روز بعد از خروج آمریکا از برجام (اوت-مرداد) و مرحله دوم ۱۸۰ روز دیگر (نوامبر-آبان).

کشورهای اروپایی امیدوارند با اتخاذ تدابیری ضمن برجا نگه داشتن برجام، تاثیرات سیاسی و اقتصادی تصمیم آقای ترامپ برای خارج کردن کشورش از این توافق را به حداقل برسانند. «یواس آ تودی» تحلیل کرد؛

به این 3 دلیل، نقشه برجامی ترامپ شکست می‌خورد / ترامپ در نیم قرن اخیر، صدها بار از توافق های تجاری خارج شده اما این بار همه چیز فرق می‌کند

دونالد ترامپ در طی پنجاه سال مذاکرات تجاری بیش از صدها بار از توافق خارج شده است و با این اقدام خواهان دستیابی به توافق بهتر است. به تعبیری خروج ناگهانی از توافق و دستیابی به یک توافق بهتر به استراتژی وی تبدیل شده است. آیا این استراتژی در توافق هسته‌ای ایران منجر به توافق بهتر می‌شود؟

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

یواس آ. تودی در مطلبی به قلم مارتی لاتز نوشت: دونالد ترامپ در طی پنجاه سال مذاکرات تجاری بیش از صدها بار از توافق خارج شده است و با این اقدام خواهان دستیابی به توافق بهتر است. به گزارش «انتخاب»، در ادامه این یادداشت آمده است: به تعبیری خروج ناگهانی از توافق و دستیابی به یک توافق بهتر به استراتژی وی تبدیل شده است. آیا این استراتژی در توافق هسته‌ای ایران منجر به توافق بهتر می‌شود؟ حامیان دونالد ترامپ اهداف وی را در خروج از توافق شامل موارد زیر می‌دانند:

- ۱- ایجاد ممنوعیت برای توانمندی هسته‌ای ایران با انقضای توافق پس از سال ۲۰۳۰
- ۲- کاهش حمایت از مقاومت لبنان و فلسطین و یمن و محدودیت در توانمندی موشک‌های بالستیک ایران
- ۳- بی ثبات سازی ایران
- ۴- ارسال سیگنال به کره شمالی و تاکید بر این که آمریکا از توافق بد خارج خواهد شد.
- ۵- تحقق وعده‌های انتخاباتی
- ۶- ایجاد یک خاورمیانه امن‌تر

منتقدان ترامپ بر این عقیده هستند که اهداف فوق حول محور باور نادرست ترامپ می‌چرخد، زیرا فکر می‌کند که اکنون می‌تواند با ایران برای یک توافق بهتر مذاکره کند. اما در واقع وی به سه دلیل در دستیابی به هدف خود با شکست روبرو خواهد شد:

۱- اکثریت قریب به اتفاق متخصصان و رهبران سیاست خارجی (دو حزب جمهوری خواه و دموکرات ها) بر این عقیده هستند که خروج آمریکا از توافق هسته‌ای منجر به خطرناک‌تر شدن وضعیت خاورمیانه می‌شود. در حالی که برخی از آن‌هایی که به شدت نسبت به توافق هسته‌ای ایران انتقاد داشتند با خروج آمریکا از برجام مخالفت کردند، زیرا آن‌ها معتقدند که **توافق هسته‌ای حداقل می‌توانست توانمندی تسلیحات هسته‌ای ایران را تا سال ۲۰۳۰ متوقف کند، اما بدون توافق، ایران می‌تواند زودتر به آن دست پیدا کند.** کارشناسان همچنین احتمال این که ترامپ به سرعت بتواند زمینه برقراری مذاکرات مجدد برای دستیابی به توافق بهتر را فراهم کند ضعیف می‌دانند. همچنین خروج آمریکا از توافق اعتبار ما را در سرتاسر جهان به طور خاص در مقابل کره شمالی تضعیف می‌کند. آن‌ها معتقدند که اگر تحریم‌ها مجدداً علیه ایران تحمیل گردد چگونه ایران می‌تواند به این کشور اعتماد کند که توافق خود پای بند باشد؛ بنابراین احتمال دستیابی به یک توافق بهتر در کوتاه مدت ضعیف است. به جز بنیامین نتانیاهو و عربستان سعودی دشمن قسم خورده ایران؛ تمام کارشناسان سیاست خارجی و رهبران بین المللی حتی ارتش اسرائیل مخالف خروج آمریکا از برجام هستند.

۲- اگر پلن B بد است چرا دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای خارج شد؟ دومین دلیلی که استراتژی وی در دستیابی به اهداف با شکست روبرو خواهد شد به این برمی‌گردد که وی فکر می‌کند می‌تواند بر موانع غلبه کند و یک پلن B بهتری را ایجاد کند. اما متأسفانه مهارت‌های وی به آن اندازه‌ای نیست که ادعا می‌کند. خروج از برجام مبتنی بر دستیابی به اهداف سیاسی شخصی خود است که همان تحقق وعده‌های انتخاباتی است.

۳- دلیل پایانی دیگری که باعث شکست استراتژی وی در دستیابی به اهدافش می‌شود تفاوت قابل توجه بین مذاکرات تجاری مرتبط با معاملات املاک و مستغلات با مذاکره پیچیده دیپلماتیک در سطح بین المللی است. حتی اگر ترامپ بهترین مذاکره کننده تجاری باشد به این معنا نیست که او می‌تواند به طور موثر به عنوان رئیس جمهور به مذاکره بپردازد. در حقیقت بسیاری از مذاکراتی که وی به عنوان رئیس جمهور انجام داده موفقیت آمیز نبوده است. برای نمونه می‌توان به مسئله ساخت دیوار مکزیکی و پرداخت هزینه‌های آن، لغو و جایگزینی قانون اوباما کر و همچنین جنگ تجاری ساده با چین می‌توان اشاره کرد. اگرچه وی در کاهش مالیاتی با موفقیت همراه بوده، اما همچنان شواهدی از برتری او در مذاکرات رئیس جمهور وجود ندارد. من امیدوارم که او ثابت کند که من اشتباه کرده‌ام.

وبلاگ مشرق

ظریف مأمور بود و معذور؛ مسئول «برجام» رهبری است!

جلایی‌پور: جلوگیری از تکرار انحلال شورای شهر، وظیفه همه اصلاح‌طلبان است. سرویس سیاست مشرق - «وبلاگ مشرق» خوانشی روزانه در لابه‌لای اخبار و مطالب رسانه‌های کشور است. ما درباره این خوانش البته تحلیل‌ها و پیشنهادهایی را نیز در اختیار مخاطبان محترم می‌گذاریم. شنبه تا چهارشنبه ساعت ۷:۳۰ با بسته ویژه خبری-تحلیلی مشرق همراه باشید.

«غلامرضا حیدری»، از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس شورای اسلامی در بخشی از مصاحبه خود با شماره سه‌شنبه گذشته روزنامه آرمان امروز درباره «برجام روحانی» اظهار کرده است:

تمام مذاکرات برجام با نظر مستقیم رهبر انقلاب صورت گرفته و وزیر امور خارجه تنها مجری اوامر رهبری در برجام بوده و جایگاه تصمیم‌گیرنده و یا سیاستگذار نداشته است! [1]

*پیش از او، «رسول منتجب‌نیا» دیگر فعال اصلاح‌طلب نیز در اظهاراتی تأکید کرده بود که تصمیم برجام، نه تصمیم روحانی که کار رهبری نظام بوده است. [2]

«محمدرضا تابش»، از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس هم به تازگی حتی ادعا کرده است که ادامه مذاکره با اروپا پس از خروج آمریکا از برجام نیز تصمیم رهبری نظام است! [3]

رقابت آیت‌الله خامنه‌ای و احمدی نژاد برای مذاکره با آمریکا

چکیده: طبیعی بود که تمام این اعلام آمادگی‌ها برای مذاکره یا برقراری رابطه با ایالات متحده، در حالی که

آمریکایی ها مشغول مقدمات مذاکره محرمانه با نمایندگان مورد تایید آیت الله خامنه ای بودند، بی ثمر بماند. اما پافشاری های مکرر آقای احمدی نژاد بر مذاکره با دولت آمریکا در مهرماه ۱۳۹۱، با این ادعا که او واقعا معتقد بوده "مذاکره در شرایطی که دشمن تصور می کند دست بالا را دارد و تحریم ها اثر گذار بوده است، به ضرر کشور تمام می شود" همخوانی...

حسین باستانی:

محمود احمدی نژاد امروز با انتشار یک بیانیه، تلویحا رهبر جمهوری اسلامی را به شتابزدگی حساب نشده برای مذاکره محرمانه با آمریکا، در اواخر دولت دهم متهم کرده است.

آقای احمدی نژاد گفته: "زمانی که قرار بود مذاکرات با آمریکا در عمان شروع شود، در جلسه ای با حضور مقامات ارشد کشور اعلام کردم که مذاکره در شرایطی که دشمن تصور می کند دست بالا را دارد و تحریم ها اثر گذار بوده است، به ضرر کشور تمام می شود و خواهش کردم که شش ماه مهلت دهند تا با اجرای چند برنامه ضربتی اقتصادی و تقویت قدرت اقتصادی مردم، آثار تحریم ها کنترل شود و مذاکره در شرایط برابر انجام گیرد. حتی اعلام کردم که حاضرم خانواده ام را به گروگان و تضمین بگذارم که اگر طرح ها موفق نبود، خود و خانواده ام را اعدام نمایم." پیشنهادی که مورد قبول "مقامات ارشد کشور" واقع نشده و به عبارت دیگر، رهبر با دور زدن رئیس جمهور وقت، شخصا مسئولیت مذاکره با آمریکا را به عهده گرفته است.

چنانکه علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه وقت در آذر ۹۴ به تفصیل توضیح داده، مذاکرات عمان، با اجازه مستقیم آقای خامنه ای به گفتگوی مخفیانه معاونان وزات خارجه ایران و آمریکا در مسقط در اسفند ۱۳۹۱ انجامید. همان مذاکراتی که آقای صالحی می گوید وقتی پس از انتخابات ۱۳۹۲، حسن روحانی را در جریان آنها قرار داده، رئیس جمهور جدید "تعجب" کرده است.

فارغ از میزان اعتبار این ادعای محمود احمدی نژاد که وی -بعد از هفت سال و نیم ریاست جمهوری- می خواسته در ماه های آخر مسئولیت خود "قدرت اقتصادی" کشور را تقویت و "آثار تحریم ها را کنترل کند" تا بعد بشود با آمریکا مذاکره کرد، روایت اخیر او از جلسه با رهبر، قابل تأمل است.

آقای احمدی نژاد می گوید وی در دیدار با آیت الله خامنه ای، گفته مذاکره با آمریکا در آن زمان مشخص به صلاح نیست.

با این حال، شواهدی در دست است که رئیس دولت دهم، در زمان مورد اشاره خود، شخصا پی گیر مذاکره با آمریکا بوده است.

درواقع محمود احمدی نژاد، چند ماه قبل از مذاکرات محرمانه ایران و آمریکا در عمان، و در زمان اوج تحریم های مالی و نفتی اتحادیه اروپا و ایالات متحده، مکررا برای مذاکره با آمریکا تلاش کرده بود.

مثلا وی در سفر مهر ۱۳۹۱ خود به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل، در مصاحبه با شبکه های تلویزیونی سی بی اس و پی بی اس از مسئولان آمریکایی پرسید: "چرا توان خود را صرف تعامل با یکدیگر نکنیم؟" و در ارتباط با اختلاف ایران و غرب برسر پرونده هسته ای گفت: "اگر آمریکایی ها اراده کنند که این مساله تمام شود کمک بزرگی به تفاهم خواهد بود." آقای احمدی نژاد در اظهار نظر دیگری در مصاحبه با شبکه ان اچ کی ژاپن، با تأکید بر اینکه روابط خصمانه میان ایران و آمریکا "باید در جایی پایان یابد"، بدون توضیح بیشتر گفت که "روند امور به سمت حل و فصل شدن مسائل جریان دارد".

محمود احمدی نژاد همچنین، در مصاحبه با آسوشیتد پرس به امکان مذاکره دوجانبه در آمریکا اشاره کرد و افزود: "اگر بنا به مذاکره در آمریکا باشد، مسائل زیادی برای گفتگو وجود دارد." او در مصاحبه جداگانه ای با نیویورک تایمز تکرار کرد: "در شرایط عادلانه و بر اساس احترام متقابل، برای حل مسائل آماده گفت و گو هستیم".

رئیس دولت دهم، در دیدار با جمعی از دانشجویان آمریکایی حتی پیشنهاد عادی سازی روابط تهران و واشنگتن را داد: "جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد تا چنانچه دولت آمریکا قدمی برای ایجاد تفاهم بین دو کشور بردارد در ذهنیت منفی خود نسبت به آمریکا تأمل کرده و کمک کند تا سریع تر روابط دو کشور بهبود یابد".

طبیعی بود که تمام این اعلام آمادگی ها برای مذاکره یا برقراری رابطه با ایالات متحده، در حالی که آمریکایی ها مشغول مقدمات مذاکره محرمانه با نمایندگان مورد تایید آیت الله خامنه ای بودند، بی ثمر بماند.

اما پافشاری های مکرر آقای احمدی نژاد بر مذاکره با دولت آمریکا در مهرماه ۱۳۹۱، با این ادعا که او واقعا معتقد بوده "مذاکره در شرایطی که دشمن تصور می کند دست بالا را دارد و تحریم ها اثر گذار بوده است، به ضرر کشور تمام می شود" همخوانی ندارد.

به عبارت دیگر، ظاهرا مشکل اصلی محمود احمدی نژاد، نه مذاکره با آمریکا در شرایط ضعف، که "دور زده شدن" خود در این مذاکرات از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران بوده است.

آیت الله خامنه ای "مذاکره محرمانه" با آمریکا را پیش از روی

کار آمدن روحانی شروع کرد

چکیده: در هر حال، آیت الله خامنه ای چند هفته بعد از مذاکرات مسقط، در اول فروردین ۱۳۹۲ با اشاره به "تحریم نفت، تحریم بانک و مبادلات بانکی و پولی بین جمهوری اسلامی و کشورهای دیگر" گفت: "آمریکایی ها اظهار خوشحالی کردند و گفتند که فلانی اعتراف کرد که تحریم ها اثر گذاشته. بله، تحریم ها بی اثر نبود؛ می خواهند خوشحالی کنند، بکنند." اظهاراتی که ظاهرا حکایت داشت وی مایل به پافشاری بر گفته های قبلی خود در مورد بی تأثیر بودن تحریم ها...

حسین باستانی روزنامه نگار با اشاره به خاطرات هلاری کلینتون وزیر امور خارجه سابق آمریکا، تلویحا اشاره می کند که آیت الله خامنه ای خود البته با واسطه شروع کننده مذاکرات محرمانه با آمریکا بوده است. وی در یادداشتی در این باره نوشت:

هلاری کلینتون وزیر امور خارجه سابق آمریکا، در کتاب خاطرات خود به نام "گزینه های دشوار" نوشته سلطان قابوس پادشاه عمان، در ژانویه ۲۰۱۱ (دی ۸۹) به ایالات متحده پیشنهاد داده که میان این کشور و ایران میانجیگری کند و این پیشنهاد پذیرفته شده.

علی اکبر صالحی وزیر خارجه وقت ایران در مصاحبه ای با ماهنامه دیپلمات در آذر ۹۴ تایید کرده که سلطان قابوس در این زمینه به آیت الله خامنه ای نامه نوشته و این نامه به دست رهبر رسیده است. آقای صالحی می افزاید در اواسط سال ۹۰ پس از دریافت نامه سلطان قابوس در یک ملاقات خصوصی با آیت الله خامنه ای در مورد مذاکره محرمانه با آمریکایی ها مشورت کرده و رهبر گفته است این مذاکرات انجام شود.

علی اکبر صالحی در مصاحبه جداگانه ای با روزنامه ایران می افزاید تماس های طرفین برای زمینه چینی مذاکرات معاونان وزرات خارجه ایران و آمریکا مدتی ادامه پیدا کرده تا نهایتا، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۱۲ آمریکا (آبان ۱۳۹۱) آمریکایی ها خواستار توقف تماس های محرمانه تا زمان روشن شدن نتایج انتخابات آمریکا شده اند.

چهار ماه بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا (در مارس ۲۰۱۳ یا اسفند ۱۳۹۱) سرانجام با چراغ سبز آیت الله خامنه ای ملاقات محرمانه معاونان وزرات امور خارجه ایران و آمریکا در مسقط عمان برگزار می شود. این ملاقات، حدود سه ماه تا انتخابات ریاست جمهوری ایران فاصله دارد. پس از برگزاری آن، این بار آیت الله خامنه ای است که، به گفته علی اکبر صالحی، خواستار متوقف شدن مذاکرات تا زمان بعد از انتخابات می شود.

به گفته آقای صالحی، بعد از پیروزی حسن روحانی در انتخابات ۱۳۹۲، او رئیس جمهور جدید را در جریان مذاکرات پشت پرده ای که در دوره دوم آقای احمدی نژاد و به اذن آیت الله خامنه ای با آمریکایی ها انجام شده قرار داده و اطلاع از این موضوع، "تعجب" آقای روحانی را برانگیخته است.

غلامرضا مصباحی مقدم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در اردیبهشت ۹۵ نقل کرده که با تشدید تحریم های هسته ای "احمدی نژاد گزارشی به رهبری داد که ما به آخر خط رسیدیم و با توجه به قطعنامه های شورای امنیت درباره انرژی هسته ای باید آن را امضا کنیم". وی افزود پس از آن، آقای احمدی نژاد گفته که در غیر این صورت نمی تواند مسئولیت پرونده هسته ای را بپذیرد و آیت الله خامنه ای پاسخ داده "خودم این مسئولیت را قبول می کنم".

واضح نیست که زمان این مکالمه، مشخصا قبل از مذاکرات هسته ای محرمانه اسفند ۱۳۹۱ معاونان وزارت امور خارجه ایران و آمریکا در مسقط بوده یا خیر، ولی واضح است که به لحاظ زمانی، نزدیک به آن بوده است.

در هر حال، آیت الله خامنه ای چند هفته بعد از مذاکرات مسقط، در اول فروردین ۱۳۹۲ با اشاره به "تحریم نفت، تحریم بانک و مبادلات بانکی و پولی بین جمهوری اسلامی و کشورهای دیگر" گفت: "آمریکایی ها اظهار خوشحالی کردند و گفتند که فلانی اعتراف کرد که تحریم ها اثر گذاشته. بله، تحریم ها بی اثر نبود؛ می خواهند خوشحالی کنند، بکنند." اظهاراتی که ظاهرا حکایت داشت وی مایل به پافشاری بر گفته های قبلی خود در مورد بی تاثیر بودن تحریم ها نیست.

این گفته آقای خامنه ای، کمتر از سه ماه قبل از انتخاباتی بیان شد که نتیجه آن، روی کار آمدن حسن روحانی و سپس شروع مذاکرات منجر به برجام بود.

سخنان غیرمنتظره روس ها: حفظ برجام بدون آنکه تهران امتیازاتی بدهد، غیرممکن است!

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه گفت: امکان بحث و گفتگو درباره آینده برجام بدون مشارکت آمریکا وجود دارد. او در عین حال افزود: حفظ توافق هسته ای بدون آنکه تهران امتیازاتی بدهد غیرممکن است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه گفت: امکان بحث و گفتگو درباره آینده برجام بدون مشارکت آمریکا وجود دارد.

به گزارش «انتخاب»، او در عین حال افزود: **حفظ توافق هسته ای بدون آنکه تهران امتیازاتی بدهد غیرممکن است.** بر اساس گزارش رویترز به نقل از خبرگزاری اینترفاکس، معاون وزیر خارجه روسیه همچنین گفت: تصمیم آمریکا درمورد ایران و توافق هسته ای، بدون در نظر گرفتن ملاحظات، در بحبوحه شروع گفت و گو ها در شبه جزیره کره اخذ شده است.

معاون وزیر خارجه روسیه: سخنی از امتیاز دادن ایران در برجام نگفته ام

معاون وزیر امور خارجه روسیه با بیان اینکه خبرگزاری اینترفاکس تمامی صحبت های امروز او را به درستی (به زبان انگلیسی) بازتاب داده بود، ادامه داد: فقط تیتیر این خبر کاملاً برعکس اظهارات من بود.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

به گزارش انتخاب، معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد که به هیچ وجه سخنی از امتیاز دادن ایران برای حفظ توافق هسته ای (برجام) مطرح نکرده است.

«سرگئی ریابکوف» سه شنبه شب در مسکو با بیان این مطلب توضیح داد: «به هیچ وجه نگفته ام که ایران باید امتیاز بدهد.»

ریابکوف با بیان اینکه خبرگزاری اینترفاکس تمامی صحبت های امروز او را به درستی (به زبان انگلیسی) بازتاب داده بود، ادامه داد: فقط تیتیر این خبر کاملاً برعکس اظهارات من بود.

معاون وزیر امور خارجه روسیه با بیان اینکه چندین رسانه امروز در محل سخنرانی وی حضور داشتند و هیچ کدام چنین اشتباهی نکرده اند، یادآور شد: در همین رابطه با خبرگزاری اینترفاکس تماس گرفتم و گفتم آن تیتیری که صحبت های من را برعکس نشان می دهد را تغییر دهند و اینترفاکس هم قول داد که این کار را انجام دهد.

ریابکوف در پاسخ به این پرسش مبنی بر اینکه آیا خبرهای امروز برخی از رسانه های جهان و ایران به نقل از شما، اشتباه برداشتی بوده است، گفت: بله، این اخبار به هیچ وجه با واقعیت تطابق ندارد و **ما به هیچ وجه از ایران**

نمی توانیم بخواهیم که امتیازی بدهد بلکه معتقدیم برجام یک توافق کامل و متوازن است که طرفین روی آن بسیار فکر کرده اند و باید حفظ شود.

معاون وزیر خارجه روسیه خاطرنشان کرد: اینکه اکنون چیز دیگری از ایران خواسته شود، کاملاً نادرست، غیرسازنده و زیان بار است؛ برعکس ما اکنون باید به همراه ایران شرایطی را فراهم کنیم که از فعالان اقتصادی فعال در ایران، دفاع شود.

وی افزود: اگر ایران ببیند که چنین شرایطی فراهم می شود آنگاه امکان حفظ برجام بالا می رود و روسیه همراه با ایران در این جهت حرکت خواهد کرد.

ریابکوف افزود: می خواهم سخنی که در نشست گفتم را بار دیگر تکرار کنم؛ هفت رسانه اظهارات امروز من را انعکاس دادند که در آن گفتم هم اکنون برخی دولت ها تلاش می کنند تا موضوعاتی همچون سیاست منطقه ای ایران و برنامه موشکی این کشور را که در برجام مورد بحث نبودند را مطرح کنند.

معاون وزیر امور خارجه روسیه اظهار داشت: همچنین در این نشست گفتم، زمانی که در خصوص رسیدن به برجام گفت وگو می کردیم، همه طرفین با فکر (دور اندیشی) تصمیم گرفتند تا موضوعاتی غیر از برنامه هسته ای ایران و تحریم ها را مورد بحث قرار ندهند.

ریابکوف با بیان اینکه ما این کار را کردیم و به توافق هسته ای (برجام) دست یافتیم، توضیح داد: دلیل این تصمیم آن بود که بتوانیم به یک توافق جامع دست یابیم؛ اگر اکنون کسی بخواهد دوباره آن موضوعات را مورد بحث قرار دهد، شرایط خطرناکی پدید می آید و ما دقیقاً از همین شرایط نگران هستیم؛ به همین خاطر من به هیچ وجه نگفتم که ما خواستار این هستیم که ایران امتیازاتی بدهد.

برخی رسانه های خارجی روز سه شنبه به نقل از معاون وزیر خارجه روسیه اعلام کرده بودند که حفظ توافق هسته ای ایران (برجام) بدون اینکه تهران امتیازات جدیدی واگذار کند، غیرممکن خواهد بود اما ریابکوف این خبر را تکذیب کرد.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا سه شنبه هفته گذشته اعلام کرد که از برجام خارج می شود. این اقدام وی با مخالفت شدید طرف های دیگر برجام روبرو شد.

طرف های اروپایی اعلام کرده اند که به توافق هسته ای پایبند هستند.

حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران در واکنش به اقدام ترامپ، اعلام کرد که تهران به همکاری های خود با پنج کشور باقیمانده در توافق هسته ای ادامه خواهد داد و چنانچه از منافع برجام منتفع نشود، نظام تصمیم مقتضی را خواهد گرفت.

وزیر امور خارجه کشورمان رایزنی های خود درباره توافق هسته ای را که به دستور روحانی صورت می گیرد، از شنبه شب آغاز کرد.

محمدجواد ظریف ابتدا به چین و روسیه رفت و امروز وارد بروکسل شد. وی قرار است روز چهارشنبه در بروکسل با وزیران خارجه فرانسه، آلمان، انگلیس و فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار و گفت وگو کند.

منبع: ایرنا

خبرنگاران روس در تویتر: سخنان ریابکوف از سوی رویترز اشتباه ترجمه شده؛ او نگفته «حفظ برجام بدون آنکه تهران امتیازاتی بدهد، غیرممکن است»

برخی خبرنگاران روس در تویتر از ترجمه اشتباه رویترز از سخنان ریابکوف معاون وزیر خارجه روسیه خبر داده اند

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

رویترز نوشت: سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه گفت: امکان بحث و گفتگو درباره آینده برجام بدون مشارکت آمریکا وجود دارد.

به گزارش «انتخاب»، او در عین حال افزود: حفظ توافق هسته ای بدون آنکه تهران امتیازاتی بدهد غیرممکن است. بر اساس گزارش رویترز به نقل از خبرگزاری اینترفاکس، معاون وزیر خارجه روسیه همچنین گفت: تصمیم آمریکا درمورد ایران و توافق هسته ای، بدون در نظر گرفتن ملاحظات، در بحبوحه شروع گفت و گو ها در شبه جزیره کره اخذ شده است.

تکمیلی //

برخی خبرنگاران روس در توییت از ترجمه اشتباه رویترز از سخنان ریابکوف معاون وزیر خارجه روسیه خبر داده اند

ترجمه درست سخنان ریابکوف: آمریکا وانمود می کند بدون امتیاز جدید از سوی ایران، حفظ برجام غیرممکن است

رونمایی از طرح اروپا برای «حفظ منافع اقتصادی ایران از برجام»

موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از دیدار با ظریف و وزرای خارجه سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان، طرح‌های مد نظر این اتحادیه برای حفظ منافع اقتصادی ایران در برجام را برشمرد.

کد خبر: ۷۹۹۶۰۴

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از دیدار با ظریف و وزرای خارجه سه کشور اروپایی، طرح‌های مد نظر برای حفظ منافع اقتصادی ایران در برجام را برشمرد. به گزارش «تابناک»؛ فدریکا موگرینی، سه‌شنبه شب پس از مذاکرات ایران و سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان بیانیه‌ای قرائت و در آن خطوط پیشنهادی اتحادیه اروپا برای حفظ منافع اقتصادی ایران در برجام را تشریح کرد.

وی که در بروکسل در جمع خبرنگاران صحبت می‌کرد، هدف از دیدارهای امروز را «بحث درباره خطوط مشترکمان و مسیر پیش روی ما پس از اعلام خروج ایالات متحده از برجام» خواند و گفت: «ما تعهد خود به اجرای مداوم، کامل و مؤثر توافق هسته‌ای با ایران را یادآور شدیم. [این توافق] به عنوان یک عنصر کلیدی در معماری منع اشاعه جهانی و یک دستاورد چشمگیر دیپلماتیک با اتفاق آرا توسط قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل تأیید شده است.»

وی ادامه داد: «همه ما از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای با ایران ابراز تأسف کرده و تأیید کردیم که برداشته شدن تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای و عادی‌سازی تجارت و روابط اقتصادی با ایران، جزئی ضروری از این توافقنامه است. ما بر تعهد مشترکمان بر اطمینان از اینکه این [هدف] همچنان محقق باشد، تأکید و از همین روی توافق کردیم، گفت‌وگوهایمان را در تمام سطوح تعمیق کنیم. همین امروز هم کارشناسان ما ساعت‌های زیادی را با هم کار کردند.»

موگرینی گفت: قرار است گفت‌وگوهای فشرده‌ای درباره راهکارهای حفظ منافع اقتصادی ایران در برجام بین طرفین صورت گیرد.

برخی سرفصل‌های بیانیه مطبوعاتی موگرینی عبارتند از؛ در پی اعلام ایالات متحده آمریکا، مبنی بر خروج آن کشور از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور امنیتی و سیاست خارجی و وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، فرانسه، آلمان و انگلیس در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۷ در بروکسل دیدار کردند. شرکت کنندگان در این نشست؛

- تعهد خود در اجرای کامل و مؤثر برجام را که به اتفاق آرا توسط قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به عنوان عنصری کلیدی در ساختار نظام عدم اشاعه هسته‌ای جهانی و یک دستاورد دیپلماتیک قابل توجه مورد تأکید قرار گرفته است، یادآوری کردند.

- با اظهار تأسف از خروج آمریکا از برجام، بر اینکه رفع تحریم‌های مرتبط هسته‌ای و عادی سازی تجارت و روابط اقتصادی با ایران بخش‌های اساسی توافق [برجام] را تشکیل می‌دهد، صحنه گذاردند. آن‌ها [همچنین] بر تعهد خود به ایجاد اطمینان نسبت به ادامه تحقق اهداف تأکید و موافقت کردند که گفت‌وگوهای خود را در راستای این هدف تعمیق بخشند.

- به طور ویژه متعهد شدند که مباحث کارشناسی فشرده‌ای را با ایران در خصوص مسائل زیر، با هدف رسیدن به راه حل‌های عملی [ظرف مدت چند هفته آینده] آغاز کنند؛

← حفظ و تعمیق روابط اقتصادی با ایران

← تداوم فروش نفت، گاز، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی ایران و تعاملات مالی مربوطه

← تعاملات مؤثر بانکی با ایران

← ادامه روابط حمل و نقل مؤثر دریایی، زمینی و هوایی و خط آهن با ایران

← تأمین بیشتر اعتبارات صادراتی اتحادیه اروپا و ایجاد مسیرهای ویژه در حوزه‌های مالی، بانکی، بیمه‌ای و تجاری با هدف تسهیل همکاری‌های اقتصادی و مالی شامل ارائه حمایت‌های عملی از تجارت و سرمایه گذاری

← تکمیل و اجرای بیشتر یادداشت تفاهم و قراردادهای منعقد شده بین شرکت‌های اروپایی و طرف‌های ایرانی

← سرمایه گذاری بیشتر در ایران

← حمایت از فعالان اقتصادی اتحادیه اروپا و تأمین فضای اطمینان بخش حقوقی

← ایجاد هر چه بیشتر فضای شفاف و قانونمند اقتصادی

- یک بار دیگر عزم و اراده خود را برای اجرای برجام در تمامی بخش‌های آن همراه با حسن نیت و در فضایی سازنده مورد تأکید قرار داده و موافقت کردند به مشورت‌های فشرده خود در همه سطوح و با سایر اعضای برجام ادامه دهند.

گفتنی است پیش از قرائت این بیانیه، دکتر ظریف، وزیر خارجه کشورمان در جمع خبرنگاران ابراز امیدواری کرده بود، مفاد این بیانیه با اقدامات عملی طرف‌های غربی در هفته‌های پیش روی همراه شود.

تهدید علیه رئیس کل بانک مرکزی

آغاز طرح کودتا علیه روحانی

از فردای سخنرانی او در مجلس

پس از چند روز شایعه درباره استعفای "سیف"، رئیس کل بانک مرکزی در دولت روحانی،



وی در جلسه فراکسیون مستقل مجلس گفت:

ما توانستیم گریبان سرپرست یکی از موسسات مالی که ۱۲ هزار میلیارد تومان پول مردم را جمع کرده بود و حتی دیپلم هم نداشت و مسلح وارد بانک مرکزی می‌شد و من را هم تهدید می‌کرد بگیریم. ۲۵ درصد نقدینگی کشور در این موسسات در گردش بود.

ظاهراً سیف هنوز تحت تاثیر تهدید آن سرپرست و پشت جبهه او قرار دارد زیرا **جرات نکرد اسم این موسسه مالی را بر زبان آورد** و یا اگر در آن کمیسیون بر زبان آورد رسانه‌ها جرات نکردند آن را منتشر کنند!

سیف نامی از هیات مدیره و هیات امنای آن موسسه و سالهای فعالیت آن و آنچه با پول مردم کرده نبرد و نگفت که این تنها یک فقره و نمونه کوچک است. روحانی هنگام تقدیم بودجه به مجلس طی سخنانی گفت که ۲۵ درصد پول مملکت در ۶ موسسه جمع شده است که رهبری هم برای گرفتن گریبان آنها موافقت کرده است. توطئه علیه دولت پس از این سخنرانی تشدید شد و مشهد تبدیل شد به کانون کودتا و در تهران نیز اتاق بازرگانی حملات خود به دولت را تشدید کرد و همه باهم بحران ارز را بوجود آوردند تا دولت را زمین بزنند. توطئه کودتای دیماه در مشهد که در عرض ۲۴ ساعت به شورش مردم علیه کل نظام انجامید و

سازماندهندگان کودتا علیه دولت را وحشت زده کرد نیز بخشی از همین اتحاد نامقدس بود. اتحاد و کودتائی که در روزهای 7 و 8 دیماه تصور کردند کار دولت تمام است و روحانی رفتنی است و دولت موقت - لابد به سرپرستی سید ابراهیم رئیسی- را از مشهد جانشین او خواهند کرد. شعارها و دست نوشته هائی که در روز اول تظاهرات کودتائی در مشهد بدست عده ای - بویژه زنان نیمه حجابی- داده بودند حکایت از همین یقین به سقوط دولت داشت.

انتخابات عراق

علی معموری، پژوهشگر در مقاله ای برای صفحه ناظراننگاهی به انتخابات پیش روی عراق داشته است.

عراق در این روزها شاهد برگزاری چهارمین انتخابات سراسری این کشور برای تشکیل پارلمان و دولت آینده این کشور است.

عراق در این روزها شاهد برگزاری چهارمین انتخابات سراسری این کشور برای تشکیل پارلمان و دولت آینده این کشور است. در دموکراسیهای نوپدیدی چون عراق، انتخابات صرفاً وسیله‌ای برای انتقال از یک دولت به دولت جدید دیگری نیست؛ بلکه در نگاهی کلی ارزیابی از روند کلی دموکراسی سازی در کشور را نشان میدهد. در این سیاق، پرسش اصلی این است که آیا این روند در عراق شاهد پیشرفت یا پسرفت بوده است؟

دموکراسی در عراق تاریخ درازی ندارد. نظام سیاسی در این کشور در خلال صد سال تأسیس عراق جدید شاهد کودتاهای نظامی بسیار و نمونه‌های بسیار خشونت باری از نظامهای استبدادی و شمولگرا بوده است. دموکراسی در این کشور نه از طریق تغییر و تحول تدریجی نظام قدرت و پذیرش سازوکارهای نظام دموکراسی صورت گرفت؛ بلکه سقوط رژیم بعث به دست نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۳ به ناگاه مردم عراق را از یکی از وحشیانه‌ترین نظامهای استبدادی به یک دموکراسی چند حزبی و توافقی منتقل ساخت. اولین انتخابات این کشور پس از سقوط صدام در ژانویه ۲۰۰۵ به ایجاد نخستین قانون اساسی برآمده از انتخابات پس از سقوط نظام پادشاهی در سال ۱۹۵۸ منتهی شد. در دسامبر همان سال، مردم عراق دوباره به صندوقهای رأی روی آورده و نخستین حکومت منتخب این کشور را تشکیل دادند. دولتهای بعدی به ترتیب در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ از طریق انتخابات به قدرت رسیدند.

این سابقه تاریخی به طور طبیعی نشانگر وجود چالشهای بسیار فرا روی روند دموکراسی سازی در عراق بوده و مقایسه این کشور با نمونه‌های دموکراسی‌های با سابقه و مستقر را غیر منطقی مینماید.

چالشهای دموکراسی در عراق

۱- هویت‌های جمعی مبتنی بر قومیت و مذهب: هویت انسان عراقی همانند نظامهای سنتی دیگر در جهان به طور قابل توجهی متأثر از مؤلفه‌های قومی و دینی است. بسیاری از مردم عراق خود را بر مبنای عناصر قومیتی مثل عرب و کرد و ترکمان و آشوری و کلدانی و غیره و عناصر مذهبی مثل سنی و شیعی و ارمنی و کاتولیک و مندایی و غیره میشناسند. بنابراین مشارکت آنها در تعیین سرنوشت کشورشان به طور قابل توجهی متأثر از این مؤلفه‌های

قومی و مذهبی است. از این دموکراسی در عراق به ایجاد یک نظام فرقه گرا و مبتنی بر تقسیم قدرت بین قومیتها و مذاهب عراق انجامید. این نظام خود یکی از چالشهای اساسی دموکراسی در عراق است. زیرا این نظام به جای تقویت روح همبستگی ملی بین افراد کشور به تقسیم و توزیع آنها بین مجموعه طوایف جدا از هم میانجامد. در نتیجه دموکراسی به تشتت کشور منتهی شده و زمینه ساز تشنج، آشوب و جریانهای جدایی طلب میگردد. علاوه بر آن، دموکراسی به ایزوله شدن اقلیتها و اضمحلال تدریجی آنها منتهی میشود؛ زیرا آنها قدرت کافی برای مواجهه با درگیری هویتهای جمعی قومی-مذهبی را ندارند.

۲- دخالتهای نیروهای بیگانه: خلأ قدرت ناشی از سقوط رژیم بعث به ضعف امنیت در کشور انجامید و زمینه دخالتهای روشن و وسیع کشورهای همسایه در عراق را فراهم آورد. امتداد هویتهای قومی و مذهبی در کشورهای همسایه نیز زمینه مساعد دیگری برای این نوع دخالتها فراهم میآورد. برای نمونه، هنگامی شهروند شیعی عراقی از هموطن سنی خود می هراسد، به طور طبیعی آغوش گرم و حامیانش را در بین شیعیان ایران مییابد و به همین ترتیب برای سنی عراقی نسبت به عربستان سعودی یا ترکیه و یا اردن.

علاوه بر اینها همه، دموکراسی توافقی در کشورهای دارای تنوع قومی و مذهبی به ایجاد دولت‌های ضعیف و وابسته به اتفاق نظر قومیتها و مذاهب بزرگ آن کشور میانجامد. از همین رو، امکان تشکیل هیچ حکومتی در عراق بدون نظر سنیها و شیعیان و کردها وجود نداشته است. این ساختار نیز زمینه مساعدی برای دخالت کشورهای همسایه بر اساس ساختار قومی و مذهبی را فراهم میآورد. در نتیجه، استقرار کشور منوط به نه تنها توافق گروههای قومی و مذهبی بزرگ در داخل کشور، بلکه توافق نیروهای فعال منطقهای بین یکدیگر است.

این امر سبب میشود که انتخابات نیز که ابزاری برای تحقق دموکراسی است به وسیله ای برای گسترش نفوذ قدرتهای همسایه در دولت آینده شود. از این رو کشورهای متنازع منطقه چون ایران و عربستان در طول سالیان اخیر هزینه های فراوان در حمایت از یک ائتلاف سیاسی علیه ائتلاف سیاسی دیگر به عمل آورده و عملاً به دنبال به قدرت رساندن گروههای وابسته به خود در دولت و پارلمان عراق هستند.

۳- زیرساختهای ایدئولوژیک احزاب عراق: احزاب سیاسی عراق نیز نه از طریق تطور تدریجی سازمانهای اجتماعی مانند سندیکاها و اصناف و گروههای دیگر فعال در جامعه مدنی کشور پدید آمده، بلکه عموماً برآمده از ایدئولوژیهای دینی و قومی با سابقه دراز عمل مخفیانه و مبارزه مسلحانه با نظام سیاسی سابق هستند. تحول این احزاب از مجموعه های شبه مسلح به سازمانهای مردمسالار که خود بر اساس سازوکارهای دموکراسی شکل یافته و بر همین اساس به مشارکت در ایجاد نظامسیاسی و توزیع قدرت میپردازند، آسان نیست.

۴- دموکراسی و سکولاریسم: نظام مردمسالار بدون وجود سطحی از سکولاریسم در نظام سیاسی کشور قابل تحقق نیست. مشارکت همگانی شهروندان در تعیین سرنوشت کشورشان به طور طبیعی مستلزم پذیرش مساوات و حق یکسان همه شهروندان بدون توجه به هویت دینی و قومی آنها در کنار فراهم آوردن آزادیهای کامل دینی و قومی و اعطای حقوق کامل به همه گروهها است.

در غیر این صورت، دموکراسی به ایجاد نظامهای شمولگرا و سرکوبگر اقلیتها انجامیده و زمینه چالش بین قومیتها و مذاهب کشور را فراهم میآورد. در عراق علیرغم تاکید و تلاش آیتالله سیستانی در نقش رهبر دینی شیعیان عراق در ترویج ایده حکومت غیر دینی (الدولة المدنية)، انتظارات مردم از رهبران دینی در ابراز نظر در امور سیاسی در کنار وجود رهبران دینی دیگری که طرفدار ایجاد حکومت دینی در عراق هستند و نیز ساختار دینی-سیاسی احزاب عراقی همگی منجر به ایفای نقش دین در ساختار دولت گردیده است. انتخابات نیز به عنوان بخشی از سازوکار دموکراسی همواره شاهد استفاده بسیار از عناصر دینی در مشارکت سیاسی بوده که توابع چالش برانگیزی در شیوه عملکرد دولت برآمده از این انتخابات دارد.

گفتمان آیتالله سیستانی نیز شاهد پیشرفت قابل توجهی بوده است. وی در پیام اخیر خود به مردم عراق، انتخابات را حقی برای شهروندان و نه یک تکلیف شرعی به شمار آورده و از آنها خواست که با حکمت و دوراندیشی و استفاده از تجارب سالهای قبل به انتخابات روی آورده و نسبت به عواقب گزینش خود و آثار درازمدت آن در خلال چهار سال آینده هشیار باشند

نشانه های بهبود

علیرغم چالشهای پیشگفته، بررسی سیر انتخابات جاری در عراق از ۲۰۰۵ تا کنون نشانگر پیشرفتهایی در روند دموکراسی سازی بوده است. در انتخابات جاری، بیشتر احزاب سیاسی عراقی سعی در عبور از فرقه گرایی و گسترش فعالیت سیاسی خود در بیرون از مرزهای دینی و قومیتی عراق کردند. برای نمونه، نخست وزیر کنونی حیدر عبادی در لیست انتخاباتی خود با عنوان النصر، شخصیت‌های سنی و کرد متعدد گنجانده و در ضمن کمپین انتخاباتی خود به شهرهای کردنشین سلیمانیه، اربیل و کرکوک در کنار شهرهای مهم سنی مثل موصل و تکریت و رمادی سفر کرد.

آیت‌الله سیستانی از عراقی‌ها خواست به سیاستمداران فاسد رأی ندهند

چرا کردها بعد از همه پرسى استقلال در انتخابات عراق شرکت می کنند؟

پرتاب کننده کفش به جورج بوش، نامزد انتخابات پارلمانی عراق شده است

به علاوه، احزاب سنتی عراق نیز شاهد انشقاقات متعدد بوده که زمینه ایجاد نیروهای سیاسی متنوعتری فراتر از هویت‌های قومی و مذهبی گردید. برای نمونه، حزب الدعوة که از

جریانهای سیاسی مهم شیعی عراق و از حامیان اسلام سیاسی شیعی است عملاً به دو بخش گروه عبادی و گروه مالکی تقسیم گشت. گروه عبادی بیشتر به جریان سکولار نزدیکی دارد و گروه مالکی بیشتر به جناح اصولگرایی حزبالدهیه.

پیروزی فراگیر علیه داعش که عملاً تهدیدی یکسان برای عربهای سنی و شیعی و کردها بود هویت ملی مبتنی برعراق واحد را در بین این گروهها تقویت کرد. شکست پروژه جدایی کردستان عراق نیز بدون بکارگیری خشونت قابل توجهی عملاً به تقویت این هویت ملی انجامید. اکنون بر خلاف انتخابات دورههای قبل، نزدیکی قابل توجهی در بین سه گروه اساسی عراق در نگاهها و انتظارات از دولت آینده وجود دارد. به علاوه، چالشهای پیشآمده در سالیان اخیر به ایجاد نگاه واقع نگرانه به دور از آرمانگرایی خیالی در خصوص شیوه اداره سیاسی کشور انجامیده است.

گفتمان آیت الله سیستانی نیز شاهد پیشرفت قابل توجهی بوده است. وی در پیام اخیر خود به مردم عراق، انتخابات را حق برای شهروندان و نه یک تکلیف شرعی به شمار آورده و از آنها خواست که با حکمت و دوراندیشی و استفاده از تجارب سالهای قبل به انتخابات روی آورده و نسبت به عواقب گزینش خود و آثار درازمدت آن در خلال چهار سال آینده هشیار باشند. وی به طور سختگیرانه مانع سوء استفاده احزاب شیعی از نام وی گشته و صریحاً هر گونه حمایت از هر حزب سیاسی را انکار کرده و موضع یکسان و مساوی نسبت به همگان اتخاذ کرد. این گفتمان عملاً مانیفستی شیعی از سکولاریسم بود که در خلال تجارب سالهای پس از ۲۰۰۳ شکل و تطور یافته و اکنون به دیدگاه رقیب نیرومندی برای ایده ولایت فقیه تبدیل شده است.

ایران میان دو راهی ادامه نفوذ یا حفظ منافع در عراق با پیروزی صدر در انتخابات

انتخابات عراق؛ پیشتازی صدر و افول نخست‌وزیر

علی معموری کارشناس مسائل سیاسی جهان عرب

انتخابات اخیر عراق که در ۲۲ اردیبهشت جاری برگزار شد نتایج غافلگیرکننده‌ای برای همه طرف‌های درگیر در انتخابات داشت. هر چند هنوز نتیجه قطعی اعلام نشده اما گزارش‌ها حاکی از پیشتازی ائتلاف موسوم به سائرون به رهبری مقتدی صدر، روحانی شیعه است. نخست آن که تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات به شکل روشنی نسبت به انتخابات سابق کاهش نشان داد. در این انتخابات تنها ۴۴٫۵۲ درصد از واجدان شرایط به پای صندوق‌های رأی رفتند. این در حالی است که انتخابات سال ۲۰۰۵ شاهد مشارکت ۷۹ درصدی بود و انتخابات ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ نیز به ترتیب ۶۲٫۴ درصد و ۶۰ درصد افراد مشارکت کردند. مسئولان برگزاری انتخابات سخت‌گیری‌های شدید امنیتی، بی‌تفاوتی رأی‌دهندگان و بی‌نظمی‌های ناشی از اجرای سیستم جدید رأی‌گیری را عامل مشارکت کم می‌دانند. در این میان چهار حزب کردستان عراق خواستار برگزاری دوباره انتخابات شده‌اند و گفته‌اند در انتخابات تقلب شده است. کاهش مشارکت، حاوی پیام روشنی به سیاستمداران عراق داشت که مردم از استمرار ناکامی

در ایجاد یک دولت کارآمد و اصلاح ساختار دولت و برقراری استقرار سیاسی و اقتصادی ناامید شده و امیدی در احزاب و شخصیت‌های سیاسی موجود نمی‌بینند.

بر خلاف انتخابات قبلی، در انتخابات ۲۰۱۸ عراق گروه‌های مختلف شیعه و سنی و کرد انشعاب‌های متفاوت و گسترده‌ای داشتند و خط‌کشی‌ها بین سنی و شیعه و کرد و عرب در فهرست‌ها مانند انتخابات گذشته نبود. در هر فهرست می‌شد نامزدهایی از گروه‌های مختلف قومی و مذهبی دید.

این اولین انتخابات از زمان اعلام پیروزی مقابل گروه "دولت اسلامی" (داعش) در سال گذشته است.

پارلمان عراق ۳۲۹ کرسی دارد و سیستم پیچیده انتخاباتی عراق در ۱۸ استان این کشور پیش‌بینی شکل نهایی دسته‌بندی احزاب در پارلمان را دشوار می‌کند. حیدر عبادی نخست‌وزیر عراق برای ورود به محل رأی‌بازرسی بدنی شد چند ائتلاف اصلی انتخابات:

حیدر عبادی؛ نخست‌وزیر کنونی، رئیس ائتلاف النصر است که از ترکیب چند جریان سیاسی کوچک‌تر تشکیل شده است. او با پیروزی بر داعش به موفقیت چشمگیری دست یافته اما در مقابل مردم از وضعیت اقتصادی عراق گله‌مند هستند.

مقتدی صدر؛ ائتلاف سائرون تحت حمایت روحانی پرنفوذ شیعه است. او طرفدار سیاست خارجی مستقل و مخصوصاً فاصله گرفتن با ایران است. مقتدی صدر کمپین شدیدی را علیه "فساد" و دولت هدایت کرده است.

هادی عامری؛ رئیس سپاه بدر و متحد سپاه پاسداران ایران در عراق در صدر ائتلاف فتح‌المبین است. گروه‌های وابسته به حشد شعبی و در رأس آن عصائب اهل حق در این ائتلاف هستند.

نوری مالکی؛ نخست‌وزیر سابق عراق در رأس ائتلاف دولت قانون است. او از رقبای جدی حیدر عبادی محسوب می‌شود. عمار حکیم؛ او رئیس حزب جریان حکمت ملی و از متحدان پیشین نوری مالکی است. او در سال‌های اخیر سعی کرده که از ایران فاصله بگیرد.

نفیسه کوهنورد، خبرنگار بی‌بی‌سی در بغداد

این انتخابات به عنوان محکی برای میزان نفوذ ایران و آمریکا و عربستان در زمین عراق تعبیر می‌شود. گرچه هیچ کدام از این کشورها به طور رسمی از ائتلافی حمایت نکردند اما هر فهرست در اذهان عمومی به یکی از آنها نزدیک‌تر به شمار می‌آید.

هادی عامری، رهبری ائتلاف فتح را به عهده دارد که متشکل از حشد شعبی است. نیروهای

شیعه‌ای که بعد از ظهور داعش از گروه‌های مسلح و داوطلبان غالباً شیعه شکل گرفت و بیشتر از حمایت ایران بهره می‌برند. بنابراین تصور این است که تهران این گروه را پشتیبانی می‌کند و آمریکا هم از ائتلاف حیدر عبادی.

ایران سعی در پیوند دادن ائتلاف حیدر عبادی و هادی عامری داشت. اما سفر قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران به بغداد به این منظور به نتیجه نرسید.

اما به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی‌ها اینطور هم سیاه و سفید نیست و خبرهایی که به بیرون درز کرده نشان می‌دهد ایران بی‌تمایل به گروه تحت رهبری حیدر عبادی هم نیست و ایران و آمریکا در این انتخابات هم مثل نمونه‌های دیگری از مسایل خاورمیانه با هم نقاط و منافع مشترک دارند.

در این میان نزدیکی اخیر مقتدی صدر به عربستان سبب شده که سائرون هم تا حدی گروهی تحت حمایت سعودی‌ها تلقی شود و پیشتازیشان نسبت به فتح پررنگ شدن نفوذ عربستان نسبت به ایران. اما در همین هم شاخصه‌های دیگری جدای رقابت بین تهران و ریاض اثرگذار است؛ از جمله عدم ورود مستقیم صدر به سیاست و حمایتش از هویت ملی عربی عراق که او را محبوب بخش قابل توجهی از جامعه جوان کرده است. طرفداران مقتدی صدر هم مخالف نفوذ ایران هستند و هم سرسختانه ضد آمریکا.

همه اینها زمانی بیشتر چالش برانگیز خواهد شد که نوبت تشکیل دولت و انتخاب نخست‌وزیر و رئیس جمهوری برسد. تاکنون لزوماً پیروز انتخابات به نخست‌وزیری نرسیده و فرد برگزیده برای این سمت بعد از چانه‌زنی‌های بسیار و طولانی انتخاب شده و احتمالاً این بار با توجه به تمام انشعاب‌ها و منافع مشترک و نقاط اختلاف متعدد بازیگران داخلی و خارجی در میدان عراق این روند سخت‌تر هم باشد. خلاصه آنکه همانطور که این انتخابات غالب یک‌ه و تنها در داخل ندارد، پیروز تک و تنها هم در عرصه رقابت بین‌المللی و منطقه‌ای نخواهد داشت.

نتایج شمارش آرا نیز حاوی تحولات غافلگیرکننده مهمی بوده است. از بین بالای ۹۰ در صد آرای شمارش شده در بیش از ۱۵ استان از بین ۱۸ استان عراق، لیست انتخاباتی مقتدی صدر تحت عنوان "سائرون" بیشترین آرا و کرسی‌های پارلمان را به خود اختصاص داد.

مقتدی صدر در این انتخابات با حزب کمونیست عراق و برخی دیگر از جریان‌های سکولار ائتلاف کرده بود. وی از سال ۲۰۱۵ به همراه شرکای کمونیست و سکولارش اعتراضات خیابانی گسترده‌ای را علیه گسترش فساد در دولت عراق و ناکارآمدی حکومت رهبری می‌کرد.

ائتلاف سائرون حدود ۵۴ کرسی در پارلمان را به دست خواهد گرفت و احتمالاً بزرگترین

ائتلاف پیروز در انتخابات خواهد بود و در نتیجه شانس بیشتری برای به دست گرفتن دولت آینده و تعیین نخست وزیر را داراست.

مقتدی صدر پس از اعلام پیروزی‌اش در نتایج اولیه انتخابات به تشکیل حکومت تکنوکرات متشکل از احزاب میانه‌رو دعوت کرد.

مقتدی صدر در این انتخابات با حزب کمونیست عراق و برخی دیگر از جریانهای سکولار ائتلاف کرده بود

از دیگر نتایج غافلگیرکننده این انتخابات، پیروزی یک کاندیدای زن از حزب کمونیست عراق در شهر نجف بود. این پیروزی با هیچ گونه مخالفت یا اعتراض شخصیت‌های دینی و مذهبی نجف مواجه نبود و کاندیدای مذکور نیز با هیچ گونه تعرض یا محدودیتی در زمان تبلیغات انتخاباتی مواجه نگشت.

ائتلاف نصر به رهبری حیدر عبادی، نخست وزیر فعلی علی‌رغم کاهش آرا در مناطق شیعی، در استان سنین‌شین نینوا که مرکز آن موصل پایتخت داعش بود بیشترین آرا را کسب کرد و در صدر لیستهای پیروز قرار گرفت. تصور این که یک حزب سیاسی به رهبری چهره‌ای شیعی در استانی سنی‌نشین آرای قابل توجهی کسب کند در گذشته محال به نظر می‌رسید. این تحول نشانگر ضعف جریان فرقه‌گرایی در عراق و پویایی حرکت سیاسی در آن کشور است. جریان فتح شامل شبه‌نظامیان طرفدار ایران نیز در استان‌های شیعی آرای قابل توجهی کسب کرده‌اند و در رتبه دوم پس از جریان صدر قرار گرفته‌اند.

مشارکت این گروه‌ها در انتخابات با مخالفت جدی آیت‌الله علی سیستانی مواجه شده بود. وی از همه گروه‌های نظامی شرکت‌کننده در جنگ علیه داعش خواسته بود که از مشارکت در انتخابات پرهیز کرده و سابقه مبارزاتی خود را وسیله کسب منافع سیاسی قرار ندهند. از این رو اغلب گروه‌های حشد شعبی از جمله گروه‌های نزدیک به سیستانی و گروه نظامی مقتدی صدر از مشارکت در انتخابات پرهیز کردند. اما گروه‌های طرفدار ایران و به طور خاص سازمان بدر، عصایب اهل حق و کتابی حزب الله، توصیه‌های آیت‌الله سیستانی را نادیده گرفته و لیست فتح را تشکیل دادند.

این لیست در حدود ۴۴ کرسی را به خود اختصاص داده و نقش مهمی در مذاکرات تشکیل حکومت آینده خواهند داشت.

گروه‌های سنتی در صحنه سیاسی عراق از جمله حزب الدعوه به رهبری نوری مالکی، نخست وزیر سابق و جریان حکمت به رهبری عمار حکیم و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق افول قابل توجهی داشتند.

مجلس اعلا به احتمال بسیار هیچ کرسی‌ای را از آن خود نخواهد کرد و از پارلمان آینده عراق خارج خواهد شد.

جریان فتح به رهبری هادی عامری شامل شبه‌نظامیان طرفدار ایران نیز در استان‌های شیعی

آرای قابل توجهی کسب کرده‌اند

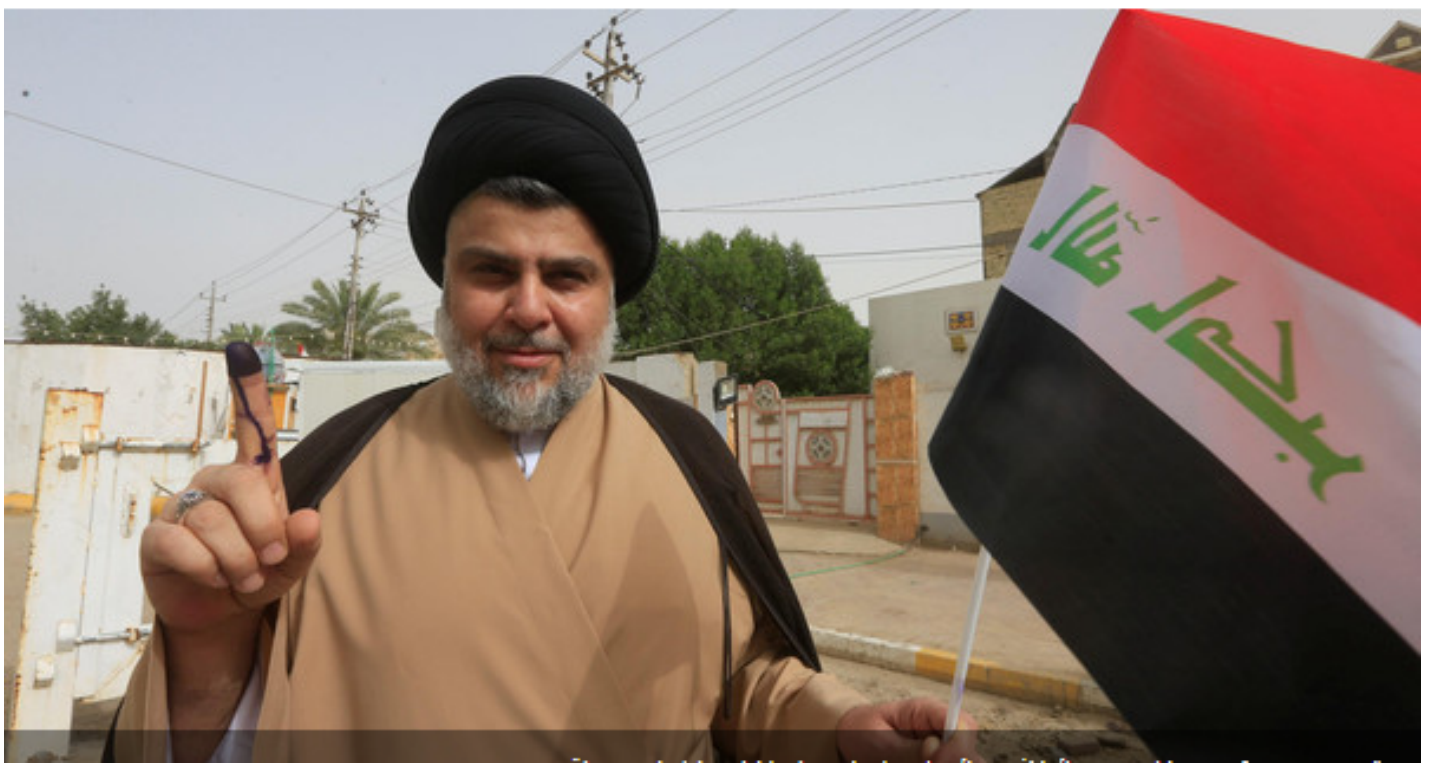
ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی حدود ۲۵ کرسی را از آن خود خواهد کرد. این ائتلاف در انتخابات ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ در حدود ۱۰۰ کرسی را از آن خود کرده بود. و اما عمار حکیم از کمتر از بیست کرسی برخوردار خواهد شد. در بین احزاب و جریانهای سنی نیز دو جریان اصلی شرکت‌کننده، یعنی "ائتلاف وطنیه" به رهبری ایاد علاوی و "القرار العراقي" به رهبری اسامه نجیفی، رئیس پارلمان سابق پا به پای هم در استان‌های سنی‌نشین رقابت می‌کنند.

احتمال ائتلاف این دو جریان تحت عنوان یک جبهه سنی واحد به جهت اختلافات بسیار و شدید بینشان بسیار بعید به نظر می‌رسد که این نیز نشانه دیگری از ضعف فرقه‌گرایی مذهبی در عراق است.

صحنه سیاسی کردستان عراق شاهد تحول جدی‌ای نبوده است و دو حزب سنتی کردها یعنی اتحاد میهنی و حزب دموکرات علی‌رغم وجود اپوزسیون قدرتمندی متشکل از حزب گوران و حزب تازه تأسیس شده برهم صالح، نخست وزیر سابق کردستان تحت عنوان ائتلاف دموکراسی و عدالت، هم‌چنان در صدر لیست قرار دارند.

بنا به نتایج اعلام شده تا کنون که اکثریت حدود ۹۰ درصد مجموع آرا را شامل می‌شود، دو سناریو می‌توان برای تشکیل حکومت آینده تصور کرد: سناریوی نخست ائتلاف جریان صدر با ائتلاف حیدر عبادی و بخشی از سنی‌ها و کردها برای تشکیل حکومت است. سناریوی دوم ائتلاف جریان فتح با دولت قانون نوری مالکی و گروهی از سنی‌ها و کردهای نزدیک به ایران است.

سناریوی نخست به جهت برخورداری طرفهای شریک از آرای بیشتری از شانس بالاتری برخوردار است؛ اما نهایت امر دخالت‌های طرفهای خارجی فعال در عراق و به شکل خاص ایران و آمریکا ممکن است که سرنوشت مذاکرات تشکیل حکومت آینده را تغییر دهد.



مقتدی صدر رهبر جریان صدر و ائتلاف سائرون پیشتان در انتخابات پارلمانی عراق

ایران که به دلیل خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای (برجام) در فشار قرار دارد، اکنون در معرض آزمایش بزرگی در تعامل با مقتدی صدر رهبر جریان صدر عراق است؛ شخصیتی قوی که مخالف سیاست‌های ایران است و رهبری ائتلاف پیروز در انتخابات پارلمانی عراق را بر عهده دارد. او موفق شد پیروزی پیش‌بینی نشده‌ای بر متحدان ایران در انتخابات کسب کند.

چنانچه ایران بخواهد با اعمال نفوذ، اقدام به تشکیل فراکسیونی بزرگ نزدیک به خود در پارلمان و در نهایت دور کردن صدر از دولت ائتلافی برآمده از این فراکسیون کند، نفوذ خود را در عراق به خطر انداخته است، چرا که تنش میان شیعیان به راه خواهد انداخت که یک طرف آن، صدر و هوادارانش خواهند بود.

ائتلاف مقتدی صدر با بهره‌مندی از نارضایتی‌های رو به افزایش در عراق و متهم شدن بسیاری از سیاستمداران طبقه حاکم به فساد، در رتبه نخست انتخابات پارلمانی ایستاد.

اکنون بعید نیست که ایران از نفوذ خود میان شیعیان چشم‌پوشد و برای تشکیل ائتلافی تلاش کند که منافعش را در عراق حفظ کند.

پیش از انتخابات، علی اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای رهبر ایران در امور بین‌الملل به طور تلویحی به ائتلاف «سائرون» به رهبری مقتدی صدر اشاره کرده و گفته بود که ایران به این ائتلاف اجازه حکمرانی در عراق را نخواهد داد.

ولایتی در کنفرانسی خبری که 17 فوریه در جریان سفرش به عراق برگزار کرد، گفته بود: «ما اجازه نخواهیم داد لیبرال‌ها و کمونیست‌ها در عراق حکومت کنند». به وضوح اشاره ولایتی به ائتلاف صدر با کمونیست‌ها و برخی گروه‌های سکولار است که منجر به تشکیل ائتلاف «سائرون» شد.

در مقابل صدر هم بیان کرده است که حاضر نیست برای راضی کردن ایران، با دو متحد اصلی این کشور یعنی هادی العامری رهبر ائتلاف «الفتح» متشکل از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه عراقی موسوم به حشد الشعبی و ائتلاف «دولت قانون» به رهبری نوری المالکی نخست‌وزیر اسبق عراق، ائتلاف کند.

پس از اعلام نتایج هم صدر با انتشار توئیتی به گروه‌هایی که حاضر است با آن‌ها ائتلاف کند اشاره کرد که نام «الفتح» و «دولت قانون» در میان آن‌ها نیست.

فضای سیاسی در عراق

در گذشته ایران از فضای سیاسی در عراق که پس از سرنگونی نظام صدام حسین در سال 2003 به وجود آمد، استفاده کرد.

در انتخابات سال 2010، ائتلاف ایاد علاوی، شخصیت سکولار عراقی، پیروز انتخابات شد. اما گروه‌های شیعه با تشکیل ائتلافی علیه علاوی، نخست‌وزیری را به نوری المالکی سپردند. آن هنگام علاوی، تهران را مسئول ناکامی‌اش در رسیدن به نخست‌وزیری دانست.

آن هنگام ایران بسیار از آن‌چه که در عراق پیش آمده، شاد بود. منتقدان اما نوری المالکی را متهم به اجرای سیاست‌های فرقه‌گرایانه کردند که به منزوی کردن سنی‌ها و ایجاد زمینه‌ای برای رشد گروه‌های تندرو به ویژه داعش انجامید؛ گروهی که در سال 2014 حدود یک سوم عراق را تصرف کرد.

منزوی کردن صدر خطرات بیشتری هم می‌تواند داشته باشد زیرا تبلیغات انتخاباتی‌اش، با استقبال بسیاری از فقرا در مناطق پر جمعیت بغداد و دیگر مناطق شیعه روبرو شد.

صدر از خانواده‌ای سر بر آورده که در آن تعدادی از روحانیون بلندپایه شیعه سر بر آوردند. او با رهبری دو قیام مسلحانه علیه نیروهای آمریکایی بسیار مشهور شد. در سال 2016 هم هزاران تن از هواداران خود را رهبری کرد تا تظاهرات بزرگی در اعتراض به فساد حکومتی برگزار کنند. معترضان حتی وارد منطقه حفاظت شده سبز در بغداد شدند؛ جایی که مهم‌ترین نهادهای حکومتی و سفارتخانه‌های خارجی در آن قرار دارد.

مقابله با دخالت‌های خارجی

ضیاء الاسدی که ریاست فراکسیون صدر را در این دوره رو به انتهای پارلمان عراق بر عهده دارد، در مصاحبه با خبرگزاری رویترز گفت که این فراکسیون در پی ایجاد ائتلافی به منظور مقابله با دخالت‌های ایران است. او توافق با العامری الو مالکی را بعید دانست.

الاسدی گفت: «ما نگرانی خود را از حدوث دخالت‌هایی از سوی نیروهای داخلی یا خارجی که ایران یکی از آن‌ها است، مخفی نمی‌کنیم».

او ابراز امیدواری کرد که رهبران سیاسی، یاد گرفته باشند به ایران اجازه دخالت و دیکته

کردن نتایج انتخابات را ندهند.

الاسدی گفت اگر ایران بخواهد در تشکیل دولت تاثیر بگذارد، فراکسیون صدر به جای اعتراض‌های خیابانی، از راه‌های قانونی و دموکراتیک فشار خود را خواهد آورد.

روابط صدر و المالکی تیره است. المالکی سال 2008 هنگامی که نخست‌وزیر عراق کرد، اقدامی امنیتی و نظامی علیه نیروهای «جیش المهدی» در استان بصره در جنوب عراق انجام داد؛ اقدامی که خشونت آمیز شد و بیش از 200 کشته برجای گذاشت.

در سال 2007 صدر به دلیل این‌که المالکی با تعیین ضرب الاجلی برای خروج نیروهای آمریکایی از عراق را نپذیرفته بودف از دولت او خارج شده بود.

ممکن است ایران سعی کند از راه متحدانش همچون العامری و المالکی، سعی کند نفوذ خود را در عراق حفظ کند. البته شاید تکیه ایران به العامری بیشتر باشد، شخصی که بیش از 20 سال از زندگی خود را در ایران گذراند و به زبان فارسی هم سخن می‌گوید. او در ایران به سازمان بدر پیوست، گروهی که بازوی نظامی مجلس اعلای اسلامی عراق بود و در جنگ هشت ساله، علیه ارتش عراق می‌جنگید.

سازمان بدر را اکنون العامری رهبری می‌کند. این سازمان مراکز مهمی را در وزارت کشور و نیروهای امنیتی عراق کنترل می‌کند.

به احتمال زیاد صدر تلاش کند از تاثیر ایران بر دستگاه‌های امنیتی و دیگر سازمان‌های حکومتی بکاهد. از مدت‌های طولانی پیش مقتدی صدر که سعی می‌کند از خود چهره ملی عراقی ارائه دهد، با دخالت خارجی چه از سوی آمریکا باشد و چه ایران مخالفت می‌کند.

با وجود تمام مواضع کنونی، اما هنوز مشخص نیست صدر چگونه از پیروزی خود در انتخابات عراق استفاده کند. او چند سال ایران را برای زندگی برگزیده بود؛ یک بار پیش از سال 2003 و یک بار پس از اقدام‌های نوری المالکی علیه گروهش در سال 2008.

بررسی:

1- امریکائیه و سعودیه‌ها نگران غلبه جناحی‌هایی مثل مالکی عامری هستند و جناحی‌هایی مثل عبادی و حکیم برایشان قابل تحمل هستند جناحی‌هایی مثل مقتدا و علاوی مطلوب هستند

2- مقتدا بخاطر نزدیکی به عربستان و موضع درباره ایرانی و ایران و مانع نفوذ گسترده

ایران شدن و نیز مرغوبیت نزد بعثیها و سنیها گزینه بسیار مطلوبی است برای امریکائیه‌ها و سعودیه‌ها و سنیها و بعثیهای عراق؛ ضمن اینکه عنوانی روحانی شیعی و منسوبیت به خاندان صدر را دارد، روحیه فرصت طلبی او و هر از گاهی با جنجالی بدنبال امتیاز گرفتن است،

3- جناحهایی که بیرو سیستانی هستند برای آرام نگهداشتن اوضاع عراق و با ارضای امریکا و سعودی و مخالفین سنی و بعثی برنده شدن مقتدا در انتخابات الکترونیک را که قابل مهندسی است بذیرفته اند خصوصا که مقتدا اعلام کرده با حکیم و عبادی ائتلاف می کند؛ در اینجا همه راضیند، و گروههای متمایل به ایران مثل عامری و مالکی هم ناچارند تن بدهند

4- نتایج الکترونیک در برخی استانها انقدر برخلاف واقعیت بود که سبب آشوب گردید - اگر جناحهای رقیب نفوذ امریکا و غیر متسالم با امریکا هوشیار بودند به بهانه همان استانهای الکترونیک زده خواستار شمارش دستی هم می شدند تا مهندسی منتفی گردد.

وکيل محمد ثلاث: موکل مرا تا سر حد مرگ زدند و او را مجبور به اعتراف عليه خود کردند

چکیده: محمدی‌اور ثلاث از لحظه بازداشت در ۳۰ بهمن ۱۳۹۶ تحت معالجات سرپایی کمک پرستاران در بخش سوانح یکی از بیمارستان‌های تهران قرار گرفته و پس از آن مستقیماً به سلول انفرادی در زندان رجایی‌شهر انتقال یافته و تا به امروز همچنان در یک سلول انفرادی تاریک به سر می‌آید...

زینب طاهری وکیل محمد ثلاث روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷، پس از ملاقات حضوری با موکل خود محمدی‌اور ثلاث که یک ساعت و نیم به طول انجامید اعلام کرد که با یقین و اعتقاد قلبی به بی‌گناهی موکل خود یک لایحه حقوقی تفصیلی مبنی بر ضرورت اعاده دادرسی آقای ثلاث، تنظیم و به قاضی مربوطه تسلیم کرده است. وی گفت: در جریان یک نمایش غیر قانونی توأم با بی‌اعتنایی کامل نسبت به حق دفاع آقای محمدی‌اور ثلاث، و جری تشریفات قانونی آیین دادرسی کیفری، حکمی دائر بر سه بار قصاص به اتهام واهی جرم اثبات نشده سه بار قتل عمد در دادگاه بدوی، صادر و این حکم «غیر قانونی و یادآور جریان دادگاه‌های استالینیستی» بدون رسیدگی شکلی و ماهوی در یکی از شعب دیوان عالی کشور نیز به تصویب رسیده است. درحالی‌که ما حتی فرصت ملاقات، جمع‌آوری مستندات و نگارش لایحه دفاع در دیوان عالی کشور نداشتیم و متهم (آقای محمد ثلاث) در بدترین شرایط و سلول انفرادی نگهداری می‌شد.

محمدی‌اور ثلاث از لحظه بازداشت در ۳۰ بهمن ۱۳۹۶ تحت معالجات سرپایی کمک پرستاران در بخش سوانح یکی از بیمارستان‌های تهران قرار گرفته و پس از آن مستقیماً به سلول انفرادی در زندان رجایی‌شهر انتقال یافته و تا به امروز همچنان در یک سلول انفرادی تاریک به سر می‌برد.

ثلاث امروز پرده از شکنجه و ضرب و شتم خودش توسط ماموران انتظامی تا سر حد مرگ برداشت، بگونه‌ای که در هنگام دستگیری و بازداشت بر اثر این ضربات ۱۷ نقطه جرمه وی دچار شکستگی شده و بینایی وی تقریباً از دست رفته است. همچنین شنوایی او نیز دچار آسیب جدی شده و زیر فشار چنین شرایطی مجبور به اعتراف و بعداً نیز بر اثر تهدید و ترس و شرایط انفرادی مجبور به اعتراف شده است.

محمدی‌اور ثلاث از قهرمانان جنگ ۸ ساله تحمیلی بود که در جبهه‌های مختلف برای دفاع از مرزهای میهن و جان و آبرو و ناموس هم میهنانش جانفشانی‌ها کرد و مورد تقدیر مقامات ارشد نظام قرار گرفت و از طرف شخص امام خمینی به دلیل رشادتهایش تقدیر نامه دریافت کرد.



اینترنت جاویدان تلگرام

جهان

14.05.2018 15:30 دریافت لینک کوتاه

0 63

تلگرام اینترنتی را راه اندازی می کند که آن را نمی توان مسدود و هک کرد.

به گزارش اسپوتنیک، طی ماه گذشته تلگرام در روسیه و ایران مسدود شد و احتمالاً دسترسی به آن در یکسری از دیگر کشورهای جهان از جمله قزاقستان نیز محدود خواهد شد. سرویس جدید مانع از مسدود شدن تلگرام خواهد شد. اما با کمک وسایل موجود کنونی نمی توان مانع از مسدود شدن تلگرام شد. سرویس جدید Telegram Open Network راه خروجی از این واقعیت است. این پلتفرم امکان ایجاد اینترنت جدیدی را فراهم می سازد که دسترسی به آن را نمی توان ممنوع کرد. علاوه بر آن نمی توان آن را هک کرد.

« سید محمد خاتمی: نمی‌شود که حکومت استبدادی و دیکتاتوری همه حق را داشته باشد و طرف مقابل فقط اطاعت کند یا بمیرد »

چکیده: دین ما سیاسی است و سیاست ما دینی است؛ البته نه به این معنی که اگر سیاست به دستمان آمد، فقط خودمان و جریانی خاص را ببینیم که امکانات در اختیارش قرار می‌گیرد و همه حقوق را دارد و مسؤولیت هم ندارد. در سیاست دینی ما غیرمسلمانان هم شهروند این کشور و برخوردار از حقوق است چه رسد به مسلمانانی که اختلاف نظر دارند؛ ما این جمهوری را می‌خواهیم که ملاکش این است که مردم همه شهروند هستند. دین ما هم همین را می‌خواهد و اینجاست که دین و سیاست باهم مرتبط می‌شوند؛ چه بسا جنایتهایی که در امر سیاست صورت گرفته و توجیه دینی شده است و چه بسا مسائل دینی که تحت تاثیر سیاست‌های سیاستمداران زورگو تحریف شده است. نمی‌شود هر چیزی را به نام دین توجیه کرد و نمی‌توان هر سیاستی را به زور به دین متصل کرد. سید محمد خاتمی در دیدار جمعی از فرهنگیان و نمایندگان از تشکلهای معلمان و پیشکسوتان آموزش و پرورش پس از شنیدن نظرات و دغدغه‌های حاضران، ضمن تکریم و احترام به مقام معلم بیان کرد: مرحوم مدرس جمله‌ای دارد که دین ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست؛ این کلام به یک معنی درست اما ممکن است از این جمله سوءاستفاده شود یا حتی تحریف، و منشا سوءتفاهم و سوءبرداشت شود.

وی با بیان اینکه «ما باید مشخص کنیم سیاست چیست، دین چیست و این یگانگی دین و سیاست یعنی چه» اظهار کرد: در ابتدا باید ببینیم زندگی چیست و خوب زندگی کردن یعنی چه و سامان خوب داشتن در جامعه چه معنای دارد و جایگاه حکومت در متن جامعه، مبدأ و منشا و مشروعیت و کارکرد و اختیارات و حقوق و رسالت حکومت و نسبت مردم با حاکمان و حکومت با مردم چیست؟ اینها مسائلی است که با دیدگاه‌های مختلف ممکن است در مورد آنها به نتایج مختلفی برسیم.

خاتمی افزود: تعاریف مختلفی از سیاست ارائه شده است. به نظرم سیاست فن و هنر و دانش تدبیر زندگی این‌جهانی برای به‌زیستن است. به این معنی که بیشترین مردمان بهترین بهره‌ها را از زندگی داشته باشند و زندگی مردم با رضایت طی شود. انسان با عقل عملی خود به این نتیجه رسیده که برای زندگی بهتر و استفاده بهتر از مواهب و تدبیر امور، سامان اجتماعی باید کمترین تزاخم و بیشترین بهره‌گیری از یکدیگر را داشته باشد.

وی در ادامه به تعاریف مختلف از دین پرداخت و گفت: دین دارای وجوه مختلفی است و برداشت‌ها و تعبیر مختلفی از دین وجود دارد. اگر به این نتیجه برسیم که دین هم به زندگی این‌جهانی انسان توجه دارد و برای انسان زندگی خوب می‌خواهد، اینجا نقطه التقای دین و سیاست خواهد بود.

خاتمی بیان کرد: ممکن است برداشتی از دین وجود داشته باشد که دین، کاری با زندگی این دنیا ندارد؛ البته هدف نهایی دین رساندن انسان به جهان برتر غیر از این جهان است اما در اینکه هیچ کاری به زندگی این جهانی نداشته باشد، اختلاف نظر وجود دارد. انسان موجودی است که از عالمی ورای این عالم آمده و به عالمی ورای این عالم خواهد رفت یعنی مقطع کوتاهی از زندگی او در این دنیا قرار می‌گیرد؛ هدف دین هم تأمین آن زندگی عالی و متعالی و به تعبیر پیامبران، رستگاری و فلاح است یعنی برخورداری از یک زندگی دایم خوب که دین به سوی آن هدایت می‌کند. خدا به «دارالسلام» که در جهان دیگری است، دعوت می‌کند.

وی توضیح داد: از مهمترین شاخصه‌های دین این است که مبدأ و منشا پیدایش جهان را یک حقیقت فائق واحد بسیط بی نهایت می‌داند که مبدأ جهان و جهان‌هاست و منتها نیز به سوی اوست و زندگی انسان فقط محدود به این دنیا نیست و آن زندگی است که ماندگار است و هدف دین نیز رسیدن به آن زندگیست. اگر این به معنای بی توجهی دین به قطعه این‌جهانی از زندگی انسان باشد، در این صورت دین به سیاست هیچ ربطی پیدا نمی‌کند.

خاتمی گفت: آگوستین، فیلسوف متاله مسیحی و قدیس بزرگ قرون اولیه میلادی، کتابی به نام شهر خدا دارد که شهر زمین را از شهر خدا متمایز می‌کند و رسالت کلیسا و دین و مسیح را هدایت به سوی شهر خدا می‌داند و معتقد است شهر زمین بر عهده قیصر و حاکمان زمینی است. البته از تعبیر آگوستین هم می‌توان استنباط کرد که دیدگاه او به معنای بی‌توجهی به زندگی این‌جهانی نبوده است.

وی با اشاره به فرقه‌هایی که به تعبیر فارابی، اهل مدینه جاهله هستند، بیان کرد: مدینه جاهله،

مدینه نامطلوب است و اهل آن می‌گویند درک زندگی حقیقی و درک خیر حقیقی مستلزم ترک زندگی طبیعی است و حتی می‌گویند دنیا را کنار بگذارید و حیات طبیعی را ترک کنید برای اینکه حیات طیبه را درک کنید. عده‌ای از صوفیان این طور فکر می‌کنند که این نظر غلطی است. این دیدگاه هم در مسیحیت و هم در اسلام وجود دارد و اگر دین را این طور ببینیم باز با سیاست نسبتی ندارد و فضیلت، ترک سیاست و زندگی این دنیا است و آنچه مربوط به این دنیا است.

خاتمی ادامه داد: ولی اگر بگوییم دین به زندگی این‌جهانی هم نظر دارد -هرچند که هدف نهایی و برتر، جهان دیگری است و انسان برای آن جهان آفریده شده و جاننش را باید برای آن جهان تربیت کند- اما این تربیت در همین زندگی و متن همین زندگی تحقق می‌یابد برای همین اسلام به این زندگی بی‌تفاوت نیست و نمی‌تواند نسبت به سیاست نظر نداشته باشد.

وی با تأکید بر اینکه دین، جهت را مشخص می‌کند، اظهار کرد: دین به انسان این جهت را می‌دهد که در این زندگی باید چگونه باشد و چه هدفی داشته باشد و نظام مطلوب در جامعه چیست اما تدبیر زندگی را به عهده عقل انسانی راهنمایی شده توسط وحی می‌گذارد. انسانی که با تجربه و خطا و تلاش صاحب علم می‌شود و به فن و تکنیک دست می‌یابد و ساز و کارهایی برای اقتصاد و سایر روابط اجتماعی ایجاد می‌کند. انسان در این زمینه‌ها قیام ندارد و دین نگفته من به جای تو فکر می‌کنم اما انسان را رها نکرده است بلکه جهت زندگی و نگاه به جهان و انسان را مطرح می‌کند و این خود انسان است که باید فکر کند و بهبود روابط را البته با توجه به وحی بیابد.

خاتمی توضیح داد: دین به انسان نمی‌گوید شکل حکومتش باید چگونه باشد اما تأکید می‌کند این حکومت باید عادلانه باشد؛ انسان ساز و کار خرید و فروش و سایر روابط را ابداع می‌کند و دین ضمن پذیرش آن می‌گوید در بیع غش نباشد و حق دیگری ضایع نشود؛ یعنی جهت را مشخص می‌کند و معلوم است که چنین دینی درباره محتوا و جهت سیاست هم نظر دارد گرچه درباره شکل آن تأکیدی ندارد.

وی به عنوان نمونه، ابتکار امام خمینی در پیشنهاد تشکیل جمهوری اسلامی را مثال زد و گفت: «جمهوری» پدیده مدرن و امروزی است. البته جمهوری و دموکراسی در تاریخ هم سابقه دارد ولی مفهوم و مصداق آن تحول یافته تا به صورت امروزی درآمده است. جمهوری مثل خود دموکراسی است که تحول مفهومی و کارکردی پیدا کرده است و وقتی امام، جمهوری اسلامی را مطرح می‌کند، پیداست که دین اسلام این کشش را دارد که به اقتضای زمانه و نیاز انسان‌ها و خواست و مصلحت و رشد انسان‌ها، شکل‌های مختلف را مورد تأیید قرار دهد ولی این دین تأکید دارد که عدالت باید محور یک نظام سیاسی باشد.

وی با اشاره به آیه قرآن «...لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» فاعل قیام را ناس و نه پیامبران دانست و توضیح داد: این مردم آزاد آگاه صاحب اراده هستند که به قسط قیام می‌کنند و این یعنی اصالت مردم و اینطور نبوده که پیامبران به زور مردم را به برقراری قسط وادار کنند. بلکه پیامبران تعلیم و تزکیه می‌کنند یعنی می‌کوشند انسان‌ها آگاه و آزاد و صاحب اراده و قوی شوند.

خاتمی گفت: یکی از عظمت‌های بینش الهی این است که انسان بما هو انسان، مخاطب خدا قرار گرفته است و از فرد به شخص تبدیل شده است. پیامبران چه می‌کنند؟ انسان را تعلیم می‌دهند و بشیر و نذیر هستند اما مخاطب خود مردم هستند. دین می‌گوید هر نظامی می‌خواهی داشته باش اما این نظام باید قائم به قسط باشد. همچنین می‌گوید هویت برجسته انسان به اخلاق اوست و پیامبر، هدف نهایی و رسالت خود را اخلاق می‌داند و ما باید صاحب اخلاق نیکو باشیم؛ اسلام علم و تکنولوژی را یاد نداده و این را واگذار به بشر کرده و تشویق کرده که تکنولوژی و آنچه سبب نیرومندی و قوت می‌شود را بدست آورد. نیرومندی امروز به اطلاعات و آگاهی و تبدیل آن به فناوری است که به عهده خود انسان است اما جهت‌ها مشخص است.

وی با تأکید بر اینکه «دین می‌گوید زندگی کن و به عقلت متکی باش اما خوب زندگی کن، عادلانه زندگی کن، اخلاقی زندگی کن و در همه حال بنده خدا باش» اظهار کرد: «خوب زیستن» موضوعی است که دین بر آن تأکید دارد و همان است که در تعریف سیاست ذکر شد بنابراین دین و سیاست بهم می‌رسند.

خاتمی، ضرورت رجوع به محتوای دین را یادآور شد و گفت: آیا سیاست مطلوب که مردم محور و منشأ حکومت باشند و حکومت‌ها برآمده از مردم و مسوول در مقابل مردم باشند و لوازم این امر یعنی آزادی بیان و اندیشه مورد تأیید و تأکید دین است؟ یا دین طرفدار حکومت‌های جبار سلب کننده اختیار و آزادی انسانها است؟ قطعاً دین خواستار جامعه‌ای متشکل از افراد آزاد و آگاه و اخلاقی و حکومت‌های مسوول و محدود به رضایت و خیر جامعه است.

وی تصریح کرد: وقتی امام از جمهوری اسلامی می‌گوید یعنی محور و مدار جمهوری، مردم هستند.

مردم حق دارند و حکومت‌ها حد دارند. و البته حق توأم با مسئولیت است؛ نه اینکه یک طرف یعنی حکومت استبدادی و دیکتاتوری همه حق را داشته باشد و طرف مقابل فقط باید اطاعت کند یا بمیرد. خاتمی ادامه داد: یکی از مهم ترین عوامل تروریسم، ستم‌کاری و رفتارهای تحقیرکننده انسان از سوی قدرت‌های سلطه‌طلب جهانی و حکومت‌های استبدادی در کشورهای مختلف است. وقتی فرد می‌بیند، صدایش شنیده نمی‌شود در برابر زور، به زور متوسل می‌شود.

وی تأکید کرد: ترور را باید محکوم کرد اما باید حکومت‌های خودکامه‌ای که حرف مردم را نمی‌شنوند یا سیاست‌های استبدادی و استعماری که انسان را تحقیر می‌کنند، بیش از تروریست‌ها محکوم شوند. آمریکا و دیگر قدرت‌های توسعه طلب عامل مهم پیدایش و بسط تروریسم هستند.

خاتمی در ادامه با بیان اینکه «دین با سیاست به معنای درست کلمه التقا دارد» گفت: دین ما سیاسی است و سیاست ما دینی است؛ البته نه به این معنی که اگر سیاست به دستان آمد، فقط خودمان و جریانی خاص را ببینیم که امکانات در اختیارش قرار می‌گیرد و همه حقوق را دارد و مسئولیت هم ندارد. در سیاست دینی ما غیرمسلمان هم شهروند این کشور و برخوردار از حقوق است چه رسد به مسلمانانی که اختلاف نظر دارند؛ ما این جمهوری را می‌خواهیم که ملاکش این است که مردم همه شهروند هستند. دین ما هم همین را می‌خواهد و اینجاست که دین و سیاست باهم مرتبط می‌شوند؛ چه بسا جنایت‌هایی که در امر سیاست صورت گرفته و توجیه دینی شده است و چه بسا مسائل دینی که تحت تأثیر سیاست‌های سیاستمداران زورگو تحریف شده است. نمی‌شود هر چیزی را به نام دین توجیه کرد و نمی‌توان هر سیاستی را به زور به دین متصل کرد.

وی تأکید کرد: سیاست یعنی تدبیر زندگی برای «به‌زیستن» همه افراد و دین هم برای «به‌زیستن» رسالت دارد بنابراین وظیفه دینی انسان است که در سیاست دخالت کند ولی سیاست درست، سیاست باید با روح دین سازگار شود.

خاتمی گفت: از این منظر کار معلم و مربی، کار سختی است چون باید نوباوگان را برای ورود به عرصه زندگی و اداره جامعه تربیت کند و آنان را عالم و آگاه بارآورد و هم کسی باشد که جهت دین را رعایت می‌کند. یعنی هم تعلیم و هم تربیت؛ تا یک سیاست خوب در جامعه حاکم باشد و انسان در عین زیبا ساختن دنیا برای خود و برای همه غرق در دنیا نشود.

فقر و بی‌عدالتی و تبعیض، چهره زندگی را زشت می‌کند. دین زندگی را زیبا می‌خواهد و سیاست خوب نیز ساز و کاری است برای تدبیر زندگی بدون فقر و بدون تبعیض.

خاتمی در ادامه درباره رسالت معلم گفت: معلم باید شهروند تربیت کند و آموزش دهد که حقوق شهروند چیست و مسئول است که این حق را به دست آورد. معلم باید بتواند انسان‌ها را تربیت کند و این یعنی شکوفا کردن استعدادها برای اینکه زندگی خوب را برای خود و دیگران فراهم کند و جهت این زندگی باید به سوی زندگی جاودانه خوب در جهان دیگر باشد و اینها با تهدید و تحمیل حاصل نمی‌شود بلکه با گفت و گو کردن و رشد دادن به دست می‌آید. دانش آموز باید در فرایند رشد و تربیت شرکت داشته باشد تعلیم و تربیت یک‌طرفه نیست.

خاتمی در پایان این جلسه در پاسخ به سوالی درباره بن‌بست اصلاحات تأکید کرد: اصلاحات در بن‌بست و انسداد نیست البته جامعه ما دچار تنگناهای فراوانی شده است و فروبستگی‌هایی است که می‌توانست نباشد، اصلاح طلبان هم نقص دارند و باید مورد نقد قرار گیرند. اما اصلاحات امری است تاریخی که همیشه راه خود را باز کرده است و حضور دارد و خواهد داشت. در تاریخ می‌بینید که مشروطیت تجسم نوعی اصلاحات بود اما با آمدن رضاخان مشروطیت شکست خورد ولی اصلاحات از بین نرفت و در عمق جامعه به جلو حرکت کرد.

وی توضیح داد: اصلاحات حرکت ۱۵۰ ساله ملت ایران است به سوی آزادی، استقلال و پیشرفت و از آنجایی که دین درون مایه فرهنگ ما است و در واقع هویت فرهنگی و مدنی ما دینی است، جامعه این خواست تاریخی خود را سازگار با دین می‌خواهد و وقتی بتوانیم این دو را با هم ببینیم یعنی آن خواست تاریخی منطبق بر دین باشد و دین را طوری بفهمیم که با پیشرفت و آزادی و استقلال سازگار باشد، این اصلاحات است.

خاتمی گفت: ممکن است جریان اصلاحات چند صباحی تحت فشار قرار گیرد و نگذارند در عرصه باشد اما این مهم نیست چرا که اصلاحات، حرکتی است در عمق وجود جامعه.

وی همچنین گفت دموکراسی مردم سالاری سازگار با دین و حکومت آزاد انسان در صورتی مستقر می‌شود و بسط می‌یابد که فرهنگ متناسب با آن نیز به وجود آید و تقویت شود؛ اگر اشکال به اصلاحات وارد باشد، این است که در فرهنگ سازی کمتر موفق بوده است و نتوانسته آن طوری که باید و شاید آموزش دهد که افراد جامعه در جایگاه پدر و مادر و همسر و فرزند و همکار به شکل دموکراتیک یکدیگر را تحمل کنند.

خاتمی با بیان اینکه «دیکتاتوری‌ها و رضاخان‌ها موجب شدند که جامعه ما نتوانست اصلاحات را کاملاً پیاده کنیم» افزود: روشنفکران ما هم نقص داشتند؛ مگر بعد از رضاخان فضا باز نشد؟ روشنفکران و روحانیون و سیاسیون به جان هم افتادند و اگرچه دولت ملی ایجاد شد اما نتوانستند حفظش کنند؛ با این حال باز هم اصلاح طلبی از بین نرفت. وی با پذیرش وجود مشکلات در جامعه یادآور شد: راهکارها هم باید اصلاح طلبانه باشد و با فحش و دعوا کار درست نمی‌شود.

خاتمی با بیان اینکه این کشور محکوم است به رسیدن به نظامی صالح که از معیارهای مثبت مدرن برخوردار باشد در عین حال سازگار با دین و معیارهای آن یادآور شد: من بارها گفته‌ام که ملت ما قهرمان نمی‌خواهد و خود باید خود را اصلاح کند. در حال حاضر هم ملاک‌هایی که اصلاحات با آن سنجیده می‌شود، بر مبنای عمل افراد است در حالی که اصلاح‌طلبان و افراد را باید با معیارهای اصلاحات اصیل سنجید و ارزیابی کرد.

در این جلسه رحیم عبادی با گرامیداشت یاد و خاطره همه معلمانی که در طول حیات به بشریت خدمت کردند، به چهار انقلاب آموزشی «نوشتن و خواندن»، «چاپ و نشر و مکتوب کردن افکار»، «بروز حرفه‌ای به نام معلم» و «یادگیری الکترونیک» اشاره و بیان کرد: در ایران امر معلمی مورد احترام است گرچه نواقص و کمبودهای زیادی داریم.

وی ساختار عریض و طویل آموزش و پرورش و نادیده گرفته شدن معلمان در برنامه سازی را از جمله نقایصی دانست که معلمی را در حد کارمندی آورده است.

عبادی با اشاره به دوران ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی گفت: در آن زمان ما تجربه خوبی داشتیم و از آنجایی که معتقد بودیم امر یادگیری بدون نقش یادگیرنده محقق نمی‌شود، نقش دانش آموزان را با ایجاد پارلمان دانش آموزی پررنگ کردیم. آرزو داشتیم که معلمان نیز بتوانند در برنامه سازی و تصمیم گیری آموزش و پرورش نقش داشته باشند اما هنوز یک میلیون معلم، افرادی نادیده گرفته شده هستند.

در این دیدار، حاضران دغدغه های خود درباره برخی سیاست‌هایی که احساس تبعیض در معلمان ایجاد می کند، نگرانی از وضعیت معلمان زندانی، ایدئولوژیک کردن آموزش و پرورش، عدم حضور چهره های قدرتمند اصلاح طلب در وزارت آموزش و پرورش و عدم جوانگرایی در این وزارتخانه را مطرح کردند.

« افشاگری رییس ستاد انتخاباتی احمدی نژاد از نفوذ و کارگردانی رحیم مشایی در ماجرای مناظره های سال ۸۸

چکیده : به ستادها هم القا شد که در مناظرات دانشگاهی و خیابانی هم سمت و سو را به سمت مثلا خانم رهنورد یا بنیاد شهید و ماجرای تحصن مجلس ششم دوران آقای کروبی و... ببرند. طراح همه سؤالات خود شخص آقای مهندس مشایی بود. پشت همه اینها تیم آقای مشایی بود. حمیدرضا موسوی، از مسئولان ستادهای انتخاباتی احمدی نژاد است که چندی پیش از احمدی نژاد اعلام برائت کرد. او به تازگی در گفت و گوهای متعدد از پشت صحنه کارگردانی مناظره های سال ۸۸ اسفندیار رحیم مشایی پرده برداشته است.

او در گفت و گو با شرق در خصوص نقش مشایی در مناظرات ۸۸ میگوید: "در اتاق فکری که داشتیم، می دانستیم که نقطه ضعف طرف مقابل، آقای هاشمی است؛ چون گفته می شد که منابع مالی طیف مقابل را آقای هاشمی تأمین می کند. این یک استراتژی بود که آقای مشایی و آقای جوانفکر به همراه آقای شریفزاده و آقای داوری که الان زندان هستند، بیشتر بر آن تأکید می کردند؛ یعنی همه اینها پایه گذار این شیوه مناظره بودند که به آقای موسوی و کروبی سرکوفت بزنند؛ چون آتوهای داشتند." متن این گفت و گو به شرح زیر است:

شما گفته اید که از آقای مشایی یکسری اسناد در دست دارید که مربوط به همان سالهاست. چرا الان قصد دارید درباره آنها صحبت کنید؟ بعد از ۹ سال. اتفاقا شما باید به افکار عمومی پاسخ بدهید که اگر اسنادی داشته اید یا اعتقاد به تخلفاتی داشته اید، چرا همان زمان مطرح نکردید؟

من سال ۸۴ و ۸۸ در ستاد امتداد مهر، مسئول ستاد بودم. ستاد امتداد مهر مربوط به پسر آقای احمدی نژاد بود؛ مهدی. من مسئول کل ستادهای امتداد مهر بودم. انتشار این اسناد آن زمان به صلاح کشور و نظام نبود. آن زمان اگر امثال ما از آقای احمدی نژاد حمایت می کردیم، به دلیل این بود که خط احمدی نژاد با خط حضرت آقا یکی بود؛ اما الان به انحراف کشیده شده است.

شما می گوید که در ستادهای امتداد مهر فعالیت داشتید. چه تفاوتی با سایر ستادها داشت و کارش چه بود؟

بیشتر مباحث اجرایی تیم رسانه ای آقای احمدی نژاد را پیش می برد؛ به ویژه در سال ۸۸، با آقای افراشته و آقای خورشیدی کار می کردیم. هدف ما بیشتر کارهای رسانه ای بود.

مثلا چه کاری در سال ۸۸ انجام می دادید؟

نکته ای که می خواستم همین جا اشاره کنم، این است که زمان مناظره احمدی نژاد و کروبی طراح سؤالات خود آقای مشایی بود.

در ستادها هم این بحثها مطرح بود؟ و اینکه چرا باید مناظرات به سمت تقابل با هاشمی و ناطق نوری برده شود؟ سؤال من این است که پشت این تقابل چه استراتژی ای بود؟

در اتاق فکری که داشتیم، می دانستیم که نقطه ضعف طرف مقابل، آقای هاشمی است؛ چون گفته می شد که منابع مالی طیف مقابل را آقای هاشمی تأمین می کند. این یک استراتژی بود که آقای مشایی و آقای جوانفکر به همراه آقای شریفزاده و آقای داوری که الان زندان هستند، بیشتر بر آن تأکید می کردند؛ یعنی همه اینها پایه گذار این شیوه مناظره بودند که به آقای موسوی و کروبی سرکوفت بزنند؛ چون آتوهای داشتند. به ستادها هم القا شد که در مناظرات دانشگاهی و خیابانی هم سمت و سو را به سمت مثلا خانم رهنورد یا بنیاد شهید و ماجرای تحصن مجلس ششم دوران آقای کروبی و... ببرند.

مناظره با آقای موسوی چگونه و به ویژه آن زمان که آقای احمدی نژاد به عکس و مدرک خانم رهنورد اشاره کرد و گفت بگم بگم.

طراح همه سؤالات خود شخص آقای مهندس مشایی بود. پشت همه اینها تیم آقای مشایی بود.

و اینکه محور مناظرات را به تقابل با آقای هاشمی و ناطق بکشند؟

بله. آقای احمدی نژاد خودش اگر اطرافیاناش بگذارند مشکلی ندارد.

یعنی معتقدید که آقای احمدی نژاد صرفا یک مجری بود و صحنه را باقی چیده بودند؟ خودش هیچ نقش فعالی نداشت؟ به نظر نمی آید که احمدی نژاد صرفا یک مجری ساده بوده باشد.

خودش هم مجری بود و هم ایده پرداز. ولی حدسم این است که ایشان بیشتر، سحر آقای مشایی بود.

آقای بقایای چه نقشی داشت؟

بقایای بیشتر با مشایبی هماهنگ و همسو بود. سند شما مبنی بر اینکه پشت صحنه گرداندن آن مناظره‌ها و سمت‌وسوی تقابل با خانواده هاشمی و ناطق آقای مشایبی بود، چیست؟ من در جلساتشان بودم. قبل از سال ۸۸ ساختمان‌های در خیابان وصال، کوچه ماهان بود که مدیریتش با مهندس مشایبی بود. عملیات این ساختمان محرمانه بود و کارش بولتن‌سازی علیه قوه قضائیه و برخی مقامات بود.

چه سالی؟

۸۷ تا ۸۹، مدیران و وزرای دولت‌ها به این ساختمان می‌آمدند و تا نیمه‌های شب جلسه داشتند. یکی از کارهایی که از آن ساختمان بیرون آمد، یک سی‌دی بود که علیه جاسبی منتشر کردند یا مجله دولت معیار، یا وقتی آقای احمدی‌نژاد سفر استانی می‌رفت، ما یکسری سی‌دی از سفرهای استانی ایشان تهیه می‌کردیم؛ با این هدف که آقای مشایبی و آقای احمدی‌نژاد را به یک شکل دیگر جلوه دهیم.

چه شکلی؟

ما در یک تیم رسانه‌ای با مردم مصاحبه می‌کردیم و بازخورد سفرهایش را می‌گرفتیم.

خب فی‌نفسه این کار چه مشکلی داشته است؟

ما از آن استفاده می‌کردیم. سی‌دی‌ها را در جامعه منتشر می‌کردیم.

محتوای «سی‌دی»‌ها سوگیرانه بود یا واقعیات را منعکس می‌کرد؟

نه، واقعیات را هرچه بود، منتشر می‌کردیم. مثلاً در یکی از سی‌دی‌ها خانمی علیه آقای احمدی‌نژاد صحبت می‌کند. ما آن را هم انتشار می‌دادیم یا یک دفترچه منتشر کردیم با عنوان «فرزند ملت» که همه نکات مثبت آقای احمدی‌نژاد و بحث‌های ساده‌زیستی ایشان را در آن منعکس کرده بودیم.

به نوعی اینها فعالیت‌های انتخاباتی به نفع آقای احمدی‌نژاد بوده است؟

همه این فعالیت‌ها نه تنها با هدف حمایت از احمدی‌نژاد بلکه با هدف مطرح کردن مشایبی صورت می‌گرفت. مثلاً وقتی آقای احمدی‌نژاد رفت سازمان ملل، یک کتاب با عنوان «انقلاب اسلامی ضرورت‌ها و دستاوردهای اطلاع‌رسانی» منتشر شد که مجموعه سخنرانی‌های مشایبی بود. این کتاب به همراه یک کارت ویزیت در سازمان ملل توزیع شد. کتاب و کارت ویزیت به زبان انگلیسی بود. هدف این بود که به نفع آقای مشایبی در جامعه ذهنیت‌سازی شود. به این شکل که گزینه بعدی ریاست جمهوری برای سال ۹۲ آقای مشایبی است.

بودجه‌های این هزینه‌ها از کجا و چطور تأمین می‌شد؟

از خود نهاد ریاست جمهوری تأمین می‌شد.

برآورد رقم دارید؟

نه ولی یکسری کارت هدیه در برخی جلسات توزیع می‌شد تحت عنوان حق قدم. یکسری کارت هدیه ۵۰۰ هزارتومانی بود که شعار آقای مهندس مشایبی روی آن نوشته شده بود.

به چه کسانی داده می‌شد؟

در یک برهه از زمان آقای مشایبی با جامعه وعاظ ولایی به مشکل برخورد. جامعه وعاظ ولایی متعلق به آقای شجونی بود. اما یک جامعه وعاظ ولایی دیگر هم با محوریت آقای مهندس مشایبی درست شد. در این جلسات آقای رئیس‌جمهور دعوت می‌شد و به حاضران کارت هدیه می‌دادند. از ۱۵۰ هزار تومان تا ۵۰۰ هزار تومان. در تاریخ ۲۰ دی ۸۹ به هریک از اعضا کارت هدیه ۵۰۰ هزارتومانی داده شد. مناسبش هم حضور آقای بقایای در آن جلسه بود. سی‌دی آن جلسه هم که به صورت محرمانه بود، من دارم. مهندس مشایبی یک شعری داشت که می‌گفت با افتخار همه بگوئید. شعر این بود: «ما اهل جنون و بی‌قراری هستیم؛ اهل دل و مهر و عشق و یاری هستیم؛ دلبسته نام مکتب ایرانیم؛ صدشکر خدا را که انحرافی هستیم».

حالا چه شد که شما از مشایبی جدا شدید؟

جزء جریان انحرافی نشدیم. چون همیشه وقتی نام ایشان می‌آمد، حامیان‌ش برایش صلوات می‌فرستادند. چون من گفتم گفتمان شما را قبول ندارم، از سال ۹۰ خودم را کنار کشیدم. من می‌گفتم مگر ایشان کیست که صلوات بفرستیم؟ می‌گفتند ایشان عارف و اسلام‌شناس است. کتابی به نام معمای مشایبی با محوریت خود آقای مشایبی منتشر کردند. ما باید این کتاب را در بین همه اقشار توزیع می‌کردیم.

چه سالی؟

سال ۸۹ تا ۹۰،

الان که مشای و بقای بازداشت هستند، احمدی‌نژاد به تنهایی ایده‌پردازی می‌کند؟

نه الان هم آقای جوانفکر و شریف‌زاده و دیگران هستند.
در جریان تأمین بودجه‌های تبلیغات انتخاباتی سال ۸۴ و ۸۸ هستید؟
ما را در جریان نمی‌گذاشتند.

به نظر شما چه شده که این روزها آقای احمدی‌نژاد بحث‌های آزادی‌خواهی را مطرح می‌کند؟ این چرخش از کجا آمده است؟

شعار عدالت‌خواهی یا آزادی‌خواهی آقای احمدی‌نژاد به نظرم پوسیده است. الان آقای حبیب‌الله جزء خراسانی مگر همکار ایشان نیست؟ چرا اسمی از ایشان نمی‌برد؟ مگر الان در زندان نیست؟ پس چرا فقط اسم مشای و بقای را می‌برد؟ از محالات است که کسی باور کند احمدی‌نژاد آزادی‌خواه شده است. آن زمان هر کسی با آقای مشای مخالفت می‌کرد، باید با او برخورد می‌شد. از مهدی محمدی تا حاج آقا شریعتمداری. یک جلسه در انصار حزب‌الله بود. میهمان یک جلسه آنها حاج آقا شجونی بود که نسبت به مشای حساسیت داشت. آقای مشای یک طیفی اجیر کرد که بروند آنجا که تا اسم مشای آمد، آنها شروع کنند به برهم‌زدن جلسه و بگویند داستان خانم باوند چیست؟ داستان گاوداری شما در خارج از تهران چیست؟

آقای مشای چقدر اطلاعات امنیتی از افراد مختلف دارد؟

شما که در جریان پیشینه آقای مشای هستید. ایشان از نیروهای امنیتی کشور بودند. آقای بقای هم همین‌طور. اما می‌دانم که دستشان بسیار پر بود. یا حداقل این‌گونه وانمود می‌کردند که هیچ مشکلی ندارند. حتماً از هر کسی یک مدرکی داشتند و بر همین مبنا هم مانور می‌دادند. می‌گفتند هرکسی که علیه مشای حرف زد را بزنید. یک ساختمانی در میدان ونک در خیابان ونک گرفته بودند. یک اتومبیل با همه تجهیزات در اختیارشان بود. این ساختمان تنها کارش این بود که علیه مسئولان کشور فعالیت کند.

مسئولان یعنی چه کسانی؟

قوه قضائیه. بولتن علیه شخص رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شد و در جمع همین وعاظ ولایی توزیع می‌شد. درگیری با خانواده آقای لاریجانی از قبل‌ها وجود داشت.

تقابل با لاریجانی‌ها هم به نظر شما ایده مشای بود؟

نه تنها من بلکه به همه وزرای پیشین که مراجعه کنید، به شما می‌گویند که مشای و بقای همه‌کاره آقای احمدی‌نژاد بودند.

وجود ۷۰ هزار داعشی در عراق



براساس آمار و ارزیابی آمریکایی‌ها و دولت عراق در منطقه بین سوریه و عراق شمار داعشی‌ها تا پایان سال 2017 و اطراف لبنان 250 هزار نفر است.

به گزارش مشرق، "حاج ابوالا الولائی" فرمانده کتائب سید الشهداء و از گروه‌هایی است که در ائتلاف فتح حضور دارند. با وی درباره وضعیت عراق در دوره داعش، عراق پسا داعش و نیز انتخابات پارلمانی این کشور مصاحبه‌ای داشتیم که حاصل آن از نظر خوانندگان می‌گذرد.

4 سال پس از مقابله نیروهای نظامی و حشد الشعبی با گروه تروریستی داعش، عراق وارد مرحله جدیدی شده که سیاستمداران و نظامیان عراقی به آن دوران پساداعش می‌گویند. به نظر شما این دوره چه ویژگی‌هایی دارد؟

10 هزار شهید و 30 هزار جانباز برای مبارزه با داعش

ابوالا: ما وارد نبرد بسیار بزرگی با داعش شدیم. این نبرد از کمر بند بغداد شروع و تا مرزهای سوریه با عراق ادامه یافت تا اینکه تمام اراضی نینوا را آزاد کردیم و اثری از داعش در آن باقی نماند. ما در این راه شهدای بسیاری را تقدیم کردیم؛ بیش از 10 هزار شهید دادیم و 3 هزار جانباز و بیش از 30 هزار زخمی در این نبرد داشتیم.

8 هزار انتحاری داعشی و 5 هزار خودروی بمب گذاری شده ثبت شده است

ما از کمر بند بغداد شروع کردیم تا این که تمام اراضی عراق را آزاد کرده و پاکسازی کردیم. بیش از 5 هزار خودروی بمب گذاری شده را منهدم کردیم و بیش از 3 هزار تروریست نفوذی را هم به هلاکت رساندیم. براساس اطلاعات وزارت دفاع عراق در این مدت خودروهای بمب گذاری شده و نیروهای انتحاری نفوذی ثبت شده در این وزارتخانه بیش از 8 هزار مورد بوده است.

این موضوع خود نشان از دشواری آن مرحله دارد و همانگونه که پیامبر فرمودند: "يُوشِكُ الْأُمَمُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ كَمَا تَدَاعَى الْأَكْلَةُ إِلَى قَصْعَتِهَا، فَقَالَ قَائِلٌ: وَمِنْ قِلَّةٍ نَحْنُ يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: لَا. أَنْتُمْ يَوْمُئِذٍ كَثِيرٌ، وَلَكِنْكُمْ غَنَاءُ كَغَنَاءِ السَّيْلِ".

داعش در واقع دستان حمایت شده از سوی آمریکاست، داعش ادامه مسیر القاعده است و القاعده ساخت آمریکاست. از داعش در واقع تمام کشورهای منطقه‌ای از جمله عربستان سعودی و قطر حمایت می‌کردند. آنها از جبهه النصره نیز حمایت می‌کردند.

این کشورها برضد ما توطئه کردند. در سال 2014 نیروهای داعشی که از مرزهای سوریه وارد خاک ما شدند در واقع یک سوم نیروهای داعش بودند. زمانیکه به موصل رسیدیم چیزی در حدود 4 تا 5 هزار نیروی عربی و برخی از تابعیت‌های

خارجی قفقازی و چچنی حضور داشتند، آنها بودند که سازماندهی عملیات عراق را بر عهده داشتند.

هدف از این عملیات بیشتر جنگ مذهبی بود، آنها سعی داشتند نمادهای تشیع را در عراق نابود کنند، سعی کردند تمام عتبات عالیات و مقدس را ویران کنند، برنامه آنها کوچاندن و آواره کردن شیعیان در عراق بود و برنامه داشتند شیعیان را از بغداد به سمت مرزهای عراق با ایران کوچ دهند.

اما این طرح آنها به برکت نام حضرت محمد و خاندان حضرت محمد و با همت غیور مردان و به برکت خون شهیدان، این تهدید را به پیروزی مبدل کردیم، البته در تحقق این پیروزی بزرگ عواملی دخیل بودند.

3 عامل پیروزی عراق بر داعش

من سه عامل را بر می‌شمارم، نخست فتوای تاریخی امام سید سیستانی است. مساله دوم گردان‌های مقاومت بودند؛ این گردان‌های مقاومت به مثابه ستون مهره‌های بدن انسان بودند که گوشت آن را پوشانده و گردان‌های مقاومت با پیوستن گروه‌های داوطلب و مجاهد قدرت چند برابری یافتند.

عامل سوم جمهوری اسلامی ایران بود، حمایت‌های مبارک ایران که به صورت پلی هوایی برای حمایت و پشتیبانی از مجاهدان صورت گرفت، باعث این پیروزی شد.

منظورم از جمهوری اسلامی ایران همان سپاه پاسداران و نیروهای حزب الله است. به صراحت می‌گویم در کمربندی بغداد خون‌های ما باهم آمیخته شد، ما در کمربندی بغداد نبرد کردیم. فاصله زمینی تا کاظمین 21 کیلومتر بود، امام فاصله هوایی بیش از 13 کیلومتر نبود. موشک‌ها و خمپاره‌های آنها به اطراف مرقد امام موسی بن جعفر اصابت می‌کردند و زمانی که نبرد ما از بغداد به سامراء کشیده شد، ما تنها 13 کیلومتر تا کاظمین فاصله داشتیم.

داعش یک تهدید بود، تهدیدی بسیار بزرگ. در آن زمان حدود چهار استان عراق در معرض خطر سقوط قرار داشت، که اولین آنها سامراء بود. این منطقه در معرض خطر سقوط قرار داشت. بعدی استان دیالی بود و حتی بغداد هم در معرض خطر سقوط قرار داشت، چرا که داعش به ورودی‌های این شهر رسیده بود. بغداد به صورت روانی سقوط کرده بود، ولی به صورت نظامی خبر، حتی کربلا و نجف نیز در معرض تهدید سقوط قرار داشتند.

در سایه چنین شرایطی بود، که هریک از برادران مجاهد و رزمنده و نه تنها نیروهای جنگاور بلکه داوطلبان و کاروان‌های حسینی و با دعای مردم بود که این لیست‌های داوطلبان پر شدند و ما این چنین بود که این پیروزی بزرگ را رقم زدیم. پسمانده‌ها و آثار داعش باقی خواهد ماند، حتی برای چندین سال باقی می‌ماند. نبرد نظامی ما با داعش به پایان رسیده است، اما نبرد امنیتی هنوز هم ادامه دارد و تصور می‌کنم این نبرد تا 5 سال آینده نیز ادامه یابد.

70 هزار داعشی اکنون در عراق پراکنده‌اند

آنها هم اکنون هسته‌های خفته دارند، براساس آمار و ارزیابی آمریکایی‌ها و دولت عراق در منطقه بین سوریه و عراق شمار داعشی‌ها تا پایان سال 2017 و اطراف لبنان 250 هزار نفر است. سهم ما از این تعداد در حدود 100 تا 150 هزار تن از آنان بوده، ما در این نبرد نتوانستیم 100 هزار نفرشان را بکشیم یا دستگیر کنیم، شاید توانستیم 10 هزار نفرشان را بکشیم، و شمار زخمیان آنها هم 10 هزار نفر بود و دولت عراق شاید در حدود 10 هزار نفرشان را بازداشت کرد، اما اکنون در واقع بیش از 70 هزار نفرشان پخش شده‌اند و بخشی از آنها اماکن سابق خود را تغییر دادند، از این رو هسته‌های خفته آنها اکنون بسیار است.

من اکنون به عنوان مسئول سازمان الحشد الشعبی در موصل می‌گویم، شمار کسانی که حکم جلبشان صادر شده تاکنون بیش از 51 هزار نفر است، اما شمار آنها در موصل که جمعیت این منطقه بیش از 4 میلیون نفر است، بیش از 100 هزار نفر است، مقامات قضایی عراق حکم جلبشان را خواستار شده‌اند.

این رقم در مقایسه با مساحت موصل و شمار جمعیت آن در واقع رقمی اندک به شمار می‌آید، از این رو معتقدم نبرد کماکان ادامه دارد، ما اکنون در موصل روزانه انبارهای سلاح را کشف می‌کنیم، چند روز پیش ما بیش از 5 عدد کمر بند انتحاری کشف کردیم. تا به امروز در موصل تونل کشف می‌کنیم، حتی در برخی از منازل انبار مهمات کشف می‌کنیم.

ما در موصل آزاد سازی را محقق ساختیم و همچنین در مناطق بسیاری این امر محقق شده، اما تاکنون پاکسازی واقعی محقق نشده است.

هم اکنون ما به عنوان گروه‌های مقاومت و نیروی الحشد الشعبی معتقدیم امسال سال هماهنگی و سازماندهی است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ما از جهاد اصغر فارغ شدیم و اکنون باید خود را برای جهاد اکبر مهیا کنید. من نبرد نظامی را جهاد اصغر می‌دانم و اکنون روند سازماندهی و آموزش مهم است. عراق همواره به محلی برای تاخت و تاز گروه‌های مختلف باقی خواهد ماند، تا زمانی که حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کنند. از این رو می‌بایست خود را آماده سازیم و کشورهای منطقه‌ای که میلیون‌ها دلار خرج کردند هرگز عراق را به حال خود رها نخواهند کرد.

آنها اجازه نخواهند داد ما طعم خرسندی و خوشحالی مربوط به پیروزی را برای مدت طولانی بچشیم و به طور حتم از بسیاری جنبش‌ها حمایت خواهند کرد. هم اکنون حزب بعث بعد از رها شدنمان از داعش در حال شکل گیری مجدد است. این حزب در حال سازماندهی داعش است، اکنون این گروه‌های موجود نظیر نقشبندی و جیش محمد و الراشدون همه این گروه‌ها بار دیگر شکل گرفتند.

این نیروها از ترکیه یا عربستان سعودی و یا از قطر در حال سازماندهی نیروهای خود هستند، از این رو ما معتقدیم نبرد

طولانی خواهد بود. این مرحله آغاز کار است و آن چیزی که محقق شده تنها پیروزی نظامی بود. ما نبرد امنیتی طولانی در پیش روی خود داریم، نبرد ما در عراق پایانی نخواهد داشت، این نبرد از سال 2003 از زمان سقوط بت رژیم سابق تا به امروز ادامه دارد و اکنون تمام استان‌های ما هراز چندگاهی شاهد وقوع انفجار هستند و عملیات آدم ربایی و ترور در استان‌های ما وجود دارد.

در دیالی نبرد ما ادامه دارد، پیروزی ما در موصل یک پیروزی سست است، موصل اکنون با سه کشور هم مرز است، سوریه، ترکیه و اردن، مضافاً بر اقلیم کردستان ما همه روزه در موصل دهها قبضه سلاح را کشف و مصادره می‌کنیم. برخی از این تسلیحات از انبارهای داعش است و برخی هم معدوم شدند و برخی از این سلاح‌ها اکنون از اقلیم کردستان وارد شهر موصل می‌شود.

الحشد شعبی در زمان جنگ با داعش بسیار کارا و مفید بوده است اما با گذشت این مرحله برخی سیاستمداران به دنبال انحلال این نهاد یا ادغام آن در نیروهای مسلح هستند. نظر شما در این باره چیست؟

ابوالا: الحشد الشعبی خواست ملت و امید علماست. الحشد الشعبی یکی از پاکترین نهادهای بوجود آمده در عراق در بعد از سقوط رژیم سابق تا به امروز است. یکی از مفیدترین نهادهای بوجود آمده بعد از سقوط صدام تا به امروز همین الحشد الشعبی است، از این رو ما نام آن را الحشد المقدس قرار داده‌ایم.

شان و منزلت الحشد المقدس به مانند شان و منزلت تمام دستگاه‌ها و نیروهای امنیتی و نظامی کشور است. هدف این نیروها دفاع از کشور و ملت عراق است. به موجب قوانین پارلمان عراق که من در آن زمان در پارلمان عراق حضور داشتم، فعالیت الحشد الشعبی قانونی است.

ما اکنون تنها برای الحشد الشعبی آیین نامه داخلی لازم را داریم، ما به قانونی نیاز داریم که در آن سلسله مراتب در الحشد الشعبی تعیین شود، از این رو تنها به سازماندهی نیاز داریم.

علما حفاظت از حشد شعبی را واجب شمرده‌اند

من از علما شنیدم که حفاظت از الحشد الشعبی یک امر واجب است و حتی برای حفاظت از آن تا 10 سال آینده هم سفارش کردند، چرا که تهدیدها کماکان پابرجا هستند. از این رو ما اکنون منتظر آموزش و سامان یافتن این نهاد هستیم. شمار نیروهای الحشد الشعبی 152 هزار نفر است، اما در قانون این شمار را 110 هزار نفر اعلام کرده‌اند، البته از ما خواستند تا شمار این نیروها کاهش یابد.

12 هزار نفر از این نیروها سنی و از عشایر هستند که در نبرد موصل به ما ملحق شدند، از این رو قانوناً شمار این نیروها به 122 هزار نفر رسید، اما بعد از آن از ما خواسته شد 30 هزار نفر را کاهش دهیم.

این 30 هزار نفر در آغاز سال جاری کاهش یافتند، ولی شمار 110 هزار نفر در قالب گردان‌هایی سازماندهی خواهند شد و در قالب سازمان الحشد الشعبی به وظایف خود ادامه خواهند داد.

سازمان الحشد الشعبی با فرماندهی کل نیروهای مسلح در ارتباط است و تمام آن کسانی که فریاد می‌زدند و خواستار تجزیه و تفکیک الحشد الشعبی بودند، نتوانستند آن را تجزیه کنند و کسانی که از بیرون از مرزها هدایت می‌شدند و می‌خواستند تجزیه الحشد الشعبی را ببینند، نتوانستند این خواسته را محقق سازند.

ما در این راه خون دادیم، هیچ انسان عاقلی را نمی‌یابید که یک عامل قدرتی را در خود داشته باشد و بعد از مدتی بخواهد این عامل قدرت را از بین ببرد، این عامل قدرت از شرف و ناموس، میهن و ملت و کشور عراق حمایت کرد. از این رو به طور حتم الحشد الشعبی باقی خواهد ماند.

یکی از عواملی که باعث شده ما اکنون در عراق بتوانیم حضور داشته باشیم، همین مساله دفاع از الحشد الشعبی است. امروز ما در پارلمان 182 نماینده داریم که همه این نمایندگان در زیر گنبد پارلمان شیعی هستند. البته بخشی از این نمایندگان به قانون الحشد الشعبی رای ندادند، اما در مقابل برخی از نمایندگان سنی به این قانون آری گفتند چرا که کارایی و توانایی آن را در زمان آزاد سازی مناطق سنی نشین از لوث حضور داعش درک کردند، ما از نوامیس و منازل آنها حمایت کردیم از این رو آنها هم به نوبه خود از قانون حشد الشعبی حمایت کردند.

اما بخشی از نمایندگان شیعی به قانون الحشد الشعبی رای ندادند، از این رو ما اکنون در پارلمان عراق به گروهی نیاز داریم که از آنها حمایت کنند. این موضوع یکی از دلایلی بود که باعث شد ما هم در روند تحول سیاسی در عراق وارد عمل شویم. ما می‌خواهیم نمایندگانی در پارلمان حضور داشته باشند که خود از بطن این مقاومت مردمی هستند، رزمندگانی که جنگیدند و اکنون استعفا دادند و وارد روند تحول سیاسی در عراق شدند.

هم اکنون به موجب قانون اساسی عراق این اجازه به تمام کادر ارتش و نیروهای وزارت کشور عراق داده شده که در صورت استعفا از فعالیت‌های امنیتی و نظامی بتوانند در تحول سیاسی عراق مشارکت داشته باشند. الحشد الشعبی یک نهاد دولتی است و همان قانونی که برای نیروهای امنیتی و نظامی وجود دارد درباره ما هم صدق می‌کند.

الحشد الشعبی به عقیده من هر روز در حال قوی‌تر شدن است. این نیرو سربلند از این نبرد بیرون آمد، ما نبرد را با تجهیزات بسیار ساده شروع کردیم و امکانات زیادی نداشتیم. صدها شهید تقدیم کردیم، سلاح ما ساده بود و خودروهای ما وانت‌های بسیار ساده بودند، ما با چنین امکاناتی در این جنگ شرکت کردیم.

حشد یکی از پیشرفته‌ترین نیروهای نظامی در منطقه است

اکنون الحشد الشعبی یکی از پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی را دارد؛ تجهیزاتی که نیروهای امنیتی و نظامی دیگر از آن

برخوردار نیستند. توان مهندسی ما هم اکنون شاید بتوان گفت نیرومندترین مهندسی نظامی نه تنها در عراق بلکه در کل منطقه از نظر دستگاه‌های امنیتی و نظامی است.

سرویس اطلاعات قوی داریم به گونه‌ای که تمام نهادهای دولتی گواهی می‌دهند سرویس اطلاعات الحشد الشعبی نیرومند است. ما قوی‌ترین اطلاعات را بر روی خاک عراق در اختیار داریم، نیروهای زبده و ویژه داریم و از پشتیبانی نظامی خوبی برخورداریم. توان ما در مقایسه با دستگاه نظامی عراق بی نظیر است.

ما نیامده‌ایم تا نقش ارتش را از آن بگیریم، برعکس ما نیروی موازی این ارتش هستیم، از این رو تاکید می‌کنم الحشد الشعبی باقی خواهد ماند و تمام صداهایی که برضد آن بلند شدند خاموش می‌شوند.

آنها خیلی پیش‌تر و در آن زمان که هنوز تهدید داخلی و خارجی وجود داشت می‌خواستند الحشد الشعبی را از کار بیندازند، آنها برای جلوگیری از ایستادگی الحشد الشعبی در برابر تهدیدهای خارجی از هر وسیله‌ای برای تجزیه آن استفاده کردند. حتی آمریکا خواست الحشد الشعبی را تجزیه کند، حتی کردها هم خواستند الحشد الشعبی تجزیه شود. کشورهای منطقه هم خواستار تجزیه الحشد الشعبی شده بودند و در راس آنها عربستان سعودی بود.

اما تمام این فریادها و تمام این کشورها با وجود هزینه اموال هنگفتی با هدف تجزیه الحشد الشعبی در تحقق این مهم ناکام ماندند. این در بخش تهدید خارجی است، ولی در بخش تهدید داخلی، بودند کسانی که سعی می‌کردند آن را آلوده نشان دهند و می‌گفتند این نیروها دولتی هستند؛ وابسته به ایران هستند و یا حتی می‌گفتند این نیروهای مرجعیت هستند.

تمام این توطئه‌ها به دلیل حکمت امام سید سیستانی و با حکمت تمام دست اندرکاران و عقلای ملت عراق نقش بر آب شد. تاکنون الحشد الشعبی یکپارچه و متحد است؛ البته هستند برادران شیعی که نمی‌خواستند الحشد الشعبی به جایی برسد چرا که آنها خوب می‌دانند اگر الحشد الشعبی وارد رقابت‌های انتخاباتی شود، کرسی را از آنها خواهد گرفت. از این رو آنها این مساله را به نفع خود نمی‌دانند.

امروزه الحشد الشعبی کنترل مرزهای سوریه با عراق را در دست دارد، این مرزها 2400 کیلومتر طول دارند. امروز ما کنترل موصل را در دست داریم، مرزهای موصل ابتدا از کویر تا به کردستان تا به سد موصل می‌رسیم و بعد از زمار و سنجار می‌رسیم تا به تل صخور می‌رسیم، از تل صخور تا قائم ادامه می‌یابد؛ این مناطق را همه و همه الحشد الشعبی به دست دارد.

از این رو این مساحت‌ها وسیع هستند، از خائنین و دیالیه نیز در دست الحشد الشعبی قرار گرفته و تا حدیثه در دست ماست. الحشد الشعبی نیروی طایفه‌ای نیست، چرا که امروزه برادران سنی و ایزیدی و مسیحی و از تمام طایفه‌ها به عضویت الحشد الشعبی در آمده‌اند. از این رو الحشد الشعبی یک نیروی شیعی نیست، این نیرو برای تمام عراقی‌هاست و از تمام گروه‌های عراقی در آن خدمت می‌کنند.

چه برنامه‌هایی برای بعد از انتخابات و ورود به پارلمان دارید؟

ابو آلا: در موضوع ائتلاف الفتح ما با خون شهدا عهد بستیم که پرچم عراق را بر زمین نگذاریم، ما عهد بستیم از حقوق ملت دفاع کنیم، خواه این دفاع نظامی و در سنگر باشد و یا خواه نبرد سیاسی زیر گنبد سقف پارلمان باشد. در هر صورت می‌خواهیم از حقوق ملت و خواست ملت دفاع و حمایت کنیم.

نبرد با داعش و نبرد نظامی به پایان رسید و نبرد ما اکنون بیشتر امنیتی است. ما اکنون معتقدیم که ائتلاف الفتح برنامه دارد، ما توانایی لازم را داریم همانگونه که در نبرد در سنگر رزم به پیروزی رسیدیم و در این راه شهید دادیم، امروز به پاس خون آن شهیدان وارد کارزار سیاست شویم. از برخی از برادران می‌شنوم که الحشد الشعبی در حال سوء استفاده کردن از خون شهداست، اکنون شما یک حزب یا یک جریان را در دولت عراق نمی‌یابید که در داخل الحشد الشعبی یک گروه نظامی نداشته باشد.

مساله دیگر این است که ما برای هیچکس ناشناخته در عرصه سیاست نیستیم، سازمان بدر اساساً یک نهاد سیاسی است و در وزارتخانه‌ها فعال است. عصائب هم در عملیات سال 2014 شرکت کردند، اما در پارلمان عراق نماینده دارند، ما گردان‌های سید الشهداء در عملیات سال 2014 شرکت کردیم و نماینده در پارلمان داریم و بسیاری از شخصیت‌هایی که اکنون نامشان در فهرست فتح وجود دارد در گذشته در روند تحول سیاسی عراق حضور داشتند.

یعنی پیش از 2014 این یک موضوع و موضوع دیگر درباره ائتلاف الفتح این است که این ائتلاف که این همه علاقمند و این همه هوادار زیاد دارد همه به دلیل عملکردی است که داشته، ما قادر به حفظ تمامیت ارضی عراق شدیم.

از این رو ائتلاف الفتح مطمئناً در زیر سقف پارلمان نیز همان کسانی که از تمامیت ارضی عراق حمایت کردند اکنون نیز در پارلمان هم از حقوق ملت مظلوم و محروم عراق و تمامیت ارضی این کشور حمایت خواهد کرد. ما گفتیم الحشد الشعبی یکی از پاک ترین نهادهایی بود که بعد از سال 2003 در عراق شکل گرفت، از این رو برای الفتح هم منزلت و شان بالایی در پارلمان عراق انتظار داریم.

این فهرست یکی از فهرست‌های پاک انتخاباتی است و البته فهرست‌های پاک دیگری هم هستند و انسان‌های مخلصی هم نامزد شده‌اند، آنها به صراحت از عراق حمایت و دفاع کردند. ما این بزرگواری آنها را فراموش نمی‌کنیم، این افراد از همان سال 2003 با فریادی که می‌زدند باعث خروج اشغالگران آمریکایی از عراق شدند و به این حمایت از عراق ادامه دادند.

در آن زمان که پارلمانی در عراق نبود و شوراها بودند ما شرکت نداشتیم چرا که اولویت ما حمایت از خاک عراق بود. از این رو حضورمان بتعویق افتاد و تا زمان برگزاری انتخابات پارلمانی در عراق حضورمان معوق ماند. اکنون نیز اگر در

عراق جنگ و نبردی بود به طور حتم آن جنگ و نبرد برای ما در اولویت قرار می‌گرفت.

نخست وزیر آینده را فتح تعیین خواهد کرد

اما در خصوص موضوع و برنامه انتخاباتی فهرست الفتح باید بگویم، ما در جامعه عراق یک نظرسنجی برگزار کردیم، در دیالی، بغداد، نجف و ذی قار و در بیش از یک منطقه نظرسنجی انجام دادیم و از نظر و ایده و خواست ملت عراق در این مناطق مطلع شدیم. در این نظرخواهی در سال‌های 2014 و 2015 اولویت مردم تحقق امنیت و ثبات و آرامش بود، اما اکنون خواسته‌ها فرق کرده و می‌خواهند با فساد مبارزه شود، می‌خواهند اوضاع اقتصادی بهبود یابد و تامین اجتماعی اجرا شود، افراد به دنبال مسکن و بهداشت و درمان و آموزش هستند. این نیازها و خواسته‌ها بدیهی و عادی هستند، این خواسته هر انسان عراقی و هر ساکن کشور است.

عراق کشوری بسیار ثروتمند است، اما به دلیل جنگ‌ها و مشکلاتی که با آن رو به رو شد، به این وضعیتی که به آن دچار شده‌ایم رسیدیم. معتقدم فهرست الفتح بسیاری از روندهای سیاسی عراق را اصلاح خواهد کرد، همانگونه که در میدان جنگ آثار خوبی گذاشتیم در سیاست هم نقش خود را به درستی ایفا خواهیم کرد، **ما رقابت خوبی خواهیم داشت ما نخست وزیر معرفی نمی‌کنیم بلکه نخست وزیر را به خواست خداوند ما تعیین می‌کنیم.**

نگاه مرجعیت به حضور حشد در عرصه انتخابات رو چطور ارزیابی می‌کنید. مرجعیت درباره حمایت یا عدم حمایت از حشد موضع واضحی ندیده‌ایم بلکه گفته‌اند از خون‌های شهدا نباید استفاده سیاسی شود. نظر شما در این باره چیست؟

ابو آلا: معتقدم امام سید سیستانی سوپاپ اطمینان به شمار می‌آید، نه تنها برای فعالیت‌های سیاسی بلکه سوپاپ اطمینان برای تمام عراق است. او عملاً از وحدت و تمامیت ارضی عراق حمایت کرد. در نگاه به وضعیت تاریخی عراق و در نگاه به فتوای صادره از او بخصوص در روز جمعه نظر سید سیستانی بسیار واضح بود، **ما مطلب صریحی که امام سید سیستانی در آن به عدم مشارکت الحشد الشعبی در انتخابات اشاره داشته باشد دریافت نکردیم، اما در هفته پیروزی او سفارش کرد آنهم از زبان شیخ عبدالمهدی کربلایی وکیلش که خدا حفظشان کند، شنیدیم که گفت شخصیت‌هایی که تابحال در روند سیاسی عراق شرکت نداشتند از حضور در الحشد الشعبی به عنوان ایزاری استفاده نکنند تا این دستگاه مقدس بدنام نشود.**

اکنون نیز برادرانمان که در الفتح هستند و در الحشد الشعبی بودند پیش از الحشد الشعبی در روند تحول سیاسی عراق حضور داشتند. برخی در شوراهای استانی بودند و برخی حتی نماینده پارلمان بودند، برخی هم نمایندگان پارلمان در دولت گذشته عراق بودند، یعنی در سال 2009 نماینده بودند.

بنابراین تمام این برادرانی که اکنون در ائتلاف الفتح هستند برادران تازه کاری در عرصه سیاست نیستند. یکی از افراد در گردان‌های سید الشهداء بود، فالح الخزعلی معاون جهادی این گردان از سال 2014 نماینده پارلمان عراق است، در پارلمان هم که مشغول فعالیت بود اگر کسی می‌خواست وارد جبهه‌های نبرد شود، از حضور در پارلمان در آن مدت مرخص می‌شد. همانگونه که حاج ابو حسن العامری چنین کرد، حاج حسن سالم نیز همچنین و شیخ عدنان الشمامی چنین کرد، سخنگوی رسمی ابوجعفر الاسدی همچنین و حاج فالح الاسدی نیز به همین منوال عمل کرد، او خود را وقف خدمت و دفاع از عراق کرد.

بنابراین از سوی مرجعیت در این باره به صراحت مطلبی بیان نشده است، فکر می‌کنم از این سخنان دیگر برادران در گروه‌های سیاسی دیگر قصد داشتند به نحوی بهره برداری کنند و در رقابت‌های انتخاباتی به نفع خود استفاده کنند، تا از شانس پیروزی ائتلاف الفتح کاسته شود.

اما اکنون ما معتقدیم شانس ائتلاف الفتح در این انتخابات بسیار زیاد است، ما به برکت دعای امام سید سیستانی زندگی می‌کنیم.

مرجعیت درباره رای دادن به کسانی که در گذشته بوده‌اند سخنی دارند که "آزموده را آزمودن خطاست". بر این اساس افراد جدیدی باید وارد عرصه انتخابات شوند. نظر شما در این باره چیست؟

ابو آلا: این بخش بله یک سخن واقعی است و از امام سید سیستانی صادر شده است، اما همه آزموده‌ها بد نیستند و ما نمی‌توانیم انسان موفق را نادیده بگیریم. در روند سیاسی افراد بسیاری موفق بوده و هستند، این افراد صدایشان در دفاع از عراق و ملت عراق و حمایت از الحشد الشعبی بوضوح شنیده شد. آنها از گردان‌های مقاومت حمایت کردند و خواستار پایان اشغالگری آمریکا شدند، آنها مخالفت خود را با هرگونه دخالت خارجی اعلام کردند.

منظور از آزموده را آزمودن خطاست، آزموده فاسد است، منظور کسانی هستند که خون این ملت را مکیدند و از رنج ملت نکاستند. این قبیل افراد را حتماً نباید بار دیگر آزمود، این دسته از افراد جز در دسر و مشکل برای ما چیزی نخواهند داشت. اما کسانی که با اخلاص حضور دارند و حتی آنها را در جبهه‌های نبرد دیدیم و صدای آنها را زیر سقف پارلمان در مطالبه حقوق دیدیم این دسته از افراد موفق هستند و به طور حتم ملت عراق این افراد را بار دیگر بر می‌گزیند.

برخی جریانات بر همین مبنای سخنان آیت الله سیستانی افراد جدیدی را وارد لیست کردند که شامل کمونیست‌ها و لیبرال‌ها می‌شود. نظر شما در این باره چیست؟

ابو آلا: به طور حتم هر جریانی دیدگاه خاص به خود را دنبال می‌کند، بسیاری اکنون در مساله تکنوکرات پیشگام شده‌اند. در موضوع تکنوکرات مردان حرفه‌ای حضور دارند آنها به دنبال مردان حرفه‌ای هستند که می‌توانند به عراق خدمت کنند، فرقی نمی‌کند کمونیست باشد یا لائیک فرقی نمی‌کند. مهم این است که این افراد باید حرفه‌ای و کاری باشند.

این واقعیت جامعه عراق است، بسیاری تکنوکرات هستند و اکنون در سیاست حضور دارند. بسیاری از این افراد فعالیت‌های

خوبی داشتند. چرا بیاییم و همه کسانی که در تحول عراق و دفاع از عراق و حفظ تمامیت ارضی و اتحاد ملت سهیم بودند را تغییر دهیم؟ انسان‌هایی هستند که موفق بودند من گفتم انسان‌های موفق را نباید تغییر داد.

حتی وقتی می‌گوییم آزموده را آزمودن خطاست، حاج ابو حسن العامری یک آزموده است، در این بین حاج فلاح الخزعلی نیز چنین است. ما هم این را می‌گوییم بسیاری هم هستند که موفق ظاهر نشدند، از این رو به طور حتم کسانی را که انتخاب کردیم و در این مدت حتی حضور نداشتند و به نام ملت حرفی نزدند یعنی در چهار سال حتی یکبار هم در صفحه تلویزیون او را ندیدم، بنام ملت چیزی بگوید و حتی در جلسات پارلمان هم حضور نداشت و غیبتش از حضورش بیشتر بود، به طور حتم ملت عراق چنین اشخاصی را برای بار دوم تجربه خواهند کرد.

مدتی پیش سخنی از سفیر آمریکا منتشر شد که نزد برخی اهل سنت عراق گفته بود، الان وقت بازگشت شما به قدرت است. نظر شما درباره نقش کشورهای خارجی در عراق چیست؟

ابو آلا: اولاً نقش آمریکا و نقش عربستان سعودی همواره بسیار منفی بوده است. در همه انتخابات عراق نقش منفی داشته‌اند، در تمام روند دموکراسی سیاسی در عراق بعد از سرنگونی صدام نقش این دو کشور در عراق منفی و زیانبار بوده است. این دو کشور جز بلا و مصیبت برای ما ارمغانی نداشته‌اند.

مساله دوم این است که عربستان سعودی بیش از 28 میلیارد دلار را برای تجزیه و از بین بردن الحشد الشعبی در عراق هزینه کرد، حتی برای تجزیه ائتلاف الفتح هم هزینه کردند. در هر عشیره و قبیله‌ای در عراق، عربستان سعودی برای انتخابات از یک نفر در برابر دیگری حمایت کرد، تا از این طریق آرای مردم را پراکنده سازد. عربستان این روند را تنها با شیعیان اجرا نکرد بلکه با خود سنی‌ها هم اجرا کرد.

سعودی‌ها خود گفتند ما باعث آمدن الحشد الشعبی شدیم و در این باره به صراحت سخن گفتند، این را به صورت ویژه و براساس اطلاعات خود به شما می‌گویم، گفتند: "ملت هم این بود که ما داعش را بوجود آوردیم و الحشد الشعبی یک اتفاق طبیعی از سوی عراقی‌ها برای مقابله با داعش بود".

امروز الحشد الشعبی به فضل حمایت و فتوای امام سید سیستانی و حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران و حزب الله بسیار نیرومند است. اکنون که در این عرصه شکست خورده‌اند، وارد کارزار رقابت‌های انتخاباتی عراق شده‌اند، در روند سیاسی عراق هم هزینه کردند.

آنها مکر کردند و مکر می‌کنند ولی در این میان از مکر خداوند غافل هستند. در بخش سیاسی ما بیش از 208 جریان سیاسی در عراق داریم، شیعیان در این بین 46 جریان دارند، در این 46 جریان شیعی و سنی در کنار هم هستند، باقی جریان‌ها یعنی در حدود 150 جریان سیاسی همگی سنی هستند.

شمار سنیان مشخص است، آنها با این کار در عمل آرای سنی‌ها را هم تجزیه و پخش کردند، عامل تمام این مسائل عربستان سعودی است، عربستان سعودی برای تمام عراق و تمام گروه‌های عراقی خیر و صلاح نمی‌خواهد.

عربستان سعودی نه شیعی می‌شناسد نه سنی نه کرد و نه ترکمان و نه مسیحی و نه یزیدی و نه صائبی و نه هیچ چیزی دیگر، تمام هر 150 جریان باقی مانده همه سنی هستند و از سوی سنی‌ها حمایت می‌شوند، این مساله باعث پخش شدن آرای آنها هم خواهد شد، بنابراین اکنون در عراق بیش از 208 جریان سیاسی وجود دارد.

ما به عنوان ائتلاف الفتح معتقد هستیم که این ائتلاف فراطیفه‌ایست، با ما سنی‌ها هم شریک هستند، کسانی در بین ما حضور دارند که علاوه بر سنی بودنشان در دفاع از عراق هم مشارکت داشتند و خون ما با خون آنها در میادین دفاع از عراق آمیخته شد، در بین ما در ائتلاف الفتح مهندسين، پزشکان، متخصصان و افراد موفق جامعه و بزرگان عشایر و افراد ریش سفید همه در فهرست الفتح حضور دارند.

پیش بینی شما از نتیجه انتخابات و اقبال عمومی چیست؟

ابو آلا: فهرست الفتح عملکرد دارد و سازمانی نیست، قانوناً اعضای فهرست الفتح در تدوین قانون اساسی در بیش از یک دوره حضور داشته‌اند، اما سازمانی نیست، جریان الحکمه سازماندهی دارد، جریان صدر بنام سائرون هم سازماندهی شده است. النصر هم البته هوادارانی دارد و پیروزی‌هایی را هم محقق کرد.

اما علاوه بر این دولت کنونی نیز در دست این جریان است، یعنی در پس ائتلاف النصر دولت قرار گرفته است، البته ائتلاف الفتح هم هواداران خودش را دارد، اما بخش اعظم محبوبیت را جریان الفتح دارد.

مردم به کسانی احساس نزدیکی بیشتری دارند که در میدان نبرد کارایی آنها را تجربه کردند و دیدند چگونه خون خود را نثار کردند، آنها وفاداری خود به این میهن را به همه نشان دادند. مردم در عراق دوستدار افراد قوی و شجاع و بزرگوار هستند.

تواضع و خویش‌ننداری، محبوبیت می‌آورد، از این رو ما معتقدیم که محبوبیت فهرست الفتح در راس قرار دارد. البته تاکنون چنین است و ممکن است ظرف 10 روز آینده مسائل غافلگیر کننده‌ای حاصل شود، اما تا این لحظه شمار هواداران ائتلاف الفتح بیشتر است. ما از 45 روز گذشته فعالیت‌های خود را شروع کردیم و در ماراثن‌های انتخاباتی رقابت کردیم، این دستاوردهای بزرگ سیاسی را تاکنون محقق ساختیم. میزان هواداران الفتح بیشترین است.

منبع: تسنیم

هشدار احمدی نژاد نسبت به احتمال «کنده شدن ریشه‌های نظام» در ایران

چهارشنبه 29 شعبان 1439 هـ - 16 مه 2018 م



محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری پیشین ایران، با انتقاد شدید از علی خامنه‌ای، رهبر ایران و بی‌توجهی او به وضعیت حمید بقایی، معاون اجرایی دولتش که در زندان به سر می‌برد، درباره «رخ دادن اتفاقات ناگوار» و «کنده شدن ریشه‌های نظام» در ایران هشدار داد.

محمود احمدی‌نژاد با انتشار ویدئوی در شبکه‌های به مسائلی اشاره کرده که «اقتضای کشور» اجازه نمی‌دهد آن‌ها را فاش کند و گفت: «اما دارند مسیر را به سمتی می‌برند که اتفاقات ناگواری در کشور بیافتد».

او درباره این‌که این اتفاقات ناگوار برای چه کسانی ممکن است رخ دهد، توضیح داد: «اول برای خودشان. بالاخره ظلم دوامی ندارد. چرا نمی‌خواهند بفهمند؟... ظلم ریشه‌های نظام و ریشه‌های کشور را می‌کند».

احمدی‌نژاد همچنین هشدار داد که مقامات قضایی ایران به زودی راهی زندان خواهند شد و گفت قول می‌دهد آن‌ها عادلانه محاکمه و مجازات شوند.

او در این ویدئو علی خامنه‌ای را به باد انتقاد گرفت و گفت: «کسانی که حتی یک نفر در ایرلند اعتصاب غذا کرد، هزاران بار سخنرانی کردند به نفع او و عکس‌هایش را زدند و خیابان به نامش کردند، اما امروز که نوبت خودشان شده، سانسور کامل هست».

اشاره احمدی‌نژاد به حمید بقایی است که گفته می‌شود در زندان اعتصاب غذا کرده است.

علی خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب ایران که 9 مه 1981 برگزار شده بود، به بابی‌ساندز، مبارز ایرلندی اشاره کرده و گفته بود: «ما به بابی‌ساندز به چشم یک انسان مبارز فقط نگاه نمی‌کنیم. ما پیام لب‌های خاموش‌ساندز را شنیده‌ایم و به آن ایمان قاطع داریم ... وقتی یک مبارز جوان ایرلندی زیرگوش امپراطوری پیر و پوسیده بریتانیا با آن سوابق آنچنان مقاومتی می‌کند که دنیا را به خود متوجه می‌کند، وجود یک چنین شخصی و رسوایی قدرت او موید همان سخنی است که اسلام به ما آموخته بود و ما بارها آن را تکرار کردیم، گفته‌ایم و خواهیم گفت: روزگار سقوط قدرت‌های شیطانی و طاغوتی نزدیک است. من از این تریبون مردمی و الهی در این نقطه از جهان به همه

برادران و خواهرانی که در سراسر عالم علیه ظلم و استبداد قیام کرده‌اند و به خصوص به هم‌زمان این مبارز در اروپا، در ایرلند پیام می‌دهم: مقاومت کنید و بدانید که پیروزی از آن مستضعفین است، و بدانید که یک امت بپاخواسته در این سوی جهان پشتیبان و حامی شماست. ما شما را تایید می‌کنیم. ما حرف شما را می‌فهمیم. ما هم آن روزگار را گذرانده‌ایم».

احمدی‌نژاد همچنین به بی‌تفاوتی جناح‌های مختلف سیاسی در ایران به وضعیت حمید بقایی اشاره کرد و گفت: «من متأسفم برای جناح‌های سیاسی کشور که جان مردم هم بازیچه کارهای سیاسی است. حتی حاضر نیستند خبرش را هم منتشر کنند. بیگانه که جای خود دارد. رسانه‌های وابسته به استعمار پیر که دارند تشویق می‌کنند دستگاه قضایی را به برخورد با دوستان ما و برخورد با جوان‌ها و برخورد با معترضین به بی‌عدالتی و تبعیض».

رئیس جمهوری ایران به نامه‌ای که به چهل نفر از علماء نوشته اشاره کرد و آنها را تلویحا نامسلمان نامید. او گفت: «حتی به 40 نفر از علماء نامه نوشتم. شرح دادم. فریاد تظلم آقای بقایی را به گوششان رساندم. کسانی که در منبرهاشان هزار بار، هزار بار گفته‌اند اگر کسی بشنود یک مسلمانی فریاد تظلم بلند کرده و پاسخ ندهد مسلمان نیست... جوابی ندادند. گروه‌های سیاسی هم جواب ندادند ولی خدا هست».

او وعده داد که مقامات قضایی به زودی راهی زندان شوند و گفت: «من نمی‌خواهم دعا کنم که چنین شرایطی برای مقامات قضایی پیش آید اما یقین دارم که به زودی پیش میاد و آنها جایشان با جای امثال آقای بقایی عوض خواهد شد».

محمود احمدی‌نژاد درباره آینده مقامات قضایی ایران گفت: «می‌توانم قول دهم که حتما از حقوق آن‌ها هم دفاع خواهم کرد و اجازه نمی‌دهم مثل رفتار امروز مقامات قضایی با امثال آقای بقایی، با آنها رفتار بشوند. عادلانه محاکمه شوند و عادلانه مجازات شوند».

ابتکار جدید مقاومت: بادبادک‌های آتشین کودکان فلسطینی

بر اثر افتادن بادبادک‌های حامل مواد آتشین، در دو شهرک صهیونیست نشین «مفلاسیم و کفر عازاه» در مجاور نوار غزه آتش‌سوزی در محصولات زراعتی صهیونیستها رخ داد
ساده - کم هزینه - برنتیجه.



ساده - کم هزینه - برنتیجه



ساده - کم هزینه - بر نتیجه



نفوذ منافقین و صهیونیستها در سپاه پاسداران.



پایگاه خبری جماران: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر اینکه خروج آمریکا از برجام قابل پیش بینی بود، گفت: متأسفانه مشاهده می شود که بعضی از افراد گویی به تقلید از آقای نتانیاهو در داخل دارند خوشحالی می کنند یا دولت منتخب مردم را سرزنش می کنند که این مسأله کاملاً بازی کردن در زمین صهیونیست ها و آمریکا و منافقین است و نباید این اقدامات صورت بگیرد.

مشروح گفت و گوی خبرنگار جماران با حجت الاسلام و المسلمین مجید انصاری را در ادامه می خوانید:

تحلیل شما از وضعیت داخلی و بین المللی کشور ما بعد از تصمیم اخیر ترامپ چیست و لوازم و شرایطی که در داخل باید برای مقابله با این فضا سازی و تصمیم فراهم کنیم چیست؟
ترامپ طی یک سال و خرده ای گذشته و بعد از رأی آوردنش مواضع خصمانه و بسیار تندی را علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده بود و راجع به برجام هم با دشمنی اعلام می کرد آن را پاره خواهد کرد. طی یک سال گذشته هم سیاست ناپایدار نشان دادن فضای اقتصادی ایران و ایجاد یک حالت بلاتکلیفی در این موضوع را تعقیب می کرد که قطعاً برای کشور ما حالت خوشایندی نبود؛ نه برای کسانی که می خواستند در داخل و خارج سرمایه گذاری کنند.

نهایتاً خروج آمریکا از برجام مسأله قابل پیش بینی بود؛ به خصوص با توجه به باند بسیار افراطی تندی که در یک سال گذشته در اخراج و پالایش های مکرر حلقه اول همکاران ترامپ در کاخ سفید، از وزارت خارجه و مشاورین و سایر مسئولین، به سمت گزینش و انتخاب افراد به شدت افراطی وابسته به اسرائیل از لابی صهیونیست ها و حتی کسانی که از گذشته رسماً و علناً مثلاً از منافقین پول می گرفتند و می رفتند در همایش ها و اجتماعات آنها سخنرانی می کردند، مثل جان بلتون و امثال آنها، با تکمیل این حلقه صهیونیستی معاند کاملاً خروج آمریکا از

برجام قابل پیش بینی بود.

حالا که این اتفاق افتاده به نظر من در عرصه جهانی جمهوری اسلامی دست بالا را از حیث افکار عمومی و مجامع حقوقی و سیاسی دارد. چون همه شاهد بودند که ایران با منطق حقوقی در این 18 ماه با جامعه جهانی تعامل و مذاکره کرد و قطعنامه حقوقی بین المللی را به سامان رساند و در نهایت به تصویب سازمان ملل رسیده است.

امروز آمریکا در افکار عمومی دنیا به عنوان یک کشور ناقض عهد و ناقض حقوق نظامات بین الملل شناخته شده و می شود. بی تردید این مسأله در دراز مدت و یا حتی کوتاه مدت باعث می شود متحدین آمریکا و کشورهایایی که با آمریکا مراوده دارند به این نتیجه برسند که این کشور کشور قابل اتکایی نیست. از این جهت هم به دولت آمریکا به عنوان یک ابر قدرت و مدعی نظم جهانی و هم مردم آمریکا ضربه سنگینی وارد شده و جمهوری اسلامی ایران در این موضوع از جهت حقوقی و افکار عمومی دست بالا را دارد.

اما ما در داخل باید منسجم تر از قبل همه مسئولین، قوا و جریانات سیاسی و آحاد مردم متحد و منسجم باشند و برای مقابله با فشارهای احتمالی آمریکا و آثار این اقدام نابخردانه همفکری، همراهی و هماهنگی کنند. به هیچ وجه نباید مسأله خروج آمریکا از برجام دستمایه تسویه حساب های سیاسی و تشدید اختلافات سیاسی در داخل کشور شود.

متأسفانه مشاهده می شود که بعضی از افراد گویی به تقلید از آقای نتانیاهو در داخل دارند خوشحالی می کنند یا دولت منتخب مردم را سرزنش می کنند که این مسأله کاملاً بازی کردن در زمین صهیونیست ها و آمریکا و منافقین است و نباید این اقدامات صورت بگیرد. در شرایط کنونی همان طوری که در فرمایشات مقام معظم رهبری هم بود، باید خیلی قاطع و منسجم برای دفاع از منافع ملی، اقتصاد کشور و مسائل دیگر را پیش ببریم و باید از دولت هم حمایت کنیم. طبیعی است که دولت در خط مقدم این مقابله قرار دارد.

توطئه های آمریکا از اول انقلاب هم بوده و مسأله تحریم ها چیز تازه ای نیست و در برجام هم، حداقل آمریکایی ها، تحریم ها را بر نداشتند. یعنی در میدان عمل اتفاق تازه ای نیافتاده و فقط یک جنگ روانی است که با این خروج علیه جمهوری اسلامی برداشتند و امیدوار هستیم جامعه جهانی، اتحادیه اروپا و دیگر کشورها همین طوری که ابراز کردند و اظهار نظر کردند در این کار نابخردانه غیر حقوقی و ضد بشری از آمریکا پیروی نکنند و روابط خودشان را با جمهوری اسلامی ایران بر مبنای برجام ادامه دهند. اما همان طوری که در سخنان رهبر معظم انقلاب بود، باید از موضوع اطمینان حاصل شود، تضمین وجود داشته باشد و دوباره چرخه ای از سیاست بلاتکلیفی و معلق نگه داشتن اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در عرصه مبادلات جهانی نباشد.

لذا این روزها مهم تدبیر درست در اداره کشور، اتحاد و انسجام ملی و از خود گذشتگی همه در این میدان است. نباید عده ای دنبال سوداگری و سوء استفاده شخصی از این فضا در بازار، التهاب عرض و دیگر موضوعات اقتصادی باشند. ما هم امیدواریم همان طوری که در زمان جنگ متحد و منسجم بودیم و فشارهای سنگین اقتصادی را پشت سر گذاشتیم، امروز که وضعیتمان به مراتب از آن روز بهتر است باید دشمنان و به خصوص آمریکا را ناکام بگذاریم.

در خصوص الزامات داخلی در حفظ وحدت چه کاری باید انجام دهیم؟

مسأله اتحاد و به تعبیر حضرت امام وحدت کلمه همیشه یک ضرورت بوده و ما حتی در شرایط عادی اگر هیچ دشمنی هم نداشته باشیم و هیچ مشکلی هم نداشته باشیم، موضوع اتحاد و همبستگی یک ضرورت اجتناب ناپذیر و یک اصل اسلامی، انقلابی و اخلاقی است. اما طبیعی است در شرایطی که مثلث شوم اسرائیل، آمریکا و ارتجاع منطقه با پادویی و دستیاری منافقین روسیاه و تروریست های جنایتکار علیه کشور، منافع ملی و ملت ما دست به توطئه زده اند، باید هر اقدام تفرقه انگیز و هر گفتار وحدت شکن کنار گذاشته شود و همه گروه های سیاسی، با هر سلیقه ای که هستند، افراد، مذاهب، اقلیت ها، که خوشبختانه در جمهوری اسلامی همیشه با نظام همراه و با ملت یکپارچه بوده اند، امروز این ضرورت صد چندان است.

با کمال تأسف ما از مدت ها پیش می بینیم این موضوع وحدت ملی مورد خدشه و تضعیف از سوی دشمنان ما بوده و رسانه های دشمنان همیشه دنبال تفرقه در ایران بوده اند و بعضی افراد هم در داخل کشور به عنوان عوامل نفوذی و آگاهانه در میدان آنها بازی کردند یا افراد ناآگاه تحت تأثیر یک سری القائات به اختلافات دامن زدند؛ یا اقداماتی برای شکستن حرمت بزرگان، تضعیف روحیه امید در مردم، تضعیف سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم به خدمتگزاران خودشان کردند. این توطئه ای بوده که از اول انقلاب تعقیب می شده و ما جلوه های آن را در مظلومیت شهید دکتر بهشتی دیدیم و در همین دوران اخیر در مظلومیت آیت الله هاشمی رفسنجانی دیدیم. تخریب چهره ها و شخصیت های بزرگ از مراجع تقلید گرفته تا یاران و حتی بیت امام و یادگاران امام ما شاهد بودیم که یک جریان مرموز در تخریب اینها و قطع رابطه اجتماعی اینها با مردم تلاش می کرده است.

امروز بیش از گذشته باید مراقب باشیم. من می خواهم بگویم برخی اقدامات یا برخی اظهارات را ما می بینیم که نشان از یا نفوذ عوامل اسرائیل و دستیارانشان، یعنی منافقین، در برخی دستگاه ها، نهادها و به خصوص رسانه ها و سایت های تبلیغی و خبری اینها دارد؛ یا اگر نفوذ مستقیم هم نشده برخی از این رسانه ها و برخی از این نهادها با تنگ نظری یا بد اخلاقی سیاسی یا حسادت عملا در زمین اسرائیل، ترامپ، منافقین و عربستان بازی می کنند.

من مصداق عینی هفته گذشته را اگر بخوایم بگویم، گرچه شاید در این شرایط خیلی هم درست نباشد ما به موضوعاتی بپردازیم، ولی از باب مصداق، شما دیدید در روز نیمه شعبان مثل بسیاری از نقاط کشور یک مراسم بسیار ساده ای، که من خودم در حسینیه جماران حضور داشتم، با حضور دوستان و بعضی از روحانیون و مسئولین کشور و مردم عادی جشن نیمه شعبان تشکیل شده بود و در این جشن به سنت گذشته حوزه ها و به سنت چند صد ساله روحانیت شیعه مراسم عمامه گذاری نواده عزیز حضرت امام، یعنی احمد آقا فرزند حاج حسن آقای خمینی، با خوشبختی و خوشحالی همه دوستداران امام انجام شد.

طبیعی است که همه دوستداران امام دلشان شاد می شود و خوشحال می شوند که بحمدالله این بیت رفیع و نورانی چراغ های متعدد را دارد و فرزندان و نواده های امام راه ایشان و اجداد طاهریشان در لباس سربازی امام زمان (عج) را ادامه می دهند. ولی ما شاهد بودیم انواع تبلیغات تخریبی علیه بیت امام و شخص حاج حسن آقای خمینی، با دروغ پردازی های بزرگ از تشریفات این جلسه و مسائلی که به هیچ وجه درست نبود. من از ابتدا تا پایان مراسم آنجا بودم و مردم جماران هم آنجا بودند و یک مراسم کاملاً ساده و عمامه گذاری صورت گرفت. این در حالی است که سنت عمامه گذاری سنت نیک و پسندیده ای است که از قدیم در ایام عید

خصوصاً نیمه شعبان در حوزه های علمیه، بسوت مراجع تقلد و حتی در جماران در زمان حیات حضرت امام، برگزار می شده است و شخصاً بارها-از جمله در عید مبعث امسال- در بیت مقام معظم رهبری شاهد برگزاری آن بوده ام. خودم نیز یادم می آید که 40 سال قبل در مسجد بازار قم به اتفاق شماری دیگر از طلاب، مسجد را آذین بندی کردیم و آیت الله گلپایگانی برای عمامه گذاری تشریف آوردند.

ما از رسانه های سلطنت طلب و منافقین و آمریکا و ایادی آمریکا و اسرائیل انتظار نداشتیم که ابراز خوشحالی کنند و آنها با هر بهانه ای سعی می کنند جایگاه رفیع بیت و یادگاران حضرت امام را تخریب کنند؛ تا نقطه اتکا و اعتمادی برای مردم باقی نماند. اما مایه بسیار شگفتی، تأسف و تأثر ما این بود که خبرگزاری های وابسته مستقیم و غیر مستقیم به نهاد سپاه پاسداران، مثل تسنیمکه وابسته به مدعیان انقلابی گری، خط امام یا ولایت فقیه هستند با الفاظی بسیار بد، زننده و تکرار دورغ پردازی های رسانه های اسرائیلی و بیگانه و تشبیهات موهن تحت عنوان تاجگذاری یا مقایسه تاجگذاری شاه با عمامه گذاری فرزندان پیامبر، اینها چیزهایی نیست که به سادگی از کنارش بگذریم.

من واقعا از مسئولین حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح، مسئولین قضایی، مسئولین امنیتی و اطلاعاتی، از خود مسئولین عزیز و برادران خوبم در سپاه خواش می کنم دقت بیشتری کنند و توجه داشته باشند نهاد سپاه، نهادهای مؤثر و مقدس انقلاب، بیش از هر جای دیگری در معرض نفوذ عناصر اسرائیل یا منافقین به عنوان پادوهای آنها هستند. بی تردید این رفتار و این نوع برخوردی که صورت گرفت یا نشأت گرفته از عناصر نفوذی اسرائیل، آمریکا و دشمنان جمهوری اسلامی است و یا اگر آن نیست، ناخواسته و نادانسته، عملاً از روی جهالت و نادانی یا حسادت، عیناً در میدان همان ها و در جهت همان ها گام برداشتن است. در هر دو فرض باید مسئولین ذیربط برخورد قاطع کنند و جلوی این طور کارهایی که به وحدت ملی و سرمایه اجتماعی نظام لطمه می زند را بگیرند و اجازه ندهند که این اتفاقات تکرار شود.

به هر حال ما اینها را در راستای همین اقدامات خصمانه دشمنان می دانیم. جایی در برجام دخالت می کنند، جایی می خواهند با تحریم اقتصاد ما را فلج کنند، که خیال خامی است و هرگز نخواهند توانست، جایی هم می خواهند اتحاد و انسجام و امید ملی ما و اعتماد مردم به مراکز اتکای خودشان و شخصیت های ملی، مذهبی و انقلابی را تضعیف کنند.

مردم ما مردم فداکار، باهوش و موقعیت شناسی هستند و این مسائل را با دقت مدنظر دارند و حتماً با اتحاد بیشتر خودشان دشمنان را مأیوس می کنند و مطمئناً مردم ایران از این آزمون مثل آزمون های سخت و بزرگ دوران دفاع مقدس، تحریم های گذشته و توطئه های گذشته سربلند بیرون می آیند و دشمنان ما و آمریکا و اذبانیشان شکست خواهند خورد. ولی همان طوری که گفتم شرط موفقیت و پیروزی در این صحنه اتحاد و انسجام همه گروه های سیاسی، جریانات و قوا و همه مسئولین با هم است که با وحدت کلمه و ید واحد بتوانیم در برابر بدخواهان از منافع خودمان دفاع کنیم.

« جاسوس های انقلابی نما را جدی بگیریم »

چکیده : جاسوس ها یا چنانکه در اصطلاح ما جاری شده است نفوذی ها، می توانند در نقش های مختلف قرار گیرند. اما به نظر با قرار گرفتن در دو جایگاه است که خطرشان صد چندان می شود. یکی در جایگاه نیروهای امنیتی چنانکه در حزب الله لبنان واقع شد و دوم در جایگاه دوستان افراطی که

وظیفه شان ایجاد تفرقه در میان نیروهای انقلاب است

ویسایت جماران در مطلبی به قلم عبدالزهره شاهرودی با هشدار نسبت به نفوذ جاسوسها در نهاد های انقلابی همچون سپاه نوشت:

چنانکه در خبر ها آمده ، حزب الله لبنان از دستگیری یکی از اعضای بلند پایه امنیتی خود به عنوان جاسوس اسرائیل خبر داده است. این مهم همان نکته ای است که همواره مورد تأکید رهبر انقلاب و دیگر دوستداران انقلاب اسلامی بوده است.

جاسوس ها یا چنانکه در اصطلاح ما جاری شده است نفوذی ها، می توانند در نقش های مختلف قرار گیرند. اما به نظر با قرار گرفتن در دو جایگاه است که خطرشان صد چندان می شود. یکی در جایگاه نیروهای امنیتی چنانکه در حزب الله لبنان واقع شد و دوم در جایگاه دوستان افراطی که وظیفه شان ایجاد تفرقه در میان نیروهای انقلاب است.

آنچه می نویسم فقط مربوط به جریان چپ یا راست نیست ولی طبیعی است که بیشتر به دوستان اصول گرا متوجه خواهد شد، چرا که معمولاً « طرد کنندگان» در میان ایشان بیشتر یافت می شوند. باور کنید کاری که در دولت های نهم و دهم واقع شد و آنچه در داستان حوادث ۸۸ اتفاق افتاد ، از انفجار بمب اتم ، بیشتر به جامعه ما ضربه زد.

حرمتها شکست، سرمایه های اجتماعی تاراج شد و کینه ها در روح ها و جانها رشد کرد. روز گذشته برادرمان جناب حجه الاسلام و المسلمین صالحی که از دلسوزترین یاران انقلاب است ، در مطلبی خطر نفوذی ها در شبکه رسانه ای سپاه را گوشزد کردند. نکته ای که اگر مسئولان سپاه به آن توجه کنند و لحظه ای در آن تأمل کنند ، در می یابند که کدامین عامل نفوذی می تواند از تربیون بسیج با بزرگترین سرمایه جمهوری اسلامی یعنی حضرت روح الله بازی کند و آن را به سخره بگیرد؟ نفوذی ها از راه دایه های دلسوز تر از مادر وارد می شوند. کنار اطاق شما می نشینند. نمازهای خود را از شما سر وقت تر می خوانند. با هر بار بر زبان آوردن نام رهبری، صلوات می فرستند. عکس ایشان را بزرگتر از هر کس دیگری در اطاق خود نصب می کنند. اما با دشمنی « تفرقه اندازی» ، جامعه ی ما را می درند، دشمنی ایجاد می کنند.

جاسوس های اسرائیل همین جا کنار گوشتان هستند. به هر «دشنام گوی کینه پراکن» به دیده تردید بنگرید. این روزها جاسوس ها از ما انقلابی تر می نمایانند.

یک هشدار امنیتی: جاسوسان موساد در قلب تصمیم سازی» دولت پنهان»

چکیده: تردید نکنید مجموعه وقایعی که در کشور جاری است نمی تواند صرفاً ناشی از حماقت و کم عقلی در سیاستگزاری باشد. این حجم از بی تدبیری و کم عقلی لاف برای شرایط امروز ایران اصلاً عادی نیست. پیش از این هم در سالهای گذشته از طریق زندانیان اخبار موثق از حضور جاسوسان موساد در نهادهای نظامی و امنیتی در زندان که برخی از آنان به اعدام هم رسیده اند منتشر شد. توییت دیروز سخنگوی دولت خاتمی جالب توجه است. رمضان زاده می گوید: حمله کنندگان به ظریف در دانشگاه امیرکبیر عضو همان تشکیلاتی هستند که جاسوس اسرائیل در دفتر رئیس شان جا خوش کرده بود. او راست می گوید. به جای اینکه در کوه و بیابان دنبال جاسوسان محیط زیستی بگردید (این هم شاید از آن آدرسهای غلط جاسوسهای واقعی باشد) در دفاتر و رده های بالا به دنبال مغز تصمیم سازی باشید که از دخمه های امنیتی آنچه بر اینروزهای کشور می گذرد را تحمیل می...

کلمه-گروه سیاسی: اخبار جدید حاکی از حمل و نقل های نظامی عظیم و مشکوک در سطح منطقه است. اوضاع منطقه بیش از پیش آشفته و بحرانی است. اسرائیل و عربستان به وحدتی بی سابقه با محوریت دشمنی با ایران رسیده اند. نتانیاهو در صفحه تلویزیون به اندازه چند کامیون سند جاسوسی علیه ایران را نشان می دهد و مدعی می شود که آنها را از قلب تهران به تل آویو منتقل کرده است. همین جنگ روانی کافی است تا هشتگ ایران در سطح جهانی ترند شود و افکار عمومی دنیا با ترس و خطری بزرگ به نام ایران مواجه شود. در همین حال امریکای ترامپ وارد یک جنگ اقتصادی تمام عیار با ایران شده و در آستانه کنارگیری از برجام است، جنگی که برای نظامی شدن آن تنها یک جرقه نیاز است. حال در همین زمان و درست هنگامی که مشروعیت داخلی حاکمیت به پایین ترین سطح خود پس از انقلاب رسیده است و احساس تبعیض و بی عدالتی اقتصادی و سیاسی و قضایی در جامعه بیداد می کند و همزمان کشور از مدیریت ناکارآمد و فاسد و نیز کارشکنی های «دولت پنهان» علیه نهادهای انتخابی کشور به حال فرع افتاده است، مسئولان حاکمیتی بدون توجه به وضع موجود و بدون اینکه هیچ علامتی از تلاش برای اصلاح امور وجود داشته باشد در پشت پرده مشغول بازی های سیاسی و باند بازی و برنامه ریزی و دسیسه برای انتخابات بعدی مجلس و ریاست جمهوری و از همه مهمتر زمینه سازی برای انتخاب! رهبری بعدی هستند.

می گوئیم بی توجه به وضع موجود! اما وقتی به صحنه می نگریم به یاد می آوریم اتفاقاتی که تنها در همین چند

روز اخیر در حال رخ دادن است نه صرفا بی توجهی که درست اعمالی آگاهانه خلاف جهت مصلحت و اقتضای بحران کنونی کشور و منطقه است.

در شرایطی که رسانه های اسرائیلی پس از حمله های موشکی هفته پیش به پایگاههای ایرانی- سوری در سوریه یکپارچه در حال آماده سازی افکارعمومی خود برای جنگ احتمالی و روحیه دادن و دعوت آنان به همبستگی و وحدت می باشند در ایران نه تنها تلاشی برای بازگشت اعتماد به فنا رفته مردم نمی شود و نه تنها راهی برای آشتی و بازگشت به مردم نمی گشایند که از قضا دست بر روی شکاف ها و زخم های اجتماعی کشور گذاشته شده است. برخوردهای شدید با دختران به اصطلاح بد حجاب و تقدیر و تشکر از ماموران خاطی پیش روی رسانه ها، فیلترینگ تلگرام که ۴۰ میلیون ایرانی از آن استفاده و چندصد هزار نفر به وسیله آن ارتزاق می کردند.

فحاشی و حمله به وزیر امور خارجه کشور توسط بسیج در دانشگاه آن هم در وسط معرکه این روزهای جهانی که نیاز به صدایی متحد و واحد داریم اتفاقی که صدای نویسندگان اصولگرا را نیز در آورده است و آن را در جهت خواست اسرائیل ارزیابی کرده اند. بازداشت فعالان سیاسی و روزنامه نگارانی که اساسا به اعتدال و فعالیت ضد جنگ و امید دهی به مردم (کیمیای این روزهای ایرانیان) معروفند. فعال کردن شکاف های قومیتی و دامن زدن به اعتراضات اقوام کشور خصوصا در نواحی مرز نشین و اختلال در کسب و کار اقتصادی آنان و...

اینها تنها بخشی از فعالیت های آشکار چند هفته اخیر بخش انتصابی و غیرپاسخگوی حاکمیت است.

آیا همزمانی این وقایع در برهه ای که بیش از هر زمان دیگری نیاز به وحدت و همبستگی در کشور داریم عادی است؟ بیاید تصور کنید اگر یک سرویس جاسوسی بیگانه مثل موساد قصد داشت در شرایط کنونی کشور اختلال ایجاد کند تا زمینه داخلی جنگی منطقه ای را مهیا کند چه کارهایی بیش از آنچه تاکنون دادستانی و سازمان اطلاعات سپاه و قوه قضاییه و مجموعه دولت پنهان کرده اند میتوانند انجام دهد؟

این یک کنایه یا طعنه نیست. ما البته نمی گوئیم دادستان یا اطلاعات سپاه در حال اجرای منویات موساد هستند اما این کدام دست و کدام اراده است که از آستین این نهادها علیه امید و همبستگی مردم برخاسته است؟

تردید نکنید مجموعه وقایعی که در کشور جاری است نمی تواند صرفا ناشی از حماقت و کم عقلی در سیاستگزاری باشد. این حجم از بی تدبیری و کم عقلی لاقابل برای شرایط امروز ایران اصلا عادی نیست. پیش از این هم در سالهای گذشته از طریق زندانیان اخبار موثقی از حضور جاسوسان موساد در نهادهای نظامی و امنیتی در زندان که برخی از آنان به اعدام هم رسیده اند منتشر شد. توییت دیروز سخنگوی دولت خاتمی جالب توجه است. رمضان زاده می گوید: حمله کنندگان به ظریف در دانشگاه امیرکبیر عضو همان تشکیلاتی هستند که جاسوس اسرائیل در دفتر رئیس شان جا خوش کرده بود. او راست می گوید. به جای اینکه در کوه و بیابان دنبال جاسوسان محیط زیستی بگردید (این هم شاید از آن آدرسهای غلط جاسوسهای واقعی باشد) در دفاتر و رده های بالا به دنبال مغز تصمیم سازی باشید که از دخمه های امنیتی آنچه بر این روزهای کشور می گذرد را تحمیل می کند.

این را صرفا یک تحلیل و گمانه ندانید. ایران دوستانی با بصیرت و اصرار سالها پیش از اینکه خبری از مداحان و عماربون و سرداران جاسوس رسانه ای شود این معضل را در خشت خام دیده بودند. مرحوم مهندس سبحانی می گوید: من تردید ندارم بسیاری از آنان که در لباس حزب اللهی هر کاری می کنند رابطه ای با خارج دارند! آخر ممکن نیست یک نفر ایرانی باشد و این کارها را کند!

میرحسین موسوی در دوران پیش از حصر به صراحت از شائبه وجود انگیزههایی در برخی از سیاستگزاریهای اجرایی کشور سخن گفته بود که اهدافی امنیتی را دنبال می کند: «من این ظن را دارم که عدهای دانسته اند که چه اقدامی می تواند باعث شود موقعیت ما در برابر جهانی که خصمانه نگاه می کند، تضعیف گردد.» و این معضل دقیقا همان چیزی است که امروز کشور را در عرصه بین الملل گرفتار کرده است.

ای کاش تا دیرتر از این نشده صاحب نفسی برخیزد و در گوش سنگین حاکمیت فریاد بزند که آقایان! خطر عظیم و نزدیک است. بخواهید یا نه، بدانید یا نه! در حالی بازی در زمین موساد هستید. ای کاش هنوز آنقدر امید داشتیم که مانند آن میر بابصیرت ناصحانه از شما بخواهیم به مردم بازگردید. اما افسوس که لقمه های حرام و سیاستگزاری های جاسوسان برای شما گوش شنوایی نگذاشته است. هشدار و آماده باشی را با مردم خودمان در میان میگذاریم که از حاکمان نا امیدیم.

مردم! وحدت. امروز صدای نخست وزیر دوران جنگ از صبح ۲۳ خرداد ۸۸ رساتر به گوش می رسد که گفت: ایران این موجود آسمانی متعلق به شماس است و نه متقلبان، این شما مردم هستید که باید با هوشیاری خود از آن حفاظت کنید. خائنین به آراء مردم ابایی از آن ندارند که این خانه پارسایان به آتش کشیده شود....!

در بند 350 اوین

زندانیان جاسوس اسرائیلی در کدام نهادها رخنه داشتند؟

عیسی سحرخیز مدیرکل مطبوعات در وزارت ارشاد دولت خاتمی که بارها به زندان افکنده شد می نویسد:

در شرایطی که از يك سو جریان جنگ افروز بین المللی جمهوری اسلامی را در مرکز سیبل نشانه روی خود کاشته است و از سوی دیگر يك جریانی مشکوک شناخته شده در داخل بر

نارضایتی های عمومی دامن می زند و بر طبل جنگ می کوبد، این پرسش مطرح است که چگونه می توان هشدارهای مصلحانه دوستان واقعی این مرز و بوم را نادیده گرفت و اجازه داد آینده ی ایران و ایرانیان به دست کسانی رقم به خورد که شکی نیست جاسوسان اسرائیل هستند یا بازیچه ی دست برنامه ریزان موساد.

عبدالله رمضان زاده سخنگوی دولت خاتمی نوشته است : "حمله کنندگان به ظریف در دانشگاه امیرکبیر عضو همان تشکیلاتی هستند که جاسوس اسرائیل در دفتر رئیس شان جا خوش کرده بود."

اصلاح طلب و حامیان جنبش سبز که زمانی در بند ۳۵۰ زندان اوین حبس بودند می توانند شهادت بدهند که چند سال پیش، حتی در اوج حضور زندانیان سیاسی- عقیدتی در این بند، تعداد عوامل و جاسوسان اسرائیلی این بند که اغلب در دل نهادهای حکومتی نظام، به ویژه ارگان های نظامی رخنه کرده و دستگیر شده بودند، از مجموع این زندانیان بیشتر بود. همان هایی که در ادامه ی ماموریت های خود- البته با پشتیبانی های آشکار و پنهان عناصر شناخته شده- در زندان هم دست از توطئه چینی و برخورد با میهن دوستان زندانی برنمی داشتند!

توسط روسیه اینترنت سریع جهانی هفته آینده راه اندازی می شود

آژانس فضایی روسیه (روس کاسموس) اعلام کرده که بزودی روسیه سراسر کره زمین را تحت پوشش اینترنت سریع قرار خواهد داد. خبرگزاری اسپوتنیک، نوشت که در اطلاعیه آژانس فضایی روسیه در همین ارتباط آمده است:

رونمایی از طرح اینترنت سریع جهانی با حضور ایگور کاماروف، مدیر کل "روس کاسموس" روز 22 ماه مه انجام خواهد شد. امکان دارد با اینترنت سریع جهانی در روسیه بین OneWeb Satellites، شرکت های ایرباس و "وان وب"، سیستم اروپایی O3b به سرپرستی شرکت SES و همچنین سیستم امریکایی Starlink، متعلق به شرکت مشهور "اسپیس ایکس" رقابت آغاز شود.

مطهری به آیت الله جنتی: نامه شما درباره برجام تعرض به رهبری است؟! ورود به مسئله برجام و تعیین تکلیف برای رئیس جمهور و مجلس، وظیفه مجلس خبرگان نیست



تکلیف شرعی را شما تعیین می کنید یا رهبری؟

علی مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به آیت الله احمد جنتی به بیانیه مجلس خبرگان درباره برجام واکنش نشان داد.

به گزارش عصرایران، مجلس خبرگان **در بیانیه ای** به امضای آیت الله احمد جنتی خواستار عذرخواهی رئیس جمهور روحانی در موضوع برجام شده بود.

متن کامل نامه نایب رئیس مجلس به جنتی به شرح زیر است:

«جناب آقای جنتی دامت برکاته

رئیس محترم مجلس خبرگان رهبری

با اهداء سلام در نامه‌ای که در ارتباط با خروج آمریکا از برجام نوشته‌اید، چند نکته قابل تامل است. در این نامه از طرفی پذیرفته‌اید که برجام با نظر مقام رهبری امضا شده است و از طرف دیگر از رئیس جمهور خواسته‌اید که به خاطر خسارت‌های وارده ناشی از برجام از مردم عذرخواهی کند. آیا این دو سخن تناقض و احیاناً تعریض ناخواسته به مقام رهبری نیست؟

همچنین گفته‌اید در صورت اخذ نشدن تضمین‌های جدی و محکم از اروپایی‌ها، خروج از برجام تکلیف شرعی و قانونی دستگاه دیپلماسی خواهد بود.

آیا تکلیف شرعی دستگاه دیپلماسی را جنابعالی تعیین می‌کنید با مقام رهبری؟
همچنین آیا تکلیف قانونی دستگاه دیپلماسی را جنابعالی تعیین می‌کنید یا مجلس؟

حقیقت این است که یکی از معضلات کشور ما دخالت نهادهای مختلف در کنار یکدیگر است. وظیفه مجلس خبرگان رهبری طبق قانون اساسی، گذشته از انتخاب رهبر در زمان خاص، نظارت بر بقای شرط عدالت در مقام رهبری و نظارت بر دستگاه‌های زیرمجموعه رهبر است.

ورود به مسائلی مانند برجام و تعیین تکلیف برای رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی از وظایف آن مجلس نیست، برای جناب‌عالی آرزوی توفیق الهی دارم. با تقدیم احترام علی‌مطهری»

ارتش ترکیه « عفرین » را در اختیار تروریستها گذاشته

یونگه ولت ترجمه رضا نافعی

منطقه عفرین واقع در شمال سوریه، که به اشغال ترکیه در آمده اینک محل استقرار هزاران نفر از «تروریستهای تکفیری» شده است. نخست 4 هزار خانوار «ارتش آزاد سوریه» که در تهاجم به کانتون خودگردان کردها شرکت داشتند، خانه ها و آپارتمان های کردهائی را که خانه و زندگی خود را رها و فرار کرده بودند تصرف کردند. اینک مجاهدان از مناطق دیگر نیز به عفرین روی آورده اند.

در ماه آوریل با وساطت روسیه تروریستهای تکفیری و خانوادههایشان، از حومه دمشق، غوطه شرقی و کالامون، که تحت کنترل دولت سوریه در آمده بود، عقب نشستند. در آغاز 70 هزار نفر در منطقه الباب که به تصرف ترکیه در آمده بود و منطقه ادلب که در دست ستیزندگان نزدیک به القاعده قرار دارد، مستقر شدند.

پس از حملات نیروی هوائی سوریه به ادلب و چالش هایی که میان گروه های مختلف تروریستهای تکفیری در گرفت، بخشی از آنها روی به عفرین آوردند که امن تر بود. نیروی دژبانی روسیه اتوبوس های حامل برخی از تروریستهای تکفیری را از مناطق پیرامون دمشق به عفرین اسکورت کرد.

همزمان با این نقل مکان ها، خبرهای فراوانی نیز دریافت می شد حاکی از این که «ارتش آزاد سوریه» مانع بازگشت کردهای فراری به عفرین است. به گفته سازمان ملل متحد بیش از 137 هزار کردهای غیر نظامی از عفرین اخراج شده اند. منابع کردی سخن از 300 هزار فراری می گویند که نیمی از آن ها در اردوگاه فراریان در منطقه شبا که منطقه ای است صحرائی زندگی می کنند، این اردوگاه در نزدیکی شهر تل رفعت قرار دارد.

از پایان ماه آوریل، بخش اداری غیر نظامی عفرین، که ترکیبی است منحصر از مردان کرد و عرب، توسط فرماندار منطقه حیات که منطقه ایست متعلق به ترکیه، هدایت و هماهنگ می شود.

فعلا آنچه رسمیت دارد قوانین تکفیری با قرائت تند و تیز تروریستها است. Sozda Oremar از آژانس خبری زنان « جین نیوز » از قول منابع محلی می نویسد: «اینک زنان در عفرین اجازه ندارند بدون چادر سیاه و تنها خانه را ترک کنند و باید حتما مردی آنان را همراهی کند».

ناپدید شدن زنان و دختران برای آن که به بردگی جنسی گمارده شوند و یا گروگان گرفتن آنها برای اخاذی از جمله رویدادهای روزمره است.

یکان های مدافع خلق، واحد های دفاعی کردها، که برای مبارزه با اشغالگران عفرین به جنگهای چریکی روی آورده اند، هشدار می دهند که با اسکان تروریستهای تکفیری در عفرین خطر تغییر ساختار جمعیت شناختی عفرین در میان است.

یکان های مدافع خلق اعلام کردند که جمال الساخول فرمانده برجسته «ارتش آزاد سوریه» در هفته گذشته بدست آنها کشته شده است. الساخول فرد رابط میان سازمان اطلاعاتی ترکیه و مسئول اسکان جهادگرایان در عفرین، ایجاد یک سازمان اطلاعاتی و

برپا کردن دادگاههای تروریستی تکفیری بود.

شهر الباب واقع در شمال سوریه که از فوریه 2017 باشغال ترکیه درآمده است، در روزهای اخیر شاهد تظاهرات مردم علیه اشغالگران بوده است. انگیزه تظاهرات زد و خورد میان شبه نظامیان هوادار ترکیه موسوم به احرار الشرقیه و افراد قبیله الواکی مقیم محل است. در طی این زد و خوردها شبه نظامیان هوادار ترکیه چندین محله شهر را زیر آتش خمپاره گرفتند و بیمارستان شهر را ویران کردند. روز دوشنبه هنگامی که اهالی شهر با شعار «الباب وطن ماست» و «ارتش ترکیه باید سوریه را ترک کند» در خیابانها دست به تظاهرات زدند، سربازان ترکیه به روی آنها آتش گشودند و تعدادی از افراد غیر نظامی به خاک و خون غلطیدند. این که در منطقه اشغال شده توسط ترکیه پیوسته زد و خورد های مسلحانه رخ می دهد، شگفت انگیز نیست، زیرا هم اکنون دهها هزار نفر «تروریستی تکفیری» از دیگر نقاط سوریه به این منطقه روی می آورند بی آن که در روستاهای مملو از جمعیت منطقه چشم انداز اقتصادی یا سیاسی داشته باشند. مرکز نظارت بر حقوق بشر در سوریه که مقیم انگلستان و به مخالفان دولت سوریه نزدیک است در تویتر نوشت: «ترکیه که اینک باصطلاح «تروریستی تکفیری» را در روستاهای خالی از سکنه کردها اسکان می دهد فقط در پی تحقق اهداف خود است. ترکیه قادر به حفظ «تروریستی تکفیری» نیست بلکه زندانبان آنها در «زندانی بی در و پیکر در هوای آزاد است».

<https://www.jungewelt.de/artikel/332178.landraeber-in-afrin.html>

واکنش دولت به بیانیه مجلس خبرگان و درخواست "عذرخواهی روحانی": آنهایی که باید عذرخواهی کنند طلبکار شده اند/ اعلام کنند خسارت تحریم چه میزان بوده؟ / از ملت عذرخواهی کنید/ هم دلواپس حضور آمریکا در برجام هستند و هم شاکی خروج آمریکا از برجام

مدیریت مسئولانه کشور ، عرصه تناقض گوئی نیست.

دولت به بیانیه دبیرخانه مجلس خبرگان واکنش نشان داد. در بیانیه دبیرخانه مجلس خبرگان از رئیس جمهور روحانی خواسته شده عذرخواهی کند. به گزارش عصرایران، در بیانیه دبیرخانه مجلس خبرگان آمده بود: لازم است رئیس جمهور محترم، صادقانه و با صراحت، نسبت به خسارتهای وارده در برجام که بخاطر عدم رعایت خطوط قرمز ترسیمی توسط رهبر معظم انقلاب از جمله اخذ تضمین های لازم از 5+1 و نیز عدم رعایت اقدام متناظر و گام به گام، پدید آمد؛ از مردم عزیر ایران عذرخواهی کرده، تجربه توافق برجام را چراغ راه آینده قرار دهند.

بیانیه دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت :

بسم الله الرحمن الرحيم

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

این روزها ، برخی گروه ها و شخصیت های محترم ، در مورد اعلام خروج آمریکا از برجام اظهار نظر کرده و بیانیه صادر می کنند. دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت لازم می داند جهت تنویر افکار عمومی در این موقعیت حساس، موارد مهمی را به استحضار ملت شریف ایران برساند:

۱- دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان منتخب ملت ، از ابتدا ، خود را موظف به تحقق خواست مردم در تعامل سازنده با جهان و تلاش خستگی ناپذیر برای رهایی کشور از بند تحریم های ظالمانه و لغو قطعنامه های خطرناک شورای امنیت سازمان ملل متحد می دانسته است و در این راه همواره تابع سه اصل عزت، حکمت و مصلحت بوده و تیم مذاکره کننده نیز ، تمام تلاش خود را برای کسب بیشترین منافع و اعطای کمترین امتیاز، به کار بسته است.

۲- راهبرد اصلی و اعلام شده دولت ، در مذاکرات طولانی با شش کشور و اتحادیه اروپا، تأمین منافع ملی بوده است و در این مسیر ، هیچیک از حقوق، توانایی ها و ظرفیت های راهبردی کشور مورد مذاکره و معامله قرار نگرفته است ؛ بلکه بهانه های واهی برای متهم کردن ایران را از دست بدخواهان گرفته و حقوق مسلم ملت ایران را برای پیشرفت و حضور عزتمندانه در اقتصاد جهانی تثبیت کرده است.

۳- برجام از نظر جهانیان، یک دستاورد بی نظیر در عرصه دیپلماسی و صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی است. شکستن اجماع جهانی علیه ایران ، رسوائی صهیونیست ها ، برچیده شدن تحریم های بین المللی و به رسمیت شناخته شدن برنامه صلح آمیز هسته ای کشور بخشی از دستاوردهای برجام به شمار می رود .

۴- دولت آمریکا که همواره ، مجامع بین المللی را در حمایت از خود بسیج می کرد و کشورها را با الزام به تحریم ، در مقابل ایران قرار می داد ، اینک با صهیونیستها تنها مانده و شاهد حمایت جهانی از موضع منطقی و عزتمندانه ایران اسلامی است.

۵- رئیس جمهور فعلی آمریکا مدعی است در جریان برجام کاملاً متضرر شده است و ایران را کشوری می داند که بدترین توافق را به او تحمیل کرده است. او خروج از برجام را پاسخی برای تحقیر آمریکا در برابر ایران می داند. در چنین شرایط خطیری که وحدت ملی یک ضرورت است، سوال این است که حمله به دولت و تخریب دستاوردهای کشور که همراه با افزایش قدرت دفاعی و تقویت جایگاه منطقه ای ایران به دست آمده است، همصدائی با چه جریانی و ریختن

آب به آسیاب چه کسانی است ؟

۶- متأسفانه آنان که باید عذرخواه مواضع نادرست خود در گذشته باشند ، طلبکارانه به دستاوردهای ملی می تازند و حاضر نیستند به این سوال پاسخ دهند که خسارت‌های تحریم ظالمانه بر ملت ایران چه میزان بوده و برای پیش گیری به موقع از آن خسارت‌ها چه کرده اند؟ آنها هیچ گاه حاضر نیستند از ناتوانی خود در ارائه راه‌های جایگزین برجام سخن بگویند و صادقانه بابت رویکرد غلط و کارشکنی های خود در روند پیشرفت کشور ، از ملت عذرخواهی کنند. آنها در تعارضی آشکار ، هم دلواپس حضور آمریکا در برجام بوده‌اند و هم شاکی خروج آمریکا از برجام. مدیریت مسئولانه کشور ، عرصه تناقض گوئی نیست ؛ بلکه نیازمند تصمیم قاطع و عمل شجاعانه است.

۷- دولت ضمن استقبال از تمامی اظهار نظرها و توصیه‌های خیرخواهانه ، اعلام می‌کند که تمامی مراحل مذاکرات و توافق ، در چارچوب قانون اساسی ، اختیارات و مسئولیتهای رئیس جمهور و مصوبات شورای عالی امنیت ملی بوده است. در شرایط جدید نیز برای مقابله موثر با اقدام تحریک آمیز آمریکا، و تضمین انتفاع ایران از برجام ، تدابیر لازم اتخاذ شده و در حال اجرا است.

۸- در شرایط حساس کنونی که بار دیگر ، دولت زیاده خواه امریکا ، زبان به تهدید ایران گشوده است، از همه شخصیت‌ها و گروه‌های وفادار به انقلاب اسلامی انتظار می‌رود که با پیروی از رهنمودهای مقام معظم رهبری ، به انسجام و وحدت ملی مدد رسانند و با حمایت از مواضع دولت در صحنه بین المللی ، به جهانیان نشان دهند که مردم ایران یکپارچه و یک صدا ، در مقابل ناقضان عهد، ایستادگی و از حقوق خود دفاع خواهند کرد.

مقایسه چین با روسیه

باید بپذیریم تداوم روندی فعلی از نظر فساد اداری حتی با برجام موفق، بسیار سخت است و درمان ریشه ای این فساد گسترده حتی بدون برجام برای ایران ثمربخش است.

دکتر امید خزانی

در نظام سیاسی جهان که دنیای مبارزه برای منافع است تقابل‌های سیاسی و اقتصادی همواره در جریان است اما این تقابل‌ها - خواه اجتناب ناپذیر یا قابل اجتناب و کم اثر- از الگوی واحدی پیروی نمی‌کنند.

حال که تقابل بین ایران و آمریکا به دلایل ژئوپلیتیکی، تاریخی و یا بد زمانی- (ill-synchronization) در پیچی از تاریخ اجتناب ناپذیر شده است، باید دست کم اگرنگویم الگوی موفق‌تر که مدل کم ضررتری را انتخاب کنیم.

امروز چین و روسیه مهم‌ترین قدرت‌های به چالش کشنده نظام مطلوب تک قطبی آمریکا هستند اما به رغم ساختار و گذشته سیاسی کم و بیش مشابه کمونیستی هر دو کشور، الگوی چین در بازدارندگی بسیار قدرتمندتر از روسیه است.

پس از پایان جنگ دوم جهانی چین و روسیه و آمریکا که متحد هم بودند به سرعت به رقبای هم تبدیل شدند. آمریکا بین سال‌های 1949 تا 1970 فشار بسیار زیادی به چین وارد کرد و در دوره موسوم به containment چین را در محاصره نظامی و به ویژه تحریم گسترده اقتصادی قرار داد به طوری که فشاری که به شوروی کمونیستی وارد می‌کرد به مراتب کمتر از فشار سیاسی و اقتصادی وارد بر چین بود.

آمریکا حتی با اجرای استراتژی wedge strategy "راهبرد شکاف" باعث دوری چین و شوروی در دهه 60 میلادی شد به طوری که شوروی تبدیل به دشمن شماره یک چین گشت!

در دوره 20 ساله تنش و تحریم چین علاوه بر تحریم تجاری سنگین تهدید به حمله اتمی نیز شد (1955). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری نظام تک قطبی جهان در غرب به رهبری آمریکا رقیب جدی برای ایدیولوژی لیبرال دمکراسی مبتنی بر سرمایه داری نمانده بود و هنوز چین با تکیه بر تیوری "Hiding brightness" دنگ شیائوپینگ هنوز فاصله زیادی با leaping dragon یا همان اژدهای پران" کنونی فاصله زیادی داشت.

با مقدمه فوق این سوال مطرح است که چرا الگوی چین در بازدارندگی و تقابل در برابر آمریکا به رغم برتری تسلیحاتی و ذخایر عظیم انرژی روسیه، به مراتب قوی‌تر است در حالیکه چینی‌ها تا 15 سال بعد از شوروی (1964) هنوز وارد باشگاه اتمی هم نشده بودند.

اگر در سال 1979 گفته می‌شد "فقط کاپیتالیسم می‌تواند چین را نجات دهد در سال 2009 گفته می‌شد فقط چین می‌تواند کاپیتالیسم را نجات دهد". این جمله نشان از جهش فوق‌العاده چین در معادلات بین‌المللی است به طوری که در سال 2010 کسری تجاری آمریکا با چین به 290 میلیارد دلار رسید!

در کنار مؤلفه‌های مختلف دو عامل اساسی در نافرورپاشی چین - به رغم فشارهای سنگین آمریکا و حتی در مقطعی در دهه 1960 در اثر فشارهای اتحاد شوروی- تاثیر شگرفی داشته

مبارزه بی رحمانه با فساد و همچنین اجرای دقیق سیاست "Hide Your Brightness" که ابتکار دنگ شیائوپینگ بود که بر اساس آن چینی ها می بایست "ظرفیت های خود را پنهان کنند و خود را از کانون توجه جهانیان بیرون بکشند تا زمانیکه وقتش برسد". به عبارت دیگر چینی ها در طول چندین دهه علی رغم فشارهای گسترده و موضوعات مختلف پیرامون شان خود را از "تیتزر رسانه های دنیا حتی المقدور دور نگه می داشتند" تا زمانش برسد. در دوره های پرتنش سال های دهه 80 و 90 میلادی که شوروی درگیر جنگ افغانستان بود و اروپای شرقی دچار تغییرات بسیار گسترده شده بود و شوروی تقریباً از هم پاشیده بود، چینی ها خود را همچنان مقید به این اصل سیاست خارجی خود نگه داشته بودند به طوری که گفته می شد سیاست خارجی چینی ها "مبهم، بلند مدت و نامشخص" است.

این سیاست در دوره ده ساله "جیانگ زمین" در دهه 90 میلادی هم به عنوان اصل سیاست خارجه چین پی گرفته شد. چینی ها در بازپس گیری هنگ کنگ و در تنش های دریای چین تا دهه 90 از همین سیاست پیروی کردند.

چینی ها در اوج همان فشارهای سنگین در 1964 اولین آزمایش اتمی شان را انجام دادند اما بازهم خود را تیتزر رسانه های جهان نکردند. همین سیاست شان را در طراحی و ساخت اولین ناو هواپیمابرشان، جت های رادارگریز J21 و J31 و زیردریایی های پیشرفته اتمی شان و پروژه ی دفاعی امنیتی فوق پیشرفته A2/AD هم داشتند.

فساد مدیریتی، پاشنه آشیل اقتصادهای تحت محاصره

بی شک یکی از ارکان مهم ثبات چین و در طول چندین دهه اجرای جسورانه مبارزه با فساد مدیران اجرایی بوده است. دنگ شیائوپینگ بی رحمانه مفسدان اقتصادی، رشوه بگیران و مدیران فاسد را اعدام می کرد و این رویه هنوز هم در چین اجرا می شود.

در سال 2012 در یکی از موارد جنجالی ژئو یونکانگ از قدرتمندترین و بلندپایه ترین افراد حزب کمونیست (نفر سوم حزب) را با رسوایی تمام عزل و با مصادره اموال به حبس ابد محکوم کردند. در سال 2011 شهرداران چند شهر و در سال 2013 ماه جولای 26 نفر از مدیران ارشد به جرم فساد اقتصادی اعدام شدند.

چنین شفافیتی که شامل بلندپایه ترین مقامات و بستگان آنها می شود باعث اعتماد و حمایت بالای 73 درصد مردم از مجازات مرگ مفسدان اقتصادی شده است. البته چین سابقه خوبی در برخورد با جنیش های مدنی ندارد ولی رشد اقتصادی بسیار بالا اکثریت جامعه را از حزب حاکم کمونیست- که تعدیل های زیادی در قوانین انجام داده است- راضی نگه داشته است. البته در چین خبری از حقوق های نجومی هم نیست و حقوق رییس جمهور این کشور 1800 دلار در ماه (حدود 8 میلیون تومان) است تقریباً معادل متوسط درآمد سرانه عامه مردم!

برخلاف شوروی، امروز در چین رشد اقتصادی بالا و فسادستیزی بی اغماض رمز رضایت عمومی و وحدت ملی بوده است. از سال 1978 چین موفق شده است درآمد ناخاص داخلی شهروندانش را 49 برابر کند- از 155 دلار در سال 1978 به 7600 دلار در سال 2014- و رقم شگفت انگیز بیش از 800 میلیون نفر را از خط فقر بالا بکشد!! در سال 2030 نیز با پشت سر گذاشتن آمریکا به اقتصاد اول جهان تبدیل خواهد شد.

بر اساس همین معیار، بر خلاف چین، عدم شفافیت و فساد بسیار بالای درون نظام حاکمیتی

روسیه آن را- علی رغم داشتن اقتصاد قدرتمند مبتنی بر نفت و گاز و فروش تسلیحات- در برابر فشارهای خارجی بسیار آسیب پذیر کرده است.

فشارهای اروپا و آمریکا در سال های 2014 ، 2016 و همچنین در ماه های نخستین 2018 باعث افت شدید ارزش روبل روسیه شد. خصوصی سازی های گسترده پس از فروپاشی شوروی مملو از نمونه های بارز فساد های مالی بزرگ و شکل گیری کارتل ها و مافیای بزرگ فساد شد که عدم شفافیت اقتصادی و RA بسیار منفی را برای روس ها به دنبال داشت.

روسیه دارای رتبه 135 بین کشورهای با بالاترین فساد مالی است و تقریباً هم رتبه با ایران است. با همین فسادستیزی چینی ها بود که رتبه FDI (شاخص سرمایه گذاری مستقیم خارجی) چینی ها رتبه 1 است و روس ها علی رغم طرح های سودآور نفت و گاز جزو 20 کشور اول هم نیستند!

درحالی که روس ها آمار Brain drain (فرار مغزهایشان) روز به روز در حال افزایش است و بالاترین آمار اروپا را دارند ، چینی ها با تصویب قوانین anti-unfair competition (قوانین ضد رقابت ناعادلانه) توانسته اند بسیاری از فارغ التحصلان چینی را به کشورشان بازگردانند!

در روسیه نوعی از فساد نیز وجود دارد که بر اساس آن اجازه می دهند مدیران ارشد زیر نظر دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی مرتکب فسادهای مالی شوند تا در فرایند قدرت مورد سواستفاده قرار گیرند! (گزارش موسسه تحقیقاتی سیاست خارجی در آوریل 2018)

فساد اداری پاشنه آشیل ایران

دو عامل فوق که رمز موفقیت چین در تبدیل شدن از کشوری تحت تحریم های سنگین به بازیگری مهم در جامعه بین الملل یاد شد، پاشنه آشیل ایران در روزها و سال های سخت آتی خواهند بود.

باید بپذیریم تداوم روندی فعلی از نظر فساد اداری حتی با برجام موفق، بسیار سخت است و درمان ریشه ای این فساد گسترده حتی بدون برجام برای ایران ثمربخش است.

برجام حتی با فرض شکست کامل اش نمی تواند 70 درصد باعث سقوط ارزش پول کشوری بشود که اقتصاد هفدهم دنیاست و توان تزریق پشتوانه ارزی داشته و دسترسی به آب های آزاد دارد، چه برسد به اینکه تقریباً اجماع جهانی برای نجات آن وجود دارد و برای اولین بار شکافی عمیق بین اروپا و آمریکا در نیم قرن اخیر ایجاد کرده است!

عامل اصلی چنین سقوط وحشتناکی بی اعتمادی عمیقی است که ریشه در فساد مدیریتی دارد که یادآور واردات پورشه، کالاهای لوکس و دسته بیل و آدامس و شیرخشک فاسد و فروش نفت توسط فلان مقام پلیس به بهانه دورزدن تحریم هاست.

همین بی اعتمادی است که 25 میلیارد دلار ارز خانگی انباشته و 100 تن طلا در خانه های ایرانیان ذخیره کرده است و تجربه استمداد دولت ها از مردم- مانند تجربه کمک عمومی به حل بحران مالی در کره جنوبی در دهه 90 میلادی و یا استمداد موفق دولت دکتر مصدق بین سال های 1330 تحریم نفتی و بین المللی تا 1332 - را در ایران غیرعملی می کند.

در سایه همین فساد و نبود قوانین مهم anti-unfair competition (قوانین ضد رقابت عادلانه) و (استخدام نورچشمی ها) anti-cronyism ما بالاترین رتبه فرار مغزها را داریم که از شاخصه های مهم اقتصادی است.

مورد اخیر برخورد کره ای‌ها با رییس جمهور خوش نام شان - خانم پارک - که متهم شده بود به دلیل روابط دوستانه اعتبارمالی در اختیار دوستش قرار داده ، با شدیدترین وجه ممکن برخورد شد و به رسوایی و برکناری ختم شد و نه حرفی از مصلحت آمد و نه توجیهی که دشمن خارجی در کمین است!

تربییون های پرشمار که در دست افراد فاقد مسؤولیت است نیز در تعارض با اصل "پنهان کردن درخشندگی" "hide your brightness" است.

بسیاری از مشکلات سیاست خارجی ما امروز از همین تربییون های ریز و درشتی است که بدون احساس مسؤولیت آب در آسیاب دشمنان و کینه توزان ایران زمین می ریزند. ایران در این زمینه استثناست و هزاران هزار سخنگوی وزارت خارجه دارد و هر مقام خرد و متوسط و محلی و نظامی و غیرنظامی احساس می کنند در زمینه سیاست خارجی باید اعلام موضع بکنند.

البته این نه آزادی بیان است و نه موضع گیری مسوولانه! ریشه دشمنی خیلی از کشورهای عربی - که ما را متهم به گسترش هلال شیعی می‌کنند- همین تربییون هایی است که هر سخنی را بی ملاحظه می گویند. غافل از اینکه با تکنولوژی ارتباطاتی این تندروی ها امروز به سرعت منتشر می‌شوند و با قاعده snowball effect بزرگ تر و بزرگ تر و به معضلی لاینحل تبدیل می شوند.

بنابراین اگر ما می‌خواهیم در جامعه بین‌الملل حرفی برای گفتن داشته باشیم و با هر جریانی و هرتوافق‌نامه‌ای کیانمان بر باد نرود ، باید مقدمات آن را فراهم و اصل فسادستیزی و " پنهان کردن درخشندگی" را اجرا کنیم.

آیت الله نورمفیدی : نباید یکدیگر را متهم کنیم/ نباید به مذاکره کنندگانمان که سربازان دیپلماسی کشور هستند توهین کنیم

«باید تلاش کنیم دعوا و معرکه داخلی درست نکنیم که آمریکایی ها همین را می خواهند، یک فرد انقلابی باید موقعیت شناس باشد و درک کند در این زمان چه چیزی لازم است.»

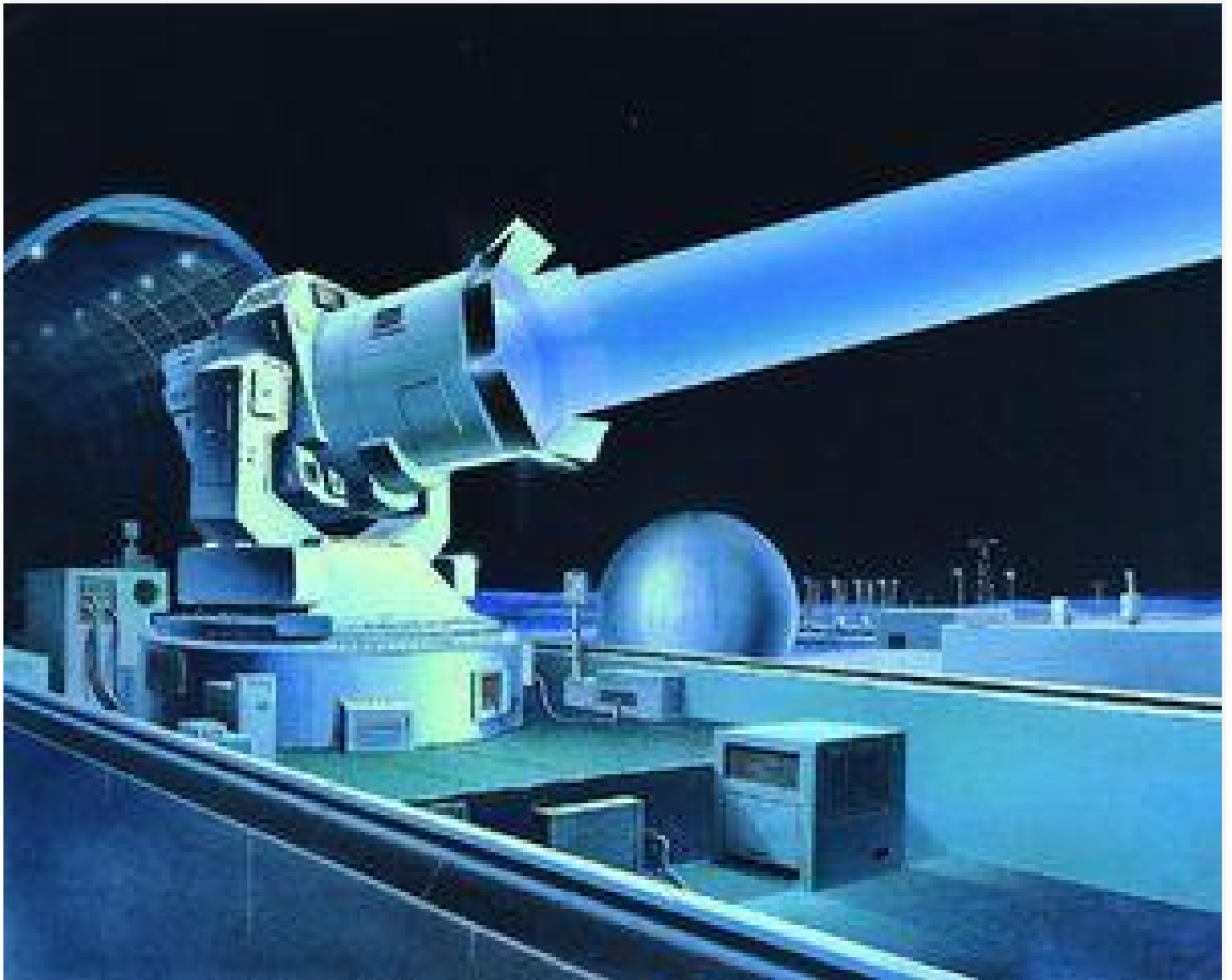
به گزارش جماران، آیت الله نورمفیدی امام جمعه و نماینده ولی فقیه در استان گلستان در خطبه های نماز جمعه گرگان گفت: ترامپ با دروغگویی و نقض عهد آشکار رسماً معاهده بین المللی را زیر پا گذاشته و از این جهت برای آمریکا آبرو باقی نگذاشته است. به دنیا ثابت شد که آمریکا قابل اعتماد نیست، به پیمان خود وفادار نمی ماند اما ایران به تعهدات خود پایبند است. دنیا به جز اسرائیل و عربستان یکپارچه از برجام حمایت می کنند. یکی از برکات برجام این بود که اجماع جهانی علیه ایران شکسته شد و دیگر آمریکا نمی تواند جهان را بر ضد ایران بسیج کند، امروز ما می بینیم که بین آمریکا و کشور های اروپایی شکاف افتاده است و این شکاف با خروج از برجام تشدید شده است.

آمریکا امروز به دنبال مذاکره در امور دفاعی ماست اما بارها رییس جمهور گفتند مسائل دفاعی چیزی نیست که ما برای آن از کسی اجازه بگیریم و هر زمان که ما تشخیص دهیم برای دفاع از کشورمان کارهایی را که لازم است انجام می دهیم و به هیچکس ربطی ندارد. آنچه را که ما در ایران احتیاج داریم این است که افرادی که دلشان در گرو انقلاب است مراقب باشند انسجام ملی از بین نرود، یکی از اهداف آمریکایی ها بر هم زدن انسجام ملی بوده تا بگومگوهای ایجاد شود، ما باید حواسمان جمع شود و همه ما تحت زعامت رهبری مقاومت کنیم تا از این گردنه نیز عبور کنیم. نباید یکدیگر را متهم کنیم، نباید به مذاکره کنندگانمان که سربازان دیپلماسی کشور هستند و واقعا موفق بوده اند توهین کنیم و تهمت بزنیم. برجام تصمیم نظام بوده است.

افرادی که برجام را پیگیری کردند، از رییس جمهور گرفته تا شخص وزیر توانمند امور خارجه با تمام توان و تخصص بالای خود زحمت کشیدند، موفقیتی که به دست آوردند این بود که به دنیا ثابت کردند ایران به دنبال بمب اتم نیست و حق هسته ای را به اثبات رساندند. بارها ژانسی بین المللی اعتراف کرد ایران به تعهداتش پایبند بوده و تخلف نکرده است. باید تلاش کنیم دعوا و معرکه داخلی درست نکنیم که آمریکایی ها همین را می خواهند، یک فرد انقلابی باید موقعیت شناس باشد و درک کند در این زمان چه چیزی لازم است. نه اینکه به جای اینکه سر آمریکایی ها فریاد بکشد سر خودی فریاد بزند.

مشرق گزارش می‌دهد؛

جنگ لیزری آمریکا و چین به کشور مشهور جیبوتی رسید/ این بار ازدها چشم عقاب را کور کرد



مقامات آمریکایی اخیراً اعلام کرده اند دو نفر از خدمه یکی از هواپیماهای C-130 این کشور که در حال پرواز در نزدیکی پایگاه نظامی چین در جیبوتی بودند، مورد حمله توسط یک سلاح لیزری قرار گرفته اند.

به گزارش سرویس دفاع و امنیت مشرق، کشور کوچک و ناشناخته جیبوتی در منطقه شاخ آفریقا اگرچه طی سالهای اخیر به واسطه همراهی با برخی حکومت های منطقه در سیاست های ضد ایرانی شان مورد توجه و البته تمسخر کاربران ایرانی قرار گرفته اما به علت موقعیت خاص خود، تبدیل به نقطه ای مورد علاقه برای احداث پایگاه نظامی توسط کشورهای مختلف شده و از جمله ارتش های مستقر در این کشور، آمریکا و چین هستند؛ هرچند که کشورهای دیگری نیز در این منطقه کوچک، حضور فعال دارند.

چینی ها به تازگی در این کشور آفریقایی پایگاه احداث کرده و به نوعی جزو تازه واردها در این منطقه خاص به حساب می آیند. اما آنچه اهمیت جیبوتی را برای برخی قدرت های فرامنطقه ای، بیش از پیش کرده، حوادثی است که اخیراً بین چین و آمریکا در جیبوتی رخ داده و حتی بنا بر برخی تفسیرهای خاص، بوی جنگ های قرن بیست و یکمی و فیلم های علمی تخیلی از آن به مشام می رسد که همه آنها به یک نبرد لیزری ختم می شود.

تاریخچه ای مختصر از سلاح های لیزری

به زبانی ساده، لیزر ابزاری است که نور را به صورت پرتوهای موازی بسیار باریکی که طول موج مشخصی دارند، ساطع می کنند. این دستگاه از ماده ای جمع کننده یا فعال کننده نور تشکیل شده که درون محفظه تشدید نور قرار دارد. این ماده، پرتو نور را که به وسیله یک منبع انرژی بیرونی (از نوع الکتریسیته یا نور) به وجود آمده، تقویت می کند. از همان ابتدای کشف این خواص در اوایل دهه 1950 دانشمندان به خواص گوناگون این فناوری جدید پی بردند و از آن تاریخ به بعد بخش های مختلف از علوم و صنایع تحت تاثیر این فناوری قرار گرفت. در بخش های نظامی نیز با پی بردن به قدرت بالای لیزر

برنامه هایی از اواخر دهه 1960 میلادی برای استفاده از این تکنولوژی مطرح شد. در ابتدا نیروی هوایی آمریکا به دنبال استفاده از لیزر به عنوان یک سامانه پدافند هوایی بود، نیروی زمینی و دریایی آمریکا نیز در ادامه دهه 1970، آزمایشاتی را به منظور طراحی و ساخت سلاح های پدافند لیزری انجام دادند که عمدتاً در مرحله نمونه های آزمایشی باقی ماند.

اما در دهه 1980 میلادی و با روی کار آمدن رونالد ریگان و بحث استراتژی "جنگ ستارگان"، استفاده از سلاح های لیزری در دو نقش تدافعی و هم تهاجمی گسترده تر و با جدیت بسیار بیشتری از سوی آمریکا دنبال شد. البته به دلیل موانع موجود در آن پروژه و البته پایان جنگ سرد پروژه های آن طرح نیز عمدتاً در مرحله آزمایشی و پیش نمونه باقی ماندند.

حمله لیزری اژدها به عقاب در قاره سیاه

اما در این میان، مقامات آمریکایی اخیراً اعلام کرده اند که **دو نفر از خدمه یکی از هواپیماهای ترابری C-130 این کشور که در حال پرواز در نزدیکی پایگاه نظامی چین در جیبوتی بودند، مورد حمله توسط یک سلاح لیزری قرار گرفته و دچار مجروحیت شده اند.** پنتاگون به صورت خاص به نوع مجروحیت این دو آمریکایی اشاره نکرده ولی با توجه به اینکه سلاح های لیزری عمدتاً به سمت چشم و سیستم بینایی هدف رفته، می تواند موجب اخلاص موقت یا حتی کوری دائم قربانی شوند.



پایگاه نظامی چین در جیبوتی

مقامات پنتاگون می گویند بین 2 الی 10 بار تاکنون این نوع مزاحمت های لیزری برای خدمه هواپیماهای آمریکایی در نزدیکی پایگاه چینی ها رخ داده که دو مورد آن، باعث آسیب به خدمه شده است. این مسئله باعث اعتراض رسمی آمریکا به چین و از طرف دیگر دستورات خاص به خدمه هواپیماهای آمریکایی برای پرواز در نزدیکی پایگاه چینی ها شده است.

چه نوع لیزری در این حملات استفاده شده است؟

اخلال و به نوعی حمله به هواپیماهای مختلف با استفاده از اشعه لیزر، امری جدید نیست و بارها در بسیاری از فرودگاه های غیر نظامی دنیا نیز گزارش شده است. دستگاه های تولید کننده امواج لیزر زیادی در بازار تجاری وجود دارند که می توان از آنها برای این منظور استفاده کرد اما **مقامات رسمی نظامی آمریکا تاکید کردند لیزر مورد استفاده در این حادثه از درجه نظامی بوده است.**



اسلحه لیزری PY131A



اسلحه لیزری BBQ-905



اسلحه لیزری WJG-2002

چینی ها حداقل تاکنون، 4 مدل سلاح لیزری مخصوص پیاده نظام توسعه داده و یک مدل سیستم ضد پهپاد لیزری کوتاه برد نیز ساخته اند. PY131A ، WJG-2002 ، BBQ-905 و PY132A از جمله معروفترین نوع از این سلاح ها هستند. بخشی از این سلاح ها در اختیار ارتش چین و برخی دیگر از آن در اختیار نیروهای پلیس این کشور قرار گرفته است تا از آن در عملیات های ضد اغتشاش استفاده کنند.

برخی قوانین بین المللی در این میان وجود دارد که استفاده از سلاح های لیزری که باعث آسیب های دائمی به طرف مقابل می شود را ممنوع کرده و آمریکا و چین هر دو جزو کشورهای امضاء کننده این پیمان هستند. بر اساس این پیمان استفاده از سلاح های لیزری برای از کار انداختن جستجوگرهای اپتیکی ، مسافت سنج ها و یا سایر سامانه های دیده بانی بلاشکال است ولی استفاده ای که باعث آسیب دائمی شود خلاف مقررات بین المللی به حساب می آید؛ هرچند که حداقل آمریکا در بی توجهی به مقررات بین المللی در موارد مختلف از جمله نوع حمله به معترضان و سلاح های مورد استفاده از این موارد، سابقه ای سیاه و پرشمار دارد.



اسلحه لیزری PY132A

در عین حال، کشور چین اعلام کرده که پایگاه آنها در جیبوتی صرفاً یک مرکز برای پشتیبانی از عملیات دریایی چین در اطراف آفریقا است اما بسیاری از کارشناسان این اعتقاد را دارند که این پایگاه زمینه فصل جدیدی از نفوذ چین در قاره سیاه به شمار می آید و آمریکایی ها تلاش دارند تا به فهم و شناسایی بهتری از این پایگاه برسند و در عین حال مقابله لیزری چینی ها با هواپیماهای آمریکایی نیز بر همین اساس تفسیر می شود.

پایگاه چین در جیبوتی، اولین مرکز رسمی نظامی این کشور در خارج از مرزهای آن به شمار می آید که از زمان گشایش همواره موجب نگرانی برای ارتش آمریکا و سایر نیروهای نظامی غربی در شاخ آفریقا بوده. فاصله میان پایگاه نظامی چین و تنها پایگاه دائمی آمریکا در آفریقا چند مایل بیشتر نیست. آمریکا پس از حمله یازده سپتامبر ۲۰۰۱ این پایگاه را برای عملیات های ضدتروریستی بنا کرد که اکنون بخش عمده ای از هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در آن مستقر هستند. همچنین این پایگاه آمریکا حدود ۴ هزار پرسنل دارد که در مأموریت های بسیار محرمانه در منطقه فعالیت می کنند که حتی عملیات هایی را در یمن طراحی و انجام دادند.

این اتفاق جدید از جنبه ای دیگر نیز حائز اهمیت است چراکه در سال 2006 میلادی نیز آمریکا اعلام کرده بود که از سرزمین چین به سمت یکی از ماهواره های جاسوسی این کشور اشعه لیزری تابیده شده که ظاهراً باعث مختل شدن عملکرد سامانه های تصویری و شناسایی این ماهواره شده بود و با تکرار این اتفاق، بعید نیست ارتش آمریکا نیز که سالهاست مدعی ساخت نمونه های عملیاتی سلاح لیزری است، بخواهد پاسخی به این ماجراها بدهد.



اعتراض مجدد مردم کازرون به درگیری با نیروهای امنیتی انجامید

پنج شنبه 1 رمضان 1439 هـ - 17 مه 2018 م

در پی اعتراض مجدد مردم کازرون به طرح تقسیم این شهرستان، شامگاه چهارشنبه 16 می 2018، نیروهای امنیتی برای متفرق کردن معترضان به سوی آنها آتش گشودند.

صدها تن از مردان و زنان کازرونی روز چهارشنبه به خیابان‌های این شهر آمده و علیه طرح تقسیم این شهرستان شعار سر دادند. مردم کازرون ماه‌هاست به طرح تقسیم این شهرستان و جدا کردن بخش‌هایی از آن اعتراض کرده و آن را خالی کردن این شهرستان از عناصر هویتی می‌دانند.

فیلم‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی از اعتراضات شامگاه چهارشنبه کازرون منتشر شده، نشان می‌دهد نیروهای امنیتی به سوی مردم معترض شلیک می‌کنند.

فعالان شبکه‌های اجتماعی از کشته شدن 2 تا 5 تن در کازرون خبر دادند اما منابع رسمی تا کنون در این باره گزارشی مخابره نکرده‌اند.

مردم معترض شعار دادند: «غزه حمایت می‌شه، کازرون خیانت می‌شه». مردم کازرون همچنین با «ننگ» خواندن اقدام صدا و سیما و دیگر رسانه‌های رسمی ایران در بایکوت خبری اعتراضات مردمی این شهر شعار «ننگ ما ننگ ما، صدا و سیمای ما» سر دادند.

کازرونی‌ها پیش از نیز در اواخر آوریل 2018 تظاهرات اعتراض‌آمیز گسترده‌ای برگزار کرده بودند. آنها در آن زمان با سر دادن شعار «اگر خیانت بشه، کازرون قیامت می‌شه» طرح تقسیم این شهرستان را «خیانت» توصیف کرده و نسبت به عواقب آن هشدار دادند. معترضان علاوه بر این شعار «استاندار باید بیاد، وزیرش هم باید بیاد» خواستار حضور استاندار و وزیر در منطقه و رسیدگی به درخواست مردم معترض شدند. مردم کازرون همچنین تقسیم شهرستان را «تجزیه» خوانده و علیه آن شعار دادند: «ما زن و مرد جنگیم، با تجزیه می‌جنگیم».

براساس طرحی که حسین رضازاده، نماینده کازرون در مجلس ایران، شهرستان کازرون به دو شهرستان تقسیم شده و بخش‌های قائمیه و کوهمره نودان از کازرون جدا شده و در نقشه تقسیمات اداری کشور تحت عنوان شهرستان کوهچنار معرفی شوند. طرح تقسیم شهرستان کازرون در دفتر تقسیمات کشوری تصویب شده و به هیات دولت رفته تا تصویب شود. مردم کازرون معتقدند جدا شدن دهستان شاپور، امامزاده سید حسن و جنگل‌های دشت برم، به هویت این شهرستان آسیب می‌زند. موافقان این طرح نیز می‌گویند این طرح پیشرفت‌های عمرانی در پی داشته و رونق این منطقه را در پی خواهد داشت.

یکی از شاهدان عینی گفت: "در پی اعتراضات امروز عصر چندین نفر دستگیر شده بودند و گروهی از مردم در اعتراض به این دستگیری‌ها در مقابل کلانتری شهر تجمع کردند. شلیک تیر ماموران انتظامی جو را متشنج کرد که در نهایت معترضان وارد کلانتری شدند و کلانتری را به آتش کشیدند."



در بعضی ویدئوهای منتشر شده در توئیتر تجمع مردم ظاهرا در برابر ساختمان پلیس دیده می شود که شعار "برادر عزیزم، حق تو پس می گیرم" در آن شنیده می شود. در سایر ویدئوها مردم شعار می دهند "کازرونی می میرد، ذلت نمی پذیرد". کمپین حقوق بشر در ایران در توئیتی نوشت که "به گزارش رسانه های محلی دست کم سه شهروند غیرنظامی در پی شلیک مستقیم پلیس کشته شده اند".

اعتراضات به تغییر تقسیمات کشوری و تصمیم برای تقسیم کازرون - در استان فارس - و تشکیل شهرستانی جدید برای چندین هفته در این شهر ادامه داشته است. در این مدت معترضان تجمع های بزرگی را ترتیب داده اند و از جمله بازار شهر را به تعطیلی کشیده اند.

در پایان فرودین ماه معترضان در این شهر با حضور در نماز جمعه امام جمعه را "بی عرضه" خواندند و خواهان استعفای او شدند. آنها همچنین خواهان حضور استاندار و وزیر کشور در کازرون و ارائه توضیح از طرف آنان شدند. آنها شعار می دادند: "دشمن ما همین جاست، دروغ می گن آمریکاست". آنها به پیشنهادی که برای تقسیم کازرون و شهرستان جدید در وزارت کشور وجود دارد معترض هستند.

مقام های وزارت کشور ایران می گویند ایجاد شهرستان های جدید روندی معمول در تقسیمات کشوری ایران است و در این مورد نیز بررسی های "کارشناسی" انجام شده است.

بهرام پارسایی، نماینده شیراز در مجلس ایران، اخیراً گفت: "عامل اصلی این ناآرامی‌ها همان اعتراضاتی است که به طور کلی در بخش‌های دیگر جامعه هم می‌بینیم و شاهدیم که مردم نسبت به وضعیت معیشتی و اقتصادی و همچنین اوضاع اشتغال اعتراض دارند و به نظر می‌رسد مردم سعی می‌کنند با اتکا به این بهانه‌ها صدای خود را به گوش مسئولان برسانند." اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور ایران روز اول اردیبهشت گفته بود: "موضوع کازرون باید حل شود، نمی‌شود مردم هر روز به خیابان بیایند و عده‌ای هم بر این موج سوار شده و شعارهای خود را سر دهند. دولت درباره کازرون هیچ تصمیمی نگرفته است." معترضان کازرون چه می‌خواهند؟

بحران تقسیمات کشوری در جمهوری اسلامی؛ از قزوین تا کازرون

احسان مهربانی روزنامه نگار
اعتراض ها در کازرون بار دیگر موضوع تقسیمات کشوری را مطرح کرده است. موضوعی که از همان سال های ابتدایی پس از انقلاب ۵۷ در بسیاری از استان های ایران موضوع درگیری بوده و بارها باعث برگزاری تجمع های اعتراضی شده است.

تقسیمات کشوری حتی در استیضاح دو وزیر کشور سابق از دو گرایش سیاسی مختلف یعنی علی اکبر ناطق نوری و عبدالله نوری نیز مطرح شد و در دولت های مختلف وعده ارائه «طرح جامع تقسیمات کشوری» داده شده؛ اما در نهایت این طرح هیچگاه نهایی نشده است.

در قوانین ایران از جمله قانونی که در سال ۶۲ تصویب شده «تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری» مشخص شده که بیشتر براساس جمعیت شهرها است.

قانون برنامه دوم توسعه نیز دولت را موظف کرده بود که «طرح جامع تقسیمات کشوری» را تا پایان این برنامه یعنی سال ۷۸ به مجلس ارایه کند.

این موضوع یکی از موارد استیضاح عبدالله نوری، وزیر کشور دولت محمد خاتمی، نیز بود.

عبدالله نوری در جلسه استیضاح اعلام کرد که این طرح توسط زهرا احمدی پور، مدیرکل تقسیمات کشوری که بعدها در دولت حسن روحانی رئیس سازمان میراث فرهنگی شد، تهیه شده و به مجلس ارائه خواهد شد.

پس از گذشت ۲۰ سال از آن وعده اما وزارت کشور دولت حسن روحانی بار دیگر برای اظهار نظر درباره «پیش نویس لایحه تقسیمات کشوری» فراخوان منتشر کرده است.

لایحه دولت حسن روحانی برای تقسیمات نیز شامل تعاریف می‌شود و همچنان طرحی که براساس آن همه تقسیمات کشوری از پیش مشخص شده باشد وجود ندارد.

درنبود این طرح فشارها و ریزنی های سیاسی برای تقسیمات کشوری تاثیرگذار است.

تقسیمات کشوری و نمایندگان مجلس

دراین میان نمایندگان مجلس مهمترین گروهی هستند که ایجاد شهرستان ها و شهرهای جدید درحوزه انتخابیه خود را پیگیری می کنند. از نظر آنان ایجاد شهرستان های جدید باعث جذب بودجه بیشتر و توسعه شهرستان خواهد شد. دراین میان نمایندگان البته به منافع خود نیز می اندیشند.

حوزه های انتخابیه معمولا از چند شهرستان تشکیل می‌شود و دراین میان برخی از نمایندگان در بین یک یا چند شهر حوزه انتخابیه خود رای بیشتری دارند و تلاش می کنند امکانات بیشتری را برای آن شهرها فراهم کنند.

این موضوع شامل تقسیمات کشوری نیز می شود و آنان سعی می کنند شهرهایی که هواداران بیشتری درآن ها دارند را توسعه دهند. اتهامی که درباره نماینده کازرون در مجلس نیز مطرح است.

تقسیمات و نقش مسئولان دولتی

به جز نمایندگان مجلس برخی از مقامات کشوری نیز در موضوع تقسیمات کشوری نقش دارند. از جمله عبدالواحد موسوی لاری، وزیر کشور دولت محمد خاتمی، متهم بود که موضوع تبدیل شدن لار به استان را پیگیری می کند.

این فشارها و درگیری های سیاسی باعث شده که موضوع تقسیمات کشوری از همان سال های ابتدایی انقلاب ۵۷ درایران بحران ساز باشد و تجمعات بسیاری دراینباره شکل بگیرد. دامنه برخی از این تجمع ها به درگیری شدید ماموران امنیتی با مردم کشیده شده و عده ای از معترضان کشته شده اند.

از جمله موضوع تبدیل قزوین به استان و جدا شدن آن از استان زنجان در سال ۷۳ درگیری هایی را درهر دو شهر به وجود آورد به گونه ای که برخی مردم قزوین «جلوی ماشین هایی که پلاک زنجان داشت را می گرفتند یا تابلوهای اداری که نام زنجان داشت را پایین می کشیدند».

رد لایحه تبدیل شدن قزوین به استان اعتراض های گسترده ای را دراین شهر دامن زد و این اعتراض ها چند روز طول کشید.

براساس برخی گزارش ها "نیروهای لشکر ۱۰ سیدالشهدا از تهران این شورش را سرکوب کردند" و گفته شده که چندین نفر در این درگیری ها کشته شدند.

پس از قزوین، گسترده ترین اعتراض های مربوط به تقسیمات کشوری مربوط به اعتراض مردم سبزوار به وعده عبدالواحد موسوی لاری، وزیر کشور دولت محمد خاتمی، برای تبدیل شدن بجنورد به استان بود.

سال ۸۰ و پس از سخنان عبدالواحد موسوی لاری در بجنورد مبنی بر تبدیل این شهرستان به استان تعدادی از مردم سبزوار به خیابان ها ریختند. برخی از معترضان ریل های راه آهن را جمع آوری و به ساختمان ها حمله کردند. در این اعتراض ها که چند روز طول کشید براساس گزارش ها یک نفر کشته و تعداد زیادی مجروح شدند.

موضوع تقسیم خراسان به پنج استان در دیگر شهرهای این استان نیز درگیری های متعددی را به وجود آورده بود. در نهایت دو استان خراسان شمالی و خراسان جنوبی به وجود آمد اما درگیری های شهرستان های نیشابور و سبزوار برای تبدیل شدن به استان همچنان ادامه دارد.

در استان فارس نیز پیش از موضوع ایجاد شهرستان جدید درکازرون، درگیری های دیگری نیز درباره موضوعات تقسیمات کشوری وجود داشته که از جمله آن ها درگیری درباره ایجاد شهرستان گراش در جنوب استان فارس بود.

دربسیاری از استان های ایران درگیری برسر تقسیمات کشوری سابقه ای دیرینه دارد. از جمله در استان سمنان که مردم شاهرود معتقدند این شهر باید مرکز استان باشد. از همین رو مصوبه دولت محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور سابق، برای ایجاد فرمانداری ویژه شاهرود اعتراض هایی را در سمنان به وجود آورد.

مصوبات سفرهای استانی دولت احمدی نژاد درباره تقسیمات کشوری در برخی از دیگر استان های ایران نیز اعتراض های و تجمع هایی را به دنبال داشت.

درحالی که موضوعات تقسیمات کشوری به شکل فعلی بحرانزا است، برخی از مقامات جمهوری اسلامی از سال ها پیش طرح هایی مانند ایالتی کردن ایران را دنبال می کنند. مدلی کامل تر از آن چه که محسن رضایی در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری تحت عنوان ایالت های اقتصادی مطرح کرد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران نیز از سال ها پیش طرحی برای تبدیل استان های ایران به پنج ایالت را در دست بررسی دارد.

این طرح در دولت محمد خاتمی نیز مطرح بود و به گفته عبدالواحد موسوی لاری بنا بود که «کشور به ۹ منطقه تقسیم شده و قرار بود بنابر حوضه آبریز، نوع ارتباطات و سایر شاخصه‌ها هماهنگی‌هایی با ستاد آمایش سرزمین و سازمان مدیریت انجام و برای تایید روانه مجلس شود که به آن دوره نرسید».

تبعات گسترده موضوع تقسیمات کشوری باعث شده که دولت‌ها جرات اجرای طرح‌هایی جامع در اینباره را نداشته باشند.

اما هراز چند گاهی موضوع تقسیمات کشوری دریکی از استان‌های ایران تبدیل به بحران می‌شود و وجود شبکه‌های اجتماعی باعث شده که این بحران نسبت به گذشته بازتاب گسترده تری داشته باشد.

ایلنا نوشت: یک عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: در این رابطه استاندار و امام جمعه کازرون هم در گذشته به تهران آمده بودند تا مشکلات را پیگیری کنند.

اصغر مسعودی نماینده مردم نی ریز و استهبان درباره ناآرامی‌های شب گذشته در شهرستان کازرون با بیان اینکه از این موضوع اطلاع دقیقی ندارم، تاکید کرد: به نظر می‌رسد روال طبیعی در پی این موضوع نباشد، چرا که پیرو اعتراضاتی که مردم کازرون داشتند مسئولان قول داده بودند که مشکل را حل کنند تا مشکلات بعدی بروز نکند.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: در این رابطه استاندار و امام جمعه کازرون هم در گذشته به تهران آمده بودند تا مشکلات را پیگیری کنند.

استاندار فارس: کشته شدن یک نفر در تجمعات کازرون/ اوضاع تحت کنترل است

استاندار فارس با اشاره به مسائل پیش آمده اخیر در شهرستان کازرون، تصریح کرد: اوضاع در این شهرستان کاملاً تحت کنترل است.

اسماعیل تبادار صبح پنج‌شنبه ۲۷ اردیبهشت در گفت و گو با ایسنا با اشاره به درگیری‌های اخیر در شهرستان کازرون، تصریح کرد: که اکنون اوضاع شهر کازرون تحت کنترل است.

عضو مجمع نمایندگان فارس: اطلاعی از اتفاقات کازرون ندارم/ پیگیری حوادث کازرون به من ارتباط ندارد/ کازرون خودش نماینده دارد، من صحبت کنم بدش می‌آید

مسعود رضایی، عضو مجمع نمایندگان استان فارس و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به اعتمادآنلاین می‌گوید از اتفاق‌های دیشب کازرون خبری ندارد و اگر هم خبر داشت آن را پیگیری نمی‌کرد. او می‌گوید کازرون خودش نماینده دارد و پیگیری این مساله به نماینده‌های دیگر مربوط نیست.

*** در مورد اتفاقات دیشب کازرون سؤال داشتم...**

...من جلسه هستم، دوبار جلسه را قطع کردم و بی‌احترامی به اینها می‌شود. من الان سازمان عمران هستم.

*** فکر می‌کنم این موضوع اینقدر اهمیت داشته باشد که چند دقیقه کوتاه وقت بگذارید. هیچ کدام**

از نماینده‌های فارس به تلفن‌های خود جواب نمی‌دهند؟
درباره چی؟

***اتفاقی که دیشب در کازرون افتاده است.**

من خبر ندارم. دیشب در راه بودم و امروز هم صبح به جلسه سازمان عمران آمده‌ام.

***یعنی اصلاً این خبر را نشنیدید؟**

نه. کازرون 270 کیلومتر با من فاصله دارد. من الان از زبان شما می‌شنوم.

***خبر مهمی است؛ چطور نماینده‌های فارس پیگیری نکردند و خبر ندارند؟**

کاری به ما ندارد. من اصلاً اگر بشنوم هم پیگیری نمی‌کنم. ربطی به ما ندارد.

***یعنی اگر خبر هم داشتید پیگیری نمی‌کردید؟**

نه. من بشنوم هم پیگیری نمی‌کنم. هیچ ارتباط به من ندارد. کازرون کجا ما کجا؟ من بگویم

چی؟

***بالاخره این اتفاق در استان شما افتاده است.**

استان بزرگ است.

***می‌گویند چند نفر کشته شدند آقای رضایی!**

من الان می‌شنوم.

***شما به من می‌گویید اگر خبر داشتید هم پیگیری نمی‌کردید!**

به من ربطی ندارد! پیگیری کنم که چه شود؟ من دادگاه هستم؟ قاضی هستم؟ چه هستم؟

***شما نماینده مردم هستید.**

نماینده مجلس در مجلس صحبت می‌کند. کازرون خودش نماینده دارد، من صحبت کنم بدش

می‌آید. من حرف هم بزنم نماینده حوزه بدش می‌آید و می‌گوید به شما ربطی ندارد، من چه

بگویم!

بدیل هنرمندانه اعتراضات مسالمت آمیز به آشوب توسط

مسئولان استان فارس

در روزهایی که مشکلات اقتصادی و کمبود منابع آب محور اعتراض ها در برخی مناطق جغرافیایی کشور است، در شهرستان کازرون این تلاش های دولتی برای تجزیه یک شهرستان است که به یک اعتراض فراگیر و خسارت بار دامن زده است؛ اعتراضاتی که ماه ها به صورت مسالمت آمیز دنبال شد و به دنبال بی توجهی های مدیران سیاسی حالا رنگ و بوی خون به خود گرفته است.

در روزهایی که مشکلات اقتصادی و کمبود منابع آب محور اعتراض ها در برخی مناطق جغرافیایی کشور است، در شهرستان کازرون این تلاش های دولتی برای تجزیه یک شهرستان است که به یک اعتراض فراگیر و خسارت بار دامن زده است؛ اعتراضاتی که ماه ها به صورت مسالمت آمیز دنبال شد و به دنبال بی توجهی های مدیران سیاسی حالا رنگ و بوی خون به خود گرفته است.

به گزارش «تابناک»، شهرستان کازرون به عنوان یکی از شهرستان های مهم استان فارس، چند ماهی است که درگیر اعتراضات مردمی است و بسیاری از شهروندان این شهرستان تلاش می کنند تا با حضور میدانی خود در خیابان مخالفت خود را با شهرستانشان به دو شهرستان جدا اعلام کنند؛ اعتراضاتی که آنقدر از سوی مسئولان مورد بی توجهی قرار گرفت تا به خشونت کشیده شد.

مخالفت مردم شهر کازرون و مناطق مجاور آن با تجزیه شهرستانشان ناظر بر تصمیم اخیر مدیران سیاسی شهرستان کازرون و استان فارس است که با موافقت وزارت کشور به جریان افتاده و بر مبنای آن قرار شد شهرستان کازرون به دو شهرستان تبدیل شود.

آنگونه که مستندات و گزارش ها نشان می دهد، قرار است بخش های چنارشاهیجان و کوهمره، بیشاپور، دشت برم و امامزاده سید حسین (ع) از شهرستان کازرون جدا شود و از این پس در قالب یک شهرستان جدید در نقشه های سیاسی کشور ظاهر شوند.

این تصمیم که در اداره کل تقسیمات کشوری وزارت کشور نیز به تصویب رسیده است، به شدت از سوی حسین رضا زاده نماینده مردم کازرون در مجلس شورای اسلامی پیگیری می شود؛ نماینده ای که گفته می شود خود متولد بخش چنار شاهيجان است و علاقه دارد که به عنوان یک اقدام ماندگار زادگاه خودش را به شهرستان تبدیل کند.

رویه ای که به آن اشاره شد، البته از سوی بخش زیادی از مردم مناطقی که قرار است از این پس به عنوان یک شهرستان جدید تعیین شوند، نیز مورد حمایت قرار گرفته و مردم این مناطق عقیده دارند در طول سال های گذشته توسعه جغرافیایی در شهرستان کازرون به دلیل برخی تبعیض ها عادلانه نبوده و این روند به منطقه آنها کمک می کند تا سریعتر مسیر رشد و توسعه را طی کنند.

شهرستان شدن بخش های شمالی شهرستان کازرون و تجزیه آن از این شهرستان در حالی از سوی نماینده مردم کازرون، برخی مقامات سیاسی استانی و مردم محلی این مناطق پیگیری می شود که جمعیت زیادی از مردم شهر کازرون و دیگر بخش های شهرستان با آن مخالف هستند.

مخالفان می گویند این تصمیم یعنی تلاش برای شهرستان کردن مناطق چنار شاهيجان و بخش های مجاور به شهرستان بنا به دلایل فراوان با نقشه سیاسی شهرستان کازرون تناسب ندارد و جدا از مسئله تناسب جغرافیایی، موضوع دیگر آن است که بخش چنار شاهيجان و کوهمره از نظر سایر عوامل ارتقای سیاسی نیز چندان شایستگی شهرستان شدن را ندارند.



مخالفان معتقدند یکی از شاخص های ارتقای سیاسی بخش به شهرستان عامل دور افتادگی است که در مورد بخش های شمالی شهرستان کازرون آن هم با 20 تا 30 کیلومتر فاصله با مرکز این شهرستان، چندان ضرورت ندارد.



نکته قابل تأمل دیگر در مورد شهرستان شدن بخش های چنار شاهيجان و کوهمره و جدا شدن این مناطق از شهرستان کازرون آن است که جدا از برخی اهالی محلی که با این روند موافق هستند، بسیاری از آنها نیز با این مسئله مخالف هستند و مخالفت خود را بارها به صورت مکتوب به مسئولان و متولیان امر ارائه

باسلام

احتراما پیرو مکاتبات قبلی در خصوص اعتراضات چند ساله اهالی روستای انارستان از الحاق بخش چارشاهیجان ضمن احکامات قضایی و تجمع اهالی این روستا و ارسال طومارهای متعدد که در سال ۹۶ حداقل دو طومار مکتوب به فرمانداری ارسال شده و ثبت گردیده اما تاکنون هیچ گونه پاسخی از مسئولین شهرستان مذکور شنیده نشده است لذا ادامه این سکوت عواقب خرابی را به همراه خواهد داشت و با توجه به وضع اضطراری پیش آمده این موضوع با توجه به غیرت روستاییان احتمال درگیری و اختلاس قومی و قبیله ای را به همراه داشته که در صورت وقوع این اتفاق ناگوار میتواند منجر به درگیری خونین شود لذا اهالی محترم و انقلابی این روستا تاکید دارد این موضوع با فوریت در جلسات اضطراری بررسی و نتیجه آن به اهالی روستای مذکور تسلیم گردد.

ضمنا اهالی این روستا در تاریخ ۹۶/۱۲/۲۳ با امضاء و اثر انگشت و شماره تماس خود مکررا اعلام میدارند که از الحاق این روستا به شهر چارشاهیجان مخالف بوده و هیچکند و این مطالبه و حق و حقوق قانونی یک شهروند میباشد و سیاستهای یک فرد نمیتواند تعینابد حق و حقوق اهالی یک روستا را تضعیف کند و هیچکند تاکید می نمایم که هرگونه مکاتبه و مهر و امضای از ناحیه هر یک از اعضای شورای اسلامی و دهیاری روستای انارستان مبنی بر موافقت الحاق به چارشاهیجان صرفا نظر آن شخص امضاء کنندم میباشد و با تصمیم اهالی روستای انارستان مغایرت دارد که فاقد ارزش و اعتبار میباشد.

رونوشت ارسال به

دفتر ریاست جمهوری

۹۶/۱۲/۲۳

۹۶/۱۲/۲۳

مسعود سلطان

۹۶/۱۲/۲۳
فرستاده شد

کرده اند.

سلام علیکم

احتراما اینجانب اهالی روستای تنگ چوگان وسطی شهرستان کازرون منتهی قاطع خود را با هرگونه جدایی از شهرستان کازرون و پیوستن به شهرستان جدید اتساع اعلام نموده و اعلام می‌دارم که روستاهای تنگ تاریخی چوگان با نام کلید شناخته شده است قاطعا حفظ هویت تاریخی ما اهالی روستا در درجه اول مطالبات ما قرار داشته و به هیچ عنوان حاضر به پذیرش جدایی از شهرستان کازرون نبوده و نیستیم و به دفعات نامه نگاری های گذشته این مطلب را به عرض استانداری و استانداری محترم رسانده ایم . لذا مستدعیست با هیچ کمفایده و خیرخواهانه مانع از خدشه دار شدن هویت تاریخی این روستا شوید بدیهیست هیچگونه طرح جداسازی این روستا از شهرستان کازرون مورد قبول اهالی این روستا قرار نخواهد گرفت.

با تشکر
دهبازی رامشانی تنگ چوگان وسطی
سایت خبری تحلیلی تابناک
96 ماه 29 خرداد

سایت خبری تحلیلی تابناک

سایت خبری تحلیلی تابناک
روانشناسی فرمانداری کازرون

رونوشت دفتر امام جمعه محترم شهرستان کازرون

رونوشت اداره محترم اطلاعات کازرون

رونوشت استانداری فارس



بی توجهی مسئولان استانی و کشوری به مسئله اعتراض های آرام و مسالمت آمیز مردمی در این شهرستان که در ماه های گذشته بارها دنبال شده بود، اکنون تقریباً از مدیریت خارج شده و تبدیل به موجی از اعتراضات شده است که در آن خبر از درگیری های مسلحانه و شعارهای ساختار شکنانه نیز مطرح می شود.

مردمی که به این موضوع مخالفت دارند، مدعی هستند با رخ دادن این اتفاق و تجزیه شهرستان کازرون بسیاری از اماکن، نهادهای فرهنگی و تاریخی شهرستان کازرون از این شهرستان جدا می شوند و این موضوع جدا از بحث مسیرهای مواصلاتی شهرستان است که از مدیریت سیاسی آنها خارج می شود. مسئله دیگری که مورد تأکید مردم است، بحث لزوم وحدت و یکپارچگی شهرستان کازرون و نقش آن در

توسعه موثر و کارآمد است. مردمی که اعتراض می کنند معتقدند در دوران جدید دیگر بحث تجزیه و تفکیک شهرستان ها الزماً به توسعه منجر نمی شود و چه بسا توسعه جغرافیایی با وحدت و یکپارچگی بهتر حاصل شود.

بحرانی که اکنون در کازرون استان فارس شکل گرفته و مدیریت آن تا حدود زیادی از دست مسئولان خارج شده دو پیام مهم و روشن را به ذهن هر شهروند دلسوزی متبادر می سازد.

نخست اینکه مسئولان و متولیان امر در ماه های گذشته در این رابطه عملکرد بسیار نامطلوبی را از خود برجای گذاشته اند و بنا به هر دلیل نتوانستند در یک فضای دستانه و مسالمت آمیز دلایل و انگیزه های خود را از اقدامشان برای تجزیه شهرستان و منافع احتمالی اش با مردم سخن بگویند؛ موضوع مهمی که شایسته است به صورت جدی بررسی شود و ضعف های مدیریتی این حوزه هر چه سریع تر مرتفع شود.

موضوع مهم دیگر این است که این مصوبه حالا به هر دلیلی عاملی برای تفرقه مردم کازرون، تحمیل خسارت های سنگین به منطقه و اعتراضات خونین شده است و توقف آن تا اطلاع ثانوی، انجام مطالعات کارشناسی و تصمیم گیری در این رابطه با کمک صاحب نظران و در فضایی به دور از نفوذ و لابی گری های سیاسی بسیار ضروری است.

مدیران سیاسی شهرستان کازرون و استان فارس از یک سو می توانند با مدیریت هوشمندانه خود این موضوع را بهانه ای برای وحدت بیشتر مردم بخش های مختلف شهرستان کازرون کنند و از سویی می توانند زمینه ها را برای تشدید تنش ها فراهم کنند؛ موضوع مهمی که در آینده ثابت و منافع و یا معایب آن آشکار خواهد شد.

حملات انتحاری اندونزی: والدینی که کودکانشان را به کام مرگ می‌کشند



مادر با دودخترش و پدر با دوپسرش دست به حمله انتحاری زدند.

مادر با دودخترش و پدر با دوپسرش دست به حمله انتحاری زدند. حملات مرگبار چند روز گذشته در اندونزی به این دلیل بی سابقه است که اعضای دو خانواده به همراه فرزندان شان مسئول آنها بوده اند. به گفته تیتو کارناویان رئیس پلیس ملی، مهاجمان اعضای شبکه‌ای به نام "جماعه انصار الدوله" هستند که از داعش الهام گرفته است. پلیس گفت این خانواده در میان صدها اندونزیایی بوده‌اند که از مناطق تحت سلطه داعش در سوریه برگشته‌اند. با اینکه استفاده از کودکان در بمب گذاری‌های انتحاری بیسابقه نیست، اما به‌ندرت اتفاق افتاده که والدین فرزندان شان را در این حملات شریک کنند. بر خلاف دو مورد اخیر، معمولاً کودکان را پس از جدا کردن از خانواده‌هایشان، با شستشوی مغزی یا دادن مواد مخدر وادار به حملات انتحاری می‌کنند. حملات انتحاری اخیر، از مرگبار ترین حملات در اندونزی بیش از ده سال گذشته بوده است.

نحوه انجام حملات اخیر
روز یکشنبه ۱۳ ماه مه (۲۳ اردیبهشت)، مادر یک خانواده به همراه دو دخترش به یک کلیسا در شهر سورابایا، دومین شهر بزرگ اندونزی حمله انتحاری کردند و پدر خانواده با دو پسرش، دو کلیسای دیگر را هدف قرار دادند.

دخترانی که همراه مادرشان کشته شدند ۹ و ۱۲ ساله بودند و پسران این خانواده ۱۶ و ۱۸ سال سن داشتند.

الکساندر ریموند آری فیانتو، کارشناس امور اندونزی در دانشگاه نان یانگ می‌گوید: "این شیوه حمله انتحاری کاملاً تازگی دارد؛ چیزی که ما قبلاً در اندونزی شاهد آن نبوده‌ایم." روز دوشنبه ۱۴ ماه مه (۲۴ اردیبهشت) یک روز پس از حملات شهر سوربایا در اندونزی، پنج عضو یک خانواده دیگر سوار بر دو موتورسیکلت به یک مقر پلیس در این شهر حمله انتحاری کردند.

سه فرزند این خانواده کشته شدند اما یکی از آنها جان سالم به در برد. افراط گرایی اسلامی در اندونزی، که دارای بزرگترین تعداد مسلمانان در جهان است، در ماه‌های گذشته، افراط گرایی اسلامی در اندونزی که دارای بزرگترین شمار مسلمانان در جهان است، رو به افزایش بوده

چرا والدین فرزندان خود را درگیر عملیات می‌کنند؟ یوهانا سلیمان، تحلیل گر امور امنیتی در دانشگاه جندرال یانی، در توضیح علت استفاده از کودکان در حملات انتحاری به بی بی سی گفت: "کسی به کودکان مشکوک نمی‌شود." امتیازی که گروه‌های افراطی از این روش به دست می‌آورند آن است که کودکان سوءظن کمتری نسبت به بزرگسالان بر می‌انگیزند و تشخیص کودکانی که دست به حملات تروریستی می‌زنند برای نیروهای امنیتی سخت‌تر است.

آری فیانتو کارشناس امور اندونزی می‌گوید: "شیوه عمل ماموران امنیتی این است که معمولاً به افراد بزرگسال که با خود چیز مشکوکی را حمل می‌کنند مظنون می‌شوند." او می‌افزاید: "اما در آینده و یا حتی شاید طی همین روزهای آینده، پلیس و ماموران امنیتی باید گوش به زنگ استفاده از کودکان در چنین حملاتی باشند."

گرچه در آغاز، حملات انتحاری گروه‌های اسلامگرا را معمولاً مردان انجام می‌دادند، اما بعدها طالبان و داعش به مهاجمان زن هم روی آوردند، چون که کمتر مورد سوءظن قرار می‌گرفتند.

وقتی حمله انتحاری زنان هم به صورت عادی در آمد، قدم بعدی استفاده از کودکان بود چون سوءظن کمتری به آنان می‌رود.

در اندونزی اما استفاده از زنان یا کودکان در حملات انتحاری سابقه نداشت است. آقای سلیمان می‌گوید: "این شیوه، از نقطه ضعف سیستم‌های امنیتی ما بهره می‌برد. مردم از کودکان انتظار حمله انتحاری ندارند. کودکان، چه هنگامی که تنها هستند و چه زمانی که با والدینشان هستند، حتی به دقت مورد تفتیش ماموران قرار نمی‌گیرند."

آیا مشابه این حملات در کشورهای دیگر هم انجام شده؟ حملات انتحاری کودکان تازگی ندارد. داعش در سوریه و عراق و بوکوحرام در نیجریه از کودکان در این گونه حملات استفاده کرده اند.

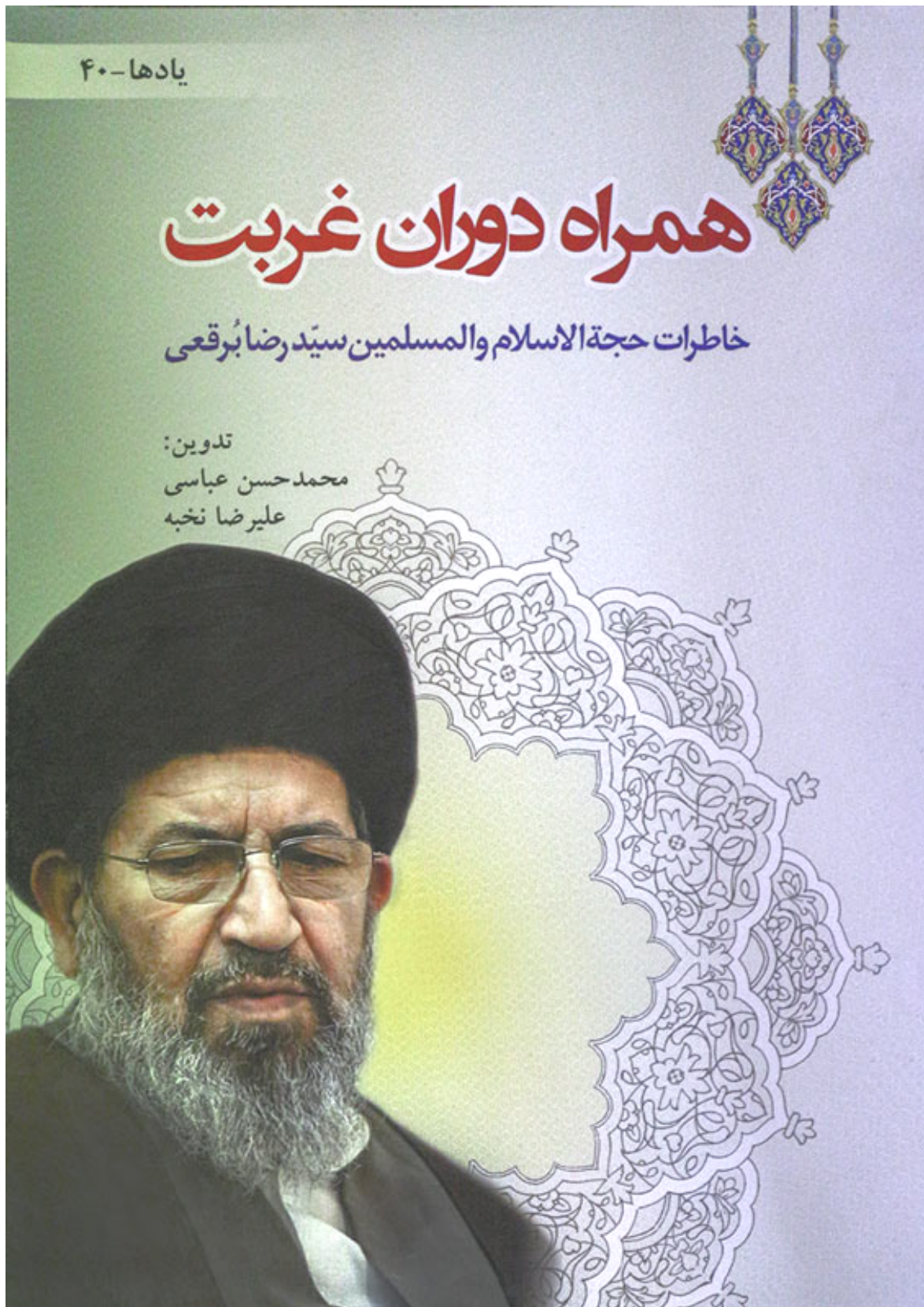
برای مثال داعش، کودکانی را از خانواده های فقیر یا از اردوگاه های پناهندگان جذب می کرد یا تحت فشار، به عضویت در این گروه وامی داشت. سپس، این کودکان در اردوگاه های آموزشی شستشوی مغزی می دیدند و اغلب در ویدئوهای تبلیغاتی داعش نیز حضور می یافتند. بوکوحرام در نیجریه هم از کودکان برای بمب گذاری های انتحاری استفاده می کند. سال گذشته، بنا به گزارش سازمان ملل متحد، شمار کودکانی که در بمب گذاری های انتحاری مورد استفاده بوکوحرام قرار گرفتند افزایش قابل ملاحظه ای داشته است. بوکو حرام معمولاً کودکان را ربوده و تحت تاثیر موادمخدر یا با تهدید خانواده هایشان را وادار به حمله انتحاری می کند. در یک مورد بمبی به یک نوزاد وصل شده بود که در آغوش یک دختر بچه قرار داشت.

آیا ممکن است این نوع حملات تکرار شوند؟ تحلیلگران پاسخی برای این پرسش ندارند که چرا والدین حاضر می شوند تا از کودکان خود در حملات انتحاری استفاده کنند. یوهانا سلیمان می گوید که گروه های افراطی در اندونزی به آسانی می توانند کودکان زیادی را برای شرکت در حملات خود جذب کنند و به کار بگیرند، بی آنکه نیازمند والدینی باشند که کودکان خود را به کام مرگ بکشند. او می افزاید: "کودکان بسیاری در مدارس یا شبانه روزی های وابسته به بنیادگرایان اسلامی درس می خوانند و آموزگاران افراطی به آسانی می توانند ذهن آنها را مسموم کنند."

اما با آنکه حملات دو روز گذشته سابقه نداشته، یوهانا سلیمان هشدار می دهد که این، ممکن است آخرین بار نباشد. او تاکید دارد: "استفاده والدین از فرزندان شان ممکن است که کاملاً نادر باشد، اما اگر بگویم که انتظار دارم چنین حملاتی دیگر اتفاق نیفتد، دروغ گفته ام."

نگاهی به کتاب «همراه دوران غربت»؛

«همراه دوران غربت»، مجموعه خاطراتی از حجت الاسلام والمسلمین سید رضا برقی مدرس (زاده ۱۳۲۷ در قم - درگذشت ۱۵ اسفند ۱۳۹۴ در قم) از شاگردان آیت الله العظمی امام خمینی (ره) و عضو دفتر وی در شهر نجف بوده که سال ها در قم و نجف به همراهی امام و نهضت ایشان پرداخته است



پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران: «همراه دوران غربت»، مجموعه خاطراتی از حجت الاسلام والمسلمین سید رضا برقی مدرس (زاده ۱۳۲۷ در قم - درگذشت ۱۵ اسفند ۱۳۹۴ در

قم) از شاگردان آیت الله العظمی امام خمینی(ره) و عضو دفتر وی در شهر نجف بوده که سال ها در قم و نجف به همراهی امام و نهضت ایشان پرداخته است. این روحانی و فعال سیاسی بعد از دستگیری توسط ساواک با انتقال به تهران و سپری کردن دوره محکومیت مجبور به ترک ایران و حضور در عراق شد. وی پس از پیروزی انقلاب، نماینده امام خمینی در کشورهای حاشیه خلیج فارس بود. برقی پس از رحلت امام به ایران برگشت و تا پایان عمر، به بحث و نظر در شهر مقدس قم پرداخت. برقی سالها عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم بوده و تا پایان عمر به عنوان استاد دروس عالی در حوزه علمیه قم تدریس می کرد.

این کتاب که توسط محمدحسین عباسی و علیرضا نخبه تدوین شده است به همت «موسسه چاپ و نشر عروج» منتشر شده که در ادامه بخشی از آن را ملاحظه می کنید:

دکتر امینی: حکومت باید از خمینی حساب ببرد

بعد از وفات مرحوم آقای بروجردی (بهار 1340)، شاه تصمیم گرفت دکتر علی امینی را برای مذاکره و ایجاد زمینه دوستی با علمایی که امکان مرجعیت و جانشینی آقای بروجردی را دارند به قم بفرستد. و لذا از طریق عواملی که در بین روحانیون و شخصیت های سیاسی داشتند با مراجع آن زمان تماس گرفتند و هر کدام از آن ها به روش خودشان اجازه ملاقات خصوص را دادند؛ اما ملاقاتشان با امام خمینی در همان اتاق دیدارهای عمومی و در حضور جمعی علما و فضلا انجام شد.

امینی دم در اتاق ایستاده بود و شخص همراهش به حضرت امام عرض می کند که آقای دکتر آمده است. امام هم بی آن که تشریفات خاصی برای او قائل شوند می گویند «بفرمایند». جایی در کنارشان باز می شود و امینی می نشیند و از حضرت امام احوال پرسی می کنند. از مضمون صحبت هایشان چیزی به یاد ندارم. سخن پنهانی نبود و در حد احوالپرسی بود. همان موقع شنیدیم که امینی پس از رفتن، درباره امام گفته بود که این تنها شخصیتی است که حکومت باید از او حساب ببرد؛ آدم پخته ای است که برخورد با سیاسی ها را بلد است و با دیدنشان دست و پایش را گم نمی کند و تشریفات خاصی برایشان قائل نمی شود. اهمیت این سخنان در آن است که سیاست مدار کهنه کار شصت ساله ای مثل او این حرف ها را بیان می کند.

و قتش که قرار شد بدهم گوشش را ببرند اسمش را خواهم گفت

اول فرودین 1342 مصادف با 25 شوال؛ سالروز شهادت امام صادق(ع) بود. زائران در ایام تعطیلات عید به قم آمده بودند. مرحوم آقای گلپایگانی، عصر روز بیست و پنجم شوال در مدرسه فیضیه روضه داشتند. من آن روز هم به مدرسه فیضیه رفته بودم و فاجعه هجوم ماموران پهلوی به آن جا را با چشمان خود دیدم. و آن خاطره تلخ پس از پنجاه سال از یادم نرفته است.

ابتدا آقای سید محمد آل طه به منبر رفت. تا نزدیکی های حوض، جمعیت طلاب بود و بعد از آن هم مردم عادی غیر طلبه و به خصوص افراد بسیار درشت هیکل و ورزیده که بعدا معلوم شد کماندوهای تحت فرمان سرهنگ مولوی هستند، در مدرسه حضور پیدا کرده بودند.

بعدها در سخنرانی حضرت امام فرموده بودند آن آقایی که فعلا اسمش را نمی آورم با یک سوت دستور داده بود کماندوها به فیضیه حمله کنند. به وقتش که قرار شد بدهم گوشش را ببرند اسمش را خواهم گفت. بعد از آن مولوی در زندان پیش امام رفته و گفته بود شما دیگر بنا ندارید گوش کسی را ببرید؟ امام هم با ظرافت فرموده بودند: عجله نکن هنوز دیر نشده است. او در

زمان ریاست پاکروان بر ساواک کشور، رئیس ساواک تهران بود و هلی کوپترش بعد از مدتی سقوط کرد و آتش گرفت و از دنیا رفت.

من هم مانند همان طلبه ها

وقتی که حادثه فیضیه رخ داد برخی از طلاب به خانه امام آمدند و در همان حین حادثه گزارش موقوف را به ایشان دادند. ایشان هم برای ضعیف نشدن روحیه طلاب گفته بودند می خواهند همین حالا به مدرسه فیضیه بروند. عده ای ممانعت کرده و گفته بودند به صلاح نیست. امام هم در پاسخ فرموده بودند من هم مانند همان طلبه ها. البته عاقبت طلاب مانع حضرت امام شدند. حضرت امام بعد از حمله به مدرسه فیضیه دیگر اجازه ندادند این مسئله فراموش بشود هم مجلس روضه برای شهدای مدرسه فیضیه برپا کردند و هم یک روز حدود ساعت ده پس از اتمام درسشان فرمودند که به مدرسه فیضیه می روند تا برای شهدای حادثه دوم فروردین فاتحه بخوانند. و به هر مناسبتی مسئله مدرسه فیضیه را یادآوری می کردند.

باتری همراه داشته باشید

حضرت امام با رابط هایشان در شهرها به همه اعلام کرده بودند که می خواهند عصر روز عاشورا در مدرسه فیضیه سخنرانی کنند. به طلبه ها سفارش کرده بودند که در سفر تبلیغی محرمشان تجاوز رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه را به آگاهی مردم برسانند. به سران هیات ها و مداحان هم پیغام داده بودند که در متن نوحه هایشان ظلم و ستم رژیم شاه را مطرح کنند. سال پرهیجانی بود. جمعیت قم در آن سال (1342) بسیار کم بود و وسایل ارتباط جمعی امروز وجود نداشت. اصلاً با امروز قابل مقایسه نبود. مدرسه فیضیه و صحن های حرم و خیابان های اطراف آن در روز عاشورا پر از جمعیت بود. از جلوی در مسجد امام حسن عسکری تا خیابان آستانه و سه راه موزه و خیابان ارم و صحن های حرم را بلندگو نصب کرده بودند. سیم کشی و نصب بلندگوها کار مرحوم حاج فتح الله رنجبر و حاج علی راننده خاور در شرکت ترانسپورت بود. حاج فتح الله هم با راننده ها و ماشین داران مرتبط و خیلی فعال بود و هم به حضرت امام ارادت زیادی داشت. امام به حاج شیخ علی اصغر مروارید منبری آن روز و حاج علی راننده فرموده بودند تعدادی باتری ماشین هم به عنوان ذخیره و احتیاط بیاورید. آن ها گفته بودند با بودن برق نیاز چندانی به باتری نیست. امام در جواب فرموده بودند که برق را قطع خواهند کرد. آقا شیخ علی اصغر مروارید منبری جوان، سخنرانی غرایبی کرد. در بین صحبت های ایشان برق ها قطع و سروصدا بلند شد، بالافاصله برق باتری ها را وصل کردند. آقای مروارید گفت ناراحت نباشید؛ برق را از کارخانه قطع کردند؛ ما هم از باتری ها استفاده می کنیم. مردم ساکت شدند و سخنرانی ایشان ادامه یافت.

خوف آن را دارم که مجبور شوم به مردم بگویم شما را بیرون کنند

امام از در همیشه بسته ای که بین صحن قدیمی و مدرسه فیضیه است وارد شدند و رفتند و روی همان سکوی انقلاب نشستند و سپس سخنرانی معروفشان را ایراد کردند و بعد در انتها به آقای الیاسی فرمودند دعا کند. تعبیر امام این بود: «من خسته شدم جناب آقای الیاسی دعا کنند». حضرت امام در آن سخنرانی تاریخی خطاب به شاه فرمودند: من 63 ساله ام و شما هم 43 ساله اید و در سنی هستید که باید عقلانیت و تدبیر داشته باشید؛ به دشمنان تکیه نکنید؛ به ملت تکیه کنید؛ اگر این وضع ادامه پیدا کند خوف آن را دارم که مجبور شوم به مردم بگویم شما را بیرون کنند. سخنرانی امام به خوبی تمام شد. ساواک آن روز جرات نداشت که عوامل خود را بین مردم

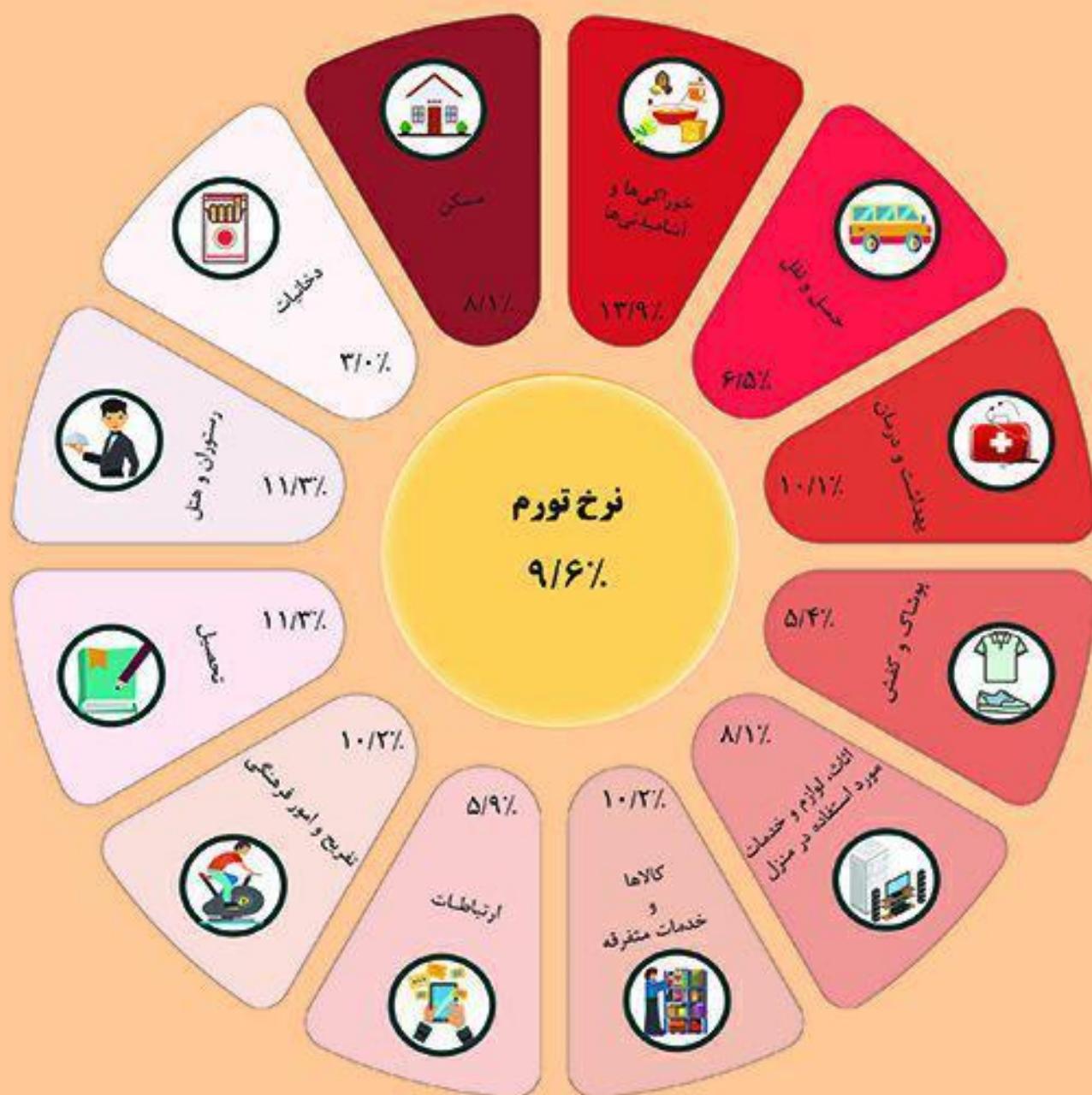
بفرستد و شرارت هایی را انجام دهد. آن سخنرانی در روز دهم محرم و عصر عاشورا بود. پس فردای آن یعنی 12 محرم و شب پانزده خرداد به بیت امام هجوم بردند و ایشان را دستگیر کردند و به تهران بردند.

مخالفت شیخ الازهر با حضور قاریان مصری در ایران

موضوع حضور کمرنگ قاریان مصری در کشورمان طی سال‌های اخیر بحثی است که با پاسخ‌های مختلفی روبرو شده اما حجت‌الاسلام علی مقنی معاون مرکز امور قرآنی سازمان اوقاف امروز در نشست خبری تشریح برنامه‌های قرآنی این سازمان در ماه رمضان به بیان جزئیاتی از موضوع عدم حضور قاریان مصری در ایران پرداخت. وی در این خصوص گفت: این موضوع با دستور شیخ الازهر رخ داده و بادرستور وی قاریان مصری از حضور در کشورهای ایران، قطر و امارات منع شده‌اند و اگر از این دستور تخطی کنند با جریمه‌ها و محدودیت‌هایی روبرو می‌شوند. مقنی به اخراج یکی از قاریان مصری از محل کارش به دلیل حضور در ایران خبر داد و گفت: دو سال پیش محمود عبدالباسط برای تلاوت در محافل قرآن کریم به کشورمان دعوت شد و وی پس از بازگشت به مصر از کارش اخراج شد. معاون مرکز امور قرآنی سازمان اوقاف با اشاره به حضور یک قاری مصری در محافل ماه مبارک رمضان امسال گفت: امسال احمد احمد السید قاری مصری برای تلاوت در محافل ماه مبارک رمضان به تهران می‌آید و علت حضورش در ایران این است که وی ساکن کشور لبنان است. /فارس

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران

درصد تغییر دوازده ماه منتهی به اسفندماه سال ۱۳۹۶ نسبت به دوازده ماه منتهی به اسفندماه سال ۱۳۹۵



ضریب اهمیت گروه های دوازده گانه اصلی (درصد)

۳۷/۰۵	۲۵/۵۱	۸/۹۰	۷/۸۳	۴/۶۲	۴/۳۳	۳/۱۷	۲/۳۰	۲/۰۷	۲/۰۳	۱/۸۲	۰/۳۷

تورم در بهمن ماه ۱۳۹۶ به تفکیک بخش های مختلف



*در سال 1350 و بعد از آن یعنی طی بیش از 4 دهه، فقط شش بار و فقط در شش سال، ما نرخ تورم تک رقمی داشته ایم.

*نرخ تورم در سال 1391 بر اساس اعلام بانک مرکزی 30.5 درصد بوده و در تیرماه 1391 یعنی در اواخر دولت دوم آقای احمدی نژاد به 37.5 درصد رسید.

یکی از سیاست های اصلی دولت آقای روحانی، پایین آوردن نرخ تورم و تک رقمی کردن آن بود. دولت روحانی توانست در سال 1395 نرخ تورم را به زیر 10 درصد برساند و کمترین تورم را در آبان سال 1395 داشتیم که 8.6 درصد بود و در ماه های آذر و دی همان سال هم تورم 8.6 درصد شد. در بهمن 1395 نرخ تورم یک مقدار افزایش پیدا کرد و به 8.7 درصد رسید.

*بانک مرکزی ایران جدیداً ضریب اهمیت 12 گروه اصلی کالایی و خدماتی در شاخص تورم را به طور واضح اعلام می کند. سهم گروه اصلی «خوراکی ها و آشامیدنی ها» از نظر ضریب اهمیت شاخص تورم 25.51 درصد از کل 100 درصد و ضریب اهمیت گروه اصلی «مسکن» 37.05 درصد است. ضریب اهمیت 10 گروه اصلی دیگر خیلی کمتر است و از جمله ضریب گروه اصلی حمل و نقل که 8.9 درصد است.

کره شمالی چگونه در ۲۴ ساعت از کوره در رفت؟

اتفاقات یک روز گذشته ثابت کرد که باید منتظر مذاکراتی سخت و نفس‌گیر بین کره شمالی و آمریکا در آینده نزدیک بود البته اگر صورت بگیرد.



به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم، تا دیروز همه چیز مطابق میل کره جنوبی و آمریکا پیش می‌رفت و بسیاری بر حل مناقشه هسته‌ای کره شمالی در آینده‌ای نزدیک خوشبین بودند، حتی وزارت اتحاد کره جنوبی سه‌شنبه اعلام کرد که کره شمالی از خبرنگاران یک خبرگزاری و یک شبکه تلویزیونی کره جنوبی دعوت کرده است تا بر روند تعطیلی سایت آزمایش‌های هسته‌ای این کشور طی روزهای 23 تا 25 ماه می (2 تا 4 خرداد) نظارت کنند.

اما ناگهان شرایط به‌شکل عجیبی تغییر کرد و کره شمالی به رزمایش سالانه مشترک میان آمریکا و کره جنوبی موسوم به "مکس تاندر" واکنش نشان داد و با بیان اینکه این رزمایش "اقدامی تحریک‌آمیز و آمادگی برای تهاجم" است مذاکرات سطح‌بالای (امروز) چهارشنبه را لغو کرد. البته این پایان کار نبود و کره شمالی همچنین هشدار داد دیدار تاریخی میان کیم جونگ اون رهبر این کشور و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور کره شمالی که قرار است 12 ژوئن (22 خرداد) در سنگاپور برگزار شود، نیز ممکن است لغو گردد.

پس از این اتفاق سارا سندرز سخنگوی کاخ سفید با انتشار بیانیه‌ای افزود: آمریکا مستقلاً آنچه را

کره شمالی اعلام کرده است بررسی خواهد کرد و به هماهنگی نزدیک با متحدانش ادامه می‌دهد. وزارت دفاع کره جنوبی نیز تأکید کرد که رزمایش میان آمریکا و کره جنوبی همچنان ادامه خواهد یافت.



البته این رزمایش تنها دلیل خشم پیونگیانگ نبود. اظهارات جان بولتون، مشاور امنیت ملی ترامپ در یک مصاحبه تلویزیونی درباره برچیدن تسلیحات هسته‌ای کره شمالی جو آرام میان طرفین را برهم زد. بولتون در این مصاحبه گفته بود: **اگر کره شمالی واقعاً می‌خواهد به وعده‌اش درباره متوقف کردن آزمایش‌های هسته‌ای عمل کند، باید تسلیحات هسته‌ای این کشور به‌طور کامل برچیده شده و این تسلیحات به شرق ایالت تنسی منتقل شود، جایی که وزارت انرژی آمریکا یک آزمایشگاه ملی و یک مجتمع تسلیحات هسته‌ای در اختیار دارد.** در واکنش به این اظهارات معاون وزیر خارجه کره شمالی با انتشار بیانیه‌ای تند و قاطعانه بسیاری را شوکه کرد. در این بیانیه با انتقاد صریح از اظهارات بولتون درباره برچیدن تسلیحات هسته‌ای کره شمالی آمده است: این اظهارات نشان‌دهنده تمایل طرف آمریکایی برای انجام مذاکره نیست بلکه نشانه حرکت شیطانی برای تحمیل سرنوشت لیبی و عراق بر کشور کره شمالی است؛ کشورهایی که در نهایت به‌دلیل تسلیم در برابر قدرتهایی بزرگ سرنگون شدند.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: "آمریکا طوری تبلیغ می‌کند که گویا در صورت کنار گذاشتن تسلیحات هسته‌ای از طرف ما این کشور امتیازات اقتصادی در اختیارمان قرار می‌دهد. اما ما هیچ‌وقت منتظر حمایت اقتصادی آمریکا برای بازسازیهای اقتصادی نبوده‌ایم و در آینده نیز هرگز چنین توافقی انجام نخواهیم داد."

Pyongyang, May 16 (KCNA) -- Kim Kye Gwan, first vice-minister of Foreign Affairs of the DPRK, made public the following press statement on Wednesday: Kim Jong Un, chairman of the State Affairs Commission of the Democratic People's Republic of Korea, made a strategic decision to put an end to the unpleasant history of the DPRK-U.S. relations and met Pompeo, U.S. secretary of state, for two times during his visit to our country and took very important and broad-minded steps for peace and stability in the Korean peninsula and the world.

In response to the noble intention of Chairman Kim Jong Un, President Trump stated his position for terminating the historically deep-rooted hostility and improving the relations between the DPRK and the U.S.

I appreciated the position positively with an expectation that upcoming DPRK-U.S. summit would be a big step forward for catalyzing detente on the Korean peninsula and building a great future.

But now prior to the DPRK-U.S. summit, unbridled remarks provoking the other side of dialogue are recklessly made in the U.S. and I am totally disappointed as these constitute extremely unjust behavior.

High-ranking officials of the White House and the Department of State including Bolton, White House national security adviser, are letting loose the assertions of so-called Libya mode of nuclear abandonment, "complete, verifiable and irreversible denuclearization", "total decommissioning of nuclear weapons, missiles, biochemical weapons", etc, while talking about formula of "abandoning nuclear weapons first, compensating afterwards".

This is not an expression of intention to address the issue through dialogue. It is essentially a manifestation of awfully sinister move to impose on our dignified state the destiny of Libya or Iraq which had been collapsed due to yielding the whole of their countries to big powers.

I cannot suppress indignation at such moves of the U.S., and harbor doubt about the U.S. sincerity for improved DPRK-U.S. relations through sound dialogue and negotiations.

World knows too well that our country is neither Libya nor Iraq which have met miserable fate.

It is absolutely absurd to dare compare the DPRK, a nuclear weapon state, to Libya which had been at the initial stage of nuclear development.

We shed light on the quality of Bolton already in the past, and we do not hide our feeling of repugnance towards him.

If the Trump administration fails to recall the lessons learned from the past when the DPRK-U.S. talks had to undergo twists and setbacks owing to the likes of Bolton and turns its ear to the advice of quasi-"patriots" who insist on Libya mode and the like, prospects of upcoming DPRK-U.S. summit and overall DPRK-U.S. relations will be crystal clear.

We have already stated our intention for denuclearization of the Korean peninsula and made clear on several occasions that precondition for denuclearization is to put an end to anti-DPRK hostile policy and nuclear threats and blackmail of the United States.

But now, the U.S. is miscalculating the magnanimity and broad-minded initiatives of the DPRK as signs of weakness and trying to embellish and advertise as if these are the product of its sanctions and pressure.

The U.S. is trumpeting as if it would offer economic compensation and benefit in case we abandon nuke. But we have never had any expectation of U.S. support in carrying out our economic construction and will not at all make such a deal in future, too.

It is a ridiculous comedy to see that the Trump administration, claiming to take a different road from the previous administrations, still clings to the outdated policy on the DPRK - a policy pursued by previous administrations at the time when the DPRK was at the stage of nuclear development.

If President Trump follows in the footsteps of his predecessors, he will be recorded as more tragic and unsuccessful president than his predecessors, far from his initial ambition to make unprecedented success.

If the Trump administration takes an approach to the DPRK-U.S. summit with sincerity for improved DPRK-U.S. relations, it will receive a deserved response from us. However, if the U.S. is trying to drive us into a corner to force our unilateral nuclear abandonment, we will no longer be interested in such dialogue and cannot but reconsider our proceeding to the DPRK-U.S. summit. -0-

به‌گفته معاون وزیر خارجه کره شمالی باور این مسئله که دولت فعلی آمریکا متفاوت از دولت قبلی این کشور است، یک طنز مسخره است زیرا این دولت نیز به سیاست تاریخ مصرف گذشته در قبال کره شمالی پایبند است.

البته پس از شعله‌ور شدن دوباره آتش تنش میان طرفین کره جنوبی تلاش کرد تا جو را تلطیف کند. وزیر اتحاد کره جنوبی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: باعث تأسف است که کره شمالی به‌صورت یکجانبه مذاکرات بلندپایه دو کره را به تعویق انداخته و با اشاره به رزمایش هوایی سالانه کره جنوبی - آمریکا، آن را همراهی با روح و نیت توافقات به‌دست‌آمده رهبران دو کشور نمی‌داند.

در ادامه این بیانیه آمده است: دولت قویاً با اجرای توافق پانمونجون متعهد بوده و از کره شمالی می‌خواهد تا هرچه سریعتر به مذاکرات برای بازگشت صلح و رفاه به شبه‌جزیره کره بازگردد. اتفاقات 24 ساعت گذشته نشان داده که کاهش تنش میان کره شمالی و آمریکا نه‌تنها ساده نیست بلکه بسیار پیچیده بوده و باید منتظر بازی شطرنج‌گونه مقامات دو کشور برای امتیازگیری از یکدیگر بود.

واکنش قاطعانه کره شمالی به اظهارات بولتون: برنامه هسته‌ای خود را متوقف نمی‌کنیم/ لیبی و عراق نیستیم

کره شمالی اعلام کرده است به‌هیچ‌عنوان برنامه هسته‌ای خود را در مقابل امتیازات اقتصادی آمریکا متوقف نخواهد کرد.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم، خبرگزاری رسمی کره شمالی اعلام کرد که این کشور در صورت پافشاری آمریکا به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای در نشست با ترامپ تجدید نظر خواهد کرد. پیونگیانگ اعلام کرد که هرگز برنامه هسته‌ای خود را در مقابل تجارت اقتصادی با آمریکا کنار نخواهد گذاشت.

کیم گیو گوان، معاون وزیر خارجه کره شمالی امروز (چهارشنبه) در بیانیه‌ای مطبوعاتی به‌صورت مشخص جان بولتون، مشاور امنیت ملی آمریکا را هدف انتقاد قرار داد.

در بخشی از این بیانیه آمده است: نشست آتی آمریکا - کره شمالی قدمی بزرگ به‌سمت تنش‌زدایی در شبه‌جزیره کره و ساخت آینده‌ای بزرگ خواهد شد. اما پیش از نشست آمریکا - کره شمالی اظهارات لجام‌گسیخته‌ای در آمریکا مطرح می‌شود که باعث تحریک طرف دیگر مذاکره می‌شود و من کاملاً ناامید شده‌ام که این (اظهارات) نشانه رفتاری کاملاً ناعادلانه است. مقامات عالی‌رتبه کاخ سفید و وزارت خارجه از جمله بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، ادعاهایی را درباره شیوه خلع سلاحی همانند لیبی (کامل، قابل راستی‌آزمایی و برگشت‌ناپذیر) با قابلیت خارج کردن تسلیحات هسته‌ای، موشکها و تسلیحات بیوشیمیایی مطرح کرده‌اند و در مورد فرمول برجیدن تسلیحات هسته‌ای به‌عنوان قدم اول و حرکت متقابل (آمریکا) پس از آن صحبت کرده‌اند.

به‌گفته معاون وزیر خارجه کره شمالی این اظهارات نشان‌دهنده تمایل طرف آمریکایی برای انجام مذاکره نیست بلکه نشانه حرکت شیطانی برای تحمیل سرنوشت لیبی و عراق بر کشور کره شمالی است؛ کشورهایی که در نهایت به‌دلیل تسلیم در برابر قدرتهایی بزرگ سرنگون شدند. در ادامه این بیانیه آمده اگر دولت ترامپ از گذشته درس نگیرد و به توصیه‌های بولتون درباره روش خلع سلاح گوش کند، آینده روابط آمریکا - کره کاملاً مشخص است. این بیانیه تأکید می‌کند: ما تا کنون تمایل خود برای خلع سلاح شبه‌جزیره کره را نشان داده‌ایم و بارها مشخصاً اعلام کرده‌ایم که پیش‌شرط خلع سلاح پایان سیاست خصمانه علیه کره شمالی و تهدیدات هسته‌ای و باج‌خواهی آمریکاست. اما اکنون آمریکا راهکارهای روشنفکرانه کره شمالی را نشانه ضعف ما تلقی کرده و طوری مسائل را نشان می‌دهد که گویا این (نشست) نتیجه تحریم‌ها و فشار است.

طبق این بیانیه "آمریکا طوری تبلیغ می‌کند که گویا در صورت کنار گذاشتن تسلیحات هسته‌ای از طرف ما این کشور امتیازات اقتصادی در اختیارمان قرار می‌دهد. اما ما هیچ‌وقت منتظر حمایت اقتصادی آمریکا برای بازسازیهای اقتصادی نبوده‌ایم و در آینده نیز هرگز چنین توافقی انجام نخواهیم داد".

به‌گفته معاون وزیر خارجه کره شمالی باور این مسئله که دولت فعلی آمریکا متفاوت از دولت قبلی این کشور است، یک طنز مسخره است زیرا این دولت نیز به سیاست تاریخ مصرف گذشته در قبال کره شمالی پایبند است.

این بیانیه پس از آن منتشر شد که جان بولتون مشاور امنیت ملی کاخ سفید در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: اگر کره شمالی واقعاً می‌خواهد به وعده‌اش درباره متوقف کردن آزمایش‌های هسته‌ای عمل کند، باید تسلیحات هسته‌ای این کشور به‌طور کامل برجیده شده و این تسلیحات به شرق ایالت تنسی منتقل شود، جایی که وزارت انرژی آمریکا یک آزمایشگاه ملی و یک مجتمع تسلیحات هسته‌ای در اختیار دارد.

همچنین دیشب کره شمالی مذاکرات سطح‌بالای چهارشنبه را به‌دلیل رزمایش کره جنوبی - آمریکا لغو کرد.

خلاصه: کره شمالی اعلام کرده است کاکول هستیم اما نه اینقدر!!!

هشدار کره شمالی به احتمال لغو دیدار دوجانبه با ترامپ

در روزهای گذشته برخی مقامات کابینه ترامپ درخواست ها و انتظاراتی را درباره نتیجه ملاقات سران دو کشور مطرح کرده اند از جمله جان بولتون گفته که باید تمامی زرادخانه سلاح های هسته ای کره شمالی به آمریکا تحویل داده شود. کره شمالی هشدار داد این کشور اشتیاق زیادی برای برگزاری دیدار دوجانبه سران آمریکا و کره شمالی ندارد و ممکن است در اثر زیاده خواهی های آمریکا این دیدار را لغو کند.

به گزارش **عصرایران** به نقل از سی ان ان، دولت کره شمالی روز چهارشنبه با صدور بیانیه ای در واکنش به درخواست های یکجانبه آمریکا درباره خلع سلاح هسته ای کره شمالی هشدار داده که ممکن است دیدار دوجانبه سران دو کشور را لغو کند. در این بیانیه که در خبرگزاری رسمی کره شمالی منتشر شده، تاکید شده: اگر آمریکا بخواهد به صورت یکجانبه بر درخواست های خود مبنی بر خلع سلاح اتمی کره شمالی پافشاری کند، پیونگ یانگ اشتیاقی برای دیدار دوجانبه سران دو کشور نخواهد شد. پیونگ یانگ تاکید کرده این کشور به هیچ وجه حاضر به خلع سلاح اتمی یکجانبه در ازای دریافت امتیازها و کمک های اقتصادی از آمریکا نخواهد شد.

"کیم کایه گوان" معاون اول وزارت امور خارجه کره شمالی در مطلبی که در خبرگزاری رسمی کره شمالی منتشر کرده هشدار داده: "اگر دولت ترامپ واقعا متعهد به بهبود روابط با پیونگ یانگ باشد، آنها پاسخ شایسته ای دریافت خواهند، اما اگر آنها سعی کنند ما را به گوشه رینگ برده و خلع سلاح هسته ای یکجانبه ای را به ما تحمیل کنند، ما علاقه ای به برگزاری چنین مذاکراتی نخواهیم داشت و برنامه دیدار آینده سران دو کشور باید مجدداً بازبینی شود."

بر اساس توافق انجام شده دیدار ترامپ با کیم جونگ اون رهبر کره شمالی قرار است در 22 ماه خرداد آینده در سنگاپور برگزار شود. در روزهای گذشته برخی مقامات کابینه ترامپ انتظارات و درخواست هایی را از نتیجه این دیدار مطرح کرده اند که به نظر می رسد مقامات پیونگ یانگ را عصبانی کرده است؛ برای مثال "جان بولتون" مشاور امنیت ملی ترامپ در این باره خواستار ارسال سلاح های هسته ای کره شمالی به آمریکا شده است.

علاوه بر این هشدار جدی دولت پیونگ یانگ، دولت کره شمالی همچنین در واکنش به برگزاری رزمایش مشترک آمریکا و کره جنوبی، ملاقات دوجانبه سطح بالای مقامات خود با کره جنوبی را که برای چهارشنبه - امروز - برنامه ریزی شده بود، لغو کرده است. کره شمالی با تحریک آمیز خواندن این رزمایش، برنامه این ملاقات را لغو کرده است.

تجمع اعتراضی مردم روی ریل‌های قطار با چاشنی «خشم»!

از جمله تصمیمات حاشیه‌ساز، روایتی است که از هدایت مسافران به بیرون ایستگاه برای جابجایی رایگان با اتوبوس به مقصد حکایت دارد، اما نه تعداد اتوبوس‌ها به اندازه کافی است و نه ظاهراً امکان جابجایی «رایگان» تدارک دیده شده است؛ وضعیتی که موجب می‌شود برخی مسافران از کمک مسئولان ناامید شده و راهشان را بکشند و بروند و برخی دیگر به شدت به مسئولان ایستگاه اعتراض نمایند.

اختلال‌های مسبوق به سابقه در خط مترو تهران - کرج، بار دیگر انبوه مسافران را به ستوه آورد تا جایی که اتفاقاتی خشونت بار را سبب ساز شد و پای پلیس را به ماجرا باز کرد. به گزارش «تابناک»؛ ساعت ۸ و ۵۰ دقیقه صبح امروز (چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت) یکی از قطارهای خط متروی کرج-تهران بعد از چند بار توقف و اختلال در حرکت، سرانجام در ایستگاه «ورزشگاه آزادی» کامل متوقف شد تا سلسله اتفاقاتی رقم بخورد که هنوز ابعاد آن کنترل نشده است. آن گونه که خبر می‌رسد، با توقف این قطار و پیاده شدن انبوه مسافران آن، ایستگاه مملو از افرادی می‌شود که در راه مانده‌اند و ظرفیت قطار بعدی کفاف جابجایی ایشان را نمی‌دهد. موضوعی که موجب می‌شود قطار بعدی در ایستگاه زمین گیر شود. با انبوه مسافرانی که ظاهراً مانع بسته شدن درهای قطار می‌شوند و جمعیتی که در واگن‌ها محبوس شده‌اند. همین مقدمه کافی است تا آن‌هایی که تجربه استفاده از مترو تهران، به ویژه در خط‌های شلوغ آن مانند خط تهران-کرج را داشته‌اند، بتوانند حدس بزنند که چه اوضاعی در ایستگاه همیشه خلوت و بین راهی «ورزشگاه» رقم خورده است. خیل مسافران در راه مانده که برخی اقدامات مسئولان مجابشان کرد، اعتراض خود را با تجمع در ریل قطار نشان دهند.





از جمله تصمیمات حاشیه‌ساز، روایتی است که از هدایت مسافران به بیرون ایستگاه برای جابجایی رایگان با اتوبوس به مقصد حکایت دارد، اما نه تعداد اتوبوس‌ها به اندازه کافی است و نه ظاهراً امکان جابجایی «رایگان» تدارک دیده شده است؛ وضعیتی که موجب می‌شود برخی مسافران از کمک مسئولان ناامید شده و راهشان را بکشند و بروند و برخی دیگر به شدت به مسئولان ایستگاه اعتراض نمایند.

اعتراضی که ظاهراً رگه‌های خشونت باری مانند شکستن شیشه‌های قطار هم داشته است. اوضاعی که موجب می‌شود پلیس وارد عمل شده و بکوشد با مهار وضعیت رقم خورده در ایستگاه، مسیر حرکت قطارهای گیرافتاده در مسیر را بازگشایی کند. صف قطارهایی که مسافرانشان هیچ اطلاعی از شرایط به وجود آمده در مسیر نداشتند، ولی به مدد شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات مجازی، با انبوه شایعه‌های مختلف مواجه می‌شدند.

بلبشویی که محمدیان، مدیر روابط عمومی شرکت بهره‌برداری مترو مدعی است، با ورود پلیس و ساماندهی اوضاع پایان یافته؛ اما روایت مسافرانی که از این خط مترو استفاده کرده‌اند، حکایت از تداوم اختلال در برنامه حرکت قطارها در این مسیر دارد؛ اختلالی مسبوق به سابقه که شاید همین سابقه دار بودنش است که موجب شده کاسه صبر مسافران لبریز شود.

ابهام درباره سرنوشت «بن سلمان» پس از تیراندازی «الخزاعی» + اسناد

بعد از حادثه حمله به قصر بن سلمان که به اسم بهباد مطرح شد تا کنون 25 روز می گذرد و بن سلمان دیگر دیده نشده است = خبر مجروحیتش در حمله را تقویت می کند

: غیبت بن سلمان در نشست شورای وزیران عربستان

محمد بن سلمان ولیعهد و وزیر دفاع عربستان در نشست شورای وزیران این کشور که به ریاست سلمان بن عبدالعزيز پادشاه سعودی در کاخ سلام جده برگزار شد حضور نداشت. روز پنجشنبه روزنامه کیهان به یک خبر به کلی سری از سرویس اطلاعاتی و امنیتی یکی از کشورهای عربی منطقه دست یافته که در آن آمده است: در جریان درگیری های شنبه شب ریاض- اول اردیبهشت/۲۱ آوریل- حداقل دو گلوله به محمد بن سلمان ولیعهد عربستان اصابت کرده و احتمال اینکه از دنیا رفته باشد نیز وجود دارد.







شنبه اول اردیبهشت جاری برابر با بیست و یکم آوریل ۲۰۱۸ بود که فعالان فضای مجازی از جمله سعودی‌ها از وقوع حادثه تیراندازی در نزدیکی یکی از کاخ‌های پادشاهی آل سعود در منطقه الخزامی ریاض خبر داده بودند.

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، از آن زمان تا کنون یعنی بیش از سه هفته است که گمانه‌زنی‌ها میان فعالان و شهروندان عربستانی درباره سرنوشت محمد بن سلمان ولیعهد سعودی به‌وجود آمده است.

مخالفان عربستانی تحلیل‌های مختلفی درباره حادثه شامگاه بیست و یکم آوریل ارائه کرده از جمله فرضیه تلاش برای ترور بن‌سلمان را مطرح کرده روایت رسمی حکومت سعودی درباره آن حادثه را مورد تردید قرار دادند.

آنچه سبب واکنش‌های گسترده در فضای مجازی و رسانه‌های رسمی عربی و غربی شد، ویدئویی بود که مخالفان در فضای مجازی منتشر کرده‌اند، در این ویدئو صدای تیراندازی ممتد به گوش می‌رسد. این ویدئو واکنش پلیس ریاض را به‌دنبال داشت، ویدئویی که گمانه‌زنی‌ها درباره بروز درگیری در اطراف کاخ پادشاهی را به‌وجود آورد.

پلیس ریاض مدعی شده بود که حادثه تیراندازی ناشی از ورود یک هواپیمای اسباب‌بازی کنترل از راه دور به حریم هوایی کاخ بوده است، اما فیلم‌هایی که معارضان در فضای مجازی قرار داده بودند نشان می‌داد تیراندازی شدید و شلیک ممتد گلوله حادثه فراتر از آن چیزی است که پلیس ریاض ادعا کرده است.

المحليات

شرطة الرياض: التعامل مع طائرة لاسلكية غير مصرحة في الخزامى



الرياض: واس 2018-04-22 12:03 AM

صرح المتحدث الرسمي لشرطة منطقة الرياض بأنه عند الساعة 19:50 من مساء أمس السبت الموافق 5 / 8 / 1439، لاحظت إحدى نقاط الفرز الأمني بحي الخزامى بمدينة الرياض تحليق طائرة لاسلكية ترفيهية صغيرة ذات تحكم عن بعد من نوع «درون»، دون أن يكون مصرحاً لها بذلك، مما اقتضى قيام رجال الأمن في النقطة الأمنية بالتعامل معها وفق ما لديهم من أوامر وتعليمات بهذا الخصوص. وقد شرعت الجهات المختصة بإجراءات التحقيق حول ملابسات الواقعة.

گمانهزنی و فرضیه‌های مختلفی از سوی مخالفان آل سعود درباره حادثه منطقه الخزامی مطرح شده از جمله برخی، احتمال تلاش برخی شاهزادگان برای کودتا علیه بن سلمان را مطرح کرده بودند.

برخی منابع دلیل تیراندازی را ورود پهباد به حریم کاخ عنوان کرده و برخی از درگیری‌های مسلحانه در داخل کاخ سلطنتی و خبرهایی مبنی بر تلاش برای کودتای بن سلمان و سلمان بن عبدالعزيز سخن گفته بودند. برخی از انتقال شاه و ولیعهد سعودی به پایگاه نظامی در اطراف ریاض که تحت حفاظت مستقیم نظامیان آمریکایی است، خبر داده بودند.

اجل من السعودية | اشتباكات مسلحة داخل القصر الملكي السعودي وأثناء عن محاولة
بنیال محمد بن سلمان و سلمان بن عبدالعزيز شاهد بالفيديو
اطلاق نار في حي الخزامي



حتی برخی رسانه‌ها از بسته شدن حریم هوایی ریاض به‌روی تمام پروازهای تجاری و نظامی و پرواز بالگردهای وابسته به گارد ویژه بن‌سلمان خبر داده بودند. شبکه‌های العربیه سعودی و الجزیره قطر با تأخیر چندساعته از تیراندازی نیروهای امنیتی در محله الخزامی به‌سمت آنچه پهپاد تفریحی خوانده شده، خبر داده بودند. خبرگزاری غربی رویترز هم از قول مقام‌های سعودی اعلام کرده بود این پهپاد با تیراندازی نیروهای امنیتی سعودی ساقط شده است.

یک روز از شب پراضطراب در اطراف کاخ پادشاهی آل‌سعود در منطقه الخزامی ریاض نگذشت که رسانه‌های رسمی سعودی گزارش دادند سلمان بن عبدالعزيز و محمد بن سلمان از وزیر کشورشان از عملکرد دستگاه‌های امنیتی سعودی تشکر کردند.

به گزارش این رسانه‌ها، بن‌سلمان عملکرد دستگاه امنیتی سعودی را متمایز و قابل توجه و موفقیت‌آمیز توصیف کرده و از نیروهای امنیتی خواسته است همچنان به تلاش‌های خود ادامه دهند.

قدردانی بن‌سلمان در پی شب پراضطرابی صورت گرفت که ساکنان ریاض پایتخت عربستان به‌سبب تیراندازی گسترده در نزدیکی کاخ سلطنتی در منطقه الخزامی سپری کردند.

این در حالی است که مجتهد فعال تونیتری مشهور سعودی تأکید کرده بود به‌خلاف ادعاهای رسمی، حادثه تیراندازی هیچ ارتباطی با پهباد تفریحی نداشته است، بلکه این حمله از طرف خودروهایی صورت گرفته است که تیربار سنگین حمل می‌کردند و به‌شکل بی‌هدف شلیک می‌کردند. تا کنون هیچ جزئیاتی درباره هویت مهاجمانی که ناپدید شدند و نیز هدف از این حمله و تلفات احتمالی، در دسترس نیست.

از سوی دیگر منابع وابسته به مخالفان آل سعود تأکید کرده بودند که بن‌سلمان ولیعهد سعودی در پی حادثه شب‌شنبه‌شب در حالتی از نگرانی شدید به‌سر می‌برد و از این می‌ترسد که مبادا شاخه محمد بن نایف پسرعموی برکنارشده‌اش از مقام ولیعهدی در نهایت او را سرنگون کند و به همین سبب اقداماتی از سوی بن‌سلمان علیه مخالفان در پی حادثه شب‌شنبه‌شب اتخاذ شده از جمله اینکه اعضای خاندان پادشاهی و مسئولان ارشد از سفر به خارج منع شده‌اند.

از شب پرابهام منطقه الخزامی ریاض، 25 روز می‌گذرد، اما همچنان علت اصلی ظاهر نشدن بن‌سلمان در انظار عمومی معلوم نیست، حتی امروز رسانه‌های رسمی سعودی خبر نشست شورای وزیران سعودی را منتشر کردند که در این تصویر به‌وضوح مشخص است که بن‌سلمان در این نشست حضور ندارد تا بر ابهامات مربوط به سرنوشت ولیعهد سعودی افزوده شود.

عام / خادم الحرمين الشريفين يرأس جلسة مجلس الوزراء

الثلاثاء 29/8/1439 هـ الموافق 2018/05/15 م واس



Tweet Like 0 Share

تغيير الخط ▼

جدة 29 شعبان 1439 هـ الموافق 15 مايو 2018 م واس
رأس خادم الحرمين الشريفين الملك سلمان بن عبدالعزيز آل سعود - حفظه الله - الجلسة التي عقدها مجلس الوزراء بعد ظهر اليوم الثلاثاء، في قصر السلام بجدة.
وفي مستهل الجلسة، عبر خادم الحرمين الشريفين عن خالص التهاني لشعب المملكة ولجميع شعوب الأممين الإسلامية والعربية بمناسبة قرب حلول شهر رمضان المبارك، سائلاً المولى عز وجل أن يعين الجميع على صيامه وقيامه وأن يتقبل من الصائمين والقائمين والمعتمرين والزوار صالح أعمالهم، وأن يجعلهم من عتقائه من النار، وأن يعيد هذا الشهر الكريم على الجميع بالخير والبركات.
كما اطمأن الملك المفدى على جاهزية الاستعدادات ومستوى الخدمات التي وفرتها الدولة عبر مختلف القطاعات الحكومية والأهلية ذات العلاقة بخدمة المعتمرين والزوار في هذا الشهر المبارك، وقال - رعاه الله - //

نحمد الله عز وجل على ما أنعم به على المملكة من نعم كثيرة في مقدمتها نعمة الأمن والاستقرار وخدمة

المحليات

مجلس الوزراء يعتمد قواعد ممارسة مهمات وظائف وكلاء الوزارات والمساعدين



جدة: واس 2018-05-16 12:21 AM

وافة، مجلس الوزراء خلال جلسته التي عقدها أمس برئاسة خادم الحرمين

با مراجعه به صفحه اول خبرگزاری رسمی عربستان که اخبار نشست‌ها و دیدارهای پادشاه و ولیعهد سعودی را منتشر می‌کنند، می‌بینیم که در صفحه مربوط به اخبار بن‌سلمان، آخرین خبر و عکسی که از وی وجود دارد مربوط به 24 آوریل (یعنی سه روز پس از حادثه الخزامی) است و از آن تاریخ به بعد دیگر هیچ خبری از بن‌سلمان در صفحه رسمی وی در خبرگزاری رسمی سعودی منتشر نشده است تا بر ابهامات مربوط به سرنوشت وی بیفزاید.

الرئيسية | الأخبار | الأوامر الملكية | جلسات مجلس الوزراء | التقارير والاستطلاعات | معرض الصور | معرض الفيديو | بحث أسبوعي | اتصل بنا

آخر الأخبار | عام / المملكة ترفع القيمة العالمية الثانية للذكاء الاصطناعي بنجيف

عام / برئاسة سمو ولي العهد .. مجلس الشؤون الاقتصادية والتنمية يعتمد برنامج التخصيص

الثلاثاء 1439/8/8 هـ الموافق 2018/04/24 م واس



Tweet Like 1 Share

تغيير الخط

الرياض 08 شعبان 1439 هـ الموافق 24 أبريل 2018 م واس

اعتمد مجلس الشؤون الاقتصادية والتنمية برئاسة صاحب السمو الملكي الأمير محمد بن سلمان بن عبدالعزيز ولي العهد نائب رئيس مجلس الوزراء وزير الدفاع رئيس مجلس الشؤون الاقتصادية والتنمية اليوم خطة تنفيذ "برنامج التخصيص" أحد برامج تحقيق رؤية المملكة 2030 الـثاني عشر، والذي يسعى إلى رفع كفاءة أداء الاقتصاد

در صفحه مربوط به جلسات شورای وزیران در خبرگزاری رسمی عربستان، آخرین عکسی که از بن سلمان منتشر شده است مربوط به 24 آوریل (بیست روز پیش) است.

الاربعاء 1439/9/0 هـ الموافق 2018/05/16 م واس

وكالة الأنباء السعودية
SAUDI PRESS AGENCY

الرئيسية | الأخبار | الأوامر الملكية | جلسات مجلس الوزراء | التقارير والاستطلاعات | معرض الصور | معرض الفيديو | بحث أسبوعي

آخر الأخبار | عام / الأمير سعود بن نايف يستقبل الأمين العام لمركز الملك عبدالعزيز للحوار الوطني

عام / خادم الحرمين الشريفين يرأس جلسة مجلس الوزراء إضافة أولى

الثلاثاء 1439/8/8 هـ الموافق 2018/04/24 م واس



Like 0 Share

تغيير الخط

در صفحه ویژه اخبار بن سلمان آخرین دیداری که بن سلمان پیش از حادثه شامگاه بیست و یکم آوریل انجام داده و در این صفحه منتشر شده مربوط به دیدار وی با رئیس جمهوری جیبوتی است و بعد از این دیدار هم نشست شورای امور اقتصادی و توسعه در مورخه سه شنبه 24 آوریل بوده است و پس از آن دیگر خبری درباره بن سلمان در صفحه رسمی اش در خبرگزاری دولتی عربستان منتشر نشده است.

برئاسة سمو ولي العهد .. مجلس الشؤون الاقتصادية والتنمية يعتمد برنامج التخصيص

الثلاثاء 1439/8/8 هـ الموافق 2018/04/24 م واس



الرياض 08 شعبان 1439 هـ الموافق 24 أبريل 2018 م واس
اعتمد مجلس الشؤون الاقتصادية والتنمية برئاسة صاحب السمو الملكي الأمير محمد بن سلمان بن عبدالعزيز ولي العهد نائب رئيس مجلس ال

سمو ولي العهد يلتقي رئيس جمهورية جيبوتي

الأحد 1439/7/29 هـ الموافق 2018/04/15 م واس



الظهران 29 رجب 1439 هـ الموافق 15 أبريل 2018 م واس التقى صاحب السمو الملكي الأمير محمد بن سلمان بن عبدالعزيز ولي العهد نائب رئي
مركز الملك عبدالعزيز الثقافي العالمي في

سمو ولي العهد يلتقي الرئيس السوداني

الأحد 1439/7/29 هـ الموافق 2018/04/15 م واس



الظهران 29 رجب 1439 هـ الموافق 15 أبريل 2018 م واس التقى صاحب السمو الملكي الأمير محمد بن سلمان بن عبدالعزيز ولي العهد نائب رئي
مركز الملك عبدالعزيز الثقافي العالمي في

سمو ولي العهد يلتقي رئيس الوزراء الإسباني

الخميس 1439/7/26 هـ الموافق 2018/04/12 م واس



مدريد 26 رجب 1439 هـ الموافق 12 أبريل 2018 م واس
التقى صاحب السمو الملكي الأمير محمد بن سلمان بن عبدالعزيز ولي العهد نائب رئيس مجلس الوزراء وزير الدفاع في العاصمة الإسبانية مدر

سمو ولي العهد يجتمع مع وزيرة الدفاع الإسبانية

الخميس 1439/7/26 هـ الموافق 2018/04/12 م واس



مدريد 26 رجب 1439 هـ الموافق 12 أبريل 2018 م واس

در صفحه عكس خبرگزاری رسمی عربستان مربوط به تصاویر بن سلمان با عنوان «معرض صور ولي العهد» آخرين عكس مربوط به همان نشست شورای امور اقتصادی در 24 آوریل یعنی 20 روز پیش است (اولین عكس از سمت چپ در بخش مربوط به معرض صور ولي العهد).

م بحث

الرئيسية الأخبار الأوامر الملكية جلسات مجلس الوزراء التقارير والاستطلاعات معرض الصور معرض الفيديو بحث أسبوعي اتصل بنا

آخر الأخبار / اقتصادي / البورصة الأردنية تغلق على ارتفاع

معرض صور الملك

عام / خادم الحرمين الشريفين
رأس جلسة مجلس الوزراء

عام / خادم الحرمين الشريفين
تسلم رسالة خطية من أمير دولة

رياضي / خادم الحرمين الشريفين
برعى المباراة الختامية لمسابقة

عام / خادم الحرمين الشريفين
رأس جلسة مجلس الوزراء

عام / خادم الحرمين الشريفين
يستقبل أصحاب السمو الأمراء

عام / خادم الحرمين الشريفين
رأس جلسة مجلس الوزراء

معرض صور ولي العهد

عام / برئاسة سمو ولي العهد ..
مجلس الشؤون الاقتصادية

سياسي / سمو ولي العهد
يلتقي رئيس جمهورية جيبوتي

سياسي / سمو ولي العهد
يلتقي الرئيس السوداني

عام / سمو ولي العهد يلتقي
رئيس الوزراء الإسباني

عام / سمو ولي العهد يجتمع
مع وزيرة الدفاع الإسبانية

عام / جلالة ملك إسبانيا يستقبل
سمو ولي العهد

عام / خادم الحرمين الشريفين يرأس جلسة مجلس الوزراء

الثلاثاء 1439/8/15 هـ الموافق 2018/05/01 م واس



Tweet Like 0 Share

تغيير الخط

جدة 15 شعبان 1439 هـ الموافق 1 مايو 2018م واس

رأس خادم الحرمين الشريفين الملك سلمان بن عبدالعزيز آل سعود - حفظه الله - الجلسة، التي عقدها مجلس الوزراء، بعد ظهر اليوم الثلاثاء، في قصر السلام بجدة.

وفي مستهل الجلسة، أطلع خادم الحرمين الشريفين المجلس، على فحوى الاتصال الهاتفي الذي جرى بين وفخامة رئيس جمهورية كولومبيا خوان مانويل سانتوس، ونتائج استقباله معالي وزير الخارجية الأمريكي ماركو روبيو، ومدير عام منظمة الصحة العالمية الدكتور تيدروس أدهانوم.

انتهای پیام/ *

زبان فارسی دو شخصیتی

سلام بر همه فارسی زبان‌ها و فارسی دان‌های سراسر دنیا. صحبت همچنان از زبان برومند و بالنده فارسی است که بسیاری از جوانان نسل دوره «کوتاه‌های ساده را ارزان بخر و فرو بکوب و بلندهای فریبده بساز و به نوکیسه‌ها گران بفروش و برو، در پناه خدا خوش باش»، بی‌هیچ پرهیز و پروایی، با شلاق نخوت و نادانی به سوی زوال می‌رانندش.



دو تن از میلیون‌ها صاحب اصلی زبان زنده و بالنده فارسی، که بدون احتیاج به رهبری خالو خرساته متجیان و مصلحان پسامدرنیست، با زندگی خودشان نگهدارنده گمنام و بی‌ادعای زبان فارسی بوده‌اند و هستند و خواهند بود

وقتی که در مرجعی اسماً معتبر برمی‌خورم به جمله‌ای مثل: «کارهای غیرقانونی برای او اهمیتی نداشتند»، یا در گفتاری از پژوهنده‌ای که در زمینه احیاء و توسعه زبان اسم در کرده است، به جمله‌ای مثل: «اگرچه واژگان (۱) زبان علمی تا اندازه‌ای به حوزه‌ی زبان همگانی نیز نشت می‌کند، اما بخش عمده‌ی آن‌ها جز در میان علموران (۲) [scientists] روایی عام ندارند»، با این دو نمونه از خرابی‌های وضع کنونی زبان فارسی، به یاد بسیار و بسیار خرابی‌های دیگر آن می‌افتم، و چون زبان فارسی را «خانه وجود» همه فارسی زبان‌ها می‌دانم، از بابت وضع آینده آن سخت بیمناک و پریشان می‌شوم.

پنج، شش دهه پیش که هنوز دوره «کوتاه‌های ساده را ارزان بخر و فرو بکوب و بلندهای

فریبنده بساز و به نوکیسه‌ها گران بفروش و برو، در پناه خدا خوش باش» هنوز شروع نشده بود، زبان فارسی هم هنوز بی منجی و مصلح زندگی ساده و سالم خودش را می‌کرد



پنج، شش دهه پیش که هنوز دوره «کوتاه‌های ساده را ارزان بخر و فرو بکوب و بلندهای فریبنده بساز و به نوکیسه‌ها گران بفروش و برو، در پناه خدا خوش باش» هنوز شروع نشده بود، زبان فارسی هم هنوز بی منجی و مصلح زندگی ساده و سالم خودش را می‌کرد

در جمله اول صاحب کلام یکی از «کارورزان» یک دانشنامه اینترنتی است که لابد بین او و دانشنامه اعتبار دانشگرانه (۳) بده بستان می‌شود. از معامله او با کلمه «کار»، یعنی آوردن فعل «جمع» برای «اسم معنی» (۴) پیداست که برای او زبان فارسی، که لابد زبان مادری اوست، اهمیتی ندارد و از آن فقط در حد گفت‌وگوی روزمره خانگی و کوچه بازاری استفاده می‌کند، که به داشتن آگاهی لازم و کافی از نظام دستوری آن احتیاجی نیست، و از این سطح به بالا در فارسی نویسی خود از نظام دستوری زبان انگلیسی استفاده می‌کند که ناچار است و مفتخر که مثل هر انگلیسی زبان تحصیلکرده و با فرهنگی از جزئی‌ترین قاعده‌های آن دقیقاً و عمیقاً آگاه باشد و در رعایت آنها کوشا و متعهد و مؤمن.

بله، راستی را هم هان! به او که دارد زبان فارسی را، در سطح فوق دانشگاهی، بر اساس نظام لغتی و دستوری زبان انگلیسی متحول و مدرن و پسامدرنی می‌کند، چه مربوط است که کلمه «کار» اسم معنی است و «اسم معنی» در فارسی، چه مفرد باشد، چه جمع، فعلش همیشه «مفرد» است، یعنی باید گفت: «کارهای غیرقانونی برای او اهمیتی نداشت». به عقیده او اسم چه معنی باشد، چه ذات، مفردش، فعل مفرد می‌خواهد، جمعش، فعل جمع! فارسی عقب مانده

بی‌منطق (۵) کجا، انگلیسی پیشرفته و منطقی کجا!

برای آشنایی بیشتر با زبان فارسی گفتاری چهار، پنج نسل پیشمان خوب است که سفرنامه‌های شاهان و رجال سیاسی و فرهنگی دوره قاجار را بخوانیم، مخصوصاً سفرنامه‌های ناصرالدین شاه و پسرش مظفرالدین شاه که سیر

سفرنامه سوم مظفرالدین شاه به فرنگ



برای آشنایی بیشتر با زبان فارسی گفتاری چهار، پنج نسل پیشمان خوب است که سفرنامه‌های شاهان و رجال سیاسی و فرهنگی دوره قاجار را بخوانیم، مخصوصاً سفرنامه‌های ناصرالدین شاه و پسرش مظفرالدین شاه که سیری است در آفاق تنگ انفس سبکسار

در مورد جمله دوم، که صاحب کلام از مشهورترین منجیان و مصلحان زبان عقب مانده فارسی است، می‌پرسیم: «اگر شما "واژگان" را به جای "واژه‌ها" به کار برده‌اید، که "اسم معنی" در حالت جمع است، و بنابر این فعلش را که "نشت می‌کند" باشد، با پیروی از قاعده فارسی، مفرد آورده‌اید، چرا برای "بخش عمده آنها"، یعنی "بخش عمده واژه‌ها"، با پیروی از قاعده انگلیسی، فعلش را که "روایی ندارند" باشد، جمع آورده‌اید؟»

صاحب همین کلام در جایی دیگر نوشته است: «واژه‌های بسیاری هست که جزء میراث معنوی و فکری این تمدن‌اند و آنها را باید پذیرفت. اما این‌ها کدام‌ها هستند؟» که باز از او می‌پرسیم: «اگر در این جمله‌ها پیرو قاعده انگلیسی "فعل جمع برای اسم معنی جمع" هستید، چرا اول می‌گویید: "واژه‌های

بسیاری هست" و نمی‌گویید: "واژه‌های بسیاری هستند"، تا با دو فعل جمع بعدی که برای "واژه‌ها" آورده‌اید، همخوانی داشته باشد؟ ظاهراً فارسی زبان‌های «انگلیسی گرا» زبان فارسیشان دو شخصیتی است: یکی شخصیت «طبیعی» که ناخودآگاه پیرو «رهنمون وجودی» زبان فارسی است، و دیگری شخصیت «تحمیلی» که خودآگاه پیرو «رهنمون اکتسابی» زبان

انگلیسی است. از این دوگانگی نمونه‌های درخشانی خواهیم دید.

زبانتان همواره دارا و دانا و توانا باد!
زیرنویس‌ها:

۱- لغت‌هایی که امروز کاربردی خاصّ یا عامّ داشته باشد، امّا در لغتنامهٔ دهخدا و فرهنگ فارسی معین نیامده باشد، به احتمال زیاد در چند دههٔ اخیر پدید آمده است. از این جمله است کلمهٔ «واژگان» به معنای «قاموس»، مجموعهٔ لغت‌های یک زبان؛ مجموعهٔ لغت‌ها و اصطلاح‌های خاصّ یک موضوع، مثلاً فلسفه یا فیزیک؛ مجموعهٔ لغت‌هایی که هر فرد در حافظهٔ زبانی خود دارد. در موردهایی هم آن را در معنای جمع «واژه» به کار می‌برند و در واقع ساختمان آن هم همین را نشان می‌دهد: «واژه + صوت نرمخوانی گ + پسوند ان = واژگان»، نظیر «جوجگان»، «زبدگان»، و «سفید جامگان». در جملهٔ این پژوهشگر زبان، کلمهٔ «واژگان» به هر دو معنی به کار رفته است و کلام را آشفته کرده است. وقتی که آن را به معنای «قاموس زبان علمی» (vocabulary of scientific language) به کار می‌برد، نمی‌تواند در عین حال به منزلهٔ جمع لغت «واژه» با ضمیر مفعولی «آنها» به آن اشاره کند و بگوید «بخش عمده‌ی آن‌ها (۲) جز در میانِ علموران [۳] (scientists) روایی عام ندارند».

۲- امّا این کلمهٔ «علمور» که این «لغت ور» با ترکیب «علم (عربی) + پسوند ور (فارسی) در برابر کلمهٔ «scientist» انگلیسی ساخته است، واقعاً از هر حیث که فکرش را بکنیم، حیرت‌آور است. این کلمه را همین الآن بدهیم به «اینترنت»، ببینیم چه بازتابی داشته است. بله، یک بازتاب به زبان یکی از استادان گرانمایهٔ زبان شناسی به این صورت آمده است: «در حقیقت واژه گزینی او بیش از آن که تلاش برای وارد کردن واژه مناسب جدید به زبان رایج باشد، درج امضای نویسنده در متن است.» و در یک بازتاب دیگر به کلمهٔ «علمور» در ردیف «باهمستان» به جای اجتماع و انجمن، «گره گیرشدن» به جای جهانی شدن، یا «روشنی یابی» به جای روشنگری، «فراخ زیست» به جای مرقّه (باهمستان فراخ زیست، یعنی جامعهٔ مرقّه، یا فراخ زیستی باهمستانی، یعنی رفاه اجتماعی) یا «گزاف رو» به جای افراطی آورده شده است، با این نظر: «کسی که علمور را به جای کلمهٔ شناخته شدهٔ دانشمند پیشنهاد می‌کند، نمی‌توان انگیزه‌ای جز لغت بازی برای او در نظر گرفت!» جز این دو بازتاب، اعتنای دیگری دیده نشده است.

۳- اسم و صفت مرکّب «دانشگر» و در پی آن قید «دانشگرانه» از در طنز ساخته شده است، چون پسوند «گر» بیشتر برای ساختن اسم «حرفه» به کار می‌رود: مسگر، آهنگر، زرگر، کوزه گر، رفتگر، و البته «دانشگر»، اگر با «دانش» کاسبی بکنیم.

۴- «اسم معنی» (abstract noun) در برابر «اسم ذات» (concrete noun) به تعریف لغتنامه «اسم چون قائم به غیر، و وجود آن به دیگری بسته باشد، آن را اسم معنی گویند: رنجش، دانش، سپیدی، سیاهی، انسانیت، و آن مقابل اسم ذات است: اسم چون قائم به ذات باشد و وجود آن وابسته به دیگری نبود، آن را اسم ذات نامند: جامه، نامه، مرد، زن، پسر، بلبل، باغ، پیل...»

۵- درست است که مثلاً «صفت» در زبان فارسی و انگلیسی و عربی یکسان است و عمل آن بیان چگونگی «اسم»، یعنی «موصوف» است، اما «منطق» این زبان‌ها مثلاً در مورد وضعیت نحوی صفت و موصوف در جمله الزاماً یکسان نیست. مثلاً در فارسی و انگلیسی «صفت» چه موصوفش مفرد باشد، چه جمع، خودش هیچ‌وقت جمع بسته نمی‌شود: معلم خوب، معلمان خوب، new teacher, new teachers اما در زبان عربی وقتی که «موصوف» در حالت جمع باشد، «صفت» هم باید به صورت جمع آورده شود، یعنی صفت با موصوف در افراد و جمع مطابقت می‌کند: المعلم الجديد، المعلمین الجدیدین. چنین است وضعیت فعل برای اسم معنی در فارسی، یعنی در فارسی، بر عکس انگلیسی، اسم معنی چه مفرد باشد، چه جمع، فعلش همیشه مفرد است: عادت به آسانی ترک نمی‌شود، عادت‌ها به آسانی ترک نمی‌شود A habit does not change easily, Habits do not change easily و چرا این طور است؟ برای اینکه «منطق نحوی» زبان‌ها در همهٔ موردها یکسان نیست.

